دفترچه چکیده مقالات

The 2nd National Conference
Quran and Psychology

دومین همایش ملی

قرآن و روانشناسی

با محوریت نقش روانشناسی و مشاوره با رویکرد اسلامی و قرآن محور در سمت‌دهی به دانش آینده

The role of psychology and counseling with
Islamic and Quran-centered approach
in guiding future knowledge



علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکّر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانشهای علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

من درباره‌ی علوم انسانی گلایه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچگونه فکر تحقیقیِ اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، میاوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخشهای مختلف اینها را تعلیم میدهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخشهای مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آنوقت متفکرین و پژوهندگان و صاحبنظران در علوم مختلف انسانی میتوانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آنوقت میتوانند از پیشرفتهای دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.

بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور۱۳۸۸/۰۷/۲۸

فهرست مطالب

محور اول: روش‌شناسی در روان‌شناسی اسلامی

تحلیل تطبیقی مکاتب اخلاقی اسلامی و نظریه دلبستگی: نقش دلبستگی الهی درکاهش اضطراب وجودی ۲
واکاوی مرزهای «رازداری» و «افشای سِر» در مشاوره بر اساس قواعد باب «تزاحم»؛ با تأکید بر مبانی قرآنی و روایی ۳
مقایسه انسان‌شناسی دینی و انسان‌شناسی تجربی (روان‌شناسی) ٤
بررسی نقش مشاور و کارکردهای آن در روان‌شناسی و قرآن با محوریت آیه ۸۶ سوره یوسف ٥
تحلیل تطبیقی مراحل رشد اخلاقی از دیدگاه کلبرگ و آیات قرآن کریم ٦
تدوین چارچوب اخلاق حرفه‌ای برای مشاوران مدارس بر اساس مفاهیم قرآنی «نصیحت» و «ستر» در استان خراسان شمالی.... ۷
تبیین مبانی اختصاصی تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم ۸
الزامات تشکیل سازمان از منظر قرآن و نهج‌البلاغه ۹
تحول علمی در روان‌شناسی اسلامی و ضرورت بازنگری در روش‌شناسی..... ۱۰
تحلیل تطبیقی سازه ذهنی‌سازی و یقظه در اندیشه اسلامی: تبیین مدل تلفیقی خودآگاهی هشیارانه ۱۱
مدل‌سازی مفهومی روان‌شناسی اسلامی قرآن‌محور با رویکرد بین‌رشته‌ای: مبنایی برای بازتعریف سلامت روان و توسعه الگوهای مشاوره‌ای در دانش آینده..... ۱۲
بررسی مقایسه‌ای ابزارهای شناخت در روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی معاصر ۱۳
بازتعریف پارادایم‌های روان‌شناسی بر اساس ابعاد و روان‌شناسی ابعادی انسان در آیات خلقت در قرآن ۱٤
تبیین روش‌شناسی تدبری در استخراج الگوی کاهش تعارضات زناشویی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم ۱٥
مدل تحولی خودتنظیمی شناختی–معنوی در قرآن کریم و مقایسه آن با نظریه‌های معاصر خودتنظیمی شناختی در روان‌شناسی ۱٦
درآمدی بر چیستی تفکر و تدبر در قرآن کریم ۱۷
بررسی فضیلت فکری حکمت در قرآن کریم ۱۸
نقد معیار طبقه‌بندی طولی نیازهای انسان و جایگزین قرآنی آن ۱۹

مسجد به‌مثابه زیست‌بوم رشد: نقد نظریه‌های «محیط‌های حامی رشد» در روان‌شناسی مدرن و ارائه نظریه «قربِ مکانِ عبادت» بر اساس مراتب نفس در قرآن ۲۰

واکاوی شناختی مفهوم «استعجال» و راهبرد مقابله‌ای «تفویض» (مطالعه موردی: آیه ۵۷ سوره انعام) ۲۱

بازسازی شبکه‌ای مفهومی از زیست مطلوب و مواجهه با ناگواری در قرآن: گفت‌وگویی تطبیقی با چهار رویکرد روان‌شناختی .. ۲۲

الهیات آسیب روانی در قرآن کریم؛ بازسازی الگویی سه‌سطحی برای تبیین آشفتگی‌های روانی، معنوی و اخلاقی انسان ۲۳

تحلیل تطبیقی رشد اخلاقی از منظر قرآن و نظریه کلبرگ؛ بررسی مبانی، مراحل و غایات ۲۴

واکاوی تطبیقی مفهوم شناخت در روان‌شناسی مدرن و مفهوم معرفت در پارادایم قرآنی: یک مطالعه کیفی ۲۵

قرآن، روان‌شناسی و آینده دانش: گذار از رویکرد توصیفی به رویکرد آینده‌ساز ۲۶

مروری انتقادی بر نظریه تحول ایمان فاولر ۲۷

خودتنظیمی روان‌شناختی در پرتو آموزه‌های قرآن کریم: دلالت‌هایی برای آینده روان‌شناسی و مشاوره اسلامی ۲۸

طمأنینه وجودی در قرآن کریم: صورت‌بندی یک مدل مفهومی سه‌لایه و مقایسه نظری با رویکردهای معاصر روان‌شناسی ۲۹

بررسی تطبیقی بحران پاداش فوری در عصر هوش مصنوعی و چارچوب شناختی–قرآنی «صبر» به‌مثابه ابزار خودتنظیمی عصب‌شناختی ۳۰

مرور نظام‌مند مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامی (مطالعه موردی: ۱۲ مقاله پژوهشی) ۳۱

مرور دامنه‌ای تلاش‌های مدل‌سازی روان‌شناختی تحول معنوی انسان مبتنی بر منابع اسلامی ۳۲

مؤلفه‌های روان‌شناختی گرایش به دین‌گریزی در جوامع دینی: با رویکرد مطالعه فراترکیب ۳۳

محور دوم:روان‌درمانی با رویکرد روان‌شناسی اسلامی

ایمان و تعالی روان: راهبردهای پیشگیرانه و درمانی اختلالات روان‌شناختی ۳۵

اثربخشی درمان وجودگرایانه معنویت‌محور بر درک بیماری، احساس امنیت فردی و خودیابی مردان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه با تجرد قطعی ۳۶

تحلیل تأثیر مؤلفه‌های شادکامی مبتنی بر ماندگاری و اطاعت بر شکل‌گیری و تقویت فرهنگ مقاومت اسلامی ۳۷

اثربخشی تصحیح خداپنداره بر اضطراب و رضایت از زندگی بانوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر قم ۳۸

پیش‌بینی استرس ادراک‌شده بر اساس سرمایه‌های روان‌شناختی و عمل به باورهای مذهبی با میانجی‌گری خودکنترلی در دانشجویان ۳۹

بررسی اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری با رویکرد اسلامی بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان شهر سبزوار ۴۰

اثربخشی برنامه مشاوره معنویت‌درمانی بر هیجان تحصیلی دانش‌آموزان دارای تجربه سوگ والد ۴۱

نگرش اسلامی به نقش تربیتی مشاور در سلامت روانی مراجع ۴۲

بررسی تأثیر ایمان و تغذیه مناسب در ایجاد شادی و نشاط از دیدگاه قرآن و روایات ۴۳

مدل‌یابی سلامت معنوی بر اساس جهت‌گیری مذهبی و امید به زندگی دانشجویان ۴۴

تحلیل کیفی نقش مواجهه با مناظر طبیعی در تأمین سلامت و آرامش روانی از منظر قرآن کریم ۴۵

تحلیل پدیدارشناختی تنهایی وجودی در روان‌درمانی اگزیستانسیال و بازخوانی آن در پرتو آموزه معیت الهی؛ مطالعه موردی آیه ۶۲ سوره شعراء ۴۶

رنج و معنای زندگی: تحلیل تطبیقی روان‌شناسی وجودی و آموزه‌های قرآنی ۴۷

هم‌خوانی آموزه‌های قرآنی با یافته‌های نوین روان‌شناسی در درمان آسیب اخلاقی؛ تبیین کارکرد توبه در گذار از شرم سمی به احساس گناه سازنده ۴۸

از اضطراب مرگ تا آمادگی برای مرگ: مطالعه‌ای تطبیقی در مرگ‌آگاهی اسلامی و روان‌شناسی وجودی ۴۹

تأثیر آموزه‌های قرآنی بر سلامت روان ۵۰

مفهوم‌شناسی «قلب سلیم» در قرآن کریم و دلالت‌های آن برای سلامت روانِ یکپارچه‌نگر ۵۱

بررسی رابطه دشواری در تنظیم هیجان و سلامت روان با تبیین مفاهیم دینی ۵۲

بررسی تطبیقی تجارب مثبت زیسته بیماران صعب‌العلاج با آیات و روایات در ارتقاء سلامت اجتماعی ۵۳

بازتعریف غایتمندی وجودی: تأثیر مداخله گروهی معناجویانه در چارچوب اسلامی بر حس هدفمندی زندگی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره ۵۴

نقش معنویت در درمان اختلالات روان‌شناختی: تحلیل اختلالات اضطرابی و افسردگی از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی ۵۵

راهکارهای مشترک قرآن کریم و علم روان‌شناسی در مقابله با خودتحقیری ۵۶

بررسی اثربخشی مداخله درمانی قرآنی برای اختلال اضطراب فراگیر در یک مطالعه موردی ۵۷

طراحی مقدماتی بسته آموزشی مقابله با اضطراب بر مبنای متون اسلامی ۵۸
بخشش؛ پلی میان ایمان و آرامش: تحلیل تطبیقی تأثیرات عملی بخشش در قرآن کریم و روان‌شناسی ۵۹
اهمیت سلامت نگرش درمانگر بر مبنای آیات سوره بقره و روایات ۶۰
راهکارهای ارتقای بهزیستی روان‌شناختی ریف از منظر آموزه‌های قرآن کریم ۶۱
بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی و بهزیستی روان‌شناختی: یک مرور روایتی ۶۲
تحلیل مفهوم امید و مقابله با ناامیدی در قرآن و کاربرد آن در درمان افسردگی ۶۳
اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی بر کنترل هیجان در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی و افکار خودکشی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی ۶۴
اثربخشی معنویت‌درمانی بر بدتنظیمی هیجانی دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه دارای رفتارهای پرخطر ۶۵
اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی ۶۶
اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی بر انعطاف‌پذیری شناختی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی ۶۷
اثربخشی درمان شناختی–رفتاری اسلامی بر انعطاف‌پذیری شناختی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی ۶۸
اثربخشی درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی مبتنی بر رویکرد اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی ۶۹
نقش ذکر و یاد خداوند در سلامت روان از منظر روان‌شناسی اسلامی ۷۰
اثربخشی درمان شناختی–رفتاری اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی ۷۱
تأثیر دین اسلام در جلوگیری و درمان افسردگی: مقایسه اسلام با سایر ادیان ۷۲
خودشفقتی و رحمت الهی؛ بازخوانی یک مفهوم نوین روان‌شناسی در قرآن ۷۳
کتاب‌درمانی و نقش کتابداران در کاهش اضطراب و افسردگی مراجعان: رویکردی روان‌شناختی ۷۴

اثربخشی کرامت‌درمانی اسلامی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بیرجند ۷۵
تأثیر آموزش مفاهیم قرآنی بر کاهش اضطراب و افزایش آرامش روانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی ۷۶
بررسی سلامت معنوی و نقش آن در پیشگیری از اختلالات روانی و سلامت روان ۷۷
تبیین روان‌شناختی مفهوم «قلب سلیم» در قرآن به‌عنوان زیربنای سلامت روان و پیشگیری از اختلالات اضطرابی ۷۸
نقش بالقوه استغفار در تعدیل استرس و تنظیم مسیرهای روان‌عصبی–ایمنی مرتبط با سلامت و ترمیم بدن: ارائه یک مدل مفهومی در روان‌تنی اسلامی ۷۹
نقش و کارکرد دین و معنویت در سلامت عمومی: یک مطالعه مرور سیستماتیک ۸۰
الگوی قرآنی مدیریت اضطراب و فشار روانی در شرایط بحران؛ مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای در روان‌شناسی اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم ۸۱
بازسازی مفهوم لذت و پاداش در درمان اعتیاد بر پایه عصب‌زیست‌شناسی، نوروتئولوژی و سیره اهل بیت(ع) ۸۲
نقش امید و معنای زندگی در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم: مروری بر یافته‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر ۸۳
توبه به‌مثابه بازسازی رابطه‌ای روایت خویشتن: تحلیل تطبیقی ساختار تحول توبه در قرآن کریم و نظریه هویت روایی مک‌آدامز ۸۴
نقش تنظیم‌گر مناسک دینی (نماز، ذکر و دعا) در تنظیم هیجان و کاهش ولع مصرف: یک مطالعه توصیفی–تحلیلی ۸۵
نقش محبت در سلامت روان از منظر قرآن کریم ۸۶
بررسی رابطه نماز و نشخوار فکری با تأکید بر نقش مدیریت ذهن ۸۷
نقش رویکردهای قرآن‌محور در ارتقای سلامت روان پرستاران و بهبود کیفیت مراقبت‌های بیمارستانی ۸۸
اثربخشی درمان شناختی–رفتاری اسلامی بر کاهش خشونت اجتماعی: یک مرور نظام‌مند ۸۹
نقش باور به معاد در سلامت روان انسان با تأکید بر آیات قرآن کریم ۹۰
تفاوت میان ترس ناسازگارانه از جهنم و خوف دینی سازنده از منظر روان‌شناختی با تأکید بر آیات قرآن کریم ۹۱
مقایسه راهبردهای خودآرام‌بخشی بیمارگونه با مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان مبتنی بر آموزه قرآنی سکینه در زنان مبتلا به پریشانی روان‌شناختی ۹۲

پیش‌بینی پریشانی روان‌شناختی دانشجویان بر اساس جهت‌گیری دینی و عدم تحمل بلاتکلیفی ۹۳
نقش معنویت و آموزه‌های دینی در کاهش اضطراب وجودی و ارتقای سلامت روان ۹۴
تبیین ریشه‌های اضطراب فراگیر در قرآن؛ تمرکز بر نقش نقص توجه پایدار و بدتنظیمی هیجانی در شبکه ذکر ۹۵
نقش معنویت در درمان اختلالات روان‌شناختی ۹۶
پیش‌بینی تحمل پریشانی و استرس ادراک‌شده بر اساس تعلقات مذهبی در دانشجویان ۹۷
مدل سه‌سطحی تمرین‌های بین‌جلسه‌ای در روان‌درمانی اسلامی: عملیاتی‌سازی اصول قرآنی و اسلامی برای کمال‌گرایی و نارضایتی مزمن از زندگی ۹۸
واقعیت مجازی در درمان اختلالات اضطرابی: تبیین ظرفیت‌های درمانی بر اساس قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی ۹۹
رابطه بین امید به خدا و پریشانی روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه اردکان ۱۰۰
اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد با رویکرد اسلامی بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به درد مزمن ۱۰۱
نقش ذکر و معنویت اسلامی در تنظیم هیجانی و کاهش اضطراب دانشجویان: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی ۱۰۲
محور سوم:اختلال‌شناسی و آسیب‌شناسی با رویکرد روان‌شناسی اسلامی
مطالعه نقش باورهای اسلامی–دینی در پیشگیری از خودکشی در ایران: پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۴ ..... ۱۰۴
شناخت خودکشی و آسیب‌رسانی از دیدگاه اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن ۱۰۵
بررسی افکار خودآسیب‌رسان در قرآن و نهج‌البلاغه ۱۰۶
استعداد اعتیاد دانش‌آموزان متوسطه دوم: نقش دلبستگی به خداوند در کاهش آن ۱۰۷
بازخوانی پدیده خودکشی در قرآن کریم و روان‌شناسی معاصر: تحلیلی تطبیقی با تأکید بر عوامل محافظت‌کننده و دلالت‌های پیشگیرانه ۱۰۸
تبیین روان‌شناختی صبر قرآنی و کاربرد آن در پیشگیری از رفتارهای تکانشی و خودآسیب‌رسانی ۱۰۹
درآمدی بر تبیین سازوکارهای بازدارندگی روانی در آیات‌الاحکام کیفری؛ مطالعه میان‌رشته‌ای ۱۱۰
شناسایی اختلالات روانی از منظر روان‌شناسی اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن ۱۱۲
پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام در زنان سالمند شهر همدان ۱۱۳

بازخوانی اهداف کیفر در قرآن با رویکردی فقهی–روان‌شناختی؛ تحلیلی مبتنی بر نظریه عدالت ترمیمی ۱۱۴
نقش غفلت، دلبستگی و تنظیم هیجان در اعتیاد به فضاهای مجازی؛ تبیینی از منظر روان‌شناسی اسلامی ۱۱۵
تحلیل و بررسی نقش مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامیِ مقاومت در پیشگیری و کاهش اعتیاد رفتاری به فضای مجازی و سوءمصرف مواد مخدر در شرایط بحران‌های روانی–اجتماعی: یک مرور سیستماتیک ۱۱۶
بازخوانی حکم خودکشی و عملیات انتحاری در فقه اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن ۱۱۷
تحلیل قرآنی و روایی پدیده خودکشی و راهکارهای پیشگیری از آن ۱۱۸
بررسی کارکردهای خودآگاهی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای پیشگیری از شکل‌گیری و تداوم اعتیاد ۱۱۹
بررسی نقش واسطه‌گری سبک‌های مقابله‌ای مذهبی در رابطه بین دینداری و افکار خودکشی در دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم ۱۲۰
بررسی رابطه بین سلامت معنوی با افکار خودکشی در دانش‌آموزان اصفهان ۱۲۱
رابطه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با هویت‌یابی و عزت‌نفس نوجوانان در پرتو آموزه‌های قرآنی ۱۲۲
بررسی روایتی عوامل شناختی–هیجانی مؤثر بر نارضایتی بدنی: نقش کمال‌گرایی، مقایسه اجتماعی و تاب‌آوری ۱۲۳
مروری نظام‌مند بر آموزه‌های قرآنی و نقش آن‌ها در کاهش آسیب‌های روان‌شناختی کودکان طلاق ۱۲۴
تبیین رابطه بین اختلالات خوردن با هوش معنوی، وسواس فکری و تصویر بدنی در زنان جوان شهر قم ۱۲۵
پیش‌بینی اختلالات خورد و خوراک بر اساس هوش معنوی، وسواس فکری و تصویر ذهنی از بدن در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم ناحیه دو شهر قم: یک مطالعه مروری–نظری ۱۲۶
آسیب‌شناسی روانی از منظر روان‌شناسی اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن ۱۲۷
پیش‌بینی افسردگی بر اساس مؤلفه‌های غفلت قرآنی در دانشجویان: تبیینی در چارچوب روان‌شناسی اسلامی و سلامت روان ۱۲۸
تحلیل تطبیقی «یأس» و «قنوط» در تفسیر المیزان و روح‌المعانی و دلالت‌های آن برای پیشگیری از خودکشی از منظر قرآن و حدیث ۱۲۹
شناسایی آسیب‌پذیری در فضای مجازی بر سلامت جسم و روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه در دوران جنگ تحمیلی رمضان ۱۳۰

پیش‌بینی میل به خودکشی بر اساس کنترل تکانه، نشخوار ذهنی، باور فراشناختی و ناامیدی با نقش تعدیل‌کننده حس تنهایی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر اهواز ۱۳۱

شناخت خودکشی و خودآسیب‌رسانی از دیدگاه اسلامی و راهبردهای پیشگیری از آن‌ها ۱۳۲

تبیین نقش مؤلفه‌های قرآنی صبر و مهار نفس در ارتقای کارکردهای اجرایی و شناخت اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی بر پایه بازی‌درمانی شناختی–رفتاری ۱۳۳

نقش «امید» قرآنی به‌عنوان عامل محافظتی در پیشگیری از خودکشی و افکار خودآسیبی در جوانان..... ۱۳٤

تحلیل و درمان اختلالات روان‌شناختی از منظر روان‌شناسی اسلامی..... ۱۳۵

بررسی رابطه هوش معنوی با افکار خودکشی در دانشجویان دانشگاه اردکان ۱۳٦

بررسی اثربخشی قصه‌درمانی اسلامی–ایرانی در تعدیل رفتارهای تکانشی کودکان بیش‌فعال(ADHD) ۱۳۷

محور چهارم:خانواده با رویکرد روان‌شناسی اسلامی

پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس افکار خودآیند منفی و پایبندی مذهبی ۱۳۹

تبیین الگوی «اخلاق معاشرت با همسر» مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم ۱۴۰

بررسی سبک‌شناسی سوره مبارکه طلاق ۱۴۱

مدل مفهومی نقش تربیتی مادر در خانواده مسلمان با تکیه بر اصول روان‌شناسی اسلامی ۱۴۲

نقش جستجو و یافتن معنا در زندگی در پیش‌بینی تاب‌آوری در مواجهه با چالش‌های پس از طلاق در افراد مطلقه ایرانی ۱۴۳

بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن بر سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض..... ۱۴۴

اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن بر بخشودگی زناشویی و سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض ۱۴۵

خانواده و ابعاد سلامت و تبیین اختلال در خانواده امروزی با رویکرد اسلامی..... ۱۴۶

نقش آموزه‌های اسلامی در ارتقای ابعاد چهارگانه سلامت خانواده (جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی) ۱۴۷

واکاوی اصول زناشویی در آیه ۲۱ سوره روم..... ۱۴۸

دعا در قرآن کریم: ابزاری برای سلامت روان، رشد اخلاقی و تربیت فرزندان ۱۴۹

تحلیل خطاهای شناختی والدین در تربیت فرزند بر اساس احادیث معصومین(ع): رویکردی روان‌شناختی–اسلامی ۱۵۰

مدل مفهومی عوامل طلاق مبتنی بر قرآن: تحلیل محتوای کیفی ۱۵۱
پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی زنان متأهل دارای فرزند زیر پنج سال بر اساس رضایت از زندگی و سلامت معنوی در شهر رشت ۱۵۲
تحلیل فقهی آرامش روانی در خانواده با تأکید بر مفهوم «مودت و رحمت» در قرآن ۱۵۳
بررسی خانواده و ابعاد سلامت و تبیین اختلال در خانواده‌های امروزی با رویکرد اسلامی در منطقه عجب‌شیر ۱۵۴
بررسی مدیریت هیجانی همسران در کاهش تعارضات زناشویی و ارتقای سلامت روان ۱۵۵
سرمایه روان‌شناختی متعالی: تبیین نقش معنویت در تحول مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی زوج‌های نابارور ۱۵۶
اثربخشی آموزش گروهی حل تعارض زوجین با رویکرد اسلامی بر سازگاری و رضایت زناشویی ۱۵۷
مدیریت هیجانی همسران با محوریت آیه ۴۶ سوره فصلت ۱۵۸
تحلیل عمیق پیامدهای الگوریتم‌های هوش مصنوعی در شبکه‌های اجتماعی بر اعتیاد دیجیتال و سلامت روان نسل جوان ۱۵۹
نقش نظام اخلاقی دین در تحکیم خانواده: از پرهیز از رذائل تا ترویج فضائل ۱۶۰
بررسی تأثیر نماز و عبادت در تحکیم بنیان خانواده از منظر آیات و روایات ۱۶۱
تأثیر درمان با رویکرد معنوی در کاهش تمایل به طلاق و افزایش سازگاری زناشویی در زوجین متقاضی طلاق توافقی در شهرستان ماسال ۱۶۲
تمایزیافتگی و کاهش تعارضات خانوادگی: بازخوانی الگوی بلوغ عاطفی در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه بوئن ۱۶۳
تحلیل نشانه‌شناختی بازنمایی رابطه والد–نوجوان در سریال‌های تلویزیونی صداوسیما با تأکید بر آموزه‌های اسلامی؛ مطالعه موردی: «مادرانه» و «نیکان» ۱۶۴
مطالعه مروری سلامت روان و تحکیم خانواده مبتنی بر تعالیم اسلامی ۱۶۵
اثربخشی آموزش گذشت مبتنی بر مذهب بر سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه ۱۶۶
بررسی تطبیقی و هم‌افزایی نظام تربیتی قرآن و روان‌شناسی معاصر در تحکیم پیوند زناشویی با تأکید بر استعاره تراشه ۱۶۷
طراحی و اعتباریابی بسته آموزشی تاب‌آوری خانواده بر اساس مفاهیم قرآنی برای مداخله در تعارضات زناشویی ۱۶۸
تبیین تجربه زیسته مادران کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم از نقش صبر، امید و توکل در سازگاری روان‌شناختی: رویکرد تحلیل مضمون ۱۶۹

رابطه خودخاموشی و افسردگی بین زنان متأهل شهرستان میاندوآب ۱۷۰
تأثیرات حضور مادر در محیط خانواده بر زندگی کودکان و نوجوانان با تکیه بر قرآن و روان‌شناسی..... ۱۷۱
رابطه دینداری و سلامت خانواده در زوجین شهرستان شهریار..... ۱۷۲
بررسی نقش معنویت در ارتقای تاب‌آوری زوجین در مواجهه با تعارضات زناشویی از منظر روان‌شناسی اسلامی ۱۷۳
تعامل دوسویه در روابط زناشویی بر اساس آموزه‌های «مودت و رحمت»: یک مطالعه کیفی ۱۷۴
پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک زندگی اسلامی در زنان ۱۷۵
نقش آموزه‌های قرآنی در بهبود سلامت روان خانواده: رویکردی مشاوره‌ای..... ۱۷۶
اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر بخشودگی و عدالت ادراک‌شده در رابطه زناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز خانواده ۱۷۷
تبیین نقش مؤلفه‌های تاب‌آوری مبتنی بر آموزه‌های قرآنی توکل و صبر در کاهش راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان در والدین کودکان استثنایی ۱۷۸
معیارهای انتخاب همسر بر اساس آیه ۲۱ سوره روم ۱۷۹
خیانت زناشویی به‌مثابه فروپاشی امانت رابطه، بازسازی یک الگوی قرآن‌محور در گفت‌وگوی انتقادی با روان‌شناسی روابط فرازناشویی ۱۸۰
رابطه استرس خانوادگی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان: نقش میانجی اضطراب تحصیلی ۱۸۱
تبیین تجربه زیسته دختران محجبه و مذهبی از پدیده تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی: یک مطالعه کیفی ۱۸۲
با رویکرد روان‌شناسی قرآنی ۱۸۲
پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس هویت دینی و جهت‌گیری مذهبی در زنان میانسال ۱۸۳
سکینه در قرآن: الگویی برای تنظیم عصبی–شناختی اضطراب دلبستگی زوجین..... ۱۸۴
فرسودگی مادرانه در خانواده معاصر: تحلیل عوامل روان‌شناختی و جنسیتی و راهبردهای پیشگیری با تأکید بر آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی اسلامی..... ۱۸۵
نقش والدگری هشیارانه و خودتنظیمی معنوی در مهار خودکارآمدی طرح‌واره‌ای به‌منظور پیشگیری از انتقال بین‌نسلی آسیب‌های روانی ۱۸۶

بررسی تعادل و تنظیم هیجانی زوجین در پیشگیری از شخصیت وسواس جبری ۱۸۷

محور پنجم:رشد و تربیت با رویکرد اسلامی

روان‌شناسی یادگیری باورهای دینی در دوران بلوغ ۱۸۹

صبر، دعا و توکل: مؤلفه‌های رشد روانی، معنوی و تربیتی انسان در قرآن و کلام ائمه اطهار(ع) ۱۹۰

نقش خدمات روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و مشاوره در سلامت روانی ۱۹۱

بررسی ابعاد رشد و بالندگی انسان بر اساس تعالیم قرآن کریم و رویکرد روان‌شناسی اسلامی ۱۹۲

نقش حافظه در تعلیم و تربیت کودک و عوامل تقویت‌کننده آن از دیدگاه روان‌شناسان، دانشمندان و آموزه‌های اسلامی ۱۹۳

شیوه‌های تربیت فرزندان برای ورود به جامعه ۱۹۴

بررسی رابطه بین عزت‌نفس دینی با تاب‌آوری تحصیلی، تنظیم هیجان تحصیلی و سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان ۱۹۵

نقش منابع دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان ۱۹۶

تحلیل کیفی–اسنادی نقش آموزش کل‌نگر مبتنی بر قرآن کریم در ارتقای سلامت روان دانشجویان ۱۹۷

تعلیم و تربیت نوجوانان با رویکرد اسلامی و تأثیر آن بر سلامت روان خانواده ۱۹۸

رویکرد روان‌شناختی به تعلیم و تربیت کودکان در سیره معصومان (ع) ۱۹۹

شاگردپروری و احیای هویت معنوی نسل جوان: راهبردهای تربیتی در مواجهه با بحران هویت در سبک زندگی دیجیتال ۲۰۰

نقش قرآن بر سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان ۲۰۱

رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی ۲۰۲

نقش آموزه‌های قرآنی در تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان با رویکرد روان‌شناسی اسلامی ۲۰۳

تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار ۲۰۴

معنا، سلامت روان و تربیت معلم: تحلیلی فلسفی–روان‌شناختی بر اساس آموزه‌های قرآنی ۲۰۵

الگوی قرآنی رشد شخصیت انسان با تأکید بر مراحل رشد عقلانی ۲۰۶

اهمیت و نقش اخلاق و تربیت از منظر قرآن کریم ۲۰۷

مطالعه مروری رابطه هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ۲۰۸

بررسی تطبیقی رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی..... ۲۰۹
واکاوی نظری نقش فرزندپروری اسلامی در تقویت تاب‌آوری نوجوانان: تحلیلی بر پایه آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی اسلامی ۲۱۰
تحلیل تربیتی–شناختی احکام قرآنی: مطالعه موردی حکم حجاب و مقایسه با رویکرد غربی..... ۲۱۱
مراحل تحول روانی بر اساس حکمت متعالیه ۲۱۲
تحلیل روان‌شناختی دام‌های شیطان در سقوط انسان بر اساس آموزه‌های قرآن و تفاسیر معتبر ۲۱۳
تحلیل محتوای کمی کتاب هدیه‌های آسمانی پایه پنجم ابتدایی از منظر هوش هیجانی دنیل گلمن ۲۱۴
تحلیل امنیت روانی کودک در قرآن و کاربردهای آن در نظام آموزشی..... ۲۱۵
رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی: چشم‌اندازی روان‌شناختی و مشاوره‌ای ۲۱۶
رشد و تحول انسان از منظر قرآن کریم ۲۱۷
الگوی حلقوی‌شکل تحول روانی بر اساس حکمت متعالیه..... ۲۱۸
بررسی مؤلفه‌های سلامت روان در نظام تربیتی قرآن..... ۲۱۹
تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری نوجوانان از منظر روان‌شناسی مثبت‌گرا سلیگمن و آموزه‌های نهج‌البلاغه..... ۲۲۰
بررسی اثربخشی بسته آموزشی چند سوره قرآن بر هوش هیجانی و کم‌رویی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبستان ۲۲۱
بررسی تطبیقی رویکردهای اسلام و روان‌شناسی در تربیت کودک ۲۲۲
روش تدریس و ویژگی‌های معلمی استاد شهید مرتضی مطهری(ره) ۲۲۳
مراحل رشد و تحول ایمان از منظر قرآن و حدیث..... ۲۲۴
تحلیل تطبیقی فرآیند رشد و تحول انسان از منظر قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی ۲۲۵
واکاوی نقش معلم در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان با بهره‌گیری از نظریه «خودِ گفت‌وگویی» هرمانز و ۲۲۶
نقد آن بر اساس مبانی اخلاق اسلامی..... ۲۲۶
بررسی تاب‌آوری و دین‌داری اسلامی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر برازجان در سال تحصیلی ۱۴۰۳–۱۴۰۴..... ۲۲۷
مرور نظام‌مند الگوها، سازوکارها و کیفیت روش‌شناختی مداخلات مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای سلامت روان ۲۲۸
دانش‌آموزان دوره ابتدایی: یک سنتز کیفی شواهد ۲۲۸

بررسی نقش سبک فرزندپروری والدین در عزت نفس نوجوانان با تأکید بر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی ۲۲۹
نقش معنای زندگی در پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر ۲۳۰
بررسی رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی ۲۳۱
الگوی تحول «حکمت» در قرآن و روان‌شناسی رشد: مطالعه‌ای تطبیقی با نظریه‌های فراشناخت و خردورزی ۲۳۲
رشد و تحول معنوی انسان از منظر قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی ۲۳۳
تبیین نقش الگوهای تربیتی و فعالیت‌های پرورشی در نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار در مدارس متوسطه ۲۳۴
مبانی روان‌شناختی تربیت انسان در قرآن کریم و اندیشه تربیتی امام شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای ۲۳۵
اصول رشد بر اساس منابع اسلامی ۲۳۶
تأثیر بازی‌های آموزشی در هوش معنوی و میزان یادگیری درس تعلیمات دینی دانش‌آموزان ابتدایی شهر تهران ۲۳۷
آثار سعادت از دیدگاه قرآن ۲۳۸
رشد و تحول انسان در منظومه قرآن و روان‌شناسی اسلامی: تبیین مراحل، عوامل و غایت کمال انسان ۲۳۹
پیشگیری از آسیب‌های روان‌شناختی معلمان با تکیه بر آموزه‌های معنوی صحیفه رابعه سجادیه ۲۴۰
الگوی تاب‌آوری دیجیتال مبتنی بر آموزه‌های قرآنی تقوا و ضبط نفس جهت کاهش نشانگان اعتیاد به فضای مجازی در نوجوانان ۲۴۱
اثربخشی آموزش تاب‌آوری تحصیلی توحیدی‌محور بر ابعاد شخصی، اجتماعی، محیطی و متعالی بهزیستی معنوی در دانش‌آموزان ۲۴۲
نقش معنویت در ارتقای سلامت روان نوجوانان با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم ۲۴۳
امید و سعادت در قرآن؛ تبیین عوامل و پیامدهای تربیتی ۲۴۴
نقش نگرش مثبت دینی در ارتقای بهداشت روانی نوجوانان: تبیین روان‌شناختی و تربیتی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی ۲۴۵
خوانش امیدآفرینی در قرآن کریم با نگاهی به اشعار حافظ شیراز ۲۴۶
الگوی فرایندی تعامل والد–فرزند در قرآن کریم و روایات امامیه: تحلیل محتوای جهت‌دار بر پایه نظریه‌های روان‌شناسی رشد ۲۴۷
نظریه یادگیری کند ایلریس و تطبیق مفهومی آن با آموزه‌های قرآن کریم ۲۴۸

تبیین مهارت‌های آمادگی برای ایفای نقش زنانه در دختران نوجوان بر اساس الگوی قرآنی زن مسلمان ۲۴۹

بررسی روابط ساختاری بین سبک‌های فرزندپروری اسلامی و خودتنظیمی تحصیلی با نقش میانجی امید تحصیلی در دانش‌آموزان ۲۵۰

محور ششم:روان‌شناسی اجتماعی و مقاومت

واکاوی نقش قرآن و آموزه‌های اخلاقی آن در امنیت، آرامش و سلامت روانی فرد و جامعه ۲۵۲

مفهوم‌شناسی صبر در قرآن کریم و نقش آن در مدل روان‌شناسی مقاومت اسلامی: تحلیل محتوای سوره‌های بقره و آل‌عمران ۲۵۳

راهکارهای قرآنی مدیریت خشم و اضطراب در بحران‌های اجتماعی: مطالعه تطبیقی آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) ۲۵۴

نقش روان‌شناسی اسلامی در پیشگیری، کنترل و کاهش مشکلات روان‌شناختی و بحران‌های اجتماعی ۲۵۵

سلامت روان اجتماعی در قرآن: از معنا تا کنش جمعی ۲۵۶

نقش روان‌شناسی اسلامی در حل بحران‌های اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و حدیثی ۲۵۷

نقش دعا، توکل و یاد خدا در افزایش تاب‌آوری روانی و مقابله با بحران‌های روانی و اجتماعی ۲۵۸

تاب‌آوری روان‌شناختی از منظر قرآن ۲۵۹

تقریب مذاهب اسلامی و کارکردهای روان‌شناختی آن در تقویت همبستگی اجتماعی با تأکید بر نقش اهل‌بیت(ع) و الگوی اخلاقی–هویتی حضرت فاطمه زهرا(س) برحسب منابع اهل سنت ۲۶۰

واکاوی مسئولیت حکمرانی دینی در ارتقاء سلامت روانی ۲۶۱

ارائه الگوی قرآنی روان‌شناسی محیط امن سیاسی و دلالت‌های آن برای سلامت روان اجتماعی ۲۶۲

کارکرد دعا و توسّل در مدیریت بحران؛ با تأکید بر جنگ ۲۶۳

مؤلفه‌های روان‌شناختی «البُغضُ فی الله» در قرآن و تجلی آن در قیام عاشورا: الگویی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ۲۶۴

نقش روان‌شناسی اسلامی در حل بحران‌های اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی–حدیثی ۲۶۵

تحلیل تطبیقی نقش روان‌شناسی اسلامی بر سلامت روان در تنش‌های فراگیر اجتماعی: رویکردی بر تاب‌آوری و سازگاری معنوی ۲۶۶

روان‌شناسی مقاومت با رویکرد روان‌شناسی و مشاوره اسلامی ۲۶۷

آسیب‌های اجتماعی از منظر روان‌شناسی اسلامی و پیشنهاد الگوهای پیشگیری ۲۶۸
تحلیل مروری مفهوم تاب‌آوری شناختی در شرایط بحران و جنگ از منظر روان‌شناسی اسلامی ۲۶۹
نقش روان‌شناسی اسلامی در پیشگیری، کنترل و کاهش مشکلات روان‌شناختی و بحران‌های اجتماعی ۲۷۰
مدل مفهومی مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و نقش آن در ارتقاء سلامت روان ۲۷۱
بررسی معنویت اسلامی در افزایش خودکارآمدی فردی و اجتماعی ۲۷۲
نقش مناسک و باورهای دینی در تاب‌آوری اجتماعی در شرایط بحران و جنگ: یک مطالعه توصیفی–تحلیلی ۲۷۳
نقش روان‌شناسی اسلامی در کاهش خشونت اجتماعی ۲۷۴
واکاوی مؤلفه‌های روان‌شناختی آسیب‌های اجتماعی و ارائه الگوی پیشگیری خانواده‌محور بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه ۲۷۵
بررسی تطبیقی نقش امید در مقاومت از منظر روان‌شناسی و اسلامی ۲۷۶
تحلیل روان‌شناختی عبارت «إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَیهِ راجِعون»: چارچوبی قرآنی ۲۷۷
برای معنابخشی و تاب‌آوری روانی در شرایط تهدید و بحران ۲۷۷
تقویت تاب‌آوری با رویکرد وجودی و مفاهیم روان‌شناسی اسلامی (ایمان، توکل، صبر) ۲۷۸
نقش تعاملی روان‌شناسی اسلامی و حکمرانی دینی در ارتقای سلامت روانی جامعه ۲۷۹
مقایسه تطبیقی رشد پس از سانحه در روان‌شناسی اگزیستانسیال و مفهوم ابتلاء در قرآن: زمینه‌های نظری و کاربردهای توان‌بخشی در آسیب‌های روانی ناشی از جنگ و بحران ۲۸۰
نقش مناسک دینی و ملی در ایجاد توانایی‌های عبور از شرایط بحرانی و جنگ ۲۸۱
روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی مقاومت در قرآن کریم و کلام معصوم ۲۸۲
روان‌شناسی مقاومت مبتنی بر آموزه‌های روان‌شناختی قرآن کریم (چالش‌ها و راهکارها) ۲۸۳
روان‌شناسی مقاومت و مبانی آن و حل تعارضات پس از جنگ با ارائه رویکردهای روان‌شناسی ۲۸۴
نقش همبستگی و سرمایه اجتماعی در تقویت تاب‌آوری روانی در شرایط جنگ و بحران با تأکید بر آموزه‌های اسلامی ۲۸۵
روان‌شناسی اسلامی و مسئولیت‌های اجتماعی: ارائه چارچوبی مفهومی بر پایه آموزه‌های قرآن کریم ۲۸۶
طراحی الگوی مفهومی پیشگیری از خشونت اجتماعی بر پایه مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامی ۲۸۷
روان‌شناسی مقاومت با رویکرد روان‌شناسی و مشاوره اسلامی ۲۸۸

آسیب‌های اجتماعی از منظر روان‌شناسی اسلامی و ارائه الگوی چندسطحی «حیات طیبه» برای پیشگیری: رویکردی تلفیقی مبتنی بر روان‌شناسی معاصر و آموزه‌های اسلامی ۲۸۹

مدل ارتقای تاب‌آوری اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی توکل و تکافل در مواجهه با بحران‌ها و تنش‌های جمعی ۲۹۰

نقش مسجد در هویت‌یابی نوجوان ایرانی معاصر با تأکید بر روان‌شناسی اسلامی: آسیب‌ها و راهکارها ۲۹۱

کارکرد معنابخشی به رنج در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای آن برای سلامت روان: نگاهی تطبیقی به معنویت‌های نوظهور ۲۹۲

الگوی حکمرانی دینی در پیشگیری از بحران‌های روانی و اجتماعی ۲۹۳

گفتمان مقاومت در قرآن و نسبت آن با خودآگاهی اجتماعی ۲۹۴

تاب‌آوری روان‌شناختی در شرایط بحران: مرور توصیفی شواهد علمی و ۲۹۵

تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی..... ۲۹۵

الگوی قرآنی امید جمعی برای بازسازی پس از بحران ۲۹۶

امید به‌مثابه سازوکار روان‌شناختی مقاومت در قرآن کریم و کلام معصومان(ع) ۲۹۷

از تاب‌آوری تا استقامت: مطالعه تطبیقی مقاومت روان‌شناختی در نظریه‌های معاصر و قرآن کریم ۲۹۸

محور هفتم:شخصیت‌شناسی با رویکرد روان‌شناسی اسلامی

شاخصه‌های کمال‌گرایی بر مبنای آثار تفسیری اندیشه آیت‌الله جوادی آملی ۳۰۰

تحلیل تطبیقی تفاوت‌های ساختاری شخصیت زن و مرد از منظر قرآن و روان‌شناسی..... ۳۰۱

تبیین الگوی اسلامی خودشفقت‌ورزی به‌مثابه رویکرد بدیل روان‌شناسی غربی ۳۰۲

نقش آموزه‌های قرآنی در شکل‌دهی شخصیت ۳۰۳

بررسی سازوکارهای درونی شخصیت در شعر مهلهل با تکیه بر نظریه معرفت‌شناسی آلفرد آدلر و مبانی روان‌شناسی اسلامی. ۳۰۴

انسان‌شناسی در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه بر اساس نظریه روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن..... ۳۰۵

الگوی مقدماتی روش‌های افزایش اعتماد به نفس توحیدمحور بر مبنای آرای برخی اندیشمندان مسلمان ۳۰۶

بازخوانی شخصیت حضرت امیر(ع) در پرتو انسجام شناختی غایت‌محور با رویکرد میان‌رشته‌ای ۳۰۷

شجاعت فکری در قرآن کریم..... ۳۰۸

مطالعه تیپ شخصیتی سردار شهید قاسم سلیمانی از منظر قرآن کریم ۳۰۹

بررسی شخصیت «قارون» در قرآن و تحلیل رفتار خودشیفته و انباشت ثروت از منظر روان‌شناسی اسلامی ۳۱۰
مفهوم فطرت و بررسی تطبیقی آن با رویکردهای انسان‌گرا در روان‌شناسی ۳۱۱
راوی زن: تحلیل گفتگوهای حضرت مریم(ع) و ملکه سبأ از منظر روان‌شناسی زبان و جنسیت ۳۱۲
تحلیل مفهومی–تفسیری «شاکله» در قرآن کریم و دلالت‌های آن در روان‌شناسی شخصیت اسلامی ۳۱۳
صلح درون از دیدگاه شهید مطهری ۳۱۴
الگوهای مقابله با اضطراب در شخصیت حضرت موسی(ع) و سامری در سوره طه بر اساس نظریه کارن هورنای ۳۱۵
واکاوی مفهوم الهام فجور در تفسیر المیزان، با رویکردی بر عقده ادیپ در نظریه روان‌کاوی فروید ۳۱۶
تحلیل الگوی رشد و تعالی شخصیت انسان بر اساس قرآن و روان‌شناسی اسلامی ۳۱۷
واکاوی کارکرد طرح‌واره‌های تصوری در سوره مبارکه یس از منظر شناخت بدنمند و روان‌شناسی شناختی ۳۱۸
تحلیل تطبیقی رابطه تقوا و خرد در آموزه‌های قرآنی و روان‌شناسی مثبت‌گرا و پیامدهای آن برای سلامت روان ۳۱۹
محور هشتم:روان‌شناسی اسلامی در افق بین‌الملل
شهر سالم مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی اسلامی ۳۲۱
تحولات فناورانه و آینده انسان از منظر روان‌شناسی اسلامی: نگاهی تحلیلی با تأکید بر نقش مشاوره و سلامت‌روان ۳۲۲
سوره شمس و ساختار روان‌شناسی و سعادت‌شناسی آن ۳۲۳
واکاوی تأثیر هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین بر سلامت روان؛ راهکارها و چالش‌ها از منظر آموزه‌های اسلامی ۳۲۴
مروری بر بروندادهای پژوهشی در زمینه معنویت و اختلال افسردگی بر اساس پایگاه استنادی اسکوپوس با تأکید بر سهم پژوهش‌های اختصاصی زنان ۳۲۵
الگوی اسلامی «شهر سالم»: تلفیق مفاهیم معنویت، اجتماع و سلامت روان در طراحی شهری ۳۲۶
تأثیر هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین بر سلامت روان از دیدگاه اسلامی ۳۲۷
بررسی پیامدهای آموزه قرآنی هجرت تحصیلی: موردپژوهی دانشجویان افغان و اندونزیایی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع) ۳۲۸
تبیین سلامت روان در زیست‌بوم هوش مصنوعی بر اساس مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن کریم (معنا، هویت، عاملیت و کرامت انسانی): مطالعه داده‌بنیاد مبتنی بر اسناد ۳۲۹

همدم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و سلامت روان نوجوانان: مرور نظام‌مند شواهد مربوط به تنهایی، دلبستگی عاطفی و وابستگی روان‌شناختی با تأکید بر دلالت‌های قرآنی و روان‌شناسی اسلامی ۳۳۰

هوش مصنوعی و سلامت روان انسان معاصر: تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها از منظر قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی ۳۳۱

مکتب اشراق سهروردی: الگوی تبیینی برای روان‌شناسی و معنویت مدرن ۳۳۲

دومین همایش ملی
قرآن و روانشناسی
The 2nd National Conference
Quran and Psychology
۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵

محور اول:

روش شناسی در روان شناسی اسلامی

تحلیل تطبیقی مکاتب اخلاقی اسلامی و نظریه دلبستگی: نقش دلبستگی الهی درکاهش اضطراب وجودی

محسن تقی‌زاده

مسئول علمی، سطح ۳ حوزوی، فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران

mt۱۳۵٦۸۸٥@gmail.com

چکیده

اضطراب وجودی یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های روان‌شناختی انسان معاصر است که روان‌شناسی وجودی آن را پیامد مواجهه آگاهانه با مرگ، آزادی، تنهایی و بی‌معنایی می‌داند. در مقابل، سنت اخلاق اسلامی بر «دلبستگی الهی» به‌مثابه بنیان آرامش، اعتماد و طمأنینه تأکید می‌کند. هدف پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی میان مکاتب اخلاقی اسلامی و نظریه دلبستگی برای تبیین نقش دلبستگی الهی در کاهش اضطراب وجودی است. این پژوهش با روش تحلیلی–استنباطی و تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده انجام شده و منابع آن شامل قرآن، تفاسیر معتبر، آثار اخلاقی کلاسیک و معاصر و ادبیات علمی نظریه دلبستگی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های اخلاقی اسلامی سازوکاری ساختاری برای شکل‌دهی دلبستگی ایمن به خداوند ارائه می‌کنند که شامل احساس معیت، ربوبیت مطمئن، محبت غیرمشروط الهی و امکان پناه‌جویی وجودی است؛ اموری که با مؤلفه‌های دلبستگی ایمن در نظریه دلبستگی و مدل بزرگسالان قابل مقایسه‌اند. تحلیل آیات کلیدی نظیر «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) و متون اخلاقی همچون «جامع‌السعادات» نشان می‌دهد که دلبستگی الهی به‌صورت مستقیم سطح اضطراب وجودی را از طریق سازوکارهای معنابخشی، اتکای وجودی و تنظیم هیجان معنوی کاهش می‌دهد. نوآوری پژوهش در ارائه «مدل اسلامی دلبستگی الهی» است که بستر نظری تلفیقی میان الهیات اخلاقی و روان‌شناسی معاصر فراهم می‌آورد. این نتایج می‌تواند چارچوبی تازه برای مداخلات معنوی و تربیت اخلاقی ارائه کند.

واژگان کلیدی

دلبستگی الهی، اضطراب وجودی، اخلاق اسلامی، نظریه دلبستگی، روان‌شناسی دین

واکاوی مرزهای «رازداری» و «افشای سِر» در مشاوره بر اساس قواعد باب «تزاحم»؛ با تأکید بر مبانی قرآنی و روایی

محمدامین حیدرآزادزاده، محمد علی سمیع

m.heydarazad۱۱۰@gmail.com

چکیده

یکی از چالش‌های اخلاق حرفه‌ای روان‌درمانگری با رویکرد اسلامی، تعارض میان «لزوم حفظ اسرار مراجع» به‌عنوان حق‌الناس و رکن اعتماد درمانی، با تکالیف عام شرعی نظیر «وجوب حفظ نَفْس» و «دفع ضرر» است. این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی می‌کوشد این چالش را با عبور از پاسخ‌های عرفی، در چارچوب دستگاه فقاهتی «باب تزاحم» حل نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد اصل رازداری با استناد به آیات وفای به عهد و روایات «اَلمُستَشارُ مُؤتَمَن»، دارای وجوب مؤکد تکلیفی است. با این حال، در مقام امتثال گاه این وجوب با تکالیف خطیرتری تزاحم می‌یابد. با کاربست مرجّحات باب تزاحم (سنجش اهم و مهم)، نتایج زیر حاصل شد: نخست، در خطر جانی قطعی (مانند خودکشی)، دلیل «وجوب حفظ نفس» به‌واسطه اهمیت بی‌بدیل جان، بر ادله رازداری «حکومت» دارد یا از باب «تقدم اهم»، افشای سرّ در حد ضرورت، واجب شرعی است. دوم، در موارد خیرخواهی (بدون خطر جانی)، اصل رازداری به دلیل «مصلحت نوعیه حفظ اعتماد عمومی» و «حرمت شدید خیانت»، بر مصلحت شخصی نصیحت مقدم است؛ زیرا مفسده شکستن قبح خیانت در جامعه عظیم‌تر است. در نهایت، پژوهش الگویی فرآیندی را برای یاری مشاور در تشخیص مصادیق اهم ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

اخلاق مشاوره، رازداری، افشای سرّ، باب تزاحم، حفظ نفس

مقایسه انسان‌شناسی دینی و انسان‌شناسی تجربی (روان‌شناسی)

فرزانه قیطاسی وند
farzane.gheytasivand@gmail.com

چکیده

انسان هم‌زمان موضوعِ مطالعه و نقطه آغاز روان‌شناسی است. هر نظریه روان‌شناختی، آگاهانه یا ناآگاهانه، بر تصویری خاص از انسان تکیه دارد؛ تصویری که ریشه در انسان‌شناسی دارد. در این میان، دو رویکرد برجسته یعنی انسان‌شناسی دینی و انسان‌شناسی تجربی، تلقی‌های متفاوتی از ماهیت، توانمندی‌ها و محدودیت‌های انسان ارائه می‌دهند. انسان‌شناسی تجربی نوعی از انسان‌شناسی است که با روش تجربی به بررسی انسان می‌پردازد، یعنی از همان روش موجود در علوم طبیعی که روش آزمایش و تجربه است، برای شناخت انسان هم استفاده می‌شود، چرا که در این نوع انسان‌شناسی، انسان به‌عنوان یک موجود طبیعی، همانند بقیه موجودات طبیعی تلقی می‌شود که تکامل‌یافته‌تر از بقیه حیوانات است. یکی دیگر از انواع انسان‌شناسی، انسان‌شناسی دینی است که منطق زیربنایی آن فهم مذهب و اعتقادات به‌عنوان پدیده‌ای در متن فرهنگ و جامعه و نیز در زمینه روانی و طبعاً در تعامل با آن‌هاست. در نگرش دینی، هم انسان‌شناسی با اصول دین و مسائل ارزش هستی‌شناختی آن، ارتباط مستحکمی دارد و هم فروع دین و مسائل ارزشی دین با انسان‌شناسی مرتبط است. هدف این مقاله، مقایسه‌ای نظام‌مند میان این دو رویکرد و تحلیل پیامدهای آن‌ها در روان‌شناسی است.

واژگان کلیدی

انسان‌شناسی دینی، انسان‌شناسی تجربی، روان‌شناسی، روش‌شناسی

بررسی نقش مشاور و کارکردهای آن در روان‌شناسی و قرآن با محوریت آیه ۸۶ سوره یوسف

محمد مهدی آجیلیان مافوق، سیده فاطمه دستغیب

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

majilian@shirazu.ac.ir

چکیده

خداوند در قرآن کریم برنامه‌ای کامل و جامع همراه با اصول ارزشمند برای سعادت انسان در تمامی قرون و اعصار تنظیم کرده است. یکی از این اصول که در جای‌جای کلام الله مجید به آن امر شده، استفاده از نظرات، هم‌فکری و هم‌اندیشی با دیگران است. در روان‌شناسی نیز اصطلاح مشاوره را می‌توان با کمی تفاوت ناظر به همین مسئله دانست. اما در میان آیات قرآن، آیه ۸۶ سوره یوسف و گفتار حضرت یعقوب(ع) گو اینکه با تمامی این اصول در نگاه اول، تعارضاتی دارد. آنجا که حضرت یعقوب(ع) تأکید می‌کند که شکایت تمامی رنج و مشکلات خود را فقط و فقط به نزد خداوند جل جلاله می‌برد و از بیان آن‌ها در نزد دیگران اعراض می‌کند. بنابراین هدف ما در این پژوهش این است که با روش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تطبیقی به تبیین جایگاه مشاوره در قرآن و روان‌شناسی بپردازیم و مهم است که این مفاهیم به‌ظاهر متعارض با تأملاتی عمیق در دو حوزه بررسی و ضروری است که با کشف دلالت‌های هر حوزه و ارائه تفسیر واضح از هرگونه سوءتعابیر و تفاسیر جلوگیری شود.

واژگان کلیدی

مشاور، مشاوره، روان‌شناسی، قرآن، حضرت یعقوب(ع)

تحلیل تطبیقی مراحل رشد اخلاقی از دیدگاه کلبرگ و آیات قرآن کریم

احسان کردی اردکانی، حمیده ناظمی سجزئی
دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران
nazemi@stu.ardakan.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل تطبیقی نظریه رشد اخلاقی لارنس کلبرگ با رویکرد قرآنی انجام شده است. رشد اخلاقی به‌عنوان فرآیندی پیچیده، در روان‌شناسی به‌ویژه توسط کلبرگ با تأکید بر استدلال‌های اخلاقی در سه سطح و شش مرحله تبیین شده است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی–تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و متون دینی (به‌ویژه قرآن کریم)، سعی در یافتن نقاط اشتراک و افتراق این نظریات با مبانی اخلاق اسلامی دارد. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه در برخی سطوح اخلاقی، مانند توجه به قوانین و قراردادهای اجتماعی، همسویی‌هایی مشاهده می‌شود، اما مبنای نهایی اخلاق اسلامی که مبتنی بر توحید، فطرت الهی و هدفمندی غایت‌شناختی است، با رویکرد عقل‌محور کلبرگ تفاوت‌های بنیادین دارد. این تفاوت‌ها در نهایت منجر به ارائه یک الگوی جامع‌تر و متعالی‌تر در چارچوب آموزه‌های اسلامی می‌گردد. مهم‌ترین انتقاد به نظریه رشد اخلاقی کلبرگ این است که تا حدی ماهیت چندبعدی حوزه اخلاق را نادیده گرفته است و دچار محدودیت‌ها و ضعف‌های نظری است. اتکا به نظریه‌های روان‌شناسی و ابزارهای تهیه‌شده برای سنجش رشد اخلاق در غرب، با فرهنگ دینی و ملی ما کاملاً تطابق ندارد. هرچند در زمینه مباحث رشد اخلاقی از دیدگاه قرآن، کتب ارزشمندی در منابع شیعی یافت می‌شود، اما مطالعات کمی در زمینه بررسی و نقد نظریه‌های نشأت‌گرفته از ذهن روان‌شناسان غربی با رویکرد قرآنی یا اسلامی انجام شده است. بنابراین لازم است دانشمندان ایرانی به تولید دانش‌های مبتنی بر بنیادهای دینی و حکمت و فرهنگ اسلامی–ایرانی روی آورند.

واژگان کلیدی

رشد اخلاقی، کلبرگ، قرآن کریم، قرارداد اجتماعی، فطرت الهی

تدوین چارچوب اخلاق حرفه‌ای برای مشاوران مدارس بر اساس مفاهیم قرآنی «نصیحت» و «ستر» در استان خراسان شمالی

معصومه محمدآبادی، ام‌البنین رحیمی، محمد امامی
گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
mmohammadabadi@cfu.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش، تدوین چارچوبی بومی و کاربردی برای اخلاق حرفه‌ای مشاوران مدارس استان خراسان شمالی، با اتکا به مفاهیم قرآنی «نصیحت» و «ستر» بود. این ضرورت از خلأ موجود میان کدهای اخلاقی عمومی و نیازهای عملی مشاوران در بافت فرهنگی–دینی خاص این استان نشأت می‌گرفت. این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. داده‌ها از دو طریق مطالعات اسنادی (تحلیل آیات، روایات و متون اخلاقی) و مطالعات میدانی (مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق با ۲۵ نفر از خبرگان دینی، اساتید مشاوره و مشاوران مجرب مدارس استان) گردآوری شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و نظری ادامه یافت تا به اشباع نظری رسید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی و طی فرآیند کدگذاری سه‌گانه باز، محوری و گزینشی، مورد تحلیل قرار گرفتند. روند پژوهش شامل مراحل پنج‌گانه اساس‌گذاری مفهومی، تشخیص میدانی، تلفیق نظری–عملی، ساختارسازی و زمینه‌پردازی بود. یافته‌ها منجر به تدوین «چارچوب سه‌لایه‌ای اخلاق حرفه‌ای فضیلت‌بنیاد» گردید. این چارچوب شامل: (۱) لایه مبانی (کرامت، فطرت، اختیار)؛ (۲) لایه اصول کلان (خیرخواهی مسئولانه «نصیحت»، پاسداری توأم با احتیاط «ستر»، و حکمت عملی)؛ و (۳) لایه تعهدات عملیاتی در پنج حوزه رابطه با دانش‌آموز، خانواده، نظام آموزشی، خود حرفه‌ای و موقعیت‌های تعارض‌آمیز می‌باشد. همچنین، ماتریس تلفیق و پرسش‌های راهنمای تصمیم‌گیری برای کمک به مشاوران در مواجهه با تعارضات اخلاقی طراحی شد.

واژگان کلیدی

اخلاق حرفه‌ای، مشاور مدرسه، نصیحت، ستر، چارچوب بومی

تبیین مبانی اختصاصی تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم

علیرضا شیرزاد
استادیار دانشگاه علوم پزشکی مازندران
a.shirzad@mazums.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین مبانی اختصاصی تفسیر روان‌شناختی قرآن به‌عنوان یک گرایش تفسیری انجام شده است. در راستای هدف مذکور، با روش توصیفی–تحلیلی، آیات قرآن، کتب تفسیری و منابع علم روان‌شناسی معاصر مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در تفسیر روان‌شناختی قرآن، مفسر با رویکرد روان‌شناختی به مجموع آیات قرآن نگریسته و با هدف عرضه یافته‌های گذشته علم روان‌شناسی یا کشف آموزه‌های جدید روان‌شناختی از آیات، به تفسیر قرآن کریم می‌پردازد. همچنین تفسیر روان‌شناختی قرآن دارای مبانی اختصاصی است که جواز تفسیر روان‌شناختی قرآن، حجیت تفاسیر روان‌شناختی، امکان تفسیر روان‌شناختی در آیات با موضوع غیرروان‌شناختی، وجود اصطلاحات روان‌شناختی در فرهنگ قرآن، بیان روان‌شناسانه دستورات در قرآن، وجود تعاملات روان‌شناسانه در قرآن، اشاره به حالات و صفات روان‌شناختی انسان‌ها در قرآن و اشاره به بیماری‌های روان‌شناختی در فرهنگ قرآن به‌عنوان هشت مبنای خاص چنین گرایش تفسیری عنوان شده است. توجه به هریک از این مبانی در فرایند تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم ضروری بوده و هریک از آن‌ها می‌توانند رویکرد مفسر را به آیات الهی متفاوت نمایند. این پژوهش می‌تواند مبنایی برای توسعه روش‌شناسی تفسیر روان‌شناختی در مطالعات قرآنی و روان‌شناسی اسلامی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

آیات علمی قرآن، مبانی تفسیر روان‌شناختی، گرایش‌های تفسیری، علم روان‌شناسی

الزامات تشکیل سازمان از منظر قرآن و نهج‌البلاغه

صمد رحیمی‌اقدم، زهرا رنجبر ارشتناب، حسن پوریامهر

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

zranjbar.areshtanab@gmail.com

چکیده

اگرچه در مکاتب غربی الزامات بسیاری برای تشکیل سازمان ذکر شده است، اما این موضوع سال‌ها پیش با عناصر بسیاری در قرآن و نهج‌البلاغه مطرح شده است؛ با این حال، خلأ بزرگی در مطالعات و تحقیقات در حوزه مدیریت اسلامی در رابطه با این موضوع وجود دارد. بنابراین، این مطالعه سعی کرده است با ارائه الزامات و ضرورت‌های تشکیل سازمان از منظر قرآن و نهج‌البلاغه، این موضوع را روشن کند. اهمیت سازمان در زندگی بشر مستلزم پاسخ به این سؤال است: الزامات وجود و تشکیل یک سازمان از منظر قرآن و نهج‌البلاغه چیست؟ بر این اساس، در این مطالعه ابتدا آیات و احادیثی که به مفهوم رایج سازمان در یک مجموعه اجتماعی سازمان‌یافته اشاره داشتند، از قرآن و نهج‌البلاغه استخراج شدند و سپس با مراجعه به تفسیر این آیات و احادیث مشابه، هدف از تشکیل سازمان و عناصر مرتبط با الزامات تشکیل سازمان مفهوم‌سازی شدند. یافته‌ها حاکی از شناسایی ۲۷ عنصر ضروری برای تشکیل سازمان از قرآن و نهج‌البلاغه است. درنهایت، سهم این مطالعه با تمرکز بر رویکردهای قرآن و نهج‌البلاغه، شامل گسترش الزامات تشکیل سازمان و افزایش ادبیات مرتبط با مدیریت سازمان اسلامی است.

واژگان کلیدی

الزامات تشکیل سازمان، قرآن کریم، نهج‌البلاغه، مدیریت اسلامی

تحول علمی در روان‌شناسی اسلامی و ضرورت بازنگری در روش‌شناسی

زینب غضنفری شهنانی
کارمند آموزش و پرورش، مشاور مدرسه
hoshangiinegar@gmail.com

چکیده

تحول علمی در روان‌شناسی اسلامی به‌عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی در بازسازی علوم انسانی، مستلزم بازاندیشی عمیق در مبانی نظری و روش‌شناختی این حوزه است. روان‌شناسی رایج با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی سکولار و تجربه‌گرایانه، در تبیین ابعاد معنوی، غایی و ارزشی انسان با محدودیت‌های جدی مواجه است؛ امری که زمینه‌ساز شکل‌گیری روان‌شناسی اسلامی به‌عنوان یک پارادایم بدیل شده است. هدف مقاله حاضر، تبیین مفهوم تحول علمی در روان‌شناسی اسلامی و تحلیل انتقادی روش‌شناسی رایج در این حوزه با تأکید بر ضرورت بازنگری آن است. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر تحلیل اسنادی منابع اسلامی و علمی معاصر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم تناسب میان مبانی معرفت‌شناختی اسلامی و روش‌های اقتباس‌شده از روان‌شناسی غربی، یکی از موانع اصلی تحقق تحول علمی است. در پایان، الگوی روش‌شناسی تلفیقی مبتنی بر وحی، عقل و تجربه به‌عنوان راهبردی کارآمد برای ارتقای اعتبار علمی و کاربردی روان‌شناسی اسلامی، به‌ویژه در حوزه مشاوره، پیشنهاد می‌شود. این پژوهش می‌تواند مبنایی برای بازنگری در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی روان‌شناسی اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، تحول علمی، روش‌شناسی، پارادایم علمی، مشاوره اسلامی

تحلیل تطبیقی سازه ذهنی‌سازی و یقظه در اندیشه اسلامی: تبیین مدل تلفیقی خودآگاهی هشیارانه

مجید قندی‌زاده

دانش‌پژوه دکتری مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)

ghandizadeh.majid@gmail.com

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی سازه «ذهنی‌سازی» در روان‌شناسی پویشی و مفهوم «یقظه» در عرفان اسلامی انجام شده است تا الگویی تلفیقی برای ارتقای خودآگاهی و هشیاری روانی–معنوی ارائه دهد. روش: این پژوهش به شیوه توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از روش «تحلیل کیفی محتوای متون دینی» انجام شد. جامعه متنی شامل آثار کلیدی عرفای اسلامی و متون مرجع حوزه ذهنی‌سازی بود. داده‌ها از طریق مشاهده نظام‌مند واژگانی، استخراج گزاره‌های روان‌شناختی و پردازش شبکه‌ای تحلیل شدند. یافته‌ها: تحلیل‌های تطبیقی نشان داد که میان «هشیاری از حالات پیش‌ذهنی‌سازی» و «هشیاری از خواب غفلت (یقظه)» اشتراکات ساختاری وجود دارد. هر دو سازه بر اهمیت «موضع ندانستن/حیرت»، «کنجکاوی اصیل» و نقش «رابطه ایمن (دلبستگی/ارادت)» به‌عنوان بستر تحول تأکید دارند. با این حال، تفاوت‌های بنیادینی در منشأ هشیاری (تعامل انسانی در برابر نفخه ملکوتی)، قلمرو آگاهی (روابط بین‌فردی در برابر ابعاد متعالی وجود) و غایت (سازگاری اجتماعی در برابر فناء فی الله) شناسایی شد. نتایج پژوهش منجر به طراحی مدل «خودآگاهی هشیارانه» گردید که نشان می‌دهد تقویت ذهنی‌سازی می‌تواند به‌عنوان مرحله «تخلیه»، کدورت‌های روانی را مرتفع ساخته و بستر را برای تابش نور یقظه فراهم کند. همچنین، تکنیک «مراقبه عرفانی» به‌عنوان ابزاری برتر برای ارتقای «کنش تأملی» پیشنهاد شد. این یافته‌ها به درمانگران، به‌ویژه در کار با مراجعان مذهبی، کمک می‌کند تا از استعاره‌های عرفانی برای تعمیق فرآیند درمان و گذر از تنظیم هیجان دنیوی به سوی آرامش وجودی (اخبات) بهره بگیرند.

واژگان کلیدی

ذهنی‌سازی، یقظه، عرفان اسلامی، خودآگاهی، کنش تأملی

مدل‌سازی مفهومی روان‌شناسی اسلامی قرآن‌محور با رویکرد بین‌رشته‌ای: مبنایی برای بازتعریف سلامت روان و توسعه الگوهای مشاوره‌ای در دانش آینده

سعیده عبدالهی، فائزه میرعلی، سیدمحمدرضا قائم محمدی
saedahabdollahi@yahoo.com

چکیده

تحولات شتابان علمی و گسترش بحران‌های روانی در جوامع معاصر، ضرورت بازاندیشی در مبانی نظری سلامت روان را برجسته ساخته است. روان‌شناسی رایج، با وجود دستاوردهای تجربی ارزشمند، در تبیین ابعاد معنوی و غایت‌مدار وجود انسان با محدودیت‌هایی مواجه است. در این میان، روان‌شناسی اسلامیِ قرآن‌محور می‌تواند با ارائه تصویری جامع از انسان، افقی نو برای بازتعریف سلامت روان بگشاید. قرآن کریم در تبیین ساحت درونی انسان می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكّاهَا» (شمس: ۹)؛ «به‌راستی رستگار شد آن‌کس که نفس خود را تزکیه کرد»، که بیانگر پیوند بنیادین سلامت و تزکیه در نگرش قرآنی است. هدف این پژوهش، مدل‌سازی مفهومی روان‌شناسی اسلامی قرآن‌محور با رویکردی بین‌رشته‌ای و تبیین ظرفیت آن در بازتعریف سلامت روان است. پژوهش حاضر از نوع بنیادی و نظری–تحلیلی بوده و با استفاده از تحلیل مضمون مفاهیم کلیدی قرآن، از جمله نفس، فطرت و تزکیه، و تطبیق آن با رویکردهای روان‌شناسی معاصر و یافته‌های علوم شناختی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد سلامت روان در چارچوب اسلامی مفهومی چندبعدی است که بر هماهنگی شناختی، هیجانی، رفتاری و معنوی استوار است. در مدل پیشنهادی، «فطرت» به‌عنوان زیرساخت گرایش‌های سالم، «تزکیه» به‌مثابه فرایند تحول درونی و «ذکر و توکل» به‌عنوان سازوکارهای تنظیم هیجانی معرفی می‌شوند. این چارچوب می‌تواند پلی میان الهیات، روان‌شناسی و علوم شناختی ایجاد کرده و زمینه طراحی الگوهای نوین مشاوره قرآن‌محور و تولید دانش بومی در حوزه سلامت روان را فراهم سازد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، قرآن‌محور، سلامت روان، رویکرد بین‌رشته‌ای، مدل مفهومی

بررسی مقایسه‌ای ابزارهای شناخت در روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی معاصر

زهرا هدایتی زفرقندی

دانشجو

hedayatiabass@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و مقایسه ابزارهای شناختی مورد تأکید در دو پارادایم روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی معاصر انجام شده است. روش تحقیق بر پایه مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و داده‌ها از طریق تحلیل متون و منابع مرتبط گردآوری و تدوین شده‌اند. روان‌شناسی معاصر غالباً بر مدل‌های پردازش اطلاعات، طرحواره‌های شناختی و خطاهای شناختی متمرکز است که ریشه در رویکردهای پنجگانه روان‌شناسی دارد. در مقابل، روان‌شناسی اسلامی ابزارهایی مانند تفکر، ذکر، تأمل، نیت و تقوا را به‌عنوان مکانیزم‌های کلیدی تنظیم رفتار و سلامت روان معرفی می‌کند که به بعد معنوی و هدف غایی انسان متصل هستند و بیشتر وجهه درون‌نگرانه و شهودی دارند. نتایج مقایسه نشان می‌دهد که اگرچه مفاهیمی چون «تصحیح افکار» در هر دو حوزه مشترک هستند، اما خاستگاه و غایت‌شناسی آن‌ها متفاوت است. روان‌شناسی معاصر بر بهبود عملکرد در این دنیا تأکید دارد، در حالی که ابزارهای اسلامی علاوه بر سازگاری دنیوی، هدف نهایی خود را کسب رضایت الهی و کمال معنوی قرار می‌دهند و اصلاح شناخت را در خدمت هدف غایی متعالی تعریف می‌نمایند. این مطالعه لزوم ایجاد مدل‌های یکپارچه‌تری را که پل ارتباطی بین این دو دیدگاه باشند، برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی

ابزارهای شناخت، روان‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی معاصر، معرفت، فرایندهای ذهنی

بازتعریف پارادایم‌های روان‌شناسی بر اساس ابعاد و روان‌شناسی ابعادی انسان در آیات خلقت در قرآن

جعفر ترشیزی، کاظم صدیقی، حجت ترشیزی، حسین رضوانی
jafar۳۷۳٤@gmail.com

چکیده

قرآن کریم به‌عنوان منبعی بنیادین در انسان‌شناسی اسلامی، تصویری چندبعدی و سلسله‌مراتبی از وجود انسان ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای بازاندیشی در پارادایم‌های روان‌شناسی معاصر قرار گیرد. روان‌شناسی رایج، علی‌رغم پیشرفت‌های تجربی، غالباً دچار تقلیل‌گرایی در تبیین ماهیت انسان شده و از درک یکپارچه ابعاد معنوی، اخلاقی و غایتمند وجود انسانی بازمانده است. هدف پژوهش حاضر، »ارائه چارچوب روان‌شناسی ابعادی اسلامی» بر اساس آیات خلقت انسان در قرآن کریم و ارائه مدلی پنج‌بعدی از ساختار وجود انسان است. روش پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای تفسیری–نظری بوده و آیات مرتبط با مفاهیم فطرت، طین، طین لازب، صلصال و تراب با اتکا به تفاسیر معتبر قرآنی و آراء فلسفه اسلامی تحلیل شده‌اند. یافته‌ها منجر به استخراج مدلی سلسله‌مراتبی شامل ابعاد فطری–وجدانی، روحی–شخصیتی، صفاتی–اخلاقی، شناختی–ذهنی و زیستی–رفتاری گردید که در آن، سطوح عالی‌تر نقش هدایتگر و تنظیم‌کننده سطوح پایین‌تر را ایفا می‌کنند. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد مدل پنج‌بعدی مبتنی بر قرآن، ظرفیت تبیین سلامت و آسیب روانی را در افقی معنامحور فراهم ساخته و می‌تواند مبنای طراحی مداخلات روان‌شناختی یکپارچه در پیوند با آموزه‌های قرآنی باشد.

واژگان کلیدی

قرآن و روان‌شناسی، روان‌شناسی ابعادی اسلامی، آیات خلقت انسان، فطرت، سلامت روان

تبیین روش‌شناسی تدبری در استخراج الگوی کاهش تعارضات زناشویی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم

مرضیه زرگری، فاطمه فیاض
marziezargari۱۳۵۱@gmail.com

چکیده

تبیین الگوهای رفتاری بر اساس منابع وحیانی نیازمند اتخاذ روش‌شناسی دقیقی است که بتواند میان متن قرآن و نیازهای روان‌شناختی معاصر پیوند برقرار کند. مقاله حاضر با هدف معرفی رویکرد تدبری به‌عنوان یک روش نوین در تولید دانش بومی، به بازخوانی تعارضات زناشویی در قرآن کریم می‌پردازد. در این راستا، با تمرکز بر برداشت‌های گزاره‌ای، واژه‌کاوی، و تحلیل سیاق و پیوندهای مفهومی، فرآیند شناسایی عوامل بحران‌زا در خانواده بازتعریف شده است. یافته‌های حاصل از این رویکرد نشان می‌دهد که تعارضات زناشویی منظومه‌ای متشکل از هشت عامل کلیدی هستند که در آن، اختلال در هویت جنسیتی و حقوق متقابل، نقش محوری ایفا می‌کنند. این پژوهش ضمن دسته‌بندی عوامل پایه‌ای، زمینه‌ای و رفتاری، نشان می‌دهد که چگونه رویکرد تدبری می‌تواند از سطح تفسیر نظری فراتر رفته و به طراحی شیوه‌نامه‌های درمانی و پروتکل‌های مداخله‌ای در حوزه زوج‌درمانی منجر شود. اصالت این تحقیق در ارائه ساختاری نظام‌مند برای تبدیل مفاهیم قرآنی به یک الگوی عملیاتی در روان‌شناسی خانواده نهفته است.

واژگان کلیدی

رویکرد تدبر، تعارضات زناشویی، دانش بومی، شیوه‌نامه درمان، هویت جنسیتی

مدل تحولی خودتنظیمی شناختی–معنوی در قرآن کریم و مقایسه آن با نظریه‌های معاصر خودتنظیمی شناختی در روان‌شناسی

زهرا جیحونیان، منصوره السادات خاتمی، شهریار غریب‌زاده
کارشناسی ارشد پژوهشکده مغز و شناخت، دانشگاه شهید بهشتی
zahra.jeihonian@gmail.com

چکیده

خودتنظیمی به‌عنوان یکی از سازه‌های بنیادین روان‌شناسی، نقشی اساسی در رشد شناختی، هیجانی، اخلاقی و سلامت روان دارد. با این‌حال، بسیاری از نظریه‌های روان‌شناختی آن را در سطحی شناختی–رفتاری تحلیل کرده و کمتر به ابعاد معنوی و غایی آن پرداخته‌اند. در مقابل، قرآن کریم تصویری معنامحور و تحولی از رشد انسان ارائه می‌دهد که در آن، خودتنظیمی فرایندی شناختی–معنوی و اخلاق‌مدار تلقی می‌شود. این پژوهش با رویکردی کیفی و بین‌رشته‌ای می‌کوشد با بازخوانی مفاهیم انسان‌شناختی قرآن، مدلی مفهومی از تحول خودتنظیمی شناختی–معنوی استخراج کرده و آن را با نظریه‌های روان‌شناختی در حوزه‌های خودتنظیمی، کارکردهای اجرایی و فراشناخت مقایسه کند. برای این منظور، مفاهیمی چون تذکر، تدبر، نهی نفس از هوا، محاسبه نفس، تزکیه و نفس مطمئنه به‌صورت تحولی بررسی و با سازه‌های متناظر روان‌شناختی تطبیق داده شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد مدلی پنج‌مرحله‌ای از تحول خودتنظیمی قابل استخراج است که شامل بیداری خودآگاهی، تنظیم توجه، مهار انگیزش‌های آنی، پایش و اصلاح فراشناختی و یکپارچگی شخصیت است. این مراحل با مؤلفه‌های اصلی خودتنظیمی در روان‌شناسی معاصر هم‌پوشی دارند، اما از نظر غایت به‌سوی تزکیه و طمأنینه پایدار جهت می‌یابند. در نتیجه، الگوی قرآنی ضمن توان گفت‌وگو با نظریه‌های علمی، افق معنایی ژرف‌تری برای فهم و پرورش خودتنظیمی انسان فراهم می‌سازد و می‌تواند پایه‌ای برای پژوهش‌های تجربی و مداخلات تربیتی و روان‌شناختی باشد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، خودتنظیمی شناختی–معنوی، کارکردهای اجرایی، فراشناخت، تزکیه نفس

درآمدی بر چیستی تفکر و تدبر در قرآن کریم

فاطمه سیاحیان دهکردی، صادق میراحمدی، سیدمجتبی جلالی
دانشگاه دولتی شهرکرد
fatemeh.sayahiyan@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی چیستی و اهمیت تفکر و تدبر در قرآن کریم می‌پردازد و بر نقش ضروری آن در رشد معنوی و عقلی انسان تأکید دارد. اهداف پژوهش شامل تبیین مفاهیم تفکر و تدبر به‌عنوان فضیلت‌های فکری، ارتقاء سطح معرفت، تقویت مسئولیت‌پذیری عقلی، و هدایت به سوی معرفت توحیدی است. در این پژوهش، اطلاعات و داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روش توصیفی و تحلیل محتوا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. همچنین به نقش قرآن در بیدارسازی اندیشه انسان، پیوند تفکر با ایمان قلبی، و تأثیر آن در اصلاح رفتار اجتماعی و اخلاقی اشاره می‌شود. یافته‌های پژوهش دال بر آن است که تفکر قرآنی، فضیلتی الهی است که انسان را از واکنش‌های غریزی به ژرف‌نگری هدایت کرده و به خودشناسی، خداشناسی و درک هدفمندی هستی رهنمون می‌سازد. تدبر در آیات، راهی برای درک حکمت الهی و دستیابی به معرفت حقیقی است و غفلت از آن، موجب محرومیت از هدایت و تقلیل مرتبه انسانیت می‌گردد.

واژگان کلیدی

تفکر، تدبر، قرآن کریم، آیات الهی، معرفت

بررسی فضیلت فکری حکمت در قرآن کریم

فاطمه سیاحیان دهکردی، صادق میراحمدی، سیدمجتبی جلالی
دانشگاه دولتی شهرکرد
fatemeh.sayahiyan@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی چیستی فضیلت فکری حکمت در قرآن کریم می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش، تبیین چیستی حکمت و اهمیت آن در قرآن است. مفسران در تعریف دقیق آن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. اهداف این پژوهش شامل ارائه تعریفی جامع از حکمت بر اساس آموزه‌های قرآنی و معرفی الگوهای قرآنی حکمت، به‌ویژه داستان حضرت لقمان است. در این پژوهش اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روش توصیفی و تحلیل محتوا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حکمت در قرآن، فراتر از علم صرف، به معنای علم توأم با عمل، شناخت صحیح و تشخیص حق از باطل است. همچنین، تقوا به‌عنوان زمینه‌ساز کسب حکمت از سوی خداوند مطرح شده است. نتیجه اصلی پژوهش حاکی از آن است که حکمت، خیری کثیر و راهنمایی عملی برای زندگی فردی و اجتماعی است که زمینه‌ساز دستیابی انسان به سعادت دنیوی و اخروی است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، حکمت، علم، تقوا، فضیلت فکری

نقد معیار طبقه‌بندی طولی نیازهای انسان و جایگزین قرآنی آن

وحید امیری گازکهن
مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) قم
amirivahid۵۹@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی و نقد «معیارهای دسته‌بندی طولی و مرتبط نیازهای انسان» و ارائه یک چارچوب جایگزین مبتنی بر مفاهیم اصیل قرآنی می‌پردازد. نیازهای انسان، به‌عنوان بنیادی‌ترین مؤلفه‌های رفتار و انگیزش، همواره در کانون توجه علوم مختلف، از روان‌شناسی گرفته تا جامعه‌شناسی و فلسفه، قرار داشته است. با این حال، رویکردهای رایج در طبقه‌بندی این نیازها، به‌ویژه مدل‌های سلسله‌مراتبی، با چالش‌هایی در تبیین ماهیت «اصیل و فطری» و «غایت‌مند» نیازهای انسانی مواجه هستند. این پژوهش با اتکا بر مبانی انسان‌شناختی قرآن کریم خصوصاً «کمال‌طلبی فطری» و «اهداف طولی آفرینش انسان»، تلاش می‌کند تا دسته‌بندی طولی و سلسله‌مراتبی نیازها را بازنگری کرده و نمونه‌ای را معرفی نماید که ضمن جامعیت، با دیدگاه توحیدی و فطری اسلام نیز هم‌خوانی داشته باشد. در این راستا، ضمن نقد رویکردهای موجود، به تبیین چیستی نیاز اصیل انسان از منظر قرآن پرداخته که همان قرب خداوند است و مقدمات دستیابی به آن نیاز را نیازهای تبعی انسان معرفی کرده است که در دو رتبه طولی در حیات انسان قابل بحث است. هدف این مقاله، ارائه چارچوبی نظری است که بتواند درک عمیق‌تری از نیازهای انسان و مراتب طولی آن از بالاترین نیاز تا پایین‌ترین رتبه آن در سه مرتبه طولی، ایجاد کند. این تحقیق با روش جمع‌آوری اسنادی و توصیف و تحلیل داده‌ها و با رویکرد تفسیری فراهم شده است.

واژگان کلیدی

نیاز انسان، دسته‌بندی طولی نیازها، سلسله مراتب نیاز، نیاز در قرآن، نیاز اصیل انسان

مسجد به‌مثابه زیست‌بوم رشد: نقد نظریه‌های «محیط‌های حامی رشد» در روان‌شناسی مدرن و ارائه نظریه «قربِ مکانِ عبادت» بر اساس مراتب نفس در قرآن

محسن تقی‌زاده

مسئول علمی، سطح ۳ حوزوی، فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران

mt۱۳۵۶۸۸۵@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقد نظریه‌های روان‌شناسی مدرن درباره «محیط‌های حامی رشد» و ارائه نظریه بدیلی مبتنی بر قرآن با عنوان «قرب مکان عبادت» انجام شده است. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی از نوع تلخیصی و قیاسی با رویکرد اجتهادی است. ابتدا مفاهیم کلیدی در نظریه بوم‌شناختی برون‌فنبرنر و نظریه خودتعیین‌کنندگی دسی و رایان بازخوانی و سپس بر اساس معیارهای حکمت متعالیه و روان‌شناسی اسلامی نقد شدند. در ادامه با استفاده از روش تفسیر موضوعی قرآن و مراجعه به تفاسیر المیزان، تسنیم و نمونه، آیات مرتبط با «قرب»، «مسجد»، «نفس» و «مراتب آن» (نفس امّاره، لوّامه، مطمئنه) استخراج و تحلیل گردیدند. یافته‌های بخش نخست نشان داد نظریه‌های غربی به چهار دلیل عمده دچار ناکارآمدی در تبیین کارکرد مسجد هستند: فروکاهش حیث قربی به حیث رابطه‌ای، غفلت از مراتب نفس و رشد عمودی، نادیده گرفتن عامل غیبی و برکات مکان، و خودبسندگی روش‌شناختی. یافته‌های بخش دوم به کشف «نظریه قرب مکان عبادت» انجامید که مسجد را نه یک نهاد اجتماعی، بلکه «زیست‌بوم مراتب نفس» تعریف می‌کند. این نظریه دارای سه سطح است: مسجد به‌مثابه بازدارنده نفس امّاره (قرب بازدارنده)، بازخواست‌کننده نفس لوّامه (قرب بازخواست‌کننده) و آرامش‌بخش نفس مطمئنه (قرب آرامش‌بخش). نوآوری پژوهش در ارائه یک مدل قرآنیِ بومی برای طراحی مساجدِ رشدآفرین و نقد بنیادین مفهوم «محیط حامی رشد» از منظر مراتب نفس است. این مقاله برای متخصصان روان‌شناسی اسلامی، معماران مساجد و برنامه‌ریزان شهری کاربرد دارد.

واژگان کلیدی

مسجد، زیست‌بوم رشد، قرب مکان عبادت، مراتب نفس در قرآن، روان‌شناسی اسلامی

واکاوی شناختی مفهوم «استعجال» و راهبرد مقابله‌ای «تفویض» (مطالعه موردی: آیه ۵۷ سوره انعام)

مسعود فهامی
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان
m.fahami@ahl.ui.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر، رفتار مشرکان در درخواست زودهنگام عذاب (ذیل آیه ۵۷ سوره انعام) را می‌کاود؛ تلاشی که غایت آن، صورت‌بندی مدلی مبتنی بر رویکردهای تنظیم هیجان است. این مطالعه کیفی با رهیافتی توصیفی–تحلیلی، پیوندی میان‌رشته‌ای میان مطالعات تفسیری قرآن و روان‌شناسی شناختی برقرار می‌سازد. تحلیل گزاره‌ها پرده از واقعیتی ظریف برمی‌دارد. پدیده «استعجال» در رفتار مخاطبان آیه، صرفاً بازتابی از لجاجت عقیدتی نیست. از منظر شناختی، یک مکانیسم دفاعی ناسازگار مطرح شده است. ریشه این ناسازگاری را باید در نقص «تحمل ابهام» و ابتلا به فوریت منفی جست‌وجو کرد. ذهن مضطرب برای گریز از فشار وضعیت تعلیق، تاب‌آوری خود را از دست می‌دهد. در این نقطه، فرد به سوی یک پایان قطعی چنگ می‌اندازد؛ حتی اگر این پایان ویرانگر باشد. در برابر این اختلال شناختی، راهبرد حکیمانه پیامبر(ص) مطرح می‌شود. ایشان بر اساس لنگرگاه شناختی «بیّنه»، مداخله‌ای بی‌بدیل به نام «تفویض» را رقم می‌زنند. صورت‌بندی گزاره «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» در این بافتار، عالی‌ترین سطح از ارزیابی شناختی را در لحظات بحران بازنمایی می‌کند. گذار آگاهانه از استعجال به ساحت تفویض، یک جابه‌جایی کلامی ساده نیست؛ بلکه یک تغییر پارادایم شناختی عمیق است. این فرآیند با انتقال منبع کنترل از ساحت محدود انسانی به قدرت نامحدود خداوند، بار شناختی ذهن را کاسته و اضطراب برآمده از انتظار را مهار می‌کند. برآیند این واکاوی نشان می‌دهد مدل قرآنی تفویض، ظرفیتی غنی برای کاربست به‌عنوان یک مدل بومی دارد؛ چارچوبی که می‌تواند در گستره روان‌شناسی سلامت، یاری‌گر انسان معاصر در تنظیم هیجاناتش باشد.

واژگان کلیدی

استعجال، تحمل ابهام، راهبردهای مقابله‌ای، تفویض، سوره انعام

بازسازی شبکه‌ای مفهومی از زیست مطلوب و مواجهه با ناگواری در قرآن: گفت‌وگویی تطبیقی با چهار رویکرد روان‌شناختی

زهره قادری
پژوهشگر برون‌سازمانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
zo.ghaderi@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، بازسازی شبکه مفهومی قرآنی درباره «زیست مطلوب» و «مواجهه با ناگواری» و بررسی نسبت آن با چهار رویکرد روان‌شناختیِ بهزیستی فاعلی، بهزیستی روان‌شناختی، لوگوتراپی و رشد پس از سانحه است. روش پژوهش، تحلیل مفهومی و بازسازی شبکه‌ای بر اساس آیات و تفاسیر منتخب و مقایسه تطبیقی با ادبیات نظری چهار رویکرد است. شبکه مفهومی قرآنی در چهار سطح بازسازی می‌شود: «افق ارزشی» (حیات طیبه، ایمان و عمل صالح)، «ساختار فاعل» (شاکله، وسع، تکلیف، کنش)، «موقعیت آزمون» (ابتلاء، ضرّ و عسر)، و «مواجهه مطلوب» (ذکر، طمأنینه). تحلیل روابط میان این سطوح نشان می‌دهد که زیست مطلوب از وضعیت روانی منفرد آغاز نمی‌شود، بلکه از نسبت میان افق ارزشی، فاعلیت، آزمون و مواجهه توحیدی صورت‌بندی می‌گردد. با وجود هم‌پوشانی‌هایی در سطح تجربه و کارکرد، این شبکه را نمی‌توان با هیچ‌یک از سازه‌های روان‌شناختی هم‌ارز گرفت. یافته اصلی پژوهش آن است که تفاوت قرآن و این رویکردها صرفاً تفاوت در محتوای یک سازه واحد نیست، بلکه تا حدی به تفاوت در سطح تحلیل مربوط می‌شود: رویکردهای روان‌شناختی عمدتاً از وضعیت، کارکرد یا تجربه فرد آغاز می‌کنند، در حالی که شبکه قرآنی از روابطی آغاز می‌کند که فاعل، کنش، افق ارزشی، تکلیف، آزمون و مواجهه توحیدی را به یکدیگر متصل می‌کنند. دلالت روش‌شناختی این یافته برای روان‌شناسی اسلامی آن است که واحد تحلیل مناسب برای مطالعه زیست مطلوب در منابع اسلامی، نه یک سازه منفرد، بلکه رابطه میان مفاهیم است.

واژگان کلیدی

قرآن، زیست مطلوب، حیات طیبه، بهزیستی روان‌شناختی، روش‌شناسی روان‌شناسی اسلامی

الهیات آسیب روانی در قرآن کریم؛ بازسازی الگویی سه‌سطحی برای تبیین آشفتگی‌های روانی، معنوی و اخلاقی انسان

آرش رجبی، سیده معصومه طباطبایی
دانشگاه امیرکبیر
eshragh.sadra@gmail.com

چکیده

سلامت و اختلال روانی در روان‌پزشکی و روان‌شناسی معاصر عمدتاً در چارچوب مدل زیستی–روانی–اجتماعی و نظام‌های تشخیصی چون راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی و طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها تبیین می‌شود. با وجود کارآمدی این رویکردها در توصیف و درمان اختلالات، برخی پژوهشگران فلسفه روان‌پزشکی و روان‌شناسی دین بر محدودیت این الگوها به ساحت‌های کارکردی و غفلت از ابعاد وجودی، معنایی و غایت‌شناختی انسان تأکید دارند. پژوهش حاضر می‌کوشد با بازخوانی دستگاه مفهومی قرآن، چارچوبی وجودی–معنایی برای فهم سطوح آسیب روانی ارائه دهد. این پژوهش کیفی و بنیادی، با روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار بر پیکره‌ای از آیات قرآن، همراه با تحلیل تفسیری–ساختاری و مثلث‌سازی تفاسیر معتبر انجام شده و با تمرکز بر مفاهیم نفس، قلب، مرض، رجس و غی، به بازسازی شبکه معنایی آسیب انسانی پرداخته است. یافته‌ها سه سطح تحلیلی را در منظومه قرآنی نشان می‌دهد: کژکارکردی قوای نفس و آشفتگی‌های غیرارادی ادراکی، هیجانی یا رفتاری؛ گسست معنوی–وجودی در نسبت انسان با خداوند که با «مرض القلب» بیان شده؛ و تثبیت تدریجی گرایش‌های انحرافی و رذایل اخلاقی در شخصیت که با رجس و غی تحلیل می‌شود. قرآن میان اختلالات کارکردی، بحران‌های معنوی و انحرافات اخلاقی تمایز قائل شده و هر را در سطحی متفاوت از حیات انسانی تبیین می‌کند. در این چارچوب، آسیب روانی نه فقط پدیده‌ای زیستی یا رفتاری، بلکه در نسبت انسان با فطرت، معنا، حقیقت و هدایت الهی فهم می‌شود. الگوی پیشنهادی که تفسیری–مفهومی است و نیازمند اعتبارسنجی تجربی آتی، امکان گفت‌وگو میان الهیات اسلامی و علوم روان‌شناختی را برای فهمی چندلایه و فرهنگ‌حساس از سلامت روان فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

آسیب روانی، سلامت روان، قرآن کریم، مرض القلب، فلسفه روان‌پزشکی

تحلیل تطبیقی رشد اخلاقی از منظر قرآن و نظریه کلبرگ؛ بررسی مبانی، مراحل و غایات

فاطمه عسکری، پرویز عسگری
استاد، گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
askary٤٧@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل تطبیقی رشد اخلاقی از منظر قرآن و نظریه کلبرگ؛ بررسی مبانی، مراحل و غایات است. حوزه پژوهش کلیه متون روایی مرتبط با رشد اخلاقی از منظر قرآن و نظریه کلبرگ و همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه است و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده تحقیق، مروری می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع الکترونیکی و تحقیقات انجام‌شده بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر اساس رویکرد توصیفی–تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان داد، رشد اخلاقی در قرآن جامع‌تر از نظریه کلبرگ است، زیرا علاوه بر جنبه‌های شناختی و اجتماعی، بعد عرفانی، عاطفی و الهی را نیز در بر می‌گیرد. نظریه کلبرگ یک مدل شناختی–اجتماعی برای تبیین چگونگی شکل‌گیری قضاوت اخلاقی بر اساس ساختارهای عقلانی ارائه می‌دهد. دیدگاه قرآن یک مدل غایت‌شناختی و وجودی است که بر چرایی عمل اخلاقی (ارتباط با خالق) تأکید دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، مدل کلبرگ می‌تولند به‌عنوان توصیفی از مراحل رسیدن به بلوغ اجتماعی و عقلی اخلاقی تلقی شود، اما چارچوب قرآنی یک مدل جامع‌تر است که این بلوغ عقلانی را در خدمت تعالی روح و تحقق مقام عبودیت و رحمت الهی می‌داند و عامل ایمان را محرک اصلی و نهایی حرکت اخلاقی می‌داند.

واژگان کلیدی

قرآن، رشد اخلاقی، نظریه کلبرگ، غایت‌شناسی، ایمان

واکاوی تطبیقی مفهوم شناخت در روان‌شناسی مدرن و مفهوم معرفت در پارادایم قرآنی: یک مطالعه کیفی

زهرا جیحونیان، شهریار غریب‌زاده
کارشناسی ارشد پژوهشکده مغز و شناخت دانشگاه شهید بهشتی
zahra.jeihonian@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تطبیقی مفهوم «شناخت» در روان‌شناسی مدرن و مفهوم «معرفت» در پارادایم قرآنی انجام شده است. این مطالعه از حیث رویکرد، کیفی و از نظر هدف، بنیادی است و با روش تحلیل مفهومی–تطبیقی به بررسی مبانی، مؤلفه‌ها و دلالت‌های دو دستگاه مفهومی یادشده می‌پردازد. در بخش روان‌شناسی مدرن، شناخت عمدتاً به‌مثابه مجموعه‌ای از فرایندهای ذهنی شامل ادراک، توجه، حافظه، زبان، استدلال و حل مسئله تعریف می‌شود که کارکرد اصلی آن، پردازش اطلاعات، سازگاری با محیط و بهبود عملکرد است. در مقابل، در پارادایم قرآنی، معرفت مفهومی چندلایه، وجودی و جهت‌مند است که افزون بر عقل و حس، با قلب، هدایت، اخلاق و عمل پیوند می‌یابد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند هر دو رویکرد، انسان را موجودی ادراک‌گر و در معرض خطا می‌دانند، اما در مبانی هستی‌شناختی، منابع ادراک، نسبت با ارزش و اخلاق، موانع شناخت و غایت نهایی تفاوت‌های اساسی دارند. در روان‌شناسی مدرن، خطا بیشتر در قالب محدودیت‌های پردازشی و سوگیری‌های شناختی تبیین می‌شود، حال آنکه در منطق قرآنی، غفلت، تکبر، پیروی از ظن و آلودگی قلب نیز از موانع معرفت به شمار می‌آیند. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مقایسه تطبیقی این دو مفهوم می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری چارچوبی میان‌رشته‌ای برای فهم جامع‌تر آگاهی انسانی باشد؛ چارچوبی که در آن، دقت تجربی روان‌شناسی با ابعاد معنوی، اخلاقی و غایی معرفت انسانی تکمیل شود.

واژگان کلیدی

شناخت، معرفت، روان‌شناسی مدرن، پارادایم قرآنی، تحلیل تطبیقی

قرآن، روان‌شناسی و آینده دانش: گذار از رویکرد توصیفی به رویکرد آینده‌ساز

سید محمدمهدی حکیم، انسیه جباری، رضا میرغلامی مشهد

دانشجوی دارالحکمه کانادا و فارغ التحصیل مهندسی آینده پژوهی

mahdy.h۲۰۰۷@gmail.com

چکیده

تحولات پرشتاب در حوزه علم و دانش، ضرورت بازاندیشی در مبانی نظری و جهت‌گیری‌های علوم انسانی را بیش از پیش آشکار ساخته است. این مقاله با هدف تبیین نقش قرآن و آموزه‌های آن در ارتقای کارکردهای روان‌شناسی و مشاوره، به بررسی گذار از رویکردهای صرفاً توصیفی به رویکردهای آینده‌ساز در تولید و جهت‌دهی به دانش می‌پردازد. در این چارچوب، روان‌شناسی و مشاوره نه صرفاً به‌عنوان حوزه‌های کاربردی، بلکه به‌مثابه ابزارهایی برای فهم عمیق‌تر انسان در پرتو معرفت قرآنی مورد توجه قرار می‌گیرند. روش پژوهش این مقاله کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی و تحلیل مفهومی آموزه‌های قرآنی و ادبیات مرتبط با روان‌شناسی است. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که تلفیق مبانی قرآنی با رویکردهای روان‌شناختی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نگاهی فعال، مسئله‌محور و آینده‌نگر در علوم انسانی باشد، نگاهی که از سطح توصیف وضعیت موجود فراتر رفته و به سمت طراحی آینده مطلوب حرکت می‌کند. در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که پیوند میان قرآن، روان‌شناسی و مشاوره ظرفیت آن را دارد که به شکل‌گیری یک پارادایم آینده‌ساز در علوم انسانی کمک کند، پارادایمی که هم در سطح نظری و هم در سطح کاربردی، امکان بازتعریف نقش انسان و جهت‌گیری دانش را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی

معرفت قرآنی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، علوم انسانی، رویکرد آینده‌ساز

مروری انتقادی بر نظریه تحول ایمان فاولر

فرشته زارعی، مسعود آذربایجانی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
fzarei@rihu.ac.ir

چکیده

نظریه تحول ایمان جیمز فاولر از زمان مطرح شدن، به‌عنوان یکی از ساختارمندترین تلاش‌ها برای پیوند روان‌شناسی تحولی با الهیات شناخته می‌شود. روش این پژوهش توصیفی–تحلیلی بوده و هدف آن، بررسی و تحلیل انتقادی این نظریه از زوایای الهیاتی، روان‌شناختی و روش‌شناختی است. در این مقاله، ابتدا ریشه‌های شکل‌گیری نظریه و ساختار مراحل هفت‌گانه آن تشریح شده و سپس چالش‌های بنیادین آن مورد واکاوی قرار گرفته است. یافته‌های این بررسی انتقادی نشان می‌دهد که نظریه فاولر در بعد الهیاتی، از جنبه‌های «تقلیل‌گرایی در تعریف انسان»، «تمرکز بیش از حد بر فاعلیت انسان» و «نادیده گرفتن نقش مستقیم فیض الهی» مورد نقد قرار می‌گیرد. در بعد روان‌شناختی، «غلبه بیش از حد ساختارگرایی شناختی» و «غفلت از بعد رفتاری» از ضعف‌های این نظریه به شمار می‌رود. ادعای جهان‌شمولیِ مراحل، با چالش سوگیری‌های غربی–مسیحی روبرو است. علاوه بر این، شواهد تجربی طولی، فرضیه خطی و بازگشت‌ناپذیر بودن مراحل را ابطال کرده است. در نهایت، این مقاله سه رویکرد جایگزین شامل «منطق دگرگونی» لودر، «سبک‌های مذهبی» اشترایب و «مدل فرآیندی چهارگانه» جونز را که نشأت گرفته از نظریه تحول ایمان فاولر هستند، معرفی می‌کند. نتایج پژوهش بر ضرورت عبور از مدل‌های صلب غربی و طراحی مدل‌های فرآیندی بومی و اسلامی تأکید دارد؛ مدل‌هایی که بتوانند مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی، پویایی‌های ایمان را در نظام روانی انسان تبیین نمایند.

واژگان کلیدی

فاولر، تحول معنوی، روان‌شناسی معنوی، تیپ‌های دینی، پلورالیزم دینی

خودتنظیمی روان‌شناختی در پرتو آموزه‌های قرآن کریم: دلالت‌هایی برای آینده روان‌شناسی و مشاوره اسلامی

احسان کرمی شهریار

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

e.karami٦٩١@gmail.com

چکیده

خودتنظیمی روان‌شناختی از سازه‌های مهم در روان‌شناسی معاصر است که به توانایی فرد در مدیریت هیجان‌ها، هدایت رفتار، ارزیابی موقعیت‌ها و تنظیم کنش‌ها در راستای اهداف اشاره دارد. با توجه به اهمیت این توانایی در سلامت روان، سازگاری فردی و کیفیت روابط اجتماعی، بررسی مبانی و ظرفیت‌های آن در آموزه‌های قرآن کریم می‌تواند زمینه‌ای برای توسعه رویکردهای بومی در روان‌شناسی و مشاوره اسلامی فراهم آورد. پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های خودتنظیمی روان‌شناختی در پرتو آموزه‌های قرآن کریم و بررسی دلالت‌های آن برای آینده روان‌شناسی و مشاوره اسلامی انجام می‌شود. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر مطالعه اسنادی و تحلیل مفهومی آیات مرتبط با شناخت، هیجان، اراده و رفتار انسان است. در این راستا، مفاهیمی همچون محاسبه نفس، صبر، کظم غیظ، پرهیز از پیروی هواهای نفسانی، تعقل و مسئولیت‌پذیری بررسی می‌شوند تا ظرفیت آن‌ها برای تبیین ابعاد شناختی، هیجانی، انگیزشی و رفتاری خودتنظیمی روشن شود. انتظار می‌رود تحلیل این مفاهیم به ارائه چارچوبی مفهومی برای تبیین خودتنظیمی در رویکرد قرآنی بینجامد، چارچوبی که ضمن توجه به ابعاد درونی و اخلاقی رفتار انسان، بتواند در توسعه مبانی نظری مشاوره اسلامی و طراحی پژوهش‌های کاربردی برای تقویت مهارت‌های خودتنظیمی مورد استفاده قرار گیرد. وجه تمایز این پژوهش، تلاش برای برقراری پیوندی نظام‌مند میان مفاهیم قرآنی و ابعاد خودتنظیمی روان‌شناختی، با هدف فراتر رفتن از بررسی جداگانه مفاهیم اخلاقی و معنوی است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، خودتنظیمی روان‌شناختی، روان‌شناسی اسلامی

طمأنینه وجودی در قرآن کریم: صورت‌بندی یک مدل مفهومی سه‌لایه و مقایسه نظری با رویکردهای معاصر روان‌شناسی

پریسا اعتمادفر، پیام عباسی
دانشگاه اصفهان
parisaetamadfar@gmail.com

چکیده

از منظر انسان‌شناسی اسلامی، سلامت روان را نمی‌توان صرفاً به نبود اختلال یا تجربه هیجان‌های مثبت محدود کرد؛ باورهای دینی، معنا، عمل عبادی، فضیلت اخلاقی و رابطه انسان با خداوند نیز در فهم سلامت و کارکرد مطلوب انسان نقش دارند. مسئله اصلی آن است که با وجود مطالعات پیشین در روان‌شناسی اسلامی، نسبت نظری میان این ابعاد و نقش مفاهیم قرآنی مرتبط با آن‌ها هنوز در قالب یک چارچوب منسجم صورت‌بندی نشده است. هدف این پژوهش سازمان‌دهی نظری مجموعه‌ای از مفاهیم قرآنی منتخب، تبیین نقش نظری آن‌ها در تحلیل سلامت روان در قرآن کریم، و مقایسه کارکردی محدود آن‌ها با رویکردهای روان‌شناسی معاصر است، بدون تقلیل آن‌ها به سازه‌های متعارف روان‌شناختی. پژوهش با رویکردی نظری و توصیفی–تحلیلی انجام شده است؛ واحد تحلیل، مفهوم قرآنی در سیاق آیه و زمینه تفسیری آن بر پایه تفسیر «The Study Quran» بوده و آیات مرتبط تحلیل و با ادبیات روان‌شناسی معاصر مقایسه شده‌اند. حاصل تحلیل، مدلی مفهومی سه‌لایه است: «مبانی شناختی–اعتقادی»، «فرایندهای تنظیم‌گر»، و «فضایل وجودی». این لایه‌ها نقش‌های نظری متفاوتی دارند و ترتیب آن‌ها بیانگر مسیری مرحله‌ای یا رابطه علّی میان مؤلفه‌ها نیست. بر همین اساس، «طمأنینه وجودی» به‌عنوان پیامدی نظری برای توصیف انسجام نسبی میان جهان‌بینی دینی، معنای تجربه، شیوه مواجهه و عمل فرد و رابطه او با خداوند پیشنهاد می‌شود. مدل حاضر ماهیتی نظری و اکتشافی دارد و ارزیابی آن به پالایش مفهومی، اعتبارسنجی کیفی، توسعه ابزار سنجش و آزمون تجربی روابط پیشنهادی نیاز دارد.

واژگان کلیدی

طمأنینه وجودی، قرآن کریم، سلامت روان، روان‌شناسی اسلامی، معناپردازی

بررسی تطبیقی بحران پاداش فوری در عصر هوش مصنوعی و چارچوب شناختی–قرآنی «صبر» به‌مثابه ابزار خودتنظیمی عصب‌شناختی

معصومه طاهری آکردی، سجاد رمضانی، فرزانه عنایتی اقبال
دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان
masomehtaheri۲۲@gmail.com

چکیده

عصر حاضر، به دلیل تسلط هوش مصنوعی و الگوریتم‌های طراحی‌شده برای ایجاد «پاداش‌های فوری»، انسان‌ها با بحران‌های شناختی و هیجانی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو هستند. گسترش فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و الگوریتم‌های شخصی‌سازی محتوا، الگوی دریافت پاداش در انسان را به‌طور اساسی دگرگون کرده است. دسترسی سریع به اطلاعات، سرگرمی، خرید و تعاملات اجتماعی، گرایش «پاداش فوری» را تقویت کرده و در نتیجه ظرفیت خودکنترلی، تحمل تأخیر در ارضای نیازها و پایداری شناختی را کاهش داده است. در واقع «پاداش فوری» تعادل سیستم‌های عصبی و توانایی خودتنظیمی را مختل کرده است. تداوم چنین الگویی می‌تواند انتظار را از یک مرحله طبیعی در فرآیند دست‌یابی به هدف، به تجربه‌ای ناخوشایند تبدیل کند و فرد را به سوی انتخاب‌های سریع و کم‌تأمل سوق دهد. مسئله اساسی این پژوهش، بررسی ظرفیت آموزه‌های قرآنی «صبر» به‌عنوان مبنایی برای تقویت خودتنظیمی و مواجهه با فرهنگ پاداش فوری در عصر هوش مصنوعی است. در روان‌شناسی مثبت‌گرا، تمرکز از دفع آسیب به سمت نقاط قوت است و نتایج حاکی از آن است که صبر به انسان کمک می‌کند تا به جای لذت‌های گذرا، به سمت «بهزیستی و شکوفایی» حرکت کند و یافته‌ها بیانگر آن است که «صبر» در منظومه قرآنی، مفهومی فعال، پویا و هدفمند است که با مؤلفه‌هایی همچون مهار خواسته‌های آنی و لحظه‌ای، مقاومت در برابر محرک‌های وسوسه‌انگیز و استمرار در مسیر اهداف ارزشمند، ارتباط دارد. پژوهش حاضر، با روش توصیفی–تحلیلی و با تلفیق یافته‌های علوم اعصاب، آموزه‌های قرآنی و نظریات روان‌شناسی مثبت‌گرا انجام شده است.

واژگان کلیدی

پاداش فوری، صبر، هوش مصنوعی، خودکنترلی، خودتنظیمی عصب‌شناختی

مرور نظام‌مند مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامی (مطالعه موردی: ۱۲ مقاله پژوهشی)

احمد لامعی گیو، سمیه اقبالی نسب
دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بیرجند
somaye.eghbali٦٥@gmail.com

چکیده

روان‌شناسی اسلامی یک رویکرد علمی و دینی است که با تکیه بر منابع اسلامی (قرآن و سنت) و میراث فلسفی و عرفانی مسلمانان، به مطالعه نفس انسان و کارکردهای آن می‌پردازد تا با کشف قوانین حاکم بر آن، زمینه دستیابی به سلامت روان و حیات طیبه را در مسیر بندگی و تقرب به خداوند فراهم سازد. این رویکرد در تقابل با روان‌شناسی غربی، بر ابعاد معنوی و فطری انسان تأکید دارد و انسان را موجودی مختار، مسئول و هدفمند می‌داند که غایت نهایی او فراتر از کارکرد مؤثر و سازگاری اجتماعی است. در این راستا، مطالعه، واکاوی و فراتحلیل روان‌شناسی اسلامی امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد. بررسی مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامی از اهداف اصلی تحقیق حاضر می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع کیفی، بر آن است تا به روش توصیفی–تحلیلی با مطالعه جامعه آماری ۱۲ عنوان مقاله در راستای موضوع تحقیق حاضر با استناد به منابع کتابخانه‌ای و به طریق فیش‌برداری از منابع مکتوب و ترسیم جدول‌های سه‌گانه و سنجش میانگین و فراوانی محورها و اصول به توصیف مفاهیم محوری این حوزه پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مجموعه مفاهیم ذکرشده، سعادت که هدف غایی آفرینش انسان است را تضمین می‌کند. در تحلیل آماری و کمی مباحث مذکور، بر هر کدام از مفاهیم شادکامی، منابع اسلامی، سلامت معنوی، تکیه بر آموزه‌های انسان‌ساز قرآن کریم، مدل مفهومی، اعتباریابی یا سنجش، روان‌شناسی اسلامی و روابط زوجین یا خانواده تأکید و توجه شده است.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، مؤلفه‌های مفهومی، بومی‌سازی، تحلیل محتوای کیفی، سلامت معنوی

مرور دامنه‌ای تلاش‌های مدل‌سازی روان‌شناختی تحول معنوی انسان مبتنی بر منابع اسلامی

محمد رضائی
دانشجوی دانشگاه شاهد
rezaei۲۰۰۱mo@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش ترسیم و تحلیل مطالعات مدل‌سازی تحول معنوی انسان بر پایه منابع اسلامی در بافت روان‌شناختی بود. این مرور دامنه‌ای با جست‌وجوی عمدتاً عنوان‌محور در گوگل اسکالر، گنج ایرانداک و نورمگز و با واژگان فارسی و انگلیسی مرتبط انجام شد. از ۱۹۱ رکورد، ۷۶ مورد برای بررسی بیشتر حفظ شد؛ متن کامل دو مورد در دسترس نبود و از ۷۴ متن ارزیابی‌شده، ۱۲ مطالعه وارد مرور شد. داده‌ها به‌صورت توصیفی و بر پایه مبانی اسلامی، عمق و صورت‌بندی روان‌شناختی مدل‌ها، شیوه شکل‌گیری و اعتبارسنجی آن‌ها تحلیل شدند. اندونزی با چهار مطالعه بیشترین سهم را داشت و مطالعه‌ای از ایران وارد مرور نشد. در مبانی مطالعات، آرای غزالی برجسته‌تر بود و از اندیشه‌های محمد اقبال، مولوی و ابن‌عربی نیز استفاده شد. مدل‌ها مؤلفه‌ها، مراحل و جهت کلی تحول را روشن‌تر از فرایند گذار و سازوکار تغییر توضیح می‌دادند؛ تبیین این فرایند در هشت مطالعه محدود یا ناکافی بود. هیچ مطالعه‌ای اعتبارسنجی مستقل بیرونی مدل نهایی خود را گزارش نکرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، به‌ویژه در ایران، ظرفیت آثار روح‌الله خمینی، علی صفایی حائری، علامه طباطبایی و دیگر اندیشمندان اسلامی را برای مدل‌سازی تحول معنوی به‌صورت نظام‌مند بررسی کنند، سازوکار تغییر را با دقت و عمق روان‌شناختی بیشتری تبیین کنند، مسیر ساخت مدل را شفاف گزارش دهند و مدل‌ها را در مطالعات مستقل اعتبارسنجی کنند. این مسیر می‌تواند دانش رشد معنوی و تربیت را توسعه دهد و مبنای نظری روان‌شناسی اسلامی و درمان‌های معنویت‌محور را تقویت کند.

واژگان کلیدی

تحول معنوی، روان‌شناسی اسلامی، مدل‌سازی روان‌شناختی، مرور دامنه‌ای، منابع اسلامی

مؤلفه‌های روان‌شناختی گرایش به دین‌گریزی در جوامع دینی: با رویکرد مطالعه فراترکیب

محمد موسی محمدی

مؤسسه دین‌پژوهی التوحید

mosamohammadi٤@gmail.com

چکیده

پدیده دین‌گریزی در جوامع دینی به‌عنوان چالشی روان‌شناختی و فرهنگی، نیازمند بررسی عمیق عوامل مؤثر بر آن است. هدف این پژوهش، شناسایی، طبقه‌بندی و تبیین مؤلفه‌های روان‌شناختی گرایش به دین‌گریزی در چنین جوامعی است. پژوهش با رویکرد کیفی و روش فراترکیب به شیوه سندلوسکی و باروسو انجام شد. منابع پژوهش شامل مطالعات علمی معتبر داخلی و خارجی بود که پس از غربالگری نظام‌مند، ۲۵ مطالعه کیفی با کیفیت بالا انتخاب گردید. فرایند تحلیل در هفت مرحله شامل تنظیم سؤال پژوهش، بررسی متون، جستجو و انتخاب مقالات، استخراج اطلاعات، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی، کنترل کیفیت و ارائه نتایج اجرا شد. در این فرایند، از کدگذاری باز، محوری و انتخابی برای استخراج و یکپارچه‌سازی مضامین استفاده گردید. یافته‌های اصلی نشان داد که مؤلفه‌های روان‌شناختی مؤثر بر دین‌گریزی در ابعاد فردی (مانند تضاد شناختی، بحران هویتی و رنج عاطفی)، اجتماعی–فرهنگی (مانند تأثیر رسانه‌ها و فشارهای خانوادگی)، تاریخی و اقتصادی طبقه‌بندی می‌شوند و این عوامل در تعامل با یکدیگر، فرایندهایی همچون تردید فکری و دگرگونی اعتقادی را شکل می‌دهند. در نتیجه، پژوهش الگویی چندبعدی ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات روان‌شناختی و فرهنگی در جهت تقویت انسجام دینی و پیشگیری از گرایش‌های دین‌گریزی در جوامع دینی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

دین‌گریزی، الحاد، روان‌شناسی دین، تحلیل روان‌شناختی، جوامع دینی

محور دوم:

روان درمانی با رویکرد روان شناسی اسلامی

ایمان و تعالی روان: راهبردهای پیشگیرانه و درمانی اختلالات روان‌شناختی

سوده واحدیان مظلوم

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، مرکز تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
s.vahedian۷۵@gmail.com

چکیده

ایمان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های محوری روان‌شناسی اسلامی، نقش کلیدی در پیشگیری و درمان اختلالات روحی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی پیوند میان ایمان و سلامت روان، به تحلیل ریشه‌های اختلالات روانی ناشی از ضعف ایمان پرداخته و راهکارهای درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را ارائه می‌نماید. این مطالعه از نوع کیفی، بنیادی–کاربردی و با رویکرد تحلیلی–استنباطی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی گردآوری گردید و شامل آیات قرآن کریم، روایات معتبر از منابع اصلی شیعی، تفاسیر معتبر و متون روان‌شناسی اسلامی همراه با مطالعات معاصر بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار و در سه مرحله شناسایی زمینه‌ها، گروه‌بندی مفهومی و مدل‌سازی انجام گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که ضعف ایمان، ریشه اصلی بسیاری از اختلالات روانی نظیر حرص، حسد، قساوت قلب، اضطراب، افسردگی و خودپرستی به شمار می‌رود. این اختلالات نه‌تنها موجب ناسالمی روان و بروز رفتارهای ضداجتماعی (مانند خشونت و فروپاشی خانواده) می‌شوند، بلکه از طریق تعامل دوسویه جسم و روان، سلامت جسمانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. در مقابل، ایمان واقعی مبتنی بر یقین توحیدی و معاد، با ایجاد آرامش قلبی و تقویت «قلب سلیم»، به‌عنوان عامل محافظتی و درمانی قدرتمند عمل می‌کند. پژوهش حاضر مدل مفهومی تلفیقی نوینی را پیشنهاد می‌کند که ایمان را با مداخلات روان‌شناسی مثبت اسلامی همچون شکرگزاری، توکل و محاسبه نفس ادغام می‌نماید. در مجموع، تقویت ایمان به‌مثابه غذای روح، نه‌تنها در پیشگیری از اختلالات روانی مؤثر است، بلکه درمان جامع را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، ایمان، سلامت روان، اختلال روان، قلب سلیم

اثربخشی درمان وجودگرایانه معنویت‌محور بر درک بیماری، احساس امنیت فردی و خودیابی مردان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه با تجرد قطعی

بدرالسادات مرتضوی شاهرودی

دانشجو

badrossadat.mortazavi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین اثربخشی درمان وجودگرایانه معنویت‌محور بر درک بیماری، احساس امنیت فردی و خودیابی مردان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه با تجرد قطعی بود. این پژوهش به روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون دو گروهی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه مردان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه با تجرد قطعی در شهر اراک بود که در سال ۱۴۰۴ برای دریافت درمان‌های روان‌شناختی به مرکز مشاوره و روان‌شناسی امین مراجعه کرده بودند. در این پژوهش، ۲۴ نفر با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب و سپس به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۲ نفره (آزمایش و گواه) جایگزین شدند. گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت درمان وجودگرایانه معنویت‌محور قرار گرفتند و در نهایت پس از ریزش نمونه، ۲۰ شرکت‌کننده مداخله را با موفقیت به پایان رساندند. گروه گواه در این مدت هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. لازم به ذکر است که به منظور همتاسازی گروه‌ها، به تعداد افراد ریزش‌کرده از گروه آزمایش، به‌صورت تصادفی از گروه گواه نیز حذف شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه درک بیماری (فرم کوتاه)، مقیاس احساس امنیت فردی و مقیاس خودیابی بود. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تک‌متغیره بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که بین میانگین نمرات پس‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد؛ به‌طوری‌که درمان وجودگرایانه معنویت‌محور به شکل معناداری موجب بهبود درک بیماری، احساس امنیت فردی و خودیابی مردان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه با تجرد قطعی شد.

واژگان کلیدی

درمان وجودگرایانه معنویت‌محور، درک بیماری، احساس امنیت فردی، خودیابی، اختلال استرس پس از سانحه

تحلیل تأثیر مؤلفه‌های شادکامی مبتنی بر ماندگاری و اطاعت بر شکل‌گیری و تقویت فرهنگ مقاومت اسلامی

محمد داوری دولت‌آبادی
استادیار گروه معارف و علوم انسانی، دانشگاه امیرکبیر
m٤٩٣٩٠٢٨@gmail.com

چکیده

این پژوهش با رویکردی تحلیلی- تفسیری، به تبیین نسبت ساحت‌های مختلف «شادکامی» با تکوین و تعمیق «فرهنگ مقاومت اسلامی» می‌پردازد. بر اساس واکاوی نظام‌مند متون بنیادین اسلامی (قرآن، روایات و تفاسیر معتبر)، یافته‌ها حاکی از آن است که شادکامی در پارادایم دینی، مفهومی فراتر از هیجان‌های زودگذر یا رضایت‌های صرفاً روان‌شناختی است؛ بلکه سازه‌ای پایدار، معنابخش و غایت‌محور است که در گرو ایمان راستین، اطاعت آگاهانه از خداوند و ارتباط وجودی مستمر با مبدأ هستی تحقّق می‌یابد. در این چارچوب، »شادکامی مبتنی بر اطاعت» ـ که از هماهنگی معرفت، نیت و عمل سرچشمه می‌گیرد ـــ با ایجاد انسجام درونی، تقویت مهارگزاری نفس و تعمیق بصیرت دینی، بستر روان‌شناختی و عملی لازم برای کنشگری مقاومتیِ فردی و اجتماعی را پدید می‌آورد. این سطح از شادکامی، التزام جهادی به ارزش‌ها و مقاومت در برابر انحرافات را ممکن می‌سازد. در مرتبه‌ای ژرف‌تر، «شادکامی ماندگار» ـ که بر محور ذکر دائمی، تسلیم در برابر قضای الهی، انجام مناسک عبادی آگاهانه و پیوند معنوی از طریق دعا و نماز استوار است ـــ زیرساخت وجودی و روان‌شناختی مقاومت پایدار را تشکیل می‌دهد. این شادکامی، با ایجاد آرامش عمیق، معنابخشی به دشواری‌ها و زنده نگاه داشتن امید متعالی، از فرسایش و استیصال در فرآیند مقاومت پیشگیری می‌کند در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که این دو ساحتِ به هم پیوسته از شادکامی برگرفته از اطاعت و معنویت، خمیرمایه و امکان‌ساز گفتمان مقاومت در اندیشه اسلامی است و فقدان آن، این فرهنگ را با خطر ناپایداری، تحجّر و انفعال مواجه خواهد ساخت.

واژگان کلیدی

شادکامی، شادکامی اطاعت، شادکامی ماندگار، مقاومت اسلامی

اثربخشی تصحیح خداپنداره بر اضطراب و رضایت از زندگی بانوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر قم

مهری نوری، حسن انصاری

روان‌شناس مرکز مشاوره حوزه سماح

m.noori٦١٨٤@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی تصحیح خداپنداره بر اضطراب و رضایت از زندگی بانوان شکل گرفت. طرح پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی با روش پیش‌آزمون–پس‌آزمون با گروه گواه و مرحله پیگیری یک‌ماهه بود. جامعه آماری پژوهش را مبتلایان به اضطراب بالا که مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر قم در زمستان سال ۱۳۹۹ تشکیل می‌دادند که با رعایت ملاک‌های ورود و خروج، بیست مراجع انتخاب و به‌صورت تصادفی در گروه آزمایش و گواه جای گرفتند. ابزار پژوهش پرسشنامه استرس، اضطراب و افسردگی، پرسشنامه رضایت از زندگی و پرسشنامه تحول روانی معنوی بود. گروه آزمایش در ده جلسه یک‌ونیم‌ساعته مداخله را دریافت کردند. این پژوهش بر اساس مرحله دوم پروتکل درمانی درمان چندبعدی معنوی به روش مداخله‌ای انجام شد. داده‌ها با آزمون‌های تحلیل کوواریانس و تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که تصحیح خداپنداره بر کاهش شدت اضطراب و بالا رفتن رضایت از زندگی تأثیر مثبت و معناداری داشته است و این تأثیر در پیگیری یک‌ماهه پایدار بود. نتایج این تحقیق نشان داد که پروتکل درمانی مدیریت معنوی ادراک مبدأ، با تصحیح خداپنداره، کشف ربوبیت خداوند و ولایت‌پذیری خداوند، اضطراب را کاهش و رضایت از زندگی را بالا می‌برد. این یافته‌ها اهمیت بحث تصحیح خداپنداره را در کاهش اضطراب و رضایت از زندگی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

خداپنداره، درمان چندبعدی معنوی، اضطراب، رضایت از زندگی، بانوان

پیش‌بینی استرس ادراک‌شده بر اساس سرمایه‌های روان‌شناختی و عمل به باورهای مذهبی با میانجی‌گری خودکنترلی در دانشجویان

غلامعباس کوچکی راوندی
وزارت آموزش و پرورش
dr.kochaki٤٦٧@gmail.com

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین استرس ادراک‌شده بر اساس سرمایه روان‌شناختی و عمل به باورهای مذهبی با میانجی‌گری خودکنترلی انجام شد. روش: روش این پژوهش از نوع توصیفی–همبستگی با استفاده از معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در سال تحصیلی ۱۴۰۰–۱۴۰۱ با ۴۰۵۰ نفر بودند که تعداد ۳۰۰ دانشجو از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های سرمایه روان‌شناختی، عمل به باورهای دینی، پرسشنامه خودکنترلی و مقیاس استرس ادراک‌شده استفاده شده است. در این پژوهش، در سطح توصیفی، از شاخص‌های آمار توصیفی از قبیل جداول توزیع فراوانی، درصد، شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی (میانگین و انحراف استاندارد) استفاده شده است. همچنین در سطح استنباطی، برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد، مدل پیش‌بینی استرس ادراک‌شده بر اساس سرمایه روان‌شناختی و عمل به باورهای مذهبی با میانجی‌گری خودکنترلی دانشجویان از برازش مطلوبی برخوردار است. سرمایه روان‌شناختی و عمل به باورهای مذهبی و خودکنترلی به‌صورت مستقیم بر استرس ادراک‌شده تأثیر معنادار، منفی داشتند. سرمایه روان‌شناختی و عمل به باورهای مذهبی هم به‌صورت مستقیم و هم با میانجی‌گری خودکنترلی بر استرس ادراک‌شده تأثیر معنادار، منفی داشتند. در نهایت می‌توان گفت مدل ساختاری پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود.

واژگان کلیدی

سرمایه روان‌شناختی، عمل به باورهای مذهبی، خودکنترلی، استرس ادراک‌شده، دانشجویان

بررسی اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری با رویکرد اسلامی بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان شهر سبزوار

نرجس فیضی‌پور، صادق صادقی، فاطمه کیوانلو
دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، واحد دامغان
al_azimi@atu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری با رویکرد اسلامی بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در میان دانشجویان شهر سبزوار بود. این مطالعه با روش نیمه‌آزمایشی و طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دارای علائم اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در دانشگاه‌های شهر سبزوار در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود. از میان داوطلبان، ۴۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. گروه آزمایش در ده جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت درمان شناختی‌رفتاری اسلامی بر اساس الگوی انصاری و جانبزرگی قرار گرفت، در حالی که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. ابزار پژوهش پرسشنامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی (خواجه‌احمدی و همکاران، ۱۳۹۵) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد میانگین نمره کل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در گروه آزمایش از ۷۸/۴۰ در پیش‌آزمون به ۵۳/۱۰ در پس‌آزمون کاهش یافت، در حالی که در گروه کنترل تغییر معناداری مشاهده نشد. همچنین، کاهش معنادار در خرده‌مقیاس‌های وابستگی، تمایل به استفاده، تعارض عملکردی و کنترل هیجان نیز به‌دست آمد($p<$ ۰۰۵/۰) .(یافته‌ها بیانگر آن است که درمان شناختی‌رفتاری اسلامی با تلفیق مبانی معنوی و اصول شناختی می‌تواند در کاهش وابستگی رفتاری به شبکه‌های اجتماعی و ارتقای خودکنترلی و سلامت روان دانشجویان مؤثر واقع شود.

واژگان کلیدی

درمان شناختی‌رفتاری اسلامی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، دانشجویان، خودکنترلی

اثربخشی برنامه مشاوره معنویت‌درمانی بر هیجان تحصیلی دانش‌آموزان دارای تجربه سوگ والد

رضا شیبانی فر
گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اراک
rezasheybani۱۹۹٦@yahoo.com

چکیده

کودکان دارای تجربه سوگ والدین با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند که از جمله آن‌ها اختلال در عملکرد تحصیلی فرزندان است. این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی برنامه مشاوره معنوی‌درمانی بر هیجان تحصیلی دانش‌آموزان دارای تجربه سوگ والد صورت گرفت. پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر بروجرد در سال تحصیلی ۱۴۰۰–۱۴۰۱ تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای این منظور تعداد ۳۰ نفر از دانش‌آموزان انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. سپس ۸ جلسه آموزشی مداخله معنوی در مورد گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکرد. برای پیش‌آزمون و پس‌آزمون، تمام آزمودنی‌ها، ابزارهای مورداستفاده، هیجان تحصیلی را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها بیانگر این بود که معنوی‌درمانی بر مؤلفه‌های هیجان تحصیلی گروه آزمایش تفاوت معناداری ایجاد کرده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که برنامه مشاوره مبتنی بر معنوی‌درمانی بر کاهش هیجان تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار بوده است.

واژگان کلیدی

معنویت‌درمانی، هیجان تحصیلی، دانش‌آموزان دارای تجربه سوگ والد، مشاوره دینی

نگرش اسلامی به نقش تربیتی مشاور در سلامت روانی مراجع

علی نقی فقیهی
استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه قم
an-faghihi@qom.ac.ir

چکیده

در فرهنگ اسلامی، فرایند مشاوره و کشف عوامل نارسائی‌های روانی در نگرش، عواطف و رفتار مراجع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئله این تحقیق نقش تربیتی مشاور در سلامت روانی مراجع، مبتنی بر قرآن و حدیث است که با روش توصیفی–تحلیلی انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که: نخست، در نگرش اسلامی، مشاوری در حفظ و ارتقای سلامت روانی موفق است که ساختار روان سالم از ناسالم را بازشناسد و راهکارهای بازسازی سلامت روانی را مبتنی بر مبانی و اصول و روش‌های مشاوره اسلامی درست به کار گیرد. دوم، مشاوری کارآمد است که بتواند راهکارهای شناخت عوامل مشکلات روانی شامل عوامل درونی از قبیل نیازهای ارضا نشده، علاقه‌های افراطی، شناخت‌های نادرست و عوامل بیرونی چون محیط، موقعیت‌ها و شرایط زندگی و به‌ویژه تعاملات را عملیاتی سازد. سوم، روش‌های تربیتی مانند برقراری رابطه گفتمانی زیبا، فراهم آوردن زمینه‌های نشاط روحی، معاشرت با خردمندان و نیکوکاران، پرورش حسن ظن، آموزش و بینش‌افزایی عقل و درست‌اندیشی، تصمیم جدی و تلاش مستمر، تقویت توکّل و یاد پروردگار، از جمله روش‌های پیشگیرانه از تشدید یا تکثیر مشکل است که مشاور باید بر آن‌ها اهتمام ورزد. چهارم، بخشی از مهارت‌های مشاور در زمینه برگزاری کیفیت جلسات مشاوره است که به روش‌های برقراری ارتباط اولیه و روش‌های آماده‌سازی‌های روانی–شخصیتی و تمهیدات شناختی–عاطفی از طریق موعظه و بازشناسی شناخت‌ها و باورها از راه جدال احسن و چگونگی تبیین حکیمانه از واقعیت‌ها، اقدام می‌نماید.

واژگان کلیدی

مشاور کارآمد، نقش تربیتی، مشکلات روانی، سلامت روانی، مشاوره اسلامی

بررسی تأثیر ایمان و تغذیه مناسب در ایجاد شادی و نشاط از دیدگاه قرآن و روایات

مهدی شیری تنها، فاطمه شیری

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی قم)

mahdi.shiritanha@yahoo.com

چکیده

شادی و نشاط مهم‌ترین نیازهای روانی انسان‌اند و در آموزه‌های دینی از جایگاه بالایی برخوردارند. یکی از نیازهای مهم بشر، شادی و نشاط است که از لوازم موفقیّت او در زندگی به شمار می‌رود. دو عامل مؤثّر در ایجاد شادی و نشاط انسان، داشتن ایمان و تغذیه مناسب است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ایمان و تغذیه مناسب در ایجاد شادی و نشاط، از دیدگاه قرآن و روایات معصومین(ع) انجام شده است. در این مقاله سعی شده است به این پرسش که، ایمان و تغذیه مناسب به‌عنوان دو اصل مهم از دیدگاه قرآن و روایات، چه تأثیری در ایجاد شادکامی انسان دارند؟ پاسخ داده شود. پژوهش حاضر به لحاظ رویکرد کیفی و به‌صورت توصیفی–تحلیلی بررسی شده است. ایمان به خدا، تقویت اصول معنوی و بهره‌گیری از تغذیه صحیح و مناسب در برنامه غذایی فردی طبق تعالیم دینی، موجب شادی و نشاط در افراد می‌شود. بررسی مفهوم شادی و نشاط در تعالیم دینی، بیانگر آن است که برای ایجاد شادی و نشاط در انسان علاوه بر عبادات، مناجات، راز و نیازها که تغذیه‌ای سالم برای روح ملکوتی اوست و همچنین استفاده صحیح و سالم از مواهب طبیعت مانند میوه‌ها، خوردنی‌ها، عطرهای دل‌انگیز، نوردرمانی، بوی لطیف خاک، تماشای سنگ‌های مقدس و غم‌زدا طبق قوانین و برنامه‌ای خاص، خوراک جسمانی‌اش را تأمین می‌نماید و او را در رسیدن به موفقیت در زندگی و جامعه، یاری می‌کند.

واژگان کلیدی

شادی و نشاط، ایمان، تغذیه مناسب، دیدگاه قرآن، دیدگاه روایات

مدل‌یابی سلامت معنوی بر اساس جهت‌گیری مذهبی و امید به زندگی دانشجویان

محمد حسن سرافرازی اردکانی، فرشته نعیمی، سکینه جماعتی اردکانی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، ایران
mh.sarafrazi۷۸@gmail.com

چکیده

سلامت معنوی یکی از ابعاد مهم سلامت محسوب می‌شود، و ارتباط هماهنگ و یکپارچه را بین نیروهای درونی فرد فراهم می‌کند و با ویژگی‌های ثبات در زندگی، تناسب و هماهنگی، احساس ارتباط نزدیک با خود، خدا، جامعه و محیط مشخص می‌شود. هدف پژوهش حاضر مدل‌یابی سلامت معنوی بر اساس امید به زندگی و جهت‌گیری مذهبی در بین دانشجویان بود. روش پژوهش: توصیفی–همبستگی و از نوع کاربردی می‌باشد. جامعه آماری دانشجویان (مرد و زن) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۵۲ نفر شامل (۱۷۶ نفر زن و ۱۷۶ نفر مرد) بود. ابزار پژوهش پرسشنامه‌های امید به زندگی، جهت‌گیری مذهبی و سلامت معنوی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی و در بخش استنباطی از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته‌ها: بیانگر آن است که میزان تأثیرگذاری امید به زندگی بر سلامت معنوی (β=۳۸۳/۰) (و جهت‌گیری مذهبی بر سلامت معنوی (β=۳۴۳/۰) (است که به لحاظ آماری معنادار است (p<۰۵/۰ .(و مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. نتیجه‌گیری: امید به زندگی و جهت‌گیری مذهبی نقش مهمی در سلامت معنوی افراد دارند، و توسعه معنویت با قرار گرفتن در مرکز مشکلات و چالش‌های زندگی شخصی و شغلی پررنگ‌تر می‌گردد، و می‌تواند به ارتقاء عملکرد روانی، افزایش روحیه و کاستن از اختلالات روان‌شناختی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی

امید به زندگی، جهت‌گیری مذهبی، سلامت معنوی، دانشجویان

تحلیل کیفی نقش مواجهه با مناظر طبیعی در تأمین سلامت و آرامش روانی از منظر قرآن کریم

فاطمه ناروئی نصرتی
دانشجوی دانشگاه آزاد
fatemehnarooeinosrati@gmail.com

چکیده

آیات متعددی در قرآن انسان را به نگریستن درباره طبیعت دعوت می‌کند؛ با این حال، مکانیسم تأثیرگذاری این مناظر بر سلامت روان کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش مناظر طبیعی در سلامت روان و طراحی یک مدل فرآیندی بر اساس آموزه‌های قرآنی انجام شد. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای تفسیری انجام گرفت. جامعه آماری شامل تمامی آیات مرتبط با طبیعت در قرآن کریم بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند، آیات مربوط به ۲۶ عنصر طبیعی شناسایی شدند. تحلیل داده‌ها بر اساس یک چارچوب پنج‌وجهی شامل توصیف، فعل، فرآیند، نتیجه و روابط و مراحل کدگذاری سه‌گانه شامل باز، محوری و گزینشی صورت پذیرفت. یافته‌ها نشان داد که عناصر طبیعی در پنج دسته کلان قابل طبقه‌بندی هستند که هر یک کارکرد روان‌شناختی متمایزی دارند. مناظر آسمانی مانند آسمان و ستارگان با القای نظم و عظمت، به ایجاد امنیت شناختی می‌انجامند. مناظر زمینی مانند کوه و دشت با ویژگی استواری، به تأمین امنیت وجودی کمک می‌کنند. پوشش گیاهی شامل باغ و میوه‌ها با ایجاد بهجت، به درمان افسردگی منجر می‌شود. جانوران با نمایش پویایی، به تقویت هدفمندی می‌پردازند و پدیده‌های جوی مانند باران و باد با نمایش رحمت، به احیای امید منجر می‌شوند. مدل نهایی پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با هدایت ادراک حسی انسان از نگریستن به سوی اندیشیدن، طبیعت را به یک ابزار درمانی تبدیل می‌کند. خروجی نهایی این فرآیند، دستیابی به دو سطح از سلامت روان شامل سکینه یعنی آرامش پایه و اطمینان یعنی آرامش متعالی است.

واژگان کلیدی

سلامت روان، قرآن کریم، طبیعت‌درمانی، تحلیل محتوا، مواجهه با مناظر طبیعی

تحلیل پدیدارشناختی تنهایی وجودی در روان‌درمانی اگزیستانسیال و بازخوانی آن در پرتو آموزه معیت الهی؛ مطالعه موردی آیه ۶۲ سوره شعراء

جمال‌الدین کاظمی گل‌وردی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران
j.kazemi.g@chmail.ir

چکیده

تنهایی وجودی یکی از دلهره‌های بنیادین بشر است که در روان‌درمانی اگزیستانسیال به‌عنوان شکافی آشتی‌ناپذیر میان فرد و جهان تعریف می‌شود. بر اساس دیدگاه اگزیستانسیالیست‌ها، انسان در تنهایی مطلق به جهان پرتاب شده و در نهایت باید به تنهایی با مسئولیت‌ها و مرگ روبرو شود. هدف پژوهش حاضر، تحلیل پدیدارشناختی این تجربه و بازخوانی آن در پرتو آیه ۶۲ سوره شعراء (إِنَّ مَعِیَ رَبِّی سَیَهْدِینِ) است. روش تحقیق در این مقاله، مروری–تحلیلی با رویکرد پدیدارشناختی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موقعیت حضرت موسی(ع) در برابر دریا، تبلور یک «موقعیت مرزی» در بن‌بست کامل هستی‌شناختی است. در حالی که روان‌درمانی اگزیستانسیال بر پذیرش شجاعانه تنهایی تأکید دارد، آموزه «معیت الهی» در قرآن کریم، ساحت جدیدی از حضور را معرفی می‌کند که در آن تنهایی فرد نفی نمی‌شود، بلکه از طریق اتصال به منبع هستی (رَبّ)، از وضعیتی اضطراب‌آور به تجربه‌ای هدایت‌گر و تعالی‌بخش تبدیل می‌گردد. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که اعتقاد به معیت الهی، با ایجاد «اطمینان وجودی»، راهکاری کارآمد برای مدیریت اضطراب تنهایی در اتاق درمان ارائه می‌دهد و پارادوکس تنهایی را از طریق رابطه «من–تو» با خداوند حل می‌کند.

واژگان کلیدی

تنهایی وجودی، روان‌درمانی اگزیستانسیال، معیت الهی، آیه ۶۲ سوره شعراء، اضطراب وجودی

رنج و معنای زندگی: تحلیل تطبیقی روان‌شناسی وجودی و آموزه‌های قرآنی

عرفان وطن‌دوست، محمدطاها اصغری

پژوهشگر مستقل

erfansun۲۳@yahoo.com

چکیده

رنج به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین و گریزناپذیرترین تجربه‌های انسانی، همواره در کانون توجه روان‌شناسی و آموزه‌های دینی قرار داشته است؛ با این‌حال، تبیین معنای آن همچنان با ابهام‌های نظری و رویکردهای تقلیل‌گرایانه همراه است. روان‌شناسی وجودی با تأکید بر آزادی، مسئولیت و معناسازی فردی، رنج را بستری برای خودفهمی و رشد شخصی می‌داند؛ در مقابل، آموزه‌های قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی با تکیه بر مفاهیمی چون فطرت، حکمت الهی، ابتلاء و صبر، تفسیری غایت‌مند و فراتر از سطح فردی از رنج ارائه می‌دهند. هدف پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی این دو رویکرد در تبیین معنای رنج و بررسی امکان دستیابی به چارچوبی تلفیقی برای فهم جامع‌تر این تجربه انسانی است. پژوهش با رویکرد توصیفی–تحلیلی و از طریق تحلیل اسنادی منابع معتبر روان‌شناسی و مطالعات قرآنی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد هر یک از این رویکردها، در کنار ظرفیت‌های تبیینی، با محدودیت‌هایی مواجه‌اند؛ به‌گونه‌ای که تأکید انحصاری بر معناسازی فردی می‌تواند در مواجهه با رنج‌های شدید به شکنندگی معنا بینجامد و تمرکز صرف بر معناهای ازپیش‌داده‌شده، در صورت نادیده‌گرفتن تجربه زیسته فرد، به کاهش کنش‌مندی روان‌شناختی منجر شود. بر این اساس، پژوهش حاضر نشان می‌دهد با تفکیک تجربه زیسته رنج از بنیان‌های غایت‌مند معنا، می‌توان به چارچوبی تلفیقی دست یافت که رنج را حاصل تعامل معناجویی انسان و افق متعالی معنا در آموزه‌های قرآن کریم تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی

رنج، معنای زندگی، روان‌شناسی وجودی، آموزه‌های قرآنی، معنادرمانی

هم‌خوانی آموزه‌های قرآنی با یافته‌های نوین روان‌شناسی در درمان آسیب اخلاقی؛ تبیین کارکرد توبه در گذار از شرم سمی به احساس گناه سازنده

محمد علی سمیع
mohammedalisamie@gmail.com

چکیده

امروزه در روان‌شناسی سلامت، تفکیک میان دو سازه هیجانی شرم و احساس گناه از اهمیت بالایی برخوردار است. یافته‌های نوین نشان می‌دهند که شرم، با تمرکز بر نقص کلی خود، منجر به اجتناب و آسیب‌های روانی می‌شود، درحالی‌که احساس گناه، با تمرکز بر رفتار خطا، محرکِ جبران و مسئولیت‌پذیری است. این پژوهش با هدف بررسی همسویی این یافته‌های علمی با آموزه‌های اسلامی، به تحلیل مفهوم توبه در قرآن کریم و نقش آن در درمان آسیب اخلاقی می‌پردازد. روش این پژوهش توصیفی–تحلیلی و با رویکرد میان‌رشته‌ای است. یافته‌ها حاکی از آن است که ساختار روان‌شناختی توبه در قرآن، دقیقاً منطبق بر فرآیند تبدیل شرم مخرب به احساس گناه سازنده طراحی شده است. قرآن کریم با نهی اکید از یأس که هم‌ریشه با پیامدهای شناختی شرم است و تأکید بر اصلاح و تبدیل سیئات به حسنات، فرد آسیب‌دیده را از تله سرزنش شخصیت خارج کرده و انرژی روانی او را به سمت رفتارهای جبرانی هدایت می‌کند. نتیجه آنکه رویکرد قرآن در مواجهه با خطاهای اخلاقی، نه‌تنها با اصول روان‌درمانی مدرن در تضاد نیست، بلکه الگویی متعالی از سازگاری رشدیافته را ارائه می‌دهد که در آن فرد به‌جای فروپاشی در برابر وجدان، از طریق مکانیسم توبه به بازیابی سلامت روان و ارتقای تاب‌آوری اخلاقی دست می‌یابد.

واژگان کلیدی

آسیب اخلاقی، توبه، شرم و احساس گناه، روان‌شناسی و دین، سلامت روان

از اضطراب مرگ تا آمادگی برای مرگ: مطالعه‌ای تطبیقی در مرگ‌آگاهی اسلامی و روان‌شناسی وجودی

نرگس فامرینی، مرتضی حسنی نسب
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اراک
n.famarini.۰٤@msc.araku.ac.ir

چکیده

مرگ‌آگاهی به‌عنوان یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر زندگی انسان، تأثیر عمیقی بر نگرش فرد نسبت به زندگی و رفتارهای او دارد. هدف این مقاله، بررسی تطبیقی مرگ‌آگاهی در دو پارادایم اسلامی و روان‌شناسی و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های آن است. روش تحقیق توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مرور ادبیات موضوع است و داده‌ها از منابع پژوهشی و متون مرتبط با مرگ‌آگاهی، مرگ بانشاط، سلامت معنوی و نظریه‌های روان‌شناسی استخراج شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در پارادایم اسلامی، مرگ‌آگاهی با سلامت معنوی، تهذیب نفس و رابطه مستمر با خدا پیوند خورده و زمینه‌ساز تجربه مرگ بانشاط می‌شود؛ تجربه‌ای که فرد در مواجهه با مرگ، نشاط، آرامش و رضایت را تجربه می‌کند و زندگی دنیوی را در خدمت اهداف غایی و ارزش‌های اخلاقی می‌بیند. در مقابل، پارادایم روان‌شناسی مرگ‌آگاهی را ابزاری برای معنا بخشی به زندگی محدود و فناپذیر می‌داند که فرد را به مسئولیت‌پذیری، ارزش‌گذاری بر زمان و زندگی اصیل و معنادار سوق می‌دهد، اما به بعد غایی و معنوی زندگی کمتر توجه دارد. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که مرگ‌آگاهی در هر دو رویکرد محرکی برای زندگی هدفمند و مسئولانه است، اما تفاوت اصلی در نگاه به بعد معنوی و غایی زندگی و نقش آمادگی برای مواجهه با مرگ است. نتایج این پژوهش، اهمیت بهره‌گیری از ترکیب دیدگاه‌های اسلامی و روان‌شناسی برای ایجاد چشم‌اندازی جامع از مرگ‌آگاهی و تقویت تجربه زندگی معنادار و رشد روحی و اخلاقی انسان را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

مرگ‌آگاهی، مرگ بانشاط، سلامت معنوی، روان‌شناسی وجودی، پارادایم اسلامی

تأثیر آموزه‌های قرآنی بر سلامت روان

حسن غلامحسینی

حوزه علمیه

sheykh.hasan.zohan@gmail.com

چکیده

سلامت روان یکی از مؤلفه‌های اساسی بهزیستی انسانی است که در روان‌شناسی معاصر غالباً با رویکردی تقلیل‌گرایانه و مبتنی بر شاخص‌های بالینی بررسی شده است. در مقابل، آموزه‌های قرآن کریم با ارائه نگاهی جامع و معنامحور به انسان، ظرفیت مهمی برای تعمیق فهم سلامت روان فراهم می‌آورند. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش آموزه‌های محوری قرآن کریم در ارتقای سلامت روان، از روش تحقیق ترکیبی (مروری–تحلیلی و تلفیقی) بهره گرفته است. بدین منظور، مفاهیم قرآنی مرتبط با سلامت روان از طریق تحلیل محتوای کیفی آیات و تفاسیر معتبر استخراج و با یافته‌های تجربی پنج سال اخیر روان‌شناسی معاصر تلفیق شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد مفاهیمی چون تزکیه نفس، ذکر و طمأنینه، صبر، توکل و شکر، دارای سازوکارهای شناختی، هیجانی و رفتاری مؤثری هستند که در قالب شبکه‌ای هم‌افزا، سلامت روان را به‌مثابه فرایندی پویا از معناجویی، خودتنظیمی و تاب‌آوری تبیین می‌کنند. این نتایج بر ظرفیت تعامل روشمند دین و روان‌شناسی در توسعه مدل‌های معنامحور و فرهنگ‌سازگار سلامت روان تأکید دارد.

واژگان کلیدی

سلامت روان، قرآن کریم، آموزه‌های قرآنی، تزکیه نفس، معناجویی

مفهوم‌شناسی «قلب سلیم» در قرآن کریم و دلالت‌های آن برای سلامت روانِ یکپارچه‌نگر

فاطمه داور، زهرا رضوانی
دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، رشته علوم حدیث – گرایش نهج‌البلاغه
fatemehdavar۱۳۷٦@gmail.com

چکیده

سلامت روان به‌عنوان یکی از ارکان اساسی زیست انسانی، در پارادایم مسلط روان‌شناسی معاصر عمدتاً بر اساس معیارهای سکولار و با محوریت فقدان بیماری یا سازگاری اجتماعی تعریف می‌شود؛ رویکردی که از تبیین ابعاد متعالی و معنوی تجربه بشری ناتوان است. در مقابل، قرآن کریم با ارائه مفهوم «قلب سلیم»، تصویری ژرف و چندلایه از انسان سالم ترسیم می‌کند که می‌تواند خلأ نظری موجود در رویکردهای یکپارچه‌نگر به سلامت روان را پر نماید. این مقاله با هدف واکاوی مفهوم «قلب سلیم» و استخراج دلالت‌های آن برای سلامت روانِ یکپارچه‌نگر، به روش توصیفی–تحلیلی و با تکیه بر منابع لغوی، تفسیری و روایی معتبر تدوین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قلب سلیم در نظام معنایی قرآن دارای سه مؤلفه اصلی است: مؤلفه‌های بینشی (توحید خالص، ایمان به غیب و یقین)، مؤلفه‌های گرایشی (تسلیم در برابر حق، رهایی از رذایل اخلاقی، محبت الهی و خشیت) و مؤلفه‌های رفتاری (اعمال صالح، اخلاص و استقامت). همچنین شاخص‌های سلامت روان در الگوی قرآنی در چهار بعد بینشی، عاطفی–اخلاقی، رفتاری و معنوی قابل شناسایی است. نتیجه آنکه مفهوم قلب سلیم با تأکید بر ساحت معنوی، پیوند سلامت با معنا و غایت‌مندی زندگی، ظرفیت آن را دارد که به‌عنوان چارچوبی نظری برای تدوین بخش معنوی الگوهای سلامت روانِ یکپارچه‌نگر مورد استفاده قرار گیرد و ضمن حفظ دستاوردهای مثبت روان‌شناسی معاصر، خلأ ناشی از غفلت از بُعد معنوی را در این نظریه‌ها پر کند.

واژگان کلیدی

قلب سلیم، قرآن کریم، سلامت روان، سلامت معنوی، روان‌شناسی اسلامی

بررسی رابطه دشواری در تنظیم هیجان و سلامت روان با تبیین مفاهیم دینی

فاطمه معنوی، زهرا شیرخانی

دانشگاه بجنورد

f.manavi۹۷@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: هدف این پژوهش بررسی رابطه بین دشواری در تنظیم هیجان و سلامت روان در دانشجویان با تبیین مفاهیم دینی بود. روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع توصیفی–همبستگی بوده و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان دانشگاه بجنورد در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری بود. برای جمع‌آوری نمونه مورد پژوهش به‌صورت تصادفی ۳۰ نفر از دانشجویان شاغل به تحصیل در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۴ دعوت به شرکت در طرح پژوهشی شدند و در نهایت پژوهش با ۲۰ آزمودنی انجام شد. در انجام این پژوهش پس از توضیح اصول رازداری دو پرسشنامه دشواری در تنظیم هیجان و پرسشنامه سلامت روان به‌صورت چاپی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار تحلیل آماری استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین دشواری در تنظیم هیجان و سلامت روان در سطح ۰۵/۰ رابطه مثبت و معناداری برقرار است، نتایج این پژوهش با مفاهیم ارائه‌شده در دین قابل تبیین است اما به علت کم بودن حجم نمونه قابلیت تعمیم را ندارد.

واژگان کلیدی

تنظیم هیجان، سلامت روان، مفاهیم دینی، دانشجویان

بررسی تطبیقی تجارب مثبت زیسته بیماران صعب‌العلاج با آیات و روایات در ارتقاء سلامت اجتماعی

مرضیه عبدالکریمی نطنزی، سلمان نعمتی، محمد زارعی توپخانه
دکتری رشته قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران
abdolkarimi۲۱۳@gmail.com

چکیده

نابسامانی در ایفاء نقش‌های اجتماعی در بیماران صعب‌العلاج، خطری است که سلامت اجتماعی ایشان را تهدید می‌کند. مطالعه حاضر، با هدف بررسی نقش تجارب مثبت زیسته بیماران صعب‌العلاج در ارتقاء سلامت اجتماعی افراد در دوران بیماری و تطبیق این تجارب با آیات و روایات به روش کیفی از نوع پدیدارشناسی نگاشته شد. ۱۰ بیمار صعب‌العلاج، از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ایشان به روش ۷ مرحله‌ای کلایزی، تحلیل و خوشه‌بندی گردید. سپس تطبیق خوشه‌ها با آیات و روایات به روش بطن‌یابی صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد چهار خوشه اصلی مشتمل بر «تقویت باورهای معنوی–مذهبی، خودمهارگری، تقویت هیجانات مثبت، گسترش بازوهای قدرت» از تجارب ارتقاءدهنده سلامت اجتماعی بودند. از نتایج تحقیق، عملکرد سیستمی تجارب مذکور در دوران بیماری بود که از طریق «الگویابی صحیح در ارتباط با خدا، معرفی منابع مولد هیجانات، شیوه‌های تنظیم هیجانی و تقویت نفوذ روانی–اجتماعی در یک نظام فکری اسلامی» می‌توانند در ارتقاء سلامت اجتماعی بیماران مؤثر باشند. هماهنگی ذاتی مفاهیم دینی با نیازهای روانی–اجتماعی انسان و ظرفیت این مفاهیم جهت بهبود سلامت در شرایط دشوار از دیگر نتایج این پژوهش بود.

واژگان کلیدی

تجربه زیسته، بیماران صعب‌العلاج، آیات و روایات، سلامت اجتماعی، خودمهارگری

بازتعریف غایتمندی وجودی: تأثیر مداخله گروهی معناجویانه در چارچوب اسلامی بر حس هدفمندی زندگی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره

زهرا السادات نواب
مشاور دادگستری
z.navab@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف ارزیابی اثربخشی مداخله گروهی معنادرمانی تلفیق‌شده با مفاهیم اسلامی بر ارتقای هدفمندی در زندگی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره اصفهان انجام شد. پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. از میان چهار مرکز مشاوره انتخاب‌شده، ۳۰ زن داوطلب به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر کدام ۱۵ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در برنامه معنادرمانی گروهی بر اساس رویکرد اسلامی شرکت کرد، در حالی که گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. برای سنجش هدفمندی، از خرده‌مقیاس «هدف در زندگی» پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف (نسخه ۸۴ سؤالی) در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری یک‌ماهه استفاده شد. تحلیل داده‌ها با آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر انجام گرفت. نتایج نشان داد بین گروه آزمایش و کنترل در مراحل مختلف اندازه‌گیری تعامل معناداری وجود دارد($p<۰۵/۰$). (میانگین نمرات هدفمندی در گروه آزمایش از ۹۳/۵۰ در پیش‌آزمون به ۰۷/۷۵ در پس‌آزمون و ۲۷/۷۴ در پیگیری افزایش یافت، در حالی که در گروه کنترل تغییر محسوسی مشاهده نشد. اندازه اثر تعامل گروه و زمان ۴/۴۶ درصد گزارش شد که بیانگر اثربخشی بالا و پایدار مداخله است. یافته‌ها تأیید می‌کنند که معنادرمانی گروهی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند ابزاری کارآمد برای افزایش معنا و هدف در زندگی زنان باشد. این نتیجه بر ضرورت توجه به رویکردهای معنوی بومی در تلفیق با درمان‌های وجودی برای ارتقای سلامت روان و کیفیت زندگی مراجعان تأکید دارد.

واژگان کلیدی

معنادرمانی، رویکرد اسلامی، هدفمندی در زندگی، روان‌درمانی وجودی، مداخله گروهی

نقش معنویت در درمان اختلالات روان‌شناختی: تحلیل اختلالات اضطرابی و افسردگی از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی

فاطمه فروغی ابری
وزارت علوم تحقیقات و فناوری
foroughi.f۸۱@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه میان معنویت و اختلالات اضطرابی و افسردگی، و همچنین سنجش تأثیر آن بر رضایت از زندگی در میان دانشجویان، انجام شد. روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) به کار گرفته شد. یافته‌های کمی نشان داد که معنویت با اضطراب($p<$ ۰۵/۰) و افسردگی($p<$ ۰۱/۰) (همبستگی منفی معناداری دارد، در حالی که با رضایت از زندگی همبستگی مثبت($p<$ ۰۱/۰) را نشان می‌دهد. تحلیل کیفی، مضامینی چون «کسب آرامش درونی»، «ایجاد امید به آینده»، «کاهش نشخوار فکری و افکار منفی» و «تقویت ارتباط روحانی با منبع هستی» را آشکار ساخت. این مضامین به‌طور قابل توجهی با مفاهیم کلیدی روان‌شناسی اسلامی مانند «توکل» (اعتماد به خدا)، «ذکر» (یادآوری مداوم خداوند) و «فاصله از منبع هستی» (درک محدودیت‌های خود در برابر قدرت الهی) پیوند خوردند. نتایج تحلیل کیفی همچنین با رویکردهای درمانی مدرن مانند «اصلاح شناختی» و «بازسازی معنا» همسو بود. در نتیجه‌گیری، این مطالعه بر نقش حیاتی معنویت و اصول روان‌شناسی اسلامی به‌عنوان یک چارچوب جامع و مؤثر در پیشگیری و درمان اختلالات اضطرابی و افسردگی تأکید می‌کند و کاربرد عملی این اصول را در افزایش سلامت روان و رضایت از زندگی دانشجویان برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی

معنویت، روان‌شناسی اسلامی، اختلال اضطرابی، افسردگی، رضایت از زندگی

راهکارهای مشترک قرآن کریم و علم روان‌شناسی در مقابله با خودتحقیری

لیلا کرامت، علی غضنفری
taherteina@gmail.com

چکیده

جامعه‌ای آرمانی و پویا نیازمند اعضای با سلامت روان است که به خود و کشورشان ارزشی قائل باشند. خودتحقیری، به‌عنوان یک پدیده روانی ناشی از فقدان این احساس ارزشمندی، می‌تواند آسیب‌های جدی به فرد، خانواده و جامعه وارد کند و منجر به انحراف در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی و در نهایت بازدارندگی از پیشرفت فردی و جمعی شود. این پژوهش با هدف بررسی راهکارهای مشترک قرآن کریم و علم روان‌شناسی در مقابله با خودتحقیری انجام شده است. در این راستا، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیل محتوا و تطبیقی–مقایسه‌ای، آیات قرآن کریم و مباحث مرتبط در روان‌شناسی (مانند شناخت‌درمانی، درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی و خودرحمی) مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که هر دو منبع، بر اهمیت بسیار کسب آرامش درونی، تحصیل ایمان، خودشناسی، عزت نفس، مثبت‌نگری و تنظیم انتظارات شخص به‌عنوان راهکارهای درونی و نیز مقایسه صحیح، سلامتی جسم و روح و دوستی صحیح به‌عنوان راهکارهای بیرونی در مقابله با خودتحقیری تأکید دارند و این اشتراکات، بستری مناسب برای ارائه یک رویکرد جامع و یکپارچه در جهت ارتقای سلامت روان و مقابله با خودتحقیری فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

راهکار، خودتحقیری، قرآن کریم، روان‌شناسی، سلامت روان

بررسی اثربخشی مداخله درمانی قرآنی برای اختلال اضطراب فراگیر در یک مطالعه موردی

زهراسادات میرزاحسین، فاطمه فیاض، مریم سعیدمحمدی، زهرا جنتی
هسته پژوهشی قرآن و روان‌شناسی، دانشگاه تهران
zahramirzahossein۱۹۹۶۱۹۹۶@chmail.ir

چکیده

زمینه و هدف: اختلال اضطراب فراگیر یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌شناختی است که با نگرانی مداوم و غیرقابل کنترل همراه است. با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در درمان‌های دارویی و روان‌درمانی، تنها ۵۰ درصد کاهش علائم در بهترین حالت گزارش شده است. این مطالعه با هدف ارزیابی اثربخشی بسته درمانی مبتنی بر قرآن کریم برای الگوی فرآیندی اضطراب در یک آزمودنی مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر انجام شد. روش: این پژوهش یک مطالعه موردی تک‌آزمودنی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون–پیگیری است. آزمودنی خانم ۳۱ ساله‌ای با تشخیص اختلال اضطراب فراگیر و الگوی فرآیندی اضطراب از منظر قرآن کریم بود. مداخله شامل ۵ جلسه درمانی ۴۵ تا ۶۰ دقیقه‌ای به‌صورت هفتگی بود. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه اضطراب بک و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مبتنی بر نظام تشخیص اضطراب قرآنی بودند که در سه مرحله (پیش‌آزمون، پس‌آزمون، و پیگیری یک‌ماهه) اجرا شدند. یافته‌ها: نتایج نشان داد که نمره اضطراب بک از ۲۸ (اضطراب شدید) در پیش‌آزمون به ۹ (اضطراب خفیف) در پس‌آزمون کاهش یافت (کاهش ۹/۶۷ درصدی). در پیگیری یک‌ماهه، نمره ۱۰ حاصل شد که نشان‌دهنده ثبات نسبی اثرات درمانی است. یافته‌های کیفی نیز بهبود قابل توجهی در علائم جسمی و روانی، کاهش احساس محرومیت، خروج از سردرگمی، افزایش امید، انس با قرآن، و بهبود روابط خانوادگی را نشان داد. نتیجه‌گیری: بسته درمانی قرآنی مبتنی بر الگوی فرآیندی اضطراب در کاهش علائم اختلال اضطراب فراگیر اثربخش بوده و توانسته اثرات مثبت خود را تا یک ماه پس از مداخله حفظ کند. این یافته‌ها از پتانسیل درمان‌های معنوی–مذهبی به‌ویژه رویکردهای قرآن‌محور در مدیریت اختلالات اضطرابی حمایت می‌کند.

واژگان کلیدی

اضطراب فراگیر، درمان قرآنی، الگوی فرآیندی اضطراب، مداخله، مطالعه موردی

طراحی مقدماتی بسته آموزشی مقابله با اضطراب بر مبنای متون اسلامی

محسن عزیزی ابرقوئی، مینا میگردی
استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران
mohsen.azizi@qom.ac.ir

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، طراحی بسته آموزشی مقدماتی مقابله با اضطراب بر مبنای متون اسلامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا بود. روش انجام پژوهش، کیفی بود. از نظر گردآوری داده‌ها، روش اسنادی (با تأکید بر کتاب میزان‌الحکمه) مورد استفاده قرار گرفت و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد. بسته آموزشی، در نهایت، در هفت جلسه کلّی تنظیم شد. هر جلسه، شامل توضیحاتی پیرامون موارد مرتبط با اضطراب و شیوه‌هایی جهت مقابله با آن‌ها می‌باشد. در پایان جلسات، تمرین‌هایی در نظر گرفته شده تا مخاطبان بتوانند به‌صورت عملی با اضطراب خود مقابله نمایند. عدم بررسی کامل متون دینی مرتبط با موضوع و عدم اعتباریابی بسته توسط متخصصین، از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی، ضمن مفهوم‌شناسی مفهوم اضطراب و مفاهیم مرتبط با آن در متون دینی، عوامل مرتبط با اضطراب با روشمندی دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفته و بسته‌های متناسب فردی و گروهی برایشان طراحی و اعتبارسنجی شود. همچنین، استفاده از یافته‌های پژوهش حاضر نیز به متخصصان پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی

سبک‌های مقابله با اضطراب، بسته آموزشی، روان‌شناسی مثبت‌گرا، آیات و روایات اسلامی، خوف

بخشش؛ پلی میان ایمان و آرامش: تحلیل تطبیقی تأثیرات عملی بخشش در قرآن کریم و روان‌شناسی

مهدی خراسانی گرده کوهی
سطح دو سفیران هدایت حضرت مهدی(ع)
۶۰۱۹۹۰۱۲۸۹@iran.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تأثیرات عملی بخشش از دو منظر وحیانی و علمی، یعنی قرآن کریم و روان‌شناسی، انجام شده است. روش پژوهش، کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی از نوع تفسیر قرآن به قرآن بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در قرآن کریم، بخشش نه‌تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه ابزاری برای دستیابی به آرامش روانی، ترمیم روابط میان‌فردی و تقویت همبستگی اجتماعی معرفی می‌شود. آیاتی از سوره‌های «مؤمنون» و «مائده» به‌صراحت بر نقش عفو و بخشش در بازسازی پیوندهای انسانی تأکید دارند. از سوی دیگر، روان‌شناسی، بخشش را مهارتی اکتسابی، آموزش‌پذیر و مؤثر در کاهش تنش‌های روانی و ارتقای سلامت عاطفی می‌داند. تفاوت اساسی در این است که قرآن، بخشش را به‌طور هم‌زمان دارای کارکرد دینی (کسب رضایت الهی) و روان‌اجتماعی می‌داند، در حالی که روان‌شناسی عمدتاً بر پیامدهای فردی و بین‌فردی آن تمرکز دارد. در مجموع، بخشش در هر دو حوزه نقشی کلیدی در سلامت روان و رفاه اجتماعی ایفا می‌کند، اما مبانی، تعریف و شیوه‌های تحقق آن متفاوت است.

واژگان کلیدی

بخشش، قرآن کریم، روان‌شناسی، خانواده، سلامت روان

اهمیت سلامت نگرش درمانگر بر مبنای آیات سوره بقره و روایات

بهنانه صادق‌پور، الهه عسکری
b_sadeghpoor@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نگرش درمانگر و تحلیل پدیده «خودفراموشی درمانگر» به‌عنوان مانعی در مسیر نگرش صحیح درمانگر و ارائه راهکارهای قرآنی و روایی برای مواجهه با آن انجام شده است. «خودفراموشی درمانگر» که ریشه در غفلت از خویشتن حقیقی و خدافراموشی دارد، می‌تواند سلامت نفس درمانگر را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد. یافته‌های قرآنی نشان می‌دهد که «تعقل» مهم‌ترین سازوکار پیشگیرانه در برابر این پدیده است و خردمندی، دارای نقشی اساسی و عامل هدایت و مشورت با خردمندان، عامل دست‌یابی به دوراندیشی و درستی است. همچنین بر اساس تحلیل آیات ۴۵ و ۴۶ سوره بقره، استعانت به «صبر» و «نماز» به‌عنوان راهکارهای بنیادین مطرح شده و لزوم دست‌یابی به «خشوع» در قلب به‌عنوان هویتی پایدار در انسان، برای اثربخشی راهکار صلاة معرفی می‌گردد. همچنین بر ضرورت «عمل به دانسته‌ها» و تقدم «خودسازی» بر «دیگرسازی» در سیر تربیتی درمانگر تأکید شده است. این پژوهش با تبیین ابعاد قرآنی و روایی خودفراموشی، افق تازه‌ای در پیوند معنویت و روان‌درمانی می‌گشاید و توجه به ارتقای بینش معنوی و التزام عملی درمانگران را ضروری می‌دلند. در پایان، تدوین الگوی تربیت درمانگر مبتنی بر صبر، خشوع و امید به لقاء برای مراکز مشاوره و روان‌درمانی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی

نگرش درمانگر، خودفراموشی درمانگر، خودسازی، تعقل، رویکرد قرآنی–روایی

راهکارهای ارتقای بهزیستی روان‌شناختی ریف از منظر آموزه‌های قرآن کریم

محدثه بخشی، شعله امیری
کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
mbakhshi۷۱@chmail.ir

چکیده

بهزیستی روان‌شناختی را تلاش برای رشد و پیشرفت در جهت تحقق بخشیدن به توانایی‌های بالقوه فرد تبیین نموده‌اند. نظریه‌پردازان روان‌شناسی به تبیین مؤلفه‌ها و جنبه‌های مختلف روان‌شناختی بهزیستی پرداخته‌اند اما به جهت اختلاف دیدگاه‌ها و ناتوانی آن‌ها در شناخت متعالی و تبیین ابعاد وجودی انسان‌ها به‌نظر می‌رسد این یافته‌ها علی‌رغم گستردگی نیاز به غنی‌تر شدن از طریق آموزه‌های اسلامی دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی آموزه‌های قرآن کریم برای افزایش بهزیستی روان‌شناختی از طریق مروری مطالعاتی بر پژوهش‌های مرتبط با این حوزه نگاشته شده است. در ابتدا شش مؤلفه اصلی بهزیستی روان‌شناختی توسط ریف شامل رشد فردی، پذیرش خود، هدفمندی، روابط مثبت، خودمختاری و تسلط بر محیط از منابع روان‌شناسی بیان شدند. سپس مفاهیم مرتبط با این مؤلفه‌ها در قرآن بررسی گردید و آموزه کاربردی قرآن که برای تحقق این مؤلفه‌ها ارائه کرده است عنوان گردیده است. بررسی نتایج پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد بهزیستی روان‌شناختی در پرتو خودشناسی و توبه، ایمان و توکل بر خدا، ایمان به معاد، رعایت تقوا و تعقل و تدبر در آیات الهی، روابط مثبت با سایر افراد اجتماع و مشارکت و حمایت‌های اجتماعی تحقق می‌پذیرد.

واژگان کلیدی

بهزیستی روان‌شناختی، سلامت روان، نظریه ریف، روان‌شناسی اسلامی، قرآن کریم

بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی و بهزیستی روان‌شناختی: یک مرور روایتی

فاطمه حسین کریمی هنزایی، بهار منصوری

مشاور مدرسه

fatemeh.karimi۸۱٤۰@gmail.com

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین سبک زندگی اسلامی و بهزیستی روان‌شناختی می‌پردازد. این مطالعه مروری روایتی، با جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط در پایگاه‌های علمی داخلی از جمله پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، نورمگز، مگیران و ایرانداک، مطالعات داخلی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. پس از غربالگری اولیه، مقالات منتخب به‌صورت کیفی تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد که پایبندی به سبک زندگی اسلامی ارتباط تنگاتنگی با ارتقای شادکامی و روابط اجتماعی دارد. تعهد بیشتر به ابعاد درونی، اعمال عبادی و رفتارهای نوع‌دوستانه منجر به بهزیستی روان‌شناختی بالاتری می‌شود. علاوه بر این، تربیت اسلامی تقریباً تمام ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را بر اساس مدل ریف بهبود می‌بخشد؛ با این حال، تأثیر معناداری بر مؤلفه خودمختاری مشاهده نشد. در نتیجه، سبک زندگی اسلامی به‌عنوان یک عامل محافظتی قدرتمند در برابر آسیب‌پذیری‌های روان‌شناختی عمل می‌کند. آموزه‌های اسلامی با افزایش تاب‌آوری، خودتنظیمی و انسجام اجتماعی، رضایت از زندگی را افزایش داده و پریشانی‌های روان‌شناختی را کاهش می‌دهند. عدم تأثیر برجسته بر مؤلفه خودمختاری، به تفاوت‌های بنیادین بین دیدگاه انسان‌شناسی اسلامی و تفکر فردگرایانه غربی نسبت داده می‌شود.

واژگان کلیدی

سبک زندگی اسلامی، بهزیستی روان‌شناختی، سلامت روان، مرور روایتی، مدل ریف

تحلیل مفهوم امید و مقابله با ناامیدی در قرآن و کاربرد آن در درمان افسردگی

امیرحسین سجادنیا
amirsjade@gmail.com

چکیده

امید یکی از بنیادی‌ترین نیازهای روان‌شناختی انسان و عامل مؤثر در حفظ سلامت روان و توانایی مواجهه با فشارهای زندگی است. در مقابل، ناامیدی به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین نشانه‌ها و عوامل تداوم افسردگی شناخته می‌شود. هدف: هدف این پژوهش تحلیل مفهوم امید و مقابله با ناامیدی در قرآن کریم و تبیین چگونگی به‌کارگیری این مفاهیم در چارچوب درمان و کاهش نشانه‌های افسردگی است. روش: پژوهش حاضر با روش کیفی و رویکرد تحلیل محتوای معنایی انجام شده است. داده‌ها از آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر و منابع علمی حوزه روان‌شناسی و دین‌پژوهی گردآوری شد. این رویکرد امکان پیوند دادن مفاهیم قرآنی با سازوکارهای روان‌شناختی مرتبط با افسردگی را فراهم ساخت. نتیجه: یافته‌ها نشان داد که قرآن کریم با طرح مفاهیمی چون رحمت گسترده الهی، اصل گشایش پس از سختی، نهی از یأس، توکل به‌عنوان اعتماد فعال، صبر به‌مثابه سازوکار تاب‌آوری، دعا به‌عنوان فرآیند تخلیه هیجانی و بازسازی شناختی، و یاد خدا به‌عنوان عامل اطمینان قلب، چارچوبی جامع برای مقابله با ناامیدی و تقویت امید ارائه می‌دهد. تحلیل روان‌شناختی این مفاهیم نشان داد که هر یک از این عناصر با اصول درمانی شناخته‌شده در حوزه افسردگی همخوانی دارد و می‌تواند به کاهش اضطراب، افزایش امید، تنظیم هیجانات، بازسازی شناختی و ارتقای تاب‌آوری فرد کمک کند.

واژگان کلیدی

امید، ناامیدی، قرآن کریم، افسردگی، درمان مبتنی بر معنویت

اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی بر کنترل هیجان در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی و افکار خودکشی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی

منیر علی زیدان، یونس خمیس خلف، عبدالله خلیل عبدالله، احمد عبدالله
دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
m۳۰worldcr۷@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور بر کنترل هیجان در دانش‌آموزان دارای افت تحصیلی انجام شد. این مطالعه از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود و نمونه پژوهش ۳۰ نفر از دانش‌آموزان واجد شرایط بودند که به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و گواه جای گرفتند. گروه آزمایش طی ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفتگی) مشاوره راه‌حل‌محور دریافت کرد؛ گروه گواه هیچ مداخله‌ای نداشت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در متغیر تنظیم شناختی هیجان نسبت به گروه گواه تفاوت معناداری دارد($p<۰۱/۰$). این نتایج حاکی از آن است که مشاوره راه‌حل‌محور می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر و کوتاه‌مدت، توانایی دانش‌آموزان دارای افت تحصیلی را در مدیریت و تنظیم هیجان‌های خود بهبود بخشد و اجرای آن در محیط مدرسه توسط مشاوران توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی

مشاوره راه‌حل‌محور، تنظیم شناختی هیجان، افت تحصیلی، دانش‌آموزان

اثربخشی معنویت‌درمانی بر بدتنظیمی هیجانی دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه دارای رفتارهای پرخطر

کامران امیریان
مدرس دانشگاه فرهنگیان
masoomehamerian@yahoo.com

چکیده

رفتارهای مخاطره‌آمیز در بین دانش‌آموزان یکی از دغدغه‌های نهادهای آموزش است. پژوهش حاضر با هدف اثربخشی معنویت‌درمانی بر بدتنظیمی هیجانی دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه دارای رفتارهای پرخطر انجام گرفت. روش مطالعه شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۴ تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و داوطلبانه بود. با استفاده از پرسش‌نامه رفتارهای پرخطر، ۲۴۹ نفر از دانش‌آموزان ارزیابی شدند و ۳۵ دانش‌آموز که رفتارهای پرخطر شدید داشتند طی جلسه مصاحبه که با آنان انجام شد، نهایتاً ۳۰ دانش‌آموز انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند و با پرسش‌نامه‌های دشواری‌های تنظیم هیجان و رفتارهای پرخطر ارزیابی شدند و شش جلسه معنویت‌درمانی برای گروه آزمایش انجام شد. و بعد از جلسات آموزش در مرحله پس‌آزمون و بعد از سه ماه در مرحله پیگیری مجدداً دانش‌آموزان ارزیابی شدند. نتایج حاصل از این آموزش تفاوت معنی‌داری در زمینه کاهش بدتنظیمی هیجانی و رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان بعد از مرحله پس‌آزمون بین گروه آزمایش و کنترل نشان داد. هم‌چنین میانگین نمرات بدتنظیمی هیجانی و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان در مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در گروه آزمایش تفاوت آماری معنی‌دار داشتند. این نتایج به این معنی است که معنویت‌درمانی می‌تواند زندگی دانش‌آموزان را بهبود بخشد و مشاوران مدارس می‌توانند از این مدل در کار با دانش‌آموزان با رفتارهای پرخطر به‌منظور کاهش بدتنظیمی هیجانی استفاده کنند.

واژگان کلیدی

معنویت‌درمانی، بدتنظیمی هیجانی، رفتارهای پرخطر، دانش‌آموزان

دومین همایش ملی
قرآن و روانشناسی
The 2nd National Conference
Quran and Psychology
۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵

اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی

احمد عبدالله

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

m۳۰worldcr۷@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی انجام شد. این مطالعه از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود که دچار افت تحصیلی بودند. نمونه پژوهش ۳۰ نفر از دانش‌آموزان واجد شرایط بودند که به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و گواه جای گرفتند. گروه آزمایش طی ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفتگی) روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی دریافت کرد؛ گروه گواه هیچ مداخله‌ای نداشت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه خودکارآمدی شرر و همکاران بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در متغیر خودکارآمدی نسبت به گروه گواه تفاوت معناداری دارد($p<۰۱/۰$). این نتایج حاکی از آن است که روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر، کوتاه‌مدت و متناسب با فرهنگ ایرانی–اسلامی، توانایی خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر دارای افت تحصیلی را بهبود بخشد و اجرای آن در محیط مدرسه توسط مشاوران توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی

روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور، رویکرد اسلامی، خودکارآمدی، افت تحصیلی

اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی بر انعطاف‌پذیری شناختی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی

احمد عبدالله

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

m۳۰worldcr۷@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی بر انعطاف‌پذیری شناختی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی انجام شد. این مطالعه از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود که دچار افت تحصیلی بودند. نمونه پژوهش ۳۰ نفر از دانش‌آموزان واجد شرایط بودند که به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و گواه جای گرفتند. گروه آزمایش طی ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفتگی) روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی دریافت کرد؛ گروه گواه هیچ مداخله‌ای نداشت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و وندروال بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در متغیر انعطاف‌پذیری شناختی نسبت به گروه گواه تفاوت معناداری دارد($p<$ ۰۱/۰). این نتایج حاکی از آن است که روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور مبتنی بر رویکرد اسلامی می‌تولند به‌عنوان یک مداخله مؤثر، کوتاه‌مدت و متناسب با فرهنگ ایرانی–اسلامی، توانایی انعطاف‌پذیری شناختی دانش‌آموزان پسر دارای افت تحصیلی را بهبود بخشد و اجرای آن در محیط مدرسه توسط مشاوران توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی

روان‌درمانی گروهی راه‌حل‌محور، رویکرد اسلامی، انعطاف‌پذیری شناختی، افت تحصیلی

اثربخشی درمان شناختی–رفتاری اسلامی بر انعطاف‌پذیری شناختی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی

احمد عبدالله

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

m۳۰worldcr۷@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان شناختی–رفتاری اسلامی بر انعطاف‌پذیری شناختی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی انجام شد. این مطالعه از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود که دچار افت تحصیلی بودند. نمونه پژوهش ۳۰ نفر از دانش‌آموزان واجد شرایط بودند که به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و گواه جای گرفتند. گروه آزمایش طی ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفتگی) درمان شناختی–رفتاری اسلامی دریافت کرد؛ گروه گواه هیچ مداخله‌ای نداشت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و وندروال بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در متغیر انعطاف‌پذیری شناختی نسبت به گروه گواه تفاوت معناداری دارد($p<$ ۰۱/۰). این نتایج حاکی از آن است که درمان شناختی–رفتاری اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر، کوتاه‌مدت و متناسب با فرهنگ ایرانی–اسلامی، توانایی انعطاف‌پذیری شناختی دانش‌آموزان پسر دارای افت تحصیلی را بهبود بخشد و اجرای آن در محیط مدرسه توسط مشاوران توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی

درمان شناختی–رفتاری اسلامی، انعطاف‌پذیری شناختی، افت تحصیلی، دانش‌آموزان

اثربخشی درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی مبتنی بر رویکرد اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی

احمد عبدالله

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

m۳۰worldcr۷@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی مبتنی بر رویکرد اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی انجام شد. این مطالعه از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود که دچار افت تحصیلی بودند. نمونه پژوهش ۳۰ نفر از دانش‌آموزان واجد شرایط بودند که به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و گواه جای گرفتند. گروه آزمایش طی ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفتگی) درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی اسلامی دریافت کرد؛ گروه گواه هیچ مداخله‌ای نداشت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در متغیر خودکارآمدی نسبت به گروه گواه تفاوت معناداری دارد($p<$ ۰۱/۰). این نتایج حاکی از آن است که درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر، کوتاه‌مدت و متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی، توانایی خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر دارای افت تحصیلی را بهبود بخشد و اجرای آن در محیط مدرسه توسط مشاوران توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی

درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی، رویکرد اسلامی، خودکارآمدی، افت تحصیلی

نقش ذکر و یاد خداوند در سلامت روان از منظر روان‌شناسی اسلامی

حسنا پرویز
کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشگاه پیام نور واحد همدان، همدان، ایران
vali.kazemi۱۹۸۸@gmail.com

چکیده

روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان را در گرو تعادل، آرامش و معنایابی از طریق ارتباط عمیق با خداوند تعریف می‌کند. این پژوهش به بررسی نقش ذکر و یاد خداوند در ارتقاء سلامت روان، کاهش اضطراب و افسردگی، و افزایش خودآگاهی و معنای زندگی از منظر روان‌شناسی اسلامی می‌پردازد. ذکر، فراتر از عبادتی ظاهری، حضوری قلبی و دائمی با خداوند است که به انسان آرامش و اطمینان می‌بخشد. مطالعات نشان می‌دهند که یاد خداوند، اضطراب و نگرانی‌ها را کاهش داده و به‌عنوان پادزهری در برابر افسردگی عمل می‌کند. روش تحقیق کمی–همبستگی بود، جامعه آماری شامل کلیه بزرگسالان شهر کرمانشاه بود که به‌صورت در دسترس ۱۶۰ نفر انتخاب شدند و پرسشنامه‌های مربوطه را تکمیل نمودند، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون با کمک نرم‌افزار تحلیل آماری استفاده شد. یافته‌ها همبستگی مثبت و معناداری بین میزان و کیفیت ذکر (به‌ویژه ذکر قلبی و عملی) با کاهش اضطراب و افسردگی، و افزایش بهزیستی روان‌شناختی، تاب‌آوری و معنای زندگی را نشان داد. همچنین یافته‌ها تأکید دارند که ذکر، به‌ویژه با حضور قلب، قادر است بخش قابل توجهی از سلامت روان را پیش‌بینی کند. این تحقیق بر اهمیت ذکر به‌عنوان یک مکانیزم مقابله‌ای مؤثر و راهبردی درمانی و پیشگیرانه در روان‌شناسی اسلامی تأکید کرده و پیشنهاداتی برای ترویج و ادغام آن در برنامه‌های سلامت روان ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

ذکر، یاد خداوند، سلامت روان، روان‌شناسی اسلامی، تاب‌آوری

اثربخشی درمان شناختی–رفتاری اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی

احمد عبدالله

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

m۳۰worldcr۷@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان شناختی–رفتاری اسلامی بر خودکارآمدی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم دارای افت تحصیلی انجام شد. این مطالعه از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود که دچار افت تحصیلی بودند. نمونه پژوهش ۳۰ نفر از دانش‌آموزان واجد شرایط بودند که به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و گواه جای گرفتند. گروه آزمایش طی ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفتگی) درمان شناختی–رفتاری اسلامی دریافت کرد؛ گروه گواه هیچ مداخله‌ای نداشت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در متغیر خودکارآمدی نسبت به گروه گواه تفاوت معناداری دارد($p<$ ۰۱/۰). این نتایج حاکی از آن است که درمان شناختی–رفتاری اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر، کوتاه‌مدت و متناسب با فرهنگ ایرانی–اسلامی، توانایی خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر دارای افت تحصیلی را بهبود بخشد و اجرای آن در محیط مدرسه توسط مشاوران توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی

درمان شناختی–رفتاری اسلامی، خودکارآمدی، افت تحصیلی، دانش‌آموزان

تأثیر دین اسلام در جلوگیری و درمان افسردگی: مقایسه اسلام با سایر ادیان

غزاله مریدسادات

کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

g.moridsadat@gmail.com

چکیده

افسردگی اساسی، به‌عنوان یکی از شایع‌ترین و ناتوان‌کننده‌ترین اختلالات روان‌پزشکی، با محدودیت‌هایی در اثربخشیِ درمان‌های صرفاً زیستی یا روان‌شناختی کلاسیک مواجه است. این پژوهش با هدف واکاوی جایگاه و اثربخشی دین اسلام در پیشگیری و درمان افسردگی و مقایسه آن با سایر ادیان انجام شده است. روش پژوهش حاضر مرور نظام‌مند است که بر اساس دستورالعمل پریزما و با جستجو در پایگاه‌های معتبر علمی (فارسی و انگلیسی) تا پایان سال ۲۰۲۵ انجام شده و در نهایت ۴۸ مقاله واجد شرایط، انتخاب و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دین و معنویت از طریق سازوکارهای روان‌شناختی نظیر ایجاد معنا و هدف در زندگی، تقویت امید و تاب‌آوری، ارائه حمایت اجتماعی و تنظیم هیجانات از طریق عبادات (مانند نماز، ذکر و تلاوت قرآن)، نقشی محافظتی در برابر افسردگی ایفا می‌کنند. مفاهیم کلیدی اسلامی نظیر توکل، صبر و شکرگزاری با کاهش آسیب‌پذیری روانی مرتبط‌اند. همچنین، نتایج نشان داد مداخلات یکپارچه (مانند درمان شناختی–رفتاری اسلامی) به دلیل همخوانی با نظام ارزشی مراجعان مسلمان، اغلب اثربخشی بیشتری نسبت به درمان‌های سکولار در این جمعیت دارند. در نهایت، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که با وجود اشتراکات مکانیسم‌های روان‌شناختی در ادیان مختلف، بهره‌گیری آگاهانه و فرهنگ‌محور از آموزه‌های اسلامی در فرایند درمان، می‌تواند با افزایش پذیرش درمان و تقویت منابع درونی مراجع، به‌عنوان مکملی قدرتمند در کنار رویکردهای متعارف، به ارتقای سلامت روان در جوامع اسلامی کمک شایانی نماید.

واژگان کلیدی

افسردگی، درمان اسلامی، سلامت روان، معنویت‌درمانی، مقابله دینی

خودشفقتی و رحمت الهی؛ بازخوانی یک مفهوم نوین روان‌شناسی در قرآن

فهیمه محمدپور
دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی بالینی
f.mohamadpour۱۲@saadi.shirazu.ac.ir

چکیده

مفهوم خودشفقتی، به‌عنوان یکی از مفاهیم نوین در روان‌شناسی مثبت‌نگر، بر رفتار مهربانانه و غیرقضاوتی فرد نسبت به خود در مواجهه با رنج‌ها و شکست‌ها تأکید دارد. با وجود کاربرد گسترده این مفهوم در درمان‌های روان‌شناختی، ریشه‌های آن در متون دینی و به‌ویژه قرآن کریم کمتر مورد بازخوانی قرار گرفته است. این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی، به دنبال یافتن هم‌پوشانی‌ها و تمایزهای مفهومی میان خودشفقتی روان‌شناختی و مفهوم «رحمت الهی» در قرآن است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حالی که خودشفقتی بر منبع درون‌فردی مهربانی تأکید دارد، رویکرد قرآنی با پیوند زدن شفقت به خود با امید به رحمت واسعه الهی و پذیرش ضعف‌های انسانی در چارچوب عبودیت، الگویی متعالی‌تر ارائه می‌دهد. یافته‌های به‌دست‌آمده از این مقاله با بازخوانی انتقادی مفهوم خودشفقتی، نشان می‌دهد که این مفهوم می‌تواند برای مداخلات روان‌شناختی مبتنی بر فرهنگ اسلامی بومی‌سازی شود.

واژگان کلیدی

خودشفقتی، رحمت الهی، روان‌شناسی مثبت‌نگر، قرآن، معنویت

کتاب‌درمانی و نقش کتابداران در کاهش اضطراب و افسردگی مراجعان: رویکردی روان‌شناختی

مهناز اردونی
کارشناس ارشد رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، گرایش مطالعات کتابخانه‌های عمومی، دانشگاه بیرجند
mostafa.dehdari۲۰۲@gmail.com

چکیده

مقدمه: سلامت روان و اختلالاتی نظیر اضطراب و افسردگی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های سلامت در جوامع معاصر هستند. کتاب‌درمانی به‌عنوان رویکردی مکمل و کم‌هزینه، بر استفاده هدفمند از منابع خواندنی برای بهبود وضعیت روانی افراد تأکید دارد. با وجود اثربخشی تأییدشده کتاب‌درمانی، نقش حرفه‌ای کتابداران در اجرای این رویکرد و تأثیر آن بر کاهش اضطراب و افسردگی مراجعان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف: پژوهش حاضر با رویکردی روان‌شناختی با هدف بررسی نقش کتابداران در اجرای خدمات کتاب‌درمانی و تأثیر آن بر کاهش اضطراب و افسردگی مراجعان کتابخانه‌های عمومی انجام شد. روش تحقیق: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا، کمی و از نوع توصیفی–همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه مراجعان فعال کتابخانه عمومی مرکزی زاهدان بود و نمونه‌ای به حجم ۳۲۷ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای شامل سه بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی، سنجش نقش کتابداران و پرسشنامه استاندارد افسردگی، اضطراب و استرس بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه تحلیل شده‌اند. یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین نقش کتابداران در اجرای خدمات کتاب‌درمانی با کاهش اضطراب و افسردگی مراجعان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نقش کتلبداران قادر به پیش‌بینی میزان اضطراب و افسردگی مراجعان بود. نتیجه‌گیری: کتلبداران می‌توانند به‌عنوان تسهیل‌گران سلامت روان، نقش مؤثری در کاهش اضطراب و افسردگی مراجعان ایفا کنند.

واژگان کلیدی

کتاب‌درمانی، اضطراب، افسردگی، نقش کتابداران، سلامت روان

اثربخشی کرامت‌درمانی اسلامی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بیرجند

سیامک اعرابی

آزاد

hatmm۱۱۰@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر اثربخشی کرامت‌درمانی اسلامی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بیرجند بوده است. این پژوهش نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۵–۱۴۰۴ ناحیه ۲ شهر بیرجند و نمونه آماری شامل ۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و کاملاً تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایدهی شدند. برنامه مداخله کرامت‌درمانی در قالب ۷ جلسه دو ساعته برای دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم (گروه مداخله) شهر بیرجند بوده است. به‌منظور ارزیابی عزت نفس، از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت استفاده شد. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد بین دو گروه آزمایش و کنترل از لحاظ نمرات زیرمقیاس‌های عزت نفس؛ عزت نفس عمومی، عزت نفس خانوادگی و عزت نفس اجتماعی دارای تفاوت معناداری می‌باشد که می‌توان بیان کرد کرامت‌درمانی بر عزت نفس عمومی، عزت نفس خانوادگی و عزت نفس اجتماعی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم اثربخش بوده است($p<۰/۰۵$)، اما بین دو گروه آزمایش و کنترل از لحاظ نمرات در مؤلفه عزت نفس شغلی و تحصیلی تفاوت معناداری مشهود نبود. در انتها می‌توان بیان کرد کرامت‌درمانی اسلامی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم اثربخش می‌باشد که این امر می‌تواند مورد توجه آموزش و پرورش قرار گیرد.

واژگان کلیدی

کرامت‌درمانی اسلامی، عزت نفس، دانش‌آموزان دختر، آموزش و پرورش

تأثیر آموزش مفاهیم قرآنی بر کاهش اضطراب و افزایش آرامش روانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی

سیده سکینه حسینی سعدآبادی
کارشناسی رشته روان‌شناسی دانشگاه پیام نور واحد کازرون
mostafaariankia@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش مفاهیم قرآنی بر کاهش اضطراب و افزایش آرامش روانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهرستان کازرون در سال تحصیلی ۱۴۰۵ انجام شد. روش تحقیق از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دوره ابتدایی مدارس دولتی شهرستان کازرون بود که از میان آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۳۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) تقسیم شدند. گروه آزمایش طی ۶ تا ۸ جلسه آموزشی تحت آموزش مفاهیم قرآنی مرتبط با آرامش روانی از جمله توکل، صبر، ذکر و امید به رحمت الهی قرار گرفت، در حالی که گروه کنترل آموزش معمول مدرسه را دریافت کرد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مقیاس استاندارد اضطراب کودکان بود. داده‌ها با استفاده از آزمون t مستقل، tزوجی و تحلیل کوواریانس مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین دو گروه در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد (p< ۰۰۱/۰ و اضطراب در گروه آزمایش به‌طور معناداری کاهش یافته است. همچنین تحلیل کوواریانس نشان داد که اثر مداخله پس از کنترل پیش‌آزمون معنادار بوده و حدود ۵۰ درصد از تغییرات اضطراب ناشی از آموزش مفاهیم قرآنی است. در نتیجه می‌توان گفت آموزش مفاهیم قرآنی نقش مؤثری در کاهش اضطراب و افزایش آرامش روانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارد.

واژگان کلیدی

مفاهیم قرآنی، اضطراب، آرامش روانی، دانش‌آموزان ابتدایی، شهرستان کازرون

بررسی سلامت معنوی و نقش آن در پیشگیری از اختلالات روانی و سلامت روان

شادی شوشتری، مینو میری، سمانه خسروی مسک، سید علیرضا قاسمی
دانشگاه فرهنگیان
shadi.shushtary@gmail.com

چکیده

سلامت روان به معنی سلامت هیجانی و روان‌شناختی است، به شکلی که فرد بتواند از تفکر و توانایی‌های خود استفاده کند، در جامعه عملکرد خوبی داشته باشد و نیازهای معمولی زندگی را برآورده سازد. سلامت معنوی برخورداری از حالتی است که طی فرایندی مقدس، پویا، منسجم، مستمر و دوسویه از طریق کسب معرفت و باور به خدا، خود، خلقت و روابط متقابل آن‌ها، درک و اتصال مناسب و هدفمند با سرچشمه هستی حاصل می‌شود و در بینش، کنش‌ها و عواطف متجلی می‌شود. شیوه نگارش این بررسی از نوع توصیفی–تحلیلی و به بررسی سلامت معنوی و نقش آن در پیشگیری از اختلالات روانی و سلامت روان می‌پردازد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که سلامت معنوی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سلامت انسان، می‌تواند یک ارتباط هماهنگ و یکپارچه میان نیروهای درونی فرد ایجاد کند و سبب ثبات در زندگی، احساس ارتباط نزدیک با خویشتن، خدا، جامعه و محیط گردد. بر این اساس، تقویت سلامت معنوی می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در پیشگیری از اختلالات روانی و ارتقای سلامت روان در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی

اختلالات روانی، پیشگیری، سلامت روان، سلامت معنوی، معنویت

تبیین روان‌شناختی مفهوم «قلب سلیم» در قرآن به‌عنوان زیربنای سلامت روان و پیشگیری از اختلالات اضطرابی

طیبه زارعی، احمد عباسی دره بیدی
دانشیار گروه معارف، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
tayebeh.zareie@iau.ac.ir

چکیده

در نظام معرفت‌شناختی قرآن کریم، «قلب سلیم» نه‌تنها یک غایت اخلاقی، بلکه وضعیتی وجودی و روان‌شناختی است که از سلامت بنیادین و فقدان هرگونه آسیب‌پذیری معنوی حکایت دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین روان‌شناختی این مفهوم و تحلیل کارکرد آن در ارتقای سلامت روان و پیشگیری از اختلالات اضطرابی انجام شده است. روش این پژوهش، توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر بازخوانی متون دینی با رویکرد روان‌شناسی سلامت است. یافته‌های تحلیل نشان می‌دهد که قلب سلیم بر اساس سه مؤلفه «توحیدیافتگی شخصیت»، «تسلیم فعال» و «معنایابی متعالی» ساختاربندی می‌شود. از منظر روان‌شناختی، این وضعیت منجر به شکل‌گیری یک نظام ایمنی روانی قدرتمند می‌گردد که با کاهش ابهام وجودی، تقویت تاب‌آوری و مدیریت بهینه استرس، سد دفاعی مستحکمی در برابر اختلالات اضطرابی ایجاد می‌کند. بر خلاف اضطراب که ریشه در ترس از آینده یا وابستگی‌های گذرا دارد، قلب سلیم با ایجاد «آرامش تزلزل‌ناپذیر» (طمانینه)، فرد را از تضادهای درونی و تعارض‌های شناختی رها می‌سازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که قلب سلیم به‌عنوان یک زیربنای سلامت‌افزا، فراتر از رویکردهای درمانیِ صرف، نقش پیشگیرانه ایفا کرده و می‌تواند به‌عنوان یک الگوی بومی در روان‌شناسی اسلامی برای بهبود کیفیت زندگی و مقابله با اضطراب‌های فراگیر در زیست معاصر مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

قلب سلیم، سلامت روان، اختلالات اضطرابی، روان‌شناسی اسلامی، پیشگیری

نقش بالقوه استغفار در تعدیل استرس و تنظیم مسیرهای روان‌عصبی–ایمنی مرتبط با سلامت و ترمیم بدن: ارائه یک مدل مفهومی در روان‌تنی اسلامی

غزاله محمدخانی
emad۲۰۲۰wi@gmail.com

چکیده

استرس مزمن با فعال‌سازی مداوم محور هیپوتالاموس–هیپوفیز–آدرنال، برهم‌زدن تعادل دستگاه عصبی خودمختار و تشدید پاسخ‌های التهابی، عملکرد ایمنی و فرایندهای ترمیمی بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مقابل، پژوهش‌های روان‌نوروایمونولوژی نشان داده‌اند که فرایندهای شناختی، هیجانی و معنوی می‌توانند از طریق کاهش استرس ادراک‌شده بر برخی شاخص‌های زیستی مرتبط با سلامت اثرگذار باشند. هدف این مقاله، ارائه یک مدل مفهومی برای تبیین نقش بالقوه استغفار به‌عنوان یک سازه معنوی–شناختی در تعدیل استرس و ارتباط غیرمستقیم آن با مسیرهای روان‌عصبی–ایمنی است. پژوهش حاضر از نوع نظری–مفهومی بوده و با مرور نظام‌مند منابع اسلامی و ادبیات علمی مرتبط با نظریه استرس و مقابله، بار آلواستاتیک، پاسخ آرام و روان‌نوروایمونولوژی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد استغفار می‌تواند از طریق کاهش نشخوار ذهنی، تعدیل احساس گناه ناسازگار، تقویت امید، بازسازی معنا و ارتقای مقابله معنوی، به کاهش استرس ادراک‌شده و بهبود تنظیم هیجانی کمک کند. بر پایه شواهد موجود، انتظار می‌رود این تغییرات به‌صورت غیرمستقیم با تعدیل فعالیت محور هیپوتالاموس–هیپوفیز–آدرنال، بهبود تعادل خودمختار و ایجاد شرایط زیستی مساعدتر برای حفظ هم‌ایستایی همراه باشند. با این‌حال، این مدل صرفاً فرضیه‌ساز است و برای تأیید آن انجام مطالعات تجربی و کارآزمایی‌های بالینی ضروری است.

واژگان کلیدی

استغفار، روان‌تنی اسلامی، استرس، روان‌نوروایمنی‌شناسی، سلامت معنوی

نقش و کارکرد دین و معنویت در سلامت عمومی: یک مطالعه مرور سیستماتیک

پروانه خفتان، منصوره بهرامی
کارشناس مددکاری اجتماعی مرکز مشاوره و سبک زندگی دانشگاه صنعتی کرمانشاه
pkhftan۲۰۱۵@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، با گسترش رویکرد زیستی–روانی–اجتماعی–معنوی، توجه پژوهشگران به بررسی تأثیر باورها و رفتارهای دینی و معنوی بر سلامت جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی افزایش یافته است. هدف این مطالعه، بررسی نقش و کارکرد دین و معنویت در سلامت عمومی است. این مطالعه با روش مرور سیستماتیک و با بررسی پژوهش‌ها و مطالعات منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۶ در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر داخلی و خارجی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که دین و معنویت با کاهش افسردگی، اضطراب، استرس و احساس تنهایی و نیز افزایش امید، تاب‌آوری، رضایت از زندگی، سلامت معنوی و کیفیت زندگی ارتباط معناداری دارند و مشارکت در فعالیت‌های دینی و بهره‌گیری از منابع معنوی از طریق تقویت حمایت اجتماعی، ارتقای راهبردهای مقابله‌ای، افزایش رفتارهای سلامت‌محور، بهبود سازگاری با بیماری‌های مزمن و کاهش رفتارهای پرخطر، سلامت عمومی را بهبود می‌بخشند. با این حال، میزان اثربخشی دین و معنویت تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، فردی و نوع باورهای مذهبی قرار دارد. در مجموع سیاست‌گذاران و متخصصان حوزه سلامت می‌توانند دین و معنویت را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های یاری‌دهنده و مؤثر در برنامه‌های ارتقای سلامت، پیشگیری و مراقبت‌های درمانی مورد توجه قرار بدهند.

واژگان کلیدی

دین، سلامت عمومی، معنویت، مرور سیستماتیک، سلامت روان

الگوی قرآنی مدیریت اضطراب و فشار روانی در شرایط بحران؛ مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای در روان‌شناسی اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم

محسن تقی‌زاده

مسئول علمی، سطح ۳ حوزوی، فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران

mt۱۳۵٦۸۸٥@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کشف و تدوین الگوی جامع مدیریت اضطراب و فشار روانی در شرایط بحران بر اساس آموزه‌های قرآن کریم انجام شده است. رویکرد این مطالعه، میان‌رشته‌ای و با روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار بوده و با مراجعه به متن قرآن و تفاسیر معاصر و کلاسیک (از جمله المیزان، مجمع‌البیان، فی‌ظلال‌القرآن و التحریر و التنویر) صورت پذیرفته است. در این راستا، تمامی آیات مرتبط با مفاهیمی چون خوف، حزن، اطمینان قلبی، سکینه، توکل، صبر و ذکر، به‌عنوان کلیدواژه‌های اصلی پژوهش، شناسایی و با رویکرد تفسیری–اجتهادی، کدگذاری و تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که الگوی قرآنی مدیریت اضطراب، فراتر از راهکارهای سطحی و مهارت‌های رفتاری صرف، بر سه سطح شناختی، رفتاری و عاطفی–معنوی تأکید داشته و هسته مرکزی آن را «توکل به خداوند» و «ذکر الهی» تشکیل می‌دهد. این الگو، با ایجاد نظام معنایی جدید در فرد، منبع کنترل را از درون‌دادهای بیرونی به سمت ارتباطی پویا با منبع نامحدود قدرت تغییر می‌دهد. مقایسه این الگو با رویکردهای رایج روان‌درمانگری نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی، علاوه بر پوشش مؤلفه‌های شناختی و رفتاری، به بُعد متعالی وجود انسان پرداخته و راهکاری اصیل و پایدار برای مواجهه با بحران‌های روانی ارائه می‌دهد. نوآوری پژوهش در ارائه یک مدل مفهومی یکپارچه و بومی مبتنی بر قرآن است که می‌تواند به‌عنوان مبنا برای تدوین پروتکل‌های درمانی اسلامی و افزایش تاب‌آوری جامعه مؤمن به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی

اضطراب، فشار روانی، بحران، قرآن کریم، روان‌شناسی اسلامی، توکل

بازسازی مفهوم لذت و پاداش در درمان اعتیاد بر پایه عصب‌زیست‌شناسی، نوروتئولوژی و سیره اهل بیت(ع)

علی‌اصغر سام دلیری، علیرضا تورانی، علی‌رضا مرادی
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
moralist.turani@gmail.com

چکیده

اعتیاد، اختلالی مخرب در سیستم پاداش مغز انسان است که با ایجاد سندرم نقص پاداش و اختلال شدید در شبکه‌های عصبی، لذت‌های طبیعی و پایدار را با سرخوشی‌های کاذب و آسیب‌زای شیمیایی جایگزین می‌سازد و انسان را در پایین‌ترین سطح لذت‌های حسی محبوس می‌کند. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بازسازی مفهوم لذت و پاداش در فرآیند پیچیده درمان اعتیاد، بر پایه تلفیق دستاوردهای نوین عصب‌زیست‌شناسی، نوروتئولوژی و آموزه‌های معنوی در سیره اهل‌بیت(ع) سامان یافته است. تحقیق از نوع کاربردی بوده و با رویکردی توصیفی–تحلیلی، از طریق مطالعات دقیق کتابخانه‌ای به بررسی مبانی نظری روان‌شناسی، تحلیل رویه‌های عصبی و نظریه‌های علمی–اسلامی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تقلیل درمان اعتیاد به مدیریت علائم جسمانی رویکردی کاملاً ناکافی است و درمان حقیقی نیازمند یک تحول وجودی در بیمار از محرک‌های مخرب مادی به سوی لذت‌های بی‌کران روحانی و عقلی است. بر اساس شواهد، تمرینات عبادی و معنوی متمرکز نظیر نماز با حضور قلب، روزه، مناجات و ذکر، به‌عنوان مداخلات قدرتمند تعدیل‌کننده عصبی عمل کرده و با ترشح طبیعی انتقال‌دهنده‌های عصبی، تعادل از دست رفته را به سیستم دوپامینی بازمی‌گردانند. این اعمال همچنین با کاهش چشمگیر بیش‌فعالی شبکه حالت پیش‌فرض مغز، نشخوار فکری و اضطراب را به شکلی کارآمد مهار می‌کنند. نتایج نهایی حاکی از آن است که ادغام هوشمندانه روان‌شناسی مدرن با الگوهای بومی و معنوی نظیر تزکیه نفس، با جایگزینی پاداش‌های کاذب با شیرینی ایمان و معرفت، علاوه بر ترمیم ساختارهای بیولوژیک مغز، به بازسازی هویت و دستیابی به سلامت و پاکی پایدار بیماران منجر می‌گردد.

واژگان کلیدی

اعتیاد، عصب‌زیست‌شناسی، نوروتئولوژی، سیستم پاداش، سیره اهل‌بیت(ع)

نقش امید و معنای زندگی در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم: مروری بر یافته‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر

فاطمه امیری، مهدی رعیتی
fa.amirii.۱۳۶۰@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش امید و معنای زندگی در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم انجام شده است. مسئله اصلی این تحقیق، بررسی چگونگی پیوند میان مفاهیم وجودی قرآنی و سازه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر جهت ارائه یک مدل بومی برای بهزیستی است. روش پژوهش از نوع توصیفی–تحلیلی و با رویکرد تحلیل محتوای اسنادی است که در آن، آیات مرتبط با دو سازه امید و معنا استخراج و با نظریات برجسته روان‌شناسی مثبت‌نگر مقایسه شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان آموزه‌های قرآنی و نظریات روان‌شناسی مثبت‌نگر همسویی بالایی وجود دارد؛ به‌طوری که مفهوم رجاء و توکل در قرآن، معادل‌های وجودی و معنوی برای مفهوم امید در رویکردهای شناختی–هدف‌محور هستند و مفهوم عبادت و هدف از خلقت نیز، زیربنای معنایی لازم برای سازه معنای زندگی را فراهم می‌آورد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که برخلاف مدل‌های روان‌شناختی مدرن که عمدتاً بر خود و مدیریت محیط تمرکز دارند، مدل قرآنی با نگاهی خدامحور و از طریق مفهوم خروج از خود، معنای عمیق‌تر و پایدارتری از بهزیستی را تبیین می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود در طراحی مداخلات روان‌شناختی و برنامه‌های سلامت روان، از رویکردهای تلفیقی میان سازه‌های شناختی و آموزه‌های معنوی استفاده شود.

واژگان کلیدی

امید، معنای زندگی، بهزیستی روان‌شناختی، قرآن کریم، روان‌شناسی مثبت‌نگر

توبه به‌مثابه بازسازی رابطه‌ای روایت خویشتن: تحلیل تطبیقی ساختار تحول توبه در قرآن کریم و نظریه هویت روایی مک‌آدامز

آرش رجبی، سیده معصومه طباطبایی
دانشگاه امیرکبیر
eshragh.sadra@gmail.com

چکیده

توبه در قرآن کریم صرفاً یک حکم فقهی یا حالت عاطفیِ زودگذر نیست، بلکه فرایندی تحول‌بخش است که نسبت انسان با خطا، خویشتن و خدا را بازتنظیم می‌کند. مسئله پژوهش، امکان هم‌سنجی ساختار تحولی توبه در روایت‌های قرآنی با مفهوم «توالی‌های بازیابی» در نظریه هویت روایی مک‌آدامز است. هدف، اثبات همسانی نیست، بلکه شناسایی نقاط همگرایی، افتراق و ظرفیت تبیینی متقابل آن‌هاست. روش پژوهش، تحلیل روایی ترکیبی (ساختاری بر اساس الگوی لاباو و مضمونی بر اساس چارچوب براون و کلارک) با مقایسه تطبیقیِ کنترل‌شده است. با نمونه‌گیری هدفمند، دو روایت آدم و یونس در سطوح واژگانی، گزاره‌ای و روایی بررسی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد بین ساختار توبه قرآنی و منطق کلی توالی بازیابی همگرایی معناداری وجود دارد: رخداد منفی در هر دو، نقطه آغاز بازسازی معناست، نه پایان هویت. اما توبه قرآنی به الگوی روان‌شناختیِ صرف فروکاسته نمی‌شود؛ چه بر اساس تفسیر المیزان، «توبه الهی» بر «توبه بنده» مقدم است و تحول در بستری رابطه‌ای شکل می‌گیرد که عاملیت انسان و پذیرش الهی را هم‌زمان شامل می‌شود. بر این اساس، پژوهش مدل «بازسازی رابطه‌ای روایت خویشتن» را پیشنهاد می‌کند: فرایندی سه‌سطحی مشتمل بر بازسازی معنای خود، بازسازی رابطه با خداوند و بازسازی مسیر آینده. این چارچوب می‌تواند مبنایی نظری برای توسعه روان‌شناسی اسلامی و طراحی پژوهش‌های تجربیِ آتی درباره مداخلات معنویت‌محور فراهم کند.

واژگان کلیدی

توبه، روان‌شناسی اسلامی، هویت روایی، توالی بازیابی، مک‌آدامز

نقش تنظیم‌گر مناسک دینی (نماز، ذکر و دعا) در تنظیم هیجان و کاهش ولع مصرف: یک مطالعه توصیفی–تحلیلی

زکیه نجاریان
استادیار دانشگاه معارف قرآن و عترت
znajaryan٤٤١@gmail.com

چکیده

اختلال سوءمصرف مواد، به‌ویژه به دلیل پدیده ولع مصرف و عود مکرر، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حوزه سلامت روان به شمار می‌رود. اگرچه پژوهش‌های معاصر بر نقش مداخلات شناختی، عصب روان‌شناختی و معنویت‌محور در کاهش ولع مصرف تأکید کرده‌اند، هنوز سازوکارهای اثرگذاری مناسک دینی اسلامی بر تنظیم هیجان و مهار ولع مصرف به‌صورت نظام‌مند تبیین نشده است. هدف پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل نقش مناسک دینی شامل نماز، ذکر و دعا در تنظیم هیجان و کاهش ولع مصرف در افراد وابسته به مواد است. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی–توسعه‌ای و از نظر روش، توصیفی–تحلیلی با رویکرد اسنادی است. داده‌ها از طریق تحلیل منابع معتبر روان‌شناسی اسلامی، علوم اعصاب، روان‌شناسی بالینی اعتیاد و متون اسلامی گردآوری و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که مناسک دینی از طریق چهار سازوکار میانجی شامل: نخست، تعدیل پاسخ‌های فیزیولوژیک استرس و فعال‌سازی سیستم عصبی پاراسمپاتیک؛ دوم، بازسازی نظام توجه و کاهش سوگیری‌های شناختی نسبت به مواد؛ سوم، تنظیم هیجان و تقویت عواطف مثبت معنوی؛ و چهارم، افزایش خودکارآمدی و بازسازی شناختی، به کاهش ولع مصرف کمک می‌کنند. همچنین حضور قلب و قصد آگاهانه به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده، نقش مهمی در افزایش اثربخشی این مناسک ایفا می‌کنند. پیوند میان مفاهیم روان‌شناسی اسلامی و یافته‌های عصب‌روان‌شناختی، چارچوبی تحلیلی و آزمون‌پذیر برای تبیین کارکرد درمانی مناسک دینی فراهم می‌سازد. بر این اساس، ادغام هدفمند مناسک دینی با مداخلات مبتنی بر شواهد در درمان اعتیاد می‌تواند زمینه طراحی پروتکل‌های درمانی بومی، مکمل و مؤثر در کاهش ولع مصرف و پیشگیری از عود را فراهم سازد.

واژگان کلیدی

مناسک دینی، نماز، ذکر، دعا، تنظیم هیجان، ولع مصرف، اعتیاد

نقش محبت در سلامت روان از منظر قرآن کریم

محسن داودآبادی فراهانی، محمد مهدی عباسی گویدرق، محمد باقر عباسی
اندیشکده قصد
mohsend۳۱۳@gmail.com

چکیده

سلامت روان یکی از ابعاد اساسی سلامت انسان است که در آموزه‌های اسلامی، افزون بر نبود اختلالات روانی، با آرامش درونی، معنا و هدفمندی زندگی، امنیت معنوی و برخورداری از روابط سالم پیوند دارد. در این میان، محبت به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان، در قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی نقش‌آفرین باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش محبت در سلامت روان از منظر قرآن کریم و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و بررسی آیات قرآن کریم و منابع تفسیری گردآوری و مضامین مرتبط با محبت و سلامت روان استخراج و دسته‌بندی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محبت در منظومه قرآنی در سه محور اصلی قابل تبیین است: محبت به خداوند، محبت به پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع)، و محبت به بندگان خدا و مؤمنان. محبت به خداوند با ایجاد اتکای معنوی، اطمینان قلب، معنا و هدفمندی زندگی و کاهش ترس و اندوه، زمینه آرامش روانی را فراهم می‌کند. محبت به پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) از طریق تقویت هویت دینی و پیوند معنوی با خدا و نیز ایجاد نشاط، به آرامش و ثبات روانی کمک می‌کند. همچنین محبت میان مؤمنان با تقویت رحمت، همدلی و کاهش کینه و انزوای اجتماعی، زمینه سلامت روان فرد و جامعه را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی

محبت، سلامت روان، محبت الهی، اهل‌بیت(ع)، مؤمنان

بررسی رابطه نماز و نشخوار فکری با تأکید بر نقش مدیریت ذهن

زهرا غلامی، هاجر طیبی
استادیار روان‌شناسی دانشگاه جهرم
hajartayebi@iran.ir

چکیده

نشخوار فکری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز و تداوم بسیاری از مشکلات روان‌شناختی، از جمله اضطراب، افسردگی و اختلال در تنظیم هیجان، محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر، نقش عوامل معنوی و مذهبی در کاهش افکار منفی و بهبود سلامت روان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان نماز و نشخوار فکری و تبیین نقش نماز در مدیریت ذهن انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی–همبستگی بود و جامعه آماری آن را ۱۰۰ نفر از افراد تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس نگرش و التزام عملی به نماز و پرسشنامه نشخوار فکری استفاده شد و داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار تحلیل آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به‌منظور بررسی پایایی ابزارها از ضریب آلفای کرونباخ و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف–اسمیرنوف، شاپیرو–ویلک، ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی ساده استفاده شد. نتایج نشان داد که میان نماز و نشخوار فکری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد (r=−۳۱۵/۰ و Sig=۰۰۱/۰)؛ به این معنا که با افزایش میزان پایبندی به نماز، نشخوار فکری کاهش می‌یابد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که نماز توانایی تبیین بخشی از تغییرات مربوط به نشخوار فکری را دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که نماز از طریق تقویت خودکنترلی، تنظیم هیجان، هدایت توجه و کاهش درگیری ذهنی با افکار منفی، می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت ذهن و کاهش نشخوار فکری ایفا کند.

واژگان کلیدی

نشخوار فکری، نماز، مدیریت ذهن، تنظیم هیجان، سلامت روان

نقش رویکردهای قرآن‌محور در ارتقای سلامت روان پرستاران و بهبود کیفیت مراقبت‌های بیمارستانی

مریم جبلی
بیمارستان شهدای یافت‌آباد، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
tahan@ut.ac.ir

چکیده

مقدمه: پرستاران به دلیل مواجهه با شرایط پرتنش شغلی، بار روانی بالا، در معرض سطوح بالایی از استرس، اضطراب، افسردگی و فرسودگی شغلی قرار دارند. رویکردهای معنوی مبتنی بر قرآن، به‌عنوان مداخلاتی کم‌هزینه، بی‌خطر و هم‌سو با فرهنگ جوامع اسلامی، پتانسیل بالایی برای ارتقای سلامت روان این قشر دارند. مطالعه حاضر با هدف مرور نظام‌مند شواهد موجود درباره تأثیر رویکردهای قرآن‌محور بر سلامت روان پرستاران و کیفیت مراقبت انجام شد. روش‌ها: این مطالعه یک مرور نظام‌مند است. جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های داده پاب‌مد، اسکوپوس، ساینس دایرکت، گوگل اسکالر و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی با استفاده از کلیدواژه‌های ترکیبی شامل «قرآن»، «تلاوت»، «مراقبت معنوی»، «پرستار»، «سلامت روان»، «استرس»، «تاب‌آوری» و معادل‌های فارسی آن‌ها تا سال ۲۰۲۶ انجام شد. معیارهای ورود شامل مطالعات اصیل کارآزمایی بالینی، نیمه‌تجربی و مروری با کیفیت بود که تأثیر مداخلات قرآن‌محور را بر متغیرهای سلامت روان پرستاران گزارش کرده بودند. ارزیابی کیفیت مطالعات با استفاده از چک‌لیست‌های استاندارد انجام شد و داده‌ها به روش سنتز تماتیک تحلیل گردیدند. نتیجه‌گیری: رویکردهای قرآن‌محور به‌عنوان مداخلاتی مؤثر و مبتنی بر شواهد در ارتقای سلامت روان پرستاران عمل می‌کنند که پیامد آن بهبود کیفیت مراقبت، کاهش خطاهای بالینی و افزایش رضایت بیماران خواهد بود. پیشنهاد می‌شود این مداخلات در قالب برنامه‌های مدون آموزشی و حمایتی در سیاست‌های ارتقای سلامت نیروی کار در نظام‌های سلامت اسلامی گنجانده شوند.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، سلامت روان، پرستار، تاب‌آوری، مراقبت معنوی

اثربخشی درمان شناختی–رفتاری اسلامی بر کاهش خشونت اجتماعی: یک مرور نظام‌مند

گلاره امیری
هیئت علمی گروه معارف اسلامی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
glarehamiri۱٤۰٤@iau.ac.ir

چکیده

خشونت اجتماعی از مهم‌ترین تهدیدهای سلامت روان و انسجام اجتماعی به شمار می‌رود و مداخلات فرهنگ‌محور برای کاهش آن در جوامع اسلامی ضروری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان شناختی–رفتاری با رویکرد اسلامی بر کاهش خشونت اجتماعی انجام شد. در این مرور نظام‌مند، مطالعات تجربی و نیمه‌تجربی منتشرشده بر اساس معیارهای روش‌شناختی انتخاب و کیفیت آن‌ها ارزیابی شد. یافته‌های حاصل از ترکیب روایتی مطالعات نشان داد که درمان شناختی–رفتاری اسلامی با بهره‌گیری از بازسازی شناختی مبتنی بر صبر، بخشش، توکل و مدیریت خشم، پرخاشگری و رفتارهای خشونت‌آمیز را به‌طور معنادار کاهش می‌دهد و هم‌زمان به ارتقای سلامت معنوی و رشد اخلاقی مراجعان کمک می‌کند. همچنین همسویی این مداخله با ارزش‌های دینی و فرهنگی، پذیرش و تداوم درمان را در جمعیت‌های مسلمان افزایش می‌دهد. با وجود ناهمگونی در طرح‌های پژوهشی، نبود ابزار واحد برای سنجش خشونت اجتماعی و ضعف در دوره‌های پیگیری، شواهد موجود از اثربخشی این رویکرد حمایت می‌کند. از این‌رو، انجام کارآزمایی‌های تصادفی کنترل‌شده با حجم نمونه کافی و پیگیری بلندمدت ضروری است. در مجموع، شواهد اولیه بیانگر قابلیت درمان شناختی–رفتاری اسلامی به‌عنوان مداخله‌ای مؤثر و قابل پذیرش در برنامه‌های پیشگیری و کاهش خشونت اجتماعی در جوامع اسلامی است.

واژگان کلیدی

درمان شناختی–رفتاری اسلامی، خشونت اجتماعی، پرخاشگری، سلامت معنوی

نقش باور به معاد در سلامت روان انسان با تأکید بر آیات قرآن کریم

مهری چنگی آشتیانی
هیئت علمی
mehrichangi@yahoo.com

چکیده

سلامت روان یکی از ابعاد اساسی سلامت انسان است و در دهه‌های اخیر، علاوه بر عوامل زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی، نقش معنا، معنویت و باورهای دینی نیز در تبیین آن مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های ادیان توحیدی، به‌ویژه اسلام، اعتقاد به معاد و زندگی پس از مرگ است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش باور به معاد در سلامت روان انسان از منظر آیات قرآن کریم و با بهره‌گیری از یافته‌های مطالعات روان‌شناسی دین انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی آیات قرآن و منابع علمی مرتبط با روان‌شناسی دین و سلامت روان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که باور قرآنی به معاد می‌تواند از طریق ایجاد معنا برای زندگی، تقویت امید، کاهش احساس پوچی، افزایش مسئولیت‌پذیری اخلاقی، تعدیل ترس از مرگ و تقویت سازوکارهای مقابله‌ای دینی، در سلامت روان نقش حمایتی داشته باشد. آیات مربوط به آرامش قلب از طریق یاد خدا، هدفمند بودن آفرینش، جاودانگی حیات اخروی و پاداش اعمال، چارچوبی معنایی برای مواجهه انسان با رنج، فقدان و مرگ فراهم می‌کنند. با این حال، شواهد علمی نشان می‌دهند که رابطه دین و سلامت روان یک رابطه ساده و یک‌سویه نیست و شکل منفی یا اضطراب‌آمیز دینداری نیز می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. بنابراین، از دیدگاه قرآن، باور به معاد زمانی می‌تواند در سلامت روان نقش سازنده‌تری ایفا کند که در کنار خوف، بر امید، رحمت الهی، معنا، عمل صالح و اعتماد به خداوند تأکید شود.

واژگان کلیدی

معاد، سلامت روان، قرآن کریم، امید، معنای زندگی

تفاوت میان ترس ناسازگارانه از جهنم و خوف دینی سازنده از منظر روان‌شناختی با تأکید بر آیات قرآن کریم

مهری چنگی آشتیانی
هیئت علمی
mehrichangi@yahoo.com

چکیده

ترس از مجازات اخروی یکی از مؤلفه‌های مهم برخی نظام‌های دینی است، اما از دیدگاه روان‌شناختی، هر نوع ترس دینی را نمی‌توان یکسان تلقی کرد. هدف پژوهش حاضر، تبیین تفاوت میان «خوف دینی سازنده» و «ترس ناسازگارانه از جهنم» با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم و یافته‌های روان‌شناسی دین است. پژوهش به روش توصیفی–تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی، آیات قرآن کریم و پژوهش‌های تجربی حوزه روان‌شناسی دین انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خوف دینی سازنده با مفاهیمی همچون مسئولیت‌پذیری، خودتنظیمی، توبه، امید به رحمت الهی، اصلاح رفتار و احساس معنا همراه است؛ در حالی که ترس ناسازگارانه از جهنم با نگرانی افراطی، احساس گناه ناتوان‌کننده، اشتغال مذهبی ارتباط پیدا می‌کند. قرآن کریم ضمن تأکید جدی بر عذاب اخروی، هم‌زمان بر رحمت گسترده خداوند، امکان توبه، امید و عدم یأس تأکید می‌کند. از این منظر، خوف دینی هنگامی سازنده است که به اصلاح و رشد اخلاقی منجر شود و در تعادل با «رجاء» قرار گیرد؛ اما زمانی که به ترس مزمن، احساس بی‌ارزشی، تصویر تنبیه‌گر و غیرقابل‌بخشش از خدا، یا رفتارهای اجباری تبدیل شود، می‌تواند از کارکرد دینی سازنده فاصله گرفته و با سلامت روان ناسازگار شود. یافته‌های پژوهش‌های تجربی نیز از تمایز میان مقابله دینی مثبت و منفی حمایت می‌کنند. بنابراین، تفاوت اساسی میان این دو نوع ترس را باید نه صرفاً در «وجود ترس»، بلکه در شدت، تداوم، تفسیر شناختی، پیامد رفتاری و نسبت آن با امید، رحمت و کارکرد روزمره فرد جست‌وجو کرد.

واژگان کلیدی

خوف دینی، ترس از جهنم، سلامت روان، قرآن کریم، وسواس مذهبی

مقایسه راهبردهای خودآرام‌بخشی بیمارگونه با مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان مبتنی بر آموزه قرآنی سکینه در زنان مبتلا به پریشانی روان‌شناختی

مهسا زیور
mahsa.zivar۷۸۰۸@gmail.com

چکیده

شیوع فزاینده پریشانی روان‌شناختی در میان زنان و گرایش ناخودآگاه آنان به رفتارهای خودآرام‌بخشی بیمارگونه نظیر پرخوری عصبی، خریدهای وسواسی، وابستگی افراطی به فضای مجازی و کرختی عاطفی، به‌عنوان سازوکارهای تسکین آنی و اجتناب تجربی، چالشی جدی در حوزه سلامت روان محسوب می‌شود که اگرچه برانگیختگی عاطفی را موقتاً فرومی‌نشاند، اما از طریق تقویت منفی به استمرار چرخه تنیدگی و فرسایش مهار شناختی می‌انجامد؛ از این‌رو پژوهش حاضر با هدف تبیین نظری نقش مؤلفه‌های قرآنی «سکینه» به‌مثابه یک الگوی عمیق و درون‌زاد در تنظیم شناختی هیجان و تعدیل راهبردهای خودآرام‌بخشی ناکارآمد در زنان به انجام رسید. این مطالعه با روش توصیفی–تحلیلی و با رویکرد سنتز نظری تطبیقی و تحلیل اسنادی نظام‌مند انجام پذیرفت که طی آن، گزاره‌های تفسیری و قرآنی مرتبط با سازه سکینه استخراج و با مدل‌های نوین تنظیم هیجان به‌ویژه الگوی فرآیندی گراس و رویکردهای موج سوم شناختی–رفتاری تطبیق داده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های پنج‌گانه سکینه شامل ذکرالله، تسلیم فعال، توکل، رضا و وقار با ارتقای مهار بالا به پایین قشر پیش‌پیشانی بر کانون‌های لیمبیک، تعدیل فعالیت شبکه حالت پیش‌فرض و خنثی‌سازی خطاهای شناختی فاجعه‌سازی و کنترل‌گری افراطی، زمینه‌ساز گذار از پاسخ‌های انفعالی و تکانشی به پذیرش فعال، بازنگری شناختی–توحیدی و تاب‌آوری عاطفی پایدار می‌گردند. در فرجام، مدل مفهومی برآمده از این سنتز نظری بستری کارآمد و بومی را برای طراحی مداخلات بالینی معنامحور و پروتکل‌های روان‌درمانی معنوی جهت رهایی زنان از رفتارهای تسکینی ایذایی و دستیابی به سلامت روان پایدار فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

سکینه قرآنی، خودآرام‌بخشی بیمارگونه، تنظیم شناختی هیجان، پریشانی روان‌شناختی، زنان

پیش‌بینی پریشانی روان‌شناختی دانشجویان بر اساس جهت‌گیری دینی و عدم تحمل بلاتکلیفی

حمیده ناظمی سجزئی، یاسمین رایش، ستایش شاه‌مرادی
دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران
nazemi@stu.ardakan.ac.ir

چکیده

پریشانی روان‌شناختی یکی از مشکلات مهم در میان دانشجویان است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل شناختی، فردی و معنوی قرار گیرد. در این میان، جهت‌گیری دینی و عدم تحمل بلاتکلیفی می‌توانند در نحوه مواجهه افراد با شرایط مبهم و فشارهای زندگی نقش داشته باشند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش جهت‌گیری دینی و عدم تحمل بلاتکلیفی در پیش‌بینی پریشانی روان‌شناختی دانشجویان دانشگاه اردکان انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اردکان بود که از میان آنان ۲۰۲ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای سنجش جهت‌گیری دینی، پریشانی روان‌شناختی و عدم تحمل بلاتکلیفی استفاده شد. نتایج رگرسیون خطی ساده نشان داد که جهت‌گیری دینی به‌طور معناداری پریشانی روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌کند و ۱۸ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کند. همچنین، عدم تحمل بلاتکلیفی پیش‌بینی‌کننده معنادار پریشانی روان‌شناختی بود. در تحلیل رگرسیون چندگانه، جهت‌گیری دینی و عدم تحمل بلاتکلیفی هر دو به‌طور معناداری پریشانی روان‌شناختی را پیش‌بینی کردند و مدل ترکیبی این دو متغیر ۳۵ درصد از واریانس پریشانی روان‌شناختی را تبیین کرد. یافته‌های پژوهش نشان داد که جهت‌گیری دینی و عدم تحمل بلاتکلیفی در پیش‌بینی پریشانی روان‌شناختی دانشجویان نقش معناداری دارند. با توجه به سهم بیشتر عدم تحمل بلاتکلیفی در مدل نهایی، توجه به فرایندهای شناختی مرتبط با نحوه مواجهه دانشجویان با ابهام و عدم قطعیت می‌تواند در برنامه‌های ارتقای سلامت روان آنان مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

پریشانی روان‌شناختی، جهت‌گیری دینی، عدم تحمل بلاتکلیفی، دانشجویان

نقش معنویت و آموزه‌های دینی در کاهش اضطراب وجودی و ارتقای سلامت روان

طه هدشی، محسن دهقان
کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه یزد
tahahedeshi@gmail.com

چکیده

انسان معاصر، به‌رغم دستیابی به پیشرفت‌های خیره‌کننده در حوزه فناوری و رفاه مادی، بیش از هر زمان دیگری با بحران‌های روانی، احساس تنهایی، پوچی و اضطراب وجودی مواجه است؛ اضطرابی که به نوعی دلهره بنیادی در مواجهه با چالش‌های نهایی هستی، همچون مرگ، آزادی، مسئولیت، تنهایی و بی‌معنایی اشاره دارد. از این‌رو، شناسایی عوامل مؤثر در کاهش اضطراب وجودی و تقویت سازگاری روان‌شناختی، اهمیت ویژه‌ای یافته است. هدف این مقاله، تبیین نقش معنویت و آموزه‌های دینی در کاهش اضطراب وجودی و ارتقای سلامت روان در چارچوب رویکردهای اسلامی است. روش پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی–تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع علمی حوزه روان‌شناسی، مطالعات مرتبط با معنویت و سلامت روان و آموزه‌های قرآن کریم و منابع اسلامی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معنویت و جهت‌گیری مذهبی درونی، از طریق فراهم‌کردن چارچوبی معنادار برای تفسیر زندگی و مرگ، تقویت امید، ایجاد احساس پیوند و دلبستگی به خداوند و افزایش توانایی فرد برای مواجهه با رنج و عدم قطعیت‌های زندگی، می‌توانند در کاهش اضطراب وجودی نقش داشته باشند. همچنین، دلبستگی ایمن به خدا و مداخلات معنوی–روان‌شناختی، از جمله درمان یکپارچه توحیدی، با ارائه معنای غایی به حیات، تبیین هدفمندی خلقت و تقویت آرامش قلبی، ظرفیت کاهش اضطراب وجودی و برخی آسیب‌های روان‌شناختی و در نتیجه ارتقای سلامت روان را دارند. بر این اساس، ادغام سنجیده مؤلفه‌های معنوی و آموزه‌های دینی با دانش روان‌شناختی می‌تواند چارچوبی مکمل برای فهم و مدیریت اضطراب وجودی، به‌ویژه در بافت فرهنگی و دینی جوامع اسلامی، فراهم سازد.

واژگان کلیدی

اضطراب وجودی، سلامت روان، معنویت، آموزه‌های دینی، درمان توحیدی

The 2nd National Conference
Quran and Psychology
دومین همایش ملی
قرآن و روانشناسی
۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵

تبیین ریشه‌های اضطراب فراگیر در قرآن؛ تمرکز بر نقش نقص توجه پایدار و بدتنظیمی هیجانی در شبکه ذکر

سارا صنعت‌نگار، هادی بهرامی احسان، احمدرضا اخوت، مسعود جان‌بزرگی
کارمند رسمی آموزش و پرورش
sara.sanatnegar@gmail.com

چکیده

هدف: اختلال اضطراب فراگیر یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌شناختی است که عمدتاً بر اساس سازوکارهای زیستی و شناختی تبیین می‌شود؛ با این حال، تبیین ریشه‌های وجودی و معرفت‌شناختی آن نیازمند واکاوی در متون وحیانی است. روش: پژوهش کیفی حاضر با هدف کشف و تبیین ریشه‌های اضطراب فراگیر در پرتو آموزه‌های قرآن کریم، با تمرکز بر تحلیل ساختاری و معناشناختی سوره‌های مکی (به‌ویژه یونس، انعام و زمر) به شیوه تدبر کلمه‌ای و تدبر سوره‌ای انجام شد. نتایج: یافته‌ها نشان داد که نشانگان اضطراب در قرآن در قالب یک چرخه فرآیندی سه‌مرحله‌ای شامل «نقص در کنترل و پایداری توجه بر مقصد غایی (گسست از ذکر) ← بدتنظیمی هیجانی وابسته به بافت (نوسان نامتعادل خوف و رجاء) ← رفتارهای ناسازگارانه، تحریف‌های اسنادی و تنش در تعاملات بین‌فردی» صورت‌بندی می‌شود. همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد چهار الگوی «کامجو–فقدان‌گریز»، «انعطاف‌ناپذیر»، «آسیب‌گریز» و «مقایسه‌گر»، بر یک پیوستار طیفی واحد برازش دارند و طیف کاملی از آسیب‌های درون‌روانی تا تجلیات بین‌فردی را پوشش می‌دهند. انطباق نتایج با نظریه‌های معاصر نشان‌دهنده همسویی سازوکارها با نظریه کنترل توجه، مدل فراشناختی و بدتنظیمی هیجان است؛ با این تمایز بنیادین که مدل قرآنی به‌جای بهوشیاری خنثی، بر «هشیاری غایت‌مدار و معنابخش» تأکید می‌ورزد و اضطراب را محصول انقطاع از مقصد وجودی می‌داند. در نتیجه، مداخلات درمانی مؤثر نیازمند فرارفتن از مهار نشانه‌های سطحی و متمرکز بر احیای شبکه پایداری توجه بر مقصد غایی (ذکر) است.

واژگان کلیدی

اضطراب فراگیر، تدبر در قرآن کریم، کنترل توجه، ذکر، بدتنظیمی هیجان

نقش معنویت در درمان اختلالات روان‌شناختی

لیلا اکرمی
دانشگاه یزد
lakrami@yahoo.com

چکیده

سلامت معنوی یکی از ابعاد بنیادین سلامت و بهزیستی است. معنویت می‌تواند از طریق چند سازوکار اساسی بر سلامت روان اثر بگذارد. اعتقاد و باورمندی به خدا و ارزش‌های دینی از طریق ایجاد هدف و معنا در زندگی و اتخاذ سبک و شیوه زندگی سالم، در زمینه پیشگیری و درمان اختلالات جسمانی و روانی به انسان کمک می‌کند. روان‌پزشکان و روان‌شناسان می‌توانند با پرداختن به نیازهای معنوی افراد مبتلا به اختلالات روانی شدید، نقش محوری در کمک به آن‌ها ایفا کنند و از این طریق بهبود جامع را ارتقا دهند. معنویت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند به‌عنوان رویکردی فرهنگی و مکمل درمان‌های روان‌شناختی، در ارتقای سلامت روان و بهبود کیفیت زندگی مؤثر واقع شود. معنویت‌درمانی یک رویکرد چندبعدی و جامع برای بهبود سلامت روانی و افزایش تعادل روانی است. این روش که ریشه در ارزش‌های معنوی و اسلامی دارد، به‌عنوان یک درمان مؤثر برای کاهش علائم اختلالات روان‌شناختی شناخته شده است. اعتقاد و باورمندی به خدا، ارزش‌ها و رفتارهای دینی و معنوی از طریق ایجاد هدف و معنا در زندگی، اتخاذ سبک و شیوه زندگی سالم می‌تواند در زمینه پیشگیری و درمان اختلالات جسمانی و روانی و تأمین و ارتقای سلامت در همه ابعاد آن به انسان کمک نماید.

واژگان کلیدی

اختلالات روان‌شناختی، درمان، معنویت، معنویت‌درمانی، سلامت روان

پیش‌بینی تحمل پریشانی و استرس ادراک‌شده بر اساس تعلقات مذهبی در دانشجویان

مهناز بابائی، فاطمه روحی پاشائی
استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران
dr.mbabaei۲@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تحمل پریشانی و استرس ادراک‌شده بر اساس تعلقات مذهبی در دانشجویان انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، از نظر هدف کاربردی و به لحاظ اجرا میدانی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه گلستان در سال تحصیلی ۱۴۰۵–۱۴۰۴ و روش نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس و حجم نمونه ۱۶۰ نفر بود. داده‌ها به‌وسیله پرسشنامه‌های تحمل پریشانی، استرس ادراک‌شده و تعلقات مذهبی جمع‌آوری شد. با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه داده‌های به‌دست‌آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد بین تعلقات مذهبی و تحمل پریشانی و خرده‌مقیاس‌های جذب و تحمل رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($p<$ ۰۵/۰). اما بین تعلقات مذهبی و استرس ادراک‌شده رابطه معناداری مشاهده نشده است. دیگر یافته این مطالعه نیز حاکی از آن بود که تعلقات مذهبی ۰/۲۷ از تحمل پریشانی را تبیین می‌کند. و این نتیجه‌گیری حاصل شده است که تعلقات مذهبی اثرات متفاوتی می‌توانند بر روی کارکردهای روان‌شناختی مانند تحمل پریشانی و استرس ادراک‌شده در دانشجویان داشته باشند.

واژگان کلیدی

تحمل پریشانی، استرس ادراک‌شده، تعلقات مذهبی، دانشجویان

مدل سه‌سطحی تمرین‌های بین‌جلسه‌ای در روان‌درمانی اسلامی: عملیاتی‌سازی اصول قرآنی و اسلامی برای کمال‌گرایی و نارضایتی مزمن از زندگی

امیرحسین سبزیان، علی‌اکبر حقی
علوم قرآنی و حدیث، دانشکده الهیات معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران
ahsabzian@chmail.ir

چکیده

این مطالعه مفهومی با هدف عملیاتی‌سازی اصول روان‌شناختی قرآنی و اسلامی در قالب یک چارچوب ساختاریافته برای تمرین‌های بین‌جلسه‌ای در روان‌درمانی کمال‌گرایی و نارضایتی مزمن از زندگی تدوین شده است. با استفاده از یک روش چهارمرحله‌ای مبتنی بر اسناد، کارکردهای بالینی یک کاربرگ سه‌سطحی با مجموعه‌ای محدود از منابع فارسی اسلامی، از جمله حدیث عنوان بصری و مفاهیم قرآنی مرتبط با کرامت، رحمت، نیت، توکل، اعتدال و محاسبه نفس، تطبیق داده شد. حاصل تحلیل، مدلی سه‌سطحی است: سطح نخست بر تثبیت آگاهی هیجانی پس از جلسه و شکل‌دهی یک نیت واقع‌بینانه تمرکز دارد؛ سطح دوم نیت را به تمرین‌های درجه‌بندی‌شده ذهن‌آگاهی، فعال‌سازی رفتاری یا آزمایش‌های رفتاری متمرکز بر کمال‌گرایی تبدیل می‌کند و کوشش متناسب را با توکل پیوند می‌دهد؛ و سطح سوم محاسبه نفس را از طریق مرور مبتنی بر شواهد، موانع، آموخته‌ها و اولویت‌های جلسه بعد ساختار می‌دهد. این چارچوب مفاهیم اسلامی را مستقیماً به تنظیم شدت تکلیف، طراحی تمرین و پاسخ‌گویی همراه با شفقت پیوند می‌دهد. کاربرد آن نیازمند ارزیابی تجربی، رضایت آگاهانه، تناسب فرهنگی و معنوی و رعایت اصول استاندارد مدیریت خطر بالینی است.

واژگان کلیدی

روان‌درمانی اسلامی، کمال‌گرایی، روان‌شناسی قرآنی، تمرین بین‌جلسه‌ای، بهزیستی روان‌شناختی

واقعیت مجازی در درمان اختلالات اضطرابی: تبیین ظرفیت‌های درمانی بر اساس قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی

محمد دوستی، زهرا دوستی

آموزش و پرورش

m۲۰dousti@gmail.com

چکیده

اختلالات اضطرابی از شایع‌ترین مشکلات سلامت روان‌اند و درمان آن‌ها، به‌ویژه در مواردی که مواجهه مستقیم با موقعیت ترس‌آور دشوار یا پرهزینه است، نیازمند شیوه‌های انعطاف‌پذیر و قابل‌کنترل است. پژوهش حاضر با هدف تبیین ظرفیت‌های درمانی واقعیت مجازی در اختلالات اضطرابی و بررسی امکان صورت‌بندی این ظرفیت‌ها بر پایه آموزه‌های قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی انجام شد. روش پژوهش، مروری–تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی منابع فارسی و انگلیسی در حوزه واقعیت مجازی، درمان مواجهه‌ای، اضطراب، قرآن و روان‌شناسی اسلامی بود. یافته‌های تحلیل نشان داد واقعیت مجازی از طریق ایجاد محیط‌های شبیه‌سازی‌شده، کنترل شدت و ترتیب محرک‌ها، امکان تکرار مواجهه، افزایش احساس کنترل و فراهم‌کردن بازخورد می‌تواند به‌عنوان ابزار مکمل در درمان‌های مبتنی بر مواجهه به کار رود. از سوی دیگر، تحلیل مفهومی آیات و ادبیات روان‌شناسی اسلامی نشان داد مفاهیمی چون اطمینان قلب، ذکر، توکل، هدایت، امید، صبر و تنظیم شناختی هیجان، ظرفیت آن را دارند که به‌عنوان لایه معنایی و حمایتی در طراحی مداخلات واقعیت مجازی مورد توجه قرار گیرند. بر این اساس، واقعیت مجازی در الگوی پیشنهادی نه جایگزین درمانگر و نه جایگزین مداخلات دینی است؛ بلکه فناوری‌ای برای اجرای کنترل‌شده و تدریجی مواجهه و تمرین مهارت‌های شناختی–معنوی است. نتیجه کلی آن است که تلفیق سنجیده فناوری واقعیت مجازی با اصول روان‌شناسی اسلامی می‌تواند چارچوبی نوآورانه برای مداخلات اضطرابی فراهم کند؛ با این شرط که اثربخشی آن در قالب کارآزمایی‌های بالینی، با پروتکل استاندارد و شاخص‌های معتبر روان‌شناختی و معنوی، به‌طور تجربی آزمون شود.

واژگان کلیدی

واقعیت مجازی، اختلالات اضطرابی، درمان مواجهه‌ای، قرآن کریم، روان‌شناسی اسلامی

رابطه بین امید به خدا و پریشانی روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه اردکان

نادیا انصافی، شکوفه متقی
دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران
mottaghi@ardakan.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین دلبستگی به خدا و پریشانی روان‌شناختی در دانشجویان انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی–همبستگی بود که بر روی ۹۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر مشغول به تحصیل در دانشگاه اردکان در سال ۱۴۰۵ انجام گرفت. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه دلبستگی به خدا ساخته بک و مک‌دونالد و پرسشنامه افسردگی، اضطراب و استرس بود. به‌منظور تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد و پیش از انجام تحلیل‌های استنباطی، نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین دلبستگی به خدا و پریشانی روان‌شناختی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، از میان مؤلفه‌های دلبستگی به خدا، مؤلفه توجه به خدا با پریشانی روان‌شناختی رابطه منفی و معناداری داشت. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که مؤلفه توجه به خدا پیش‌بین معنادار پریشانی روان‌شناختی است و مدل رگرسیون در مجموع توانست ۵/۱۴ درصد از واریانس پریشانی روان‌شناختی را تبیین کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، دلبستگی به خدا و به‌ویژه توجه به خدا با پریشانی روان‌شناختی دانشجویان ارتباط دارند.

واژگان کلیدی

دلبستگی به خدا، پریشانی روان‌شناختی، دانشجویان، افسردگی، اضطراب

اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد با رویکرد اسلامی بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به درد مزمن

محسن رضایی، فاطمه احمدی
دکترای روان‌شناسی بالینی
mohsen.rezaei.psy@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد با رویکرد اسلامی بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به درد مزمن بود. روش پژوهش، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون و گروه کنترل با دوره پیگیری سه‌ماهه بود. جامعه آماری شامل بیماران مبتلا به درد مزمن مراجعه‌کننده به کلینیک‌های درد شهر تهران در سال ۱۴۰۴ بود که از میان آنان ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد با رویکرد اسلامی شرکت کردند، در حالی که گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و پرسشنامه کیفیت زندگی بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد با رویکرد اسلامی به‌طور معناداری موجب افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و بهبود کیفیت زندگی بیماران مبتلا به درد مزمن شد ($p<$ ۰۱/۰). این تأثیر در دوره پیگیری سه‌ماهه نیز پایدار بود. بر اساس یافته‌ها، تلفیق اصول درمان پذیرش و تعهد با آموزه‌های اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر و فرهنگ‌محور در بهبود سلامت روان بیماران مبتلا به درد مزمن مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

درمان پذیرش و تعهد، رویکرد اسلامی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، کیفیت زندگی، درد مزمن

نقش ذکر و معنویت اسلامی در تنظیم هیجانی و کاهش اضطراب دانشجویان: یک مطالعه نیمه‌آزمایشی

نرگس حیدری، علی محمدی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی
narges.heydari.psy@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش ذکر و معنویت اسلامی در تنظیم هیجانی و کاهش اضطراب دانشجویان بود. روش پژوهش، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود که از میان آنان ۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش در ۸ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای آموزش ذکر و معنویت اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات شرکت کردند، در حالی که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تنظیم هیجانی و پرسشنامه اضطراب بک بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که آموزش ذکر و معنویت اسلامی به‌طور معناداری موجب بهبود تنظیم هیجانی و کاهش اضطراب دانشجویان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شد ($p<$ ۰۱/۰). بر اساس یافته‌ها، تمرینات معنوی و ذکر می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر، کم‌هزینه و فرهنگ‌محور در ارتقای سلامت روان و کاهش اضطراب دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

ذکر، معنویت اسلامی، تنظیم هیجانی، اضطراب، دانشجویان

محور سوم:

اختلال شناسی و آسیب شناسی با رویکرد روان شناسی اسلامی

مطالعه نقش باورهای اسلامی–دینی در پیشگیری از خودکشی در ایران: پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۴

معصومه رستمی زرج‌آباد، طاها عشایری

استادیار دانشکده علوم اجتماعی و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
t.ashayeri@gmail.com

چکیده

تحلیل ثانویه نظام‌مند حاضر با هدف واکاوی نقش بنیادین باورهای اسلامی–دینی در فرآیند پیشگیری از خودکشی در بستر جامعه ایرانی و با تمرکز بر سازوکارهای سه‌گانه کنترل اجتماعی دینی، حمایت اجتماعی مذهبی و سرمایه معنوی طراحی شده است. در این مطالعه کیفی که با روش مرور اسنادی–تحلیلی انجام پذیرفته، جامعه پژوهش شامل کلیه تحقیقات منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ در حوزه رابطه‌سنجی میان متغیرهای دینداری، باورهای اسلامی و پدیده خودکشی بوده است. یافته‌های تحلیلی مؤید آن است که آموزه‌های اسلامی از طریق هشت مکانیسم کلیدی عمل می‌نمایند: اعمال کنترل اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی، تقویت شبکه‌های حمایت اجتماعی درون‌گروهی، افزایش سرمایه اجتماعی معنوی، ارائه آگاهی‌بخشی دین‌مبنا، معنابخشی به حیات بر اساس جهان‌بینی اسلامی، تأکید بر مفهوم بازگشت‌پذیری و رحمت الهی، تقویت روان‌شناختی امید و ایمان، و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای برگرفته از متون اسلامی. این مؤلفه‌ها در تعامل پویا، به‌طور معناداری در تعدیل ناامیدی، افزایش تاب‌آوری و در نهایت کاهش گرایش به خودکشی مؤثر واقع می‌گردند. نتایج این مطالعه می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر آموزه‌های دینی در حوزه سلامت روان قرار گیرد.

واژگان کلیدی

کنترل اجتماعی دینی، سرمایه اجتماعی، مهارت‌های مقابله‌ای، بازگشت‌پذیری الهی، حمایت اجتماعی مذهبی

شناخت خودکشی و آسیب‌رسانی از دیدگاه اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن

پروانه مهرجو
عضو هیئت علمی
khodaverdilo۱۳۶۳@gmail.com

چکیده

اسلام به‌طور سنتی خودکشی را وهن خداوند و گناه کبیره تلقی می‌کند که دلیل این مسئله، اعتقاد به مالکیت مطلق خدا بر نفس انسان و تقدس حیات است. تحقیق حاضر با هدف «شناخت خودکشی و آسیب‌رسانی از دیدگاه اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن» که با کاربست روش توصیفی و تحلیلی، اسنادی و با استفاده از ابزار فیش‌برداری انجام گرفته است، نتایج نشان داد که خودکشی در قرآن و کلام معصومین علیهم‌السلام از جمله گناهان کبیره محسوب می‌شود که در نهایت عذاب ابدی را در پی دارد. می‌توان با تقویت دینی و به‌خصوص تبیین آیات قرآنی در این مورد و ایجاد بسترهای مختلف اقتصادی، جامعه‌شناسی در پی کاهش این عمل مذموم برآمد. یافته‌ها حاکی از آن بود که علل خودکشی از دیدگاه اسلام شامل: ضعف ایمان و اعتقاد دینی، ضعف معنویت و اخلاق دینی، عوارض طبیعی، توجه بیش از حد به خواسته‌های حیوانی بوده و به شیوه‌هایی از قبیل تقویت جهان‌بینی و ایمان به خدا، تقویت دینی و تبیین آیات قرآنی، بازگو کردن حکم فقهی خودکشی، تأکید کردن به ارزش انسانی، حل مشکلات زندگی می‌توان از خودکشی پیشگیری کرد. سرانجام باید تلاش شود تا روحیه توکل، امید، صبر و ایمان مردم به خدا را در جامعه تقویت گردد.

واژگان کلیدی

خودکشی، آسیب‌رسانی، دیدگاه اسلامی، پیشگیری، سلامت روان

بررسی افکار خودآسیب‌رسان در قرآن و نهج‌البلاغه

فاطمه فروغی ابری، خدیجه خدیجه

وزارت علوم تحقیقات و فناوری

foroughi.f۸۱@gmail.com

چکیده

رفتارهای خودآسیب‌رسان، نظیر خودکشی، یکی از معضلات اجتماعی رو به گسترش است که جوامع اسلامی و غربی را به شکل‌های مختلف درگیر کرده و به‌ویژه نسل جوان را تهدید می‌کند. تحلیل ریشه‌های این آسیب در منابع اصلی دینی، گامی اساسی در جهت پیشگیری بنیادین است. هدف این مقاله مروری نظام‌مند، واکاوی و استخراج مؤلفه‌های کلیدی رفتارهای مخرب و آسیب‌رسان است که در قرآن کریم و نهج‌البلاغه به تفصیل نکوهش شده‌اند با تمرکز بر چارچوب مفهومی کرامت انسانی. این پژوهش با روش مرور نظام‌مند متون کلاسیک و با تکیه بر محتوای تحلیل کیفی انجام شده است. استراتژی پژوهش شامل جستجوی دقیق در آیات قرآن و متون نهج‌البلاغه شامل (نامه‌ها، خطبه‌ها و کلمات قصار) و استخراج عبارات مرتبط با خودآسیبی، یأس، خشم و تکبر بود. داده‌ها سپس با ساختار منظمی کدگذاری و تم‌های اصلی از آن سنتز شدند. تحلیل نظام‌مند متون، منجر به شناسایی چهار رذیله اخلاقی بنیادین تم محوری شد که به‌عنوان ریشه‌های معنوی و اخلاقی رفتارهای خودآسیب‌رسان شناخته می‌شوند. برجسته‌ترین یافته‌ها نشان داد که ناامیدی و تکبر به‌عنوان دو عامل اصلی زوال کرامت نفس و گرایش به خودتخریبی در این متون برجسته شدند. این مرور نظام‌مند نشان می‌دهد که قرآن و نهج‌البلاغه یک الگوی جامع برای درک و مقابله با خودآسیبی ارائه می‌دهند که بر اساس آن، اصلاح بنیادین رفتار فرد با ترمیم درک او از کرامت نفس میسر است.

واژگان کلیدی

سلامت معنوی، افکار آسیب‌رسان، قرآن، نهج‌البلاغه، کرامت نفس

استعداد اعتیاد دانش‌آموزان متوسطه دوم: نقش دلبستگی به خداوند در کاهش آن

کامران امیریان

مدرس دانشگاه فرهنگیان

masoomehamerian@yahoo.com

چکیده

اعتیاد، بحرانی است که کنترل و مبارزه با آن نیازمند مدیریت منسجم با رویکرد پیشگیرانه است. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان استعداد اعتیاد در دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم و نقش دلبستگی به خداوند در پیش‌بینی آن بود. پژوهش حاضر توصیفی–همبستگی بود. جامعه آماری دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بودند. نمونه آماری شامل ۵۰۰ دانش‌آموز بود که به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مدارس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس‌های استعداد اعتیاد نوجوانان و دلبستگی به خداوند استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری تجزیه شدند. یافته‌ها نشان داد ۴/۶۸ درصد دانش‌آموزان استعداد اعتیاد خفیف، ۲/۲۸ درصد استعداد اعتیاد متوسط و ۴/۳ درصد استعداد اعتیاد شدید دارند. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد بین دلبستگی به خداوند با استعداد اعتیاد در دانش‌آموزان رابطه منفی وجود داشت($p<$ ۰۵/۰ .(بر اساس نتایج رگرسیون گام‌به‌گام، دلبستگی به خداوند($\beta=$ ۳۷/۰ (-در پیش‌بینی استعداد اعتیاد نقش منفی معنادار داشت. یافته‌ها از این امر حمایت می‌کند که توجه به افزایش دلبستگی به خداوند در برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌پذیری استعداد اعتیاد دانش‌آموزان توسط آموزش و پرورش ضروری است.

واژگان کلیدی

استعداد اعتیاد، دلبستگی به خداوند، دانش‌آموزان، پیشگیری

بازخوانی پدیده خودکشی در قرآن کریم و روان‌شناسی معاصر: تحلیلی تطبیقی با تأکید بر عوامل محافظت‌کننده و دلالت‌های پیشگیرانه

امیر حمزه خراسانی، سید محمد رضا میرسید
عضو هیئت علمی دانشگاه دامغان، دانشکده علوم انسانی
khorasani.du@gmail.com

چکیده

خودکشی یکی از چالش‌های مهم سلامت روان معاصر است که در نتیجه تعامل پیچیده عوامل زیستی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. در پژوهش‌های اخیر، در کنار عوامل خطر، توجه به عوامل محافظت‌کننده‌ای مانند معنا در زندگی، امید و پیوندهای اجتماعی در پیشگیری از خودکشی اهمیت فزاینده‌ای یافته است. از سوی دیگر، قرآن کریم به‌عنوان منبع بنیادین اندیشه اسلامی، مفاهیمی همچون حرمت جان، امید به رحمت الهی، صبر، توکل و معنا در رنج را مطرح می‌کند که می‌توانند در مواجهه با بحران‌های روانی نقش محافظت‌کننده ایفا کنند. هدف پژوهش حاضر، بازخوانی پدیده خودکشی در قرآن کریم و روان‌شناسی معاصر و تبیین ظرفیت‌های پیشگیرانه این دو حوزه در چارچوبی تطبیقی است. این پژوهش از نوع مروری–تحلیلی و مبتنی بر روش اسنادی است. داده‌ها از منابع معتبر روان‌شناسی معاصر، شامل مقالات علمی، مطالعات مروری و اسناد سیاست‌گذاری، و نیز منابع قرآنی و تفسیری گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و با رویکرد تطبیقی انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که روان‌شناسی معاصر خودکشی را پدیده‌ای چندسطحی می‌داند و در کنار عوامل خطر، بر نقش عوامل محافظت‌کننده تأکید دارد. همچنین آموزه‌های قرآنی واجد مؤلفه‌هایی هستند که در سطح کارکردی می‌توانند به تقویت امید، معنا و تاب‌آوری روانی کمک کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که گفت‌وگوی میان قرآن و روان‌شناسی معاصر می‌تواند به توسعه رویکردهای پیشگیرانه‌ای منجر شود که هم از نظر علمی معتبر و هم با زمینه‌های فرهنگی و معنوی جوامع اسلامی سازگار باشند.

واژگان کلیدی

خودکشی، قرآن کریم، روان‌شناسی معاصر، عوامل محافظت‌کننده، پیشگیری

تبیین روان‌شناختی صبر قرآنی و کاربرد آن در پیشگیری از رفتارهای تکانشی و خودآسیب‌رسانی

ریحانه ایزدی یزدان‌آبادی، فاطمه خسروی، قدسیه اکبری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده تعلیم و تربیت، گروه روان‌شناسی، یزد، ایران
reyhaneh.izadi٦٠٤٥@iau.ir

چکیده

صبر در آموزه‌های قرآنی مفهومی فراتر از فضیلت اخلاقی محض است و می‌تواند به‌عنوان سازه‌ای روان‌شناختی چندبعدی در ارتقای سلامت روان و پیشگیری از رفتارهای پرخطر نقش ایفا کند. با توجه به جایگاه رفتارهای تکانشی و خودآسیب‌رسانی به‌عنوان چالش‌های مهم در آسیب‌شناسی روانی، تبیین سازوکارهای درونی صبر و ظرفیت آن در تسهیل خودتنظیمی اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش به روش تحلیل محتوای کیفی، آیات قرآنی مرتبط با صبر را استخراج و آن‌ها را با چارچوب‌های روان‌شناختی معاصر شامل رویکرد شناختی–رفتاری، درمان دیالکتیکی–رفتاری، درمان پذیرش و تعهد و دیدگاه روان‌پویشی تطبیق مفهومی داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که صبر سالم مجموعه‌ای از فرایندهای تنظیم هیجان، تحمل پریشانی، کنترل تکانه، تأخیر در پاسخ‌دهی و معناسازی تجربه‌های دشوار را دربرمی‌گیرد؛ فرایندهایی که به فرد کمک می‌کنند در مواجهه با فشار روانی از واکنش‌های تکانشی اجتناب کرده و رفتارهای سازگارانه‌تری اتخاذ کند. در مقابل، صبر ناسالم که بر سرکوب هیجان، اجبار بیرونی یا ناتوانی در ابراز احساسات استوار است، نه‌تنها کارکرد محافظتی ندارد بلکه می‌تواند زمینه‌ساز افسردگی، اضطراب مزمن و فرسودگی هیجانی شود. نتایج نشان می‌دهد که ادغام نظام‌مند مفاهیم قرآنی صبر با مداخلات روان‌شناختی می‌تواند چارچوبی کارآمد برای آموزش مهارت‌های خودتنظیمی، تقویت تاب‌آوری و طراحی برنامه‌های پیشگیرانه در حوزه سلامت روان فراهم آورد و صبر را از سطح توصیه اخلاقی فراتر برده و به مهارتی قابل آموزش و کاربردی در کاهش رفتارهای تکانشی و پیشگیری از خودآسیب‌رسانی تبدیل کند.

واژگان کلیدی

صبر، روان‌شناسی قرآنی، تنظیم هیجان، خودتنظیمی، تاب‌آوری

درآمدی بر تبیین سازوکارهای بازدارندگی روانی در آیات‌الاحکام کیفری؛ مطالعه میان‌رشته‌ای

حجت عزیزالهی
دانشگاه یزد
h.azizollahi@yazd.ac.ir

چکیده

یکی از پرسش‌های بنیادین در فلسفه حقوق کیفری، چگونگی تأثیرگذاری مجازات‌ها بر رفتار انسان و سازوکارهای ایجاد بازدارندگی در نظام‌های جزایی است. نظام کیفری اسلام با اتکا به قرآن کریم، رویکردی متمایز به این مسئله دارد که تاکنون کمتر از منظر میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از یافته‌های روان‌شناسی و جرم‌شناسی مدرن مورد واکاوی قرار گرفته است. این پژوهش با هدف تحلیل میان‌رشته‌ای سازوکارهای بازدارندگی روانی در آیات‌الاحکام کیفری قرآن کریم انجام شده است. ضرورت پژوهش از یک سو به دلیل خلأ مطالعاتی در تحلیل روان‌شناختی آیات کیفری و از سوی دیگر، نیاز جوامع اسلامی به الگویی بومی برای پیشگیری از جرم ناشی می‌شود. پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع معتبر تفسیری، فقهی و روایی و نیز نظریه‌های روان‌شناسی و جرم‌شناسی معاصر انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با طراحی شبکه‌ای منسجم، یازده مکانیسم اصلی بازدارندگی را در آیات کیفری به کار گرفته است: ترس بازدارنده مبتنی بر قطعیت مجازات، شرمساری سازنده از طریق اجرای علنی حدود، ترمیم روانی بزه‌دیده، هشدار به وجدان، تزکیه و تطهیر روان مجرم، پیشگیری از خودویرانگری، تعادل‌بخشی میان ترس و امید، تقویت احساس عدالت و امنیت روانی، عبرت‌آموزی، تثبیت ارزش‌های اخلاقی در ضمیر ناخودآگاه، و بهره‌گیری از نظام پاداش و تنبیه. همچنین تأکید قرآن بر جنبه اعلامی مجازات‌ها و عناصر سرعت و قطعیت در اجرای مجازات‌ها، با نظریه‌های جرم‌شناسان و نیز مطالعات تجربی معاصر همخوانی کامل دارد. نوآوری پژوهش در رویکرد میان‌رشته‌ای، شناسایی و طبقه‌بندی نظام‌مند سازوکارهای بازدارندگی، و تطبیق یافته‌های قرآنی با نظریه‌های نوین روان‌شناسی و جرم‌شناسی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الگوی قرآنی بازدارندگی با تأکید هم‌زمان بر ابعاد فردی و اجتماعی، توجه به نیازهای روانی بزه‌دیده و بزهکار، و پیوند مجازات‌های دنیوی با باورهای اخروی، ظرفیت بالایی برای طراحی راهبردهای مؤثر پیشگیری از جرم در جوامع اسلامی دارد.

واژگان کلیدی

آیات‌الاحکام کیفری، بازدارندگی روانی، روان‌شناسی جنایی، جرم‌شناسی، قطعیت مجازات

شناسایی اختلالات روانی از منظر روان‌شناسی اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن

زهرا حاجی علیقلی
selinhajialigholi@gmail.com

چکیده

آسیب‌شناسی روانی یکی از حوزه‌های بنیادین روان‌شناسی است که به مطالعه ریشه‌ها، فرایندها و پیامدهای اختلالات روانی می‌پردازد. اگرچه رویکردهای رایج روان‌شناسی عمدتاً بر ابعاد زیستی، شناختی و رفتاری آسیب‌های روانی تمرکز دارند، روان‌شناسی اسلامی با نگاهی کل‌نگر و معنامحور، سلامت و آسیب روانی را در پیوند با ابعاد معنوی، اخلاقی و فطری انسان تبیین می‌کند. از منظر روان‌شناسی اسلامی، انسان موجودی چندبعدی است و اختلال در تعادل میان این ابعاد، به‌ویژه تضعیف بعد معنوی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز آسیب‌های روانی شود. عواملی همچون غفلت از یاد خدا، اضطراب وجودی، ضعف ایمان، اختلال در سبک زندگی، فقدان معنا در زندگی و تضعیف روابط اجتماعی سالم، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در این رویکرد به‌عنوان زمینه‌های اساسی آسیب‌شناسی روانی مطرح می‌شوند. هدف پژوهش حاضر، تبیین مفهوم آسیب‌شناسی روانی از منظر روان‌شناسی اسلامی و شناسایی راهبردهای پیشگیری از آسیب‌های روانی بر پایه آموزه‌های قرآنی و تعالیم اسلامی است. این پژوهش به شیوه مروری–تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع معتبر روان‌شناسی، متون اسلامی و مطالعات بین‌رشته‌ای معاصر انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی نظیر ایمان، توکل، صبر، ذکر، امید، معنابخشی به زندگی، اصلاح سبک زندگی و تقویت حمایت‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از آسیب‌های روانی و ارتقای سلامت روان دارند. بر این اساس، روان‌شناسی اسلامی می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مکمل و مؤثر در پیشگیری از اختلالات روانی و ارتقای بهزیستی روان‌شناختی در نظام‌های آموزشی، مشاوره‌ای و درمانی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی روانی، روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان، پیشگیری، سبک زندگی اسلامی

پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام در زنان سالمند شهر همدان

احمد قره‌خانی

دانشگاه آزاد همدان

gharehkhaniahmad۱@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام در زنان سالمند شهر همدان انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش انجام توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را همه زنان سالمند شهر همدان به تعداد ۴۵۰۰ نفر تشکیل داد. حجم نمونه بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیک ۱۰۶ نفر، که به لحاظ احتیاط به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری در دسترس بود. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه استاندارد اضطراب مرگ و جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام بود. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون به روش همزمان و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد متغیر جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام پیش‌بینی‌کننده معنادار اضطراب مرگ می‌باشد. علامت منفی بتا در متغیر جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام نشان می‌دهد که رابطه این پیش‌بینی معکوس است و هرچه میانگین جهت‌گیری مذهبی سالمندان بیشتر باشد نمره اضطراب مرگ در سالمندان کمتر است. بین جهت‌گیری مذهبی سالمندان و اضطراب مرگ آن‌ها رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. این یافته‌ها بر اهمیت تقویت جهت‌گیری مذهبی اسلامی در کاهش اضطراب مرگ سالمندان تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی

اضطراب مرگ، جهت‌گیری مذهبی، سالمندان، سلامت روان

بازخوانی اهداف کیفر در قرآن با رویکردی فقهی–روان‌شناختی؛ تحلیلی مبتنی بر نظریه عدالت ترمیمی

حجت عزیزالهی
دانشگاه یزد
h.azizollahi@yazd.ac.ir

چکیده

کیفر از مبانی بنیادین حقوق است و شناخت اهداف آن برای درک نظام‌های کیفری ضروری است. ناکارآمدی نظام‌های کلاسیک در کاهش تکرار جرم و جبران آسیب بزه‌دیدگان، به ظهور «عدالت ترمیمی» انجامید که بر مشارکت بزه‌دیده، بزهکار و جامعه در بازسازی روابط انسانی تأکید دارد. این تحول، بازخوانی قرآن را از منظر ظرفیت‌های ترمیمی ضروری ساخته است. پژوهش پیش‌رو با هدف بازخوانی اهداف کیفر در قرآن و رویکردی فقهی–روان‌شناختی بر پایه عدالت ترمیمی، آیه ۲۵ سوره حدید را تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد کیفر در قرآن سه هدف اصلی دارد: نخست، عدالت‌خواهی و قسط که در آیه ۲۵ حدید با پیوند «قیام به قسط» و «انزال حدید» تبلور یافته است. دوم، اصلاح و تطهیر مجرم که در آیاتی مانند حد سرقت (مائده: ۳۸–۳۹) با ارتباط «نکال» و «توبه» نمود یافته است. سوم، صیانت از جامعه و نظم اسلامی که در آیات محاربه (مائده: ۳۳) و قصاص (بقره: ۱۷۹) قابل مشاهده است. نظام کیفری اسلام الگویی پلکانی دارد که در آن صلح، عفو و میانجی‌گری به‌عنوان «راهکار برتر» و مجازات به‌عنوان «آخرین راهکار» تلقی می‌شوند. از منظر روان‌شناسی کیفری، این الگو با تأکید بر توبه و اصلاح، نقش مؤثری در ایجاد امنیت روانی و کاهش حس انتقام در جامعه دارد. نتیجه آنکه قرآن کریم قرن‌ها پیش از طرح نظریات غربی، عمیق‌ترین الگوی تلفیقی عدالت کیفری و ترمیمی را عرضه کرده است.

واژگان کلیدی

کیفر، عدالت ترمیمی، عدالت کیفری، آیه ۲۵ حدید، روان‌شناسی کیفری

نقش غفلت، دلبستگی و تنظیم هیجان در اعتیاد به فضاهای مجازی؛ تبیینی از منظر روان‌شناسی اسلامی

رقیه گلی‌زاده، حمیده گلی‌زاده، ربابه گلی‌زاده، ریحان گلی‌زاده
آموزش و پرورش
r.golizadeh.psy@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش غفلت، سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان در اعتیاد به فضاهای مجازی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان مرند انجام شد. روش پژوهش توصیفی–همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه بود که نمونه‌ای با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس اعتیاد به فضاهای مجازی، مقیاس ذهن‌آگاهی به‌عنوان شاخص معکوس غفلت، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی و پرسشنامه تنظیم هیجان بود. داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد غفلت اثر مستقیم و معناداری بر اعتیاد به فضاهای مجازی دارد، به‌طوری‌که افزایش غفلت با افزایش وابستگی به فضای مجازی همراه بود. همچنین سبک دلبستگی ناایمن اثر مثبت و معناداری بر اعتیاد نشان داد. تنظیم هیجان نیز دارای اثر معنادار بود و ضعف در تنظیم هیجان با افزایش اعتیاد به فضاهای مجازی ارتباط داشت. شاخص‌های برازش مدل بیانگر برازش مطلوب مدل پیشنهادی بودند. بر اساس نتایج، می‌توان اعتیاد به فضاهای مجازی را در چارچوب متغیرهای شناختی–هیجانی و مفاهیم روان‌شناسی اسلامی تبیین کرد. این یافته‌ها می‌توانند در طراحی مداخلات پیشگیرانه و آموزشی مبتنی بر ارتقای آگاهی، بهبود تنظیم هیجان و اصلاح الگوهای دلبستگی مورد استفاده قرار گیرند.

واژگان کلیدی

اعتیاد به فضاهای مجازی، غفلت، سبک دلبستگی، تنظیم هیجان، روان‌شناسی اسلامی

دومین همایش ملی
قرآن و روانشناسی
The 2nd National Conference
Quran and Psychology
۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵

تحلیل و بررسی نقش مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامیِ مقاومت در پیشگیری و کاهش اعتیاد رفتاری به فضای مجازی و سوءمصرف مواد مخدر در شرایط بحران‌های روانی–اجتماعی: یک مرور سیستماتیک

حسینعلی تقیان ورزنه
کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرای اسلامی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی نایین
h.taghyan@gmail.com

چکیده

افزایش بحران‌های روانی–اجتماعی در سال‌های اخیر، همراه با گسترش فناوری‌های ارتباطی، موجب رشد اعتیاد رفتاری به فضای مجازی و نیز تشدید گرایش به سوءمصرف مواد مخدر شده است. شناسایی عوامل محافظتی بومی و مبتنی بر رویکردهای اسلامی می‌تواند در پیشگیری و کاهش این آسیب‌ها نقش مؤثری ایفا کند. هدف پژوهش حاضر، تحلیل و تبیین نقش مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامیِ مقاومت شامل تاب‌آوری، امید، صبر، توکل، هویت دینی، خودکارآمدی و حمایت اجتماعی در پیشگیری و کاهش اعتیاد رفتاری و سوءمصرف مواد در شرایط بحران‌های روانی–اجتماعی است. این مطالعه با روش مرور سیستماتیک انجام شد. مقالات منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ از پایگاه‌های علمی فارسی و انگلیسی گردآوری، غربالگری و بر اساس معیارهای ورود و خروج ارزیابی شدند و مطالعات واجد شرایط مورد تحلیل کیفی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌های مقاومت اسلامی از طریق تقویت تنظیم هیجان، افزایش سرمایه روان‌شناختی، ارتقای معناجویی و تقویت حمایت اجتماعی، نقش معناداری در کاهش گرایش به استفاده آسیب‌زا از فضای مجازی و پیشگیری از سوءمصرف مواد دارند. همچنین نتایج حاکی از آن است که در شرایط بحران، این مؤلفه‌ها شدت اثر عوامل خطر روانی و اجتماعی را تعدیل می‌کنند. بر این اساس، بهره‌گیری از چارچوب روان‌شناسی اسلامیِ مقاومت در برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات درمانی می‌تواند راهبردی مؤثر در کنترل اعتیادهای نوپدید و مصرف مواد باشد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، مقاومت روان‌شناختی، اعتیاد به فضای مجازی، سوءمصرف مواد مخدر، تاب‌آوری

بازخوانی حکم خودکشی و عملیات انتحاری در فقه اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن

صغری فرزانه، سید حسن عاملی
گروه معارف، دانشکده علوم، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
soghra.farzaneh@iau.ac.ir

چکیده

خودکشی به‌عنوان یکی از معضلات پیچیده روانی–اجتماعی، از دیدگاه اسلام پدیده‌ای ناپسند و حرام شمرده می‌شود. این مقاله با روش توصیفی–تحلیلی و با تکیه بر منابع دینی اصلی، به تبیین موضع اسلام در قبال خودکشی و راهکارهای پیشگیری از آن می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی با تأکید صریح بر حرمت قتل نفس و تقدس حیات، هرگونه اقدام به انتحار را ممنوع و گناهی کبیره می‌داند. در عین حال، میان مفهوم خودکشی و شهادت در راه خدا که با شرایط و ضوابط فقهی دقیقی احاطه شده، تمایز اساسی قائل می‌شود. تحلیل فقهی مقاله حاکی از آن است که عملیات‌های انتحاری که توسط گروه‌های افراطی صورت می‌گیرد، نه‌تنها توجیه قرآنی ندارد، بلکه در تعارض آشکار با اصول مسلم شریعت، به‌ویژه اصل «حفظ نفس» قرار دارد. عوامل گرایش به خودکشی در جوامع اسلامی، ترکیبی از بحران‌های هویتی، برداشت‌های انحرافی از متون دینی، و آسیب‌های اجتماعی–رسانه‌ای شناسایی شده‌اند. راهکارهای پیشنهادی اسلام در این زمینه، رویکردی چندوجهی دارد و شامل تقویت باورهای اصیل دینی درباره ارزش زندگی، توسل به معنویت و دعا، فعال‌سازی نظام حمایتی خانواده و جامعه، و مداخله‌های روان‌شناختی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌شود. این مقاله نتیجه می‌گیرد که بازخوانی دقیق و همه‌جانبه متون دینی و ارائه تفسیری معتدل و انسان‌مدار از آن‌ها، نقش محوری در پیشگیری از پدیده خودکشی و انحرافات فکری منتهی به آن ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی

خودکشی، حرمت نفس، عملیات انتحاری، پیشگیری، فقه اسلامی

تحلیل قرآنی و روایی پدیده خودکشی و راهکارهای پیشگیری از آن

هادی روحی
حوزه
hadirouhi۸۳@gmail.com

چکیده

خودکشی یکی از آسیب‌های جدی فردی و اجتماعی است که پیامدهای گسترده‌ای بر زندگی افراد و جامعه دارد و صرفاً از منظر روان‌شناختی قابل بررسی نیست. قرآن کریم و روایات اهل بیت(ع) با تأکید بر حرمت جان انسان و کرامت ذاتی او، خودکشی را عملی حرام معرفی کرده و آثار دنیوی و اخروی آن را هشدار داده‌اند. این منابع دینی، علاوه بر نهی، راهکارهای پیشگیری از خودکشی را نیز ارائه می‌کنند که شامل تقویت صبر و تحمل مشکلات، توکل بر خداوند و اعتماد به قدرت و حکمت او، و حضور در جمع مؤمنان برای حمایت اجتماعی و رشد اخلاقی است. صبر به انسان کمک می‌کند در مواجهه با سختی‌ها استقامت داشته باشد و تصمیمات شتاب‌زده نگیرد، توکل موجب آرامش و تکیه بر قدرت مطلق الهی می‌شود، و اجتماع مؤمنان حمایت معنوی و روانی فراهم می‌آورد. بررسی این آموزه‌ها نشان می‌دهد که نگاه دینی به حفظ جان انسان جامع و چندبعدی است و بهره‌گیری از آن می‌تواند نقش مؤثری در کاهش گرایش به خودآسیب‌رسانی و پیشگیری از خودکشی ایفا کند.

واژگان کلیدی

خودکشی، قرآن کریم، روایات، صبر، توکل، پیشگیری

بررسی کارکردهای خودآگاهی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای پیشگیری از شکل‌گیری و تداوم اعتیاد

مبینا حیدری قرائی
دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر کرمان
heydarimobina۱۵۰@gmail.com

چکیده

اعتیاد یک اختلال پیچیده با پیامدهای ویرانگر جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی است که فرد و جامعه را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالی که مطالعات علمی گسترده‌ای در غرب برای کنترل و پیشگیری از اعتیاد صورت گرفته اما ظرفیت‌های معنوی و روحانی غالباً کمتر مورد توجه قرار گرفته‌لند. از آن‌جا که معنویات باعث ایجاد نیرویی الهام‌بخش و انگیزاننده می‌شود، تقویت و توسعه معنویات از عوامل اثرگذار در پیشگیری از بروز مصرف مواد مخدر در افراد می‌باشد. هدف این مقاله، بررسی کارکردهای خودآگاهی اسلامی و این‌که چگونه می‌تواند در پیشگیری و کنترل تداوم اعتیاد مؤثر باشد. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر شامل افراد بهبودیافته از اعتیاد، روحانیون و مشاوران اسلامی جمع‌آوری و با تحلیل محتوای تفسیری، کدگذاری شدند. یافته‌های کلیدی پژوهش به استخراج ۳۸ کد اولیه منجر شد که پس از تجمیع و پالایش، به ۲۲ خرده‌مقوله که در ۳ مقوله اصلی شامل خودآگاهی به‌مثابه نگهبان درون، نقش ارزش‌ها و باورهای دینی و سازوکار محاسبه نفس در مدیریت تمایلات دسته‌بندی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند جنبه‌های خودآگاهی اسلامی شامل مراقبه، محاسبه نفس، تقوا و ارتباط با خداوند، چارچوبی قدرتمند برای پیشگیری و مدیریت اعتیاد فراهم می‌آورند تا ضمن تقویت اراده و تاب‌آوری فرد، معنای عمیق‌تری به زندگی او بخشیده و او را در مسیر رهایی از دام اعتیاد یاری رساند.

واژگان کلیدی

آموزه‌های دینی، پیشگیری از اعتیاد، خودآگاهی، محاسبه نفس، مراقبه

بررسی نقش واسطه‌گری سبک‌های مقابله‌ای مذهبی در رابطه بین دینداری و افکار خودکشی در دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم

نرگس کاظمی فرد

گروه روان‌شناسی، دانشکده انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

nargeskf۷۷@gmail.com

چکیده

مقدمه و هدف: افزایش نگرانی‌ها درباره شیوع افکار خودکشی در میان دانشجویان، ضرورت شناسایی سازوکارهای محافظتی مؤثر و سازگار با فرهنگ ایرانی را برجسته می‌کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش میانجی سبک‌های مقابله مذهبی در رابطه بین دینداری و افکار خودکشی در دانشجویان روان‌شناسی انجام شد. مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش همبستگی و با بهره‌گیری از مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام گرفت. جامعه آماری شامل دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود که ۱۰۰ نفر از آنان به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه دینداری، پرسشنامه سبک‌های مقابله مذهبی و مقیاس افکار خودکشی بود. در نهایت داده‌های ۱۰۰ پرسشنامه کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج نشان داد بین دینداری و افکار خودکشی همبستگی منفی معنادار وجود دارد) تقریباً- r= ۳۱/۰ .(همچنین سبک مقابله مذهبی سازگارانه نقش میانجی قابل‌توجهی در رابطه میان دینداری و افکار خودکشی ایفا کرد (اثر غیرمستقیم حدوداً ۱۷/۰-). نتیجه‌گیری: یافته‌ها حاکی از آن است که دینداری با تقویت راهبردهای مقابله مذهبی سازگارانه، می‌تواند به کاهش افکار خودکشی در دانشجویان کمک کند. این نتایج اهمیت پرداختن به آموزش سبک‌های مقابله مذهبی مؤثر در برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای دانشگاه را برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی

افکار خودکشی، سبک‌های مقابله مذهبی، دینداری، دانشجویان روان‌شناسی

بررسی رابطه بین سلامت معنوی با افکار خودکشی در دانش‌آموزان اصفهان

حمیده ناظمی سجزئی، عذرا محمدپناه اردکان
دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران
nazemi@stu.ardakan.ac.ir

چکیده

با توجه به اهمیت سلامت روان در دوران نوجوانی، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سلامت معنوی و افکار خودکشی در میان دانش‌آموزان متوسطه دوم استان اصفهان انجام شد. این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی–همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان متوسطه دوم استان اصفهان تشکیل می‌دهند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۱۰۰ دانش‌آموز به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش متغیرها از مقیاس افکار خودکشی بک و پرسشنامه سلامت معنوی الیسون استفاده شد. داده‌های گردآوری‌شده در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که متغیر افکار خودکشی از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند، لذا برای آزمون فرضیه اصلی از آزمون ناپارامتریک همبستگی اسپیرمن استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که رابطه بین سلامت معنوی و افکار خودکشی در دانش‌آموزان مورد مطالعه معنادار نیست. همچنین، تحلیل رگرسیون نشان داد که سلامت معنوی قادر به پیش‌بینی معنادار افکار خودکشی نیست و میزان واریانس تبیین‌شده توسط این متغیر بسیار ناچیز است. در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین سلامت معنوی و افکار خودکشی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه استان اصفهان رابطه معناداری وجود ندارد. این نتایج بیانگر آن است که در این گروه سنی و جمعیتی خاص، عوامل دیگری بیش از سلامت معنوی در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری افکار خودکشی نقش ایفا می‌کنند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، عوامل مرتبط با سلامت روان نوجوانان، از جمله عوامل اجتماعی، خانوادگی و فردی دیگر، مورد بررسی قرار گیرند.

واژگان کلیدی

سلامت معنوی، افکار خودکشی، دانش‌آموزان، نوجوانی

رابطه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با هویت‌یابی و عزت‌نفس نوجوانان در پرتو آموزه‌های قرآنی

شیوا قربانی
دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی
sh.gorbani@afagh.ac.ir

چکیده

نوجوانی دوره‌ای حساس در رشد انسان است که با تغییرات زیستی، شناختی و اجتماعی همراه بوده و نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت و عزت‌نفس دارد. در این مرحله، نوجوان به دنبال انسجام درونی، تأیید اجتماعی و استقلال است؛ اموری که می‌توانند او را نسبت به بازخوردهای بیرونی و مقایسه با دیگران آسیب‌پذیرتر سازند. توسعه شبکه‌های اجتماعی موجب شده است این فضاها به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های هویت‌نمایی و دریافت بازخورد نوجولنان تبدیل شوند. سازوکارهایی مانند لایک، کامنت و نمایش انتخابی از خود می‌توانند تغییراتی در عزت‌نفس، وابستگی رفتاری و انسجام هویتی ایجاد کنند. در مقابل آموزه‌های قرآنی با تأکید بر کرامت انسانی، خودشناسی، اعتدال و پرهیز از غفلت چارچوبی معنوی و همسو با مفاهیم سلامت روان برای تحلیل این پیامدها ارائه می‌کنند. بر این اساس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی تنها یک مسئله رفتاری نیست، بلکه پدیده‌ای چندوجهی است که ابعاد شناختی، هیجانی و معنایی نوجوان را دربرمی‌گیرد و توجه به آن می‌تواند در طراحی راهکارهای تربیتی و برنامه‌های پیشگیرانه مؤثر باشد. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی–تحلیلی انجام شده است. یافته‌ها نشان داد استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند موجب تضعیف هویت و کاهش عزت‌نفس نوجوانان شود و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی مبتنی بر خودشناسی و کرامت انسانی در کاهش این آسیب‌ها نقش مؤثری دارند.

واژگان کلیدی

اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، آموزه‌های قرآنی، نوجوانی، هویت‌یابی، عزت‌نفس

بررسی روایتی عوامل شناختی–هیجانی مؤثر بر نارضایتی بدنی: نقش کمال‌گرایی، مقایسه اجتماعی و تاب‌آوری

زهرا شاکرکاشانی
shaker.zahra۷۳۲۶@iran.ir

چکیده

مقدمه: نارضایتی بدنی یکی از چالش‌های مهم روان‌شناختی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از سازوکارهای شناختی و هیجانی شکل می‌گیرد. کمال‌گرایی، مقایسه اجتماعی و تاب‌آوری از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین این پدیده دارند. هدف این مطالعه، مرور روایتی پژوهش‌های مرتبط و تبیین تعامل این عوامل در شکل‌گیری نارضایتی بدنی است. روش: این پژوهش با رویکرد مرور روایتی انجام شد. جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های داخلی و خارجی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، مگیران، گوگل اسکالر، اسکوپوس، پابمد و ساینس دایرکت با کلیدواژه‌های مرتبط و بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ صورت گرفت. مطالعات واجد شرایط پس از بررسی عنوان، چکیده و متن کامل انتخاب و تحلیل تفسیری شدند. نتایج: یافته‌ها نشان داد کمال‌گرایی ناسازگارانه و مقایسه اجتماعی صعودی، از طریق هیجان‌های منفی و راهبردهای ناکارآمد تنظیم هیجان، نارضایتی بدنی را تشدید می‌کنند. در مقابل، تاب‌آوری با افزایش انعطاف‌پذیری شناختی و هیجانی، نقش حفاظتی در کاهش این آسیب‌پذیری دارد. بحث: تعامل پیچیده این سه عامل بیانگر چندبعدی بودن نارضایتی بدنی است و بر ضرورت مداخلات جامع مبتنی بر کاهش کمال‌گرایی، اصلاح مقایسه اجتماعی و تقویت تاب‌آوری تأکید دارد.

واژگان کلیدی

نارضایتی بدنی، کمال‌گرایی، مقایسه اجتماعی، تاب‌آوری، تنظیم هیجان

مروری نظام‌مند بر آموزه‌های قرآنی و نقش آن‌ها در کاهش آسیب‌های روان‌شناختی کودکان طلاق

محمد مهدی سلمانی
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شاهد
mohammadmahdi.salmani@shahed.ac.ir

چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند و دستورالعمل پریزما، به بررسی تأثیر آموزه‌های قرآن کریم بر کاهش آسیب‌های روان‌شناختی کودکان طلاق و ارائه یک مدل مفهومی مبتنی بر روان‌شناسی اسلامی پرداخته است. طلاق، به‌عنوان رویدادی تنش‌زا، پیامدهایی نظیر افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و بحران هویت را برای کودکان به همراه دارد؛ در حالی که مفاهیم قرآنی نظیر شفا، توکل، ذکر، صبر و سکینه، ظرفیت‌های بالایی برای بازسازی روانی کودک ارائه می‌دهند. در این مطالعه، ۵۷ منبع منتخب از میان ۳۷۸ مقاله (در بازه ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵) از پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی با روش فراترکیب ساندلوسکی و باروسو تحلیل شدند. یافته‌ها پنج محور اصلی آموزه‌های قرآنی شامل تنظیم هیجان، والدگری رحمانی، کرامت نفس، تاب‌آوری و سرمایه رابطه‌ای را در کنار پنج سازوکار اثرگذاری (از جمله بازسازی شناختی توحیدی و شکل‌گیری دلبستگی ایمن به خداوند) شناسایی کردند. بر این اساس، الگوی مفهومی سه‌لایه (شناختی، هیجانی و اجتماعی) مبتنی بر مفهوم «نفس» ارائه شد که تبیین می‌کند چگونه آموزه‌های قرآنی با بازسازی باورها، ایجاد آرامش و بازتعریف هویت، به کاهش اختلالات روان‌شناختی کودکان طلاق کمک می‌کنند. این مدل، زیربنای نظری مستحکمی برای مداخلات بالینی فراهم می‌آورد که البته نیازمند انجام کارآزمایی‌های تصادفی‌شده و طولانی‌مدت در بافت‌های گوناگون جهت تأیید نهایی است. این رویکرد ادغام‌گرا می‌تواند افق‌های نوینی را در درمانگری دینی و ارتقای سلامت روان کودکان آسیب‌دیده از طلاق بگشاید.

واژگان کلیدی

آسیب‌های روان‌شناختی، آموزه‌های قرآنی، روان‌شناسی اسلامی، کودکان طلاق، مرور نظام‌مند

تبیین رابطه بین اختلالات خوردن با هوش معنوی، وسواس فکری و تصویر بدنی در زنان جوان شهر قم

فاطمه زندیه
آموزش و پرورش استان قم
۰۳۸۶۳۸۳۷۴۱@iran.ir

چکیده

یکی از ایده‌آل‌های امروزی زنان در همه جوامع تأکید بر لاغری اســت. عموماً زنان برای رســیدن به این هدف، از رژیم‌های غذایی و ورزش‌های سخت استفاده می‌کنند که زمینه‌ساز اختلالات خوردن است. بنابراین هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه بین اختلالات خوردن با هوش معنوی، وسواس فکری و تصویر بدنی در زنان جوان شهر قم بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی پیش‌بین بود. در پژوهش حاضر جامعه آماری شامل کلیه زنان جوان شهر قم دارای سن ۲۰ تا ۴۰ سال مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زیبایی در سال ۱۴۰۳ بود. به‌منظور تعیین حجم نمونه از فرمول پیشنهادی تاباچنیک و فیدل استفاده شد که طبق فرمول فوق، حجم نمونه محاسبه‌شده برابر با ۱۰۶ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس بود. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌های اختلالات خوردن، هوش معنوی، وسواس فکری–عملی و نگرانی تصویر بدنی بود. جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج نشان داد هوش معنوی، وسواس فکری و تصویر بدنی قادر به پیش‌بینی اختلالات خوردن می‌باشند($p<$ ۰۵/۰)، به این صورت که سهم هوش معنوی ۱۹ درصد منفی، سهم وسواس فکری ۲۳ درصد و سهم تصویر بدنی ۳۵ درصد می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت تصویر بدنی بیشترین سهم را در پیش‌بینی اختلالات خوردن زنان جوان شهر قم دارد. بنابراین می‌توان گفت هسته اصلی اختلالات خوردن، نارضایتی از تصویر بدنی است.

واژگان کلیدی

اختلالات خوردن، هوش معنوی، وسواس فکری، تصویر بدنی، زنان جوان

پیش‌بینی اختلالات خورد و خوراک بر اساس هوش معنوی، وسواس فکری و تصویر ذهنی از بدن در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم ناحیه دو شهر قم: یک مطالعه مروری–نظری

فاطمه زندیه
آموزش و پرورش استان قم
۰۳۸۶۳۸۳۷۴۱@iran.ir

چکیده

اختلالات خوردن از جمله بیماری اشتهایی عصبی، پراشتهایی عصبی و پرخوری افراطی، در میان نوجوانان دختر شیوع رو به افزایشی دارند و پیامدهای جدی جسمی و روان‌شناختی به همراه می‌آورند. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که سه متغیر روان‌شناختی هوش معنوی، وسواس فکری–عملی و تصویر بدنی از پیش‌بین‌های مهم این اختلالات به شمار می‌روند؛ با این حال مطالعه‌ای که به‌طور اختصاصی این روابط را در جامعه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر قم بررسی کند، انجام نشده است. مقاله حاضر با رویکرد مروری–تحلیلی، ادبیات نظری و پیشینه پژوهشی موجود در این حوزه را تجمیع کرده و بر اساس آن یک مدل مفهومی ساختاری برای تبیین اختلالات خوردن در این جامعه هدف پیشنهاد می‌دهد. یافته‌های پژوهش‌های پیشین حاکی است که تصویر بدنی منفی بیشترین سهم را در پیش‌بینی اختلالات خوردن دارد (سهم ۳۵ درصد)، وسواس فکری رابطه مستقیم با این اختلالات دارد (سهم ۲۳ درصد) و هوش معنوی به‌عنوان عامل محافظ عمل می‌کند (سهم ۱۹ درصد منفی). این مقاله با تحلیل نظری و مقایسه یافته‌ها در گروه‌های سنی مختلف، پیشنهادهای کاربردی برای مداخلات پیشگیرانه در محیط مدرسه ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

اختلالات خوردن، هوش معنوی، وسواس فکری–عملی، تصویر بدنی، دانش‌آموزان دختر

آسیب‌شناسی روانی از منظر روان‌شناسی اسلامی و راه‌های پیشگیری از آن

مسعود حدادی کهنموئی، یاسین مقدم
معاون پژوهش مدرسه علمیه امام خمینی(ره) شهرستان خوی
mhk٦٦٢٣@gmail.com

چکیده

آسیب‌شناسی روانی یکی از حوزه‌های بنیادین روان‌شناسی است که به مطالعه علمی اختلالات هیجانی، شناختی و رفتاری می‌پردازد. در رویکردهای رایج معاصر، به‌ویژه در نظام طبقه‌بندی تشخیصی انجمن روان‌پزشکی آمریکا، اختلالات روانی بر اساس معیارهای نشانه‌شناختی، کارکرد اجتماعی و رنج فردی تعریف می‌شوند. با این حال، این چارچوب‌ها عمدتاً بر مبانی زیستی–روانی–اجتماعی استوار بوده و بُعد معنوی و غایت‌مندی وجود انسان را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. در مقابل، روان‌شناسی اسلامی با اتکا بر انسان‌شناسی قرآنی و تحلیل مراتب نفس، آسیب روانی را ناشی از اختلال در تعادل قوای ادراکی، شهوی و غضبی و نیز انحراف از فطرت الهی می‌داند. در این چارچوب، مفاهیمی چون «مرض قلب»، «قسوت قلب»، «یأس»، «حسد» و «حرص» نه صرفاً صفات اخلاقی، بلکه ریشه‌های بنیادین نابسامانی‌های روانی تلقی می‌شوند. این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و با رویکرد تطبیقی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای (قرآنی، تفسیری، فلسفی و روان‌شناسی معاصر)، ابتدا به تبیین مفهوم آسیب روانی در روان‌شناسی جدید پرداخته، سپس مبانی انسان‌شناختی آن را در روان‌شناسی اسلامی تحلیل می‌کند و در ادامه، به مقایسه این دو رویکرد می‌پردازد. در نهایت، با استفاده از روش استنتاجی، الگوی پیشگیری مبتنی بر تقویت ایمان، تنظیم هیجانات، تهذیب نفس و اصلاح سبک زندگی دینی استخراج می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل اسلامی، با افزودن بُعد معنوی به الگوی زیستی–روانی–اجتماعی، ظرفیت ارائه چارچوبی جامع‌تر برای پیشگیری از اختلالات روانی را داراست.

واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی روانی، روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان، مرض قلب، پیشگیری

پیش‌بینی افسردگی بر اساس مؤلفه‌های غفلت قرآنی در دانشجویان: تبیینی در چارچوب روان‌شناسی اسلامی و سلامت روان

فرهاد خرمائی، سید مهدی پورسید
گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
pourseyed@cfu.ac.ir

چکیده

افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌شناختی در دوران دانشجویی است که می‌تواند بر عملکرد تحصیلی، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی افراد تأثیر منفی بگذارد .در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران به نقش عوامل معنوی و دینی در پیشگیری و تبیین اختلالات روانی افزایش یافته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های غفلت به‌عنوان سازه‌ای برگرفته از آموزه‌های قرآنی در پیش‌بینی علائم افسردگی در دانشجویان انجام شد. روش پژوهش از نوع همبستگی بود و جامعه آماری شامل دانشجویان کارشناسی دانشگاه شیراز بود که از میان آنان ۵۱۸ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب با حجم انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه افسردگی گلدبرگ و مقیاس غفلت مبتنی بر مؤلفه‌های قرآنی بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که مؤلفه‌های «بی‌توجهی و روزمرگی»، «غفلت از خطرات» و «غفلت از دیگران» پیش‌بینی‌کننده مثبت افسردگی هستند. همچنین تفاوت‌های جنسیتی نشان داد که در دانشجویان دختر تنها مؤلفه بی‌توجهی و روزمرگی و در دانشجویان پسر هر سه مؤلفه مذکور افسردگی را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که غفلت، به‌ویژه در ابعاد شناختی–رفتاری آن، می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری روانی دانشجویان مطرح شود. تبیین نتایج بر اساس نظریه‌های شناختی افسردگی، نقش حمایت اجتماعی و رویکردهای روان‌شناسی اسلامی نشان می‌دهد که کاهش غفلت و تقویت آگاهی معنوی می‌تواند در ارتقای سلامت روان و طراحی مداخلات درمانی مبتنی بر فرهنگ اسلامی سودمند باشد.

واژگان کلیدی

غفلت، افسردگی، روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان، معنویت

تحلیل تطبیقی «یأس» و «قنوط» در تفسیر المیزان و روح‌المعانی و دلالت‌های آن برای پیشگیری از خودکشی از منظر قرآن و حدیث

موسی آذرنیوند
عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه بیرجند
moosa.azarneyvand@birjand.ac.ir

چکیده

خودکشی به‌عنوان بحرانی عمیق انسانی، در متون اسلامی نه صرفاً به‌عنوان حکم فقهی، بلکه به‌مثابه فرجام فرایندی درونی قابل بازشناسی است. قرآن کریم با به‌کارگیری دو مفهوم «یأس» و «قنوط»، لایه‌های معنایی ناامیدی را ترسیم می‌کند که حلقه واسط بحران روحی و خودکشی است. مسئله اصلی پژوهش آن است که وجوه تمایز و تشابه این دو مفهوم در تفسیر المیزان و روح‌المعانی چیست و چه دلالت‌هایی برای طراحی الگوی پیشگیری از خودکشی دارد. هدف مقاله، تحلیل تطبیقی این دو مفهوم و استخراج چارچوب مفهومی بومی برای پیشگیری از خودکشی با تکیه کامل بر قرآن و حدیث است. روش پژوهش، تحلیل محتوای تطبیقی کیفی است که در آن آرای طباطبایی و آلوسی ذیل آیات مرتبط با یأس و قنوط مقایسه و سپس شبکه مفهومی واژگان مقابل آن‌ها در قرآن و روایات استخراج شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد هر دو مفسر قنوط را مرتبه‌ای شدیدتر از یأس می‌دانند و آن را با گمراهی و کفر پیوند می‌دهند؛ با این تفاوت که المیزان بر ریشه‌های معرفتی و توحیدی قنوط تأکید دارد و روح‌المعانی بر تمایز مفهومی و پیوند آن با مباحث کلامی. همچنین هر دو تفسیر بر اساس آیات قرآن، مسیری تدریجی برای خروج از ناامیدی ارائه می‌کنند که مبتنی بر بازسازی شناختی مفهوم رحمت الهی است. نتیجه‌گیری پژوهش آن است که با تکیه بر این تمایز تفسیری می‌توان مدل پیشگیری قرآنی طراحی کرد که هسته آن جایگزین‌سازی قنوط با رجاست.

واژگان کلیدی

یأس، قنوط، خودکشی، المیزان، روح‌المعانی

شناسایی آسیب‌پذیری در فضای مجازی بر سلامت جسم و روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه در دوران جنگ تحمیلی رمضان

هدا حیدری
دبیر معارف آموزش و پرورش منطقه ۱۵ تهران
heidariazra@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی آسیب‌پذیری در فضای مجازی بر سلامت جسم و روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه در دوران جنگ تحمیلی رمضان انجام گرفت. روش پژوهش به‌صورت کیفی و تحلیل مضمون بوده است. این پژوهش با توجه به ماهیت کاربردی بود و در آن برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل معلمان مقطع متوسطه، متخصصان و صاحب‌نظران حوزه آسیب‌شناسی فضای مجازی بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. نمونه‌گیری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه داشت. سؤالات مصاحبه با توجه به عناصر گلاثورن طراحی گردید. در این پژوهش از نرم‌افزار پژوهش کیفی در تحلیل استفاده شد. پژوهش با اشباع نظری داده‌ها بعد از ۱۵ مصاحبه و مضمون‌یابی صورت گرفت. این مضامین شامل: پاکیزگی، تحرک و ورزش، تغذیه، تندرستی، ضعف بینایی، کنترل وزن، مصرف خودسرانه دارو، مصرف مواد مخدر، آسیب به اعتماد به نفس، استرس، اضطراب، افسردگی، انزوا و دوری از دیگران، پرخاشگری، عدم مسئولیت‌پذیری، کاهش تمرکز و خلاقیت بود و با توجه به مضامین به‌دست‌آمده، آسیب‌پذیری در فضای مجازی بر سلامت جسم و روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شناسایی گردید.

واژگان کلیدی

آسیب‌پذیری، فضای مجازی، سلامت جسم و روان، دانش‌آموزان مقطع متوسطه، جنگ تحمیلی رمضان

پیش‌بینی میل به خودکشی بر اساس کنترل تکانه، نشخوار ذهنی، باور فراشناختی و ناامیدی با نقش تعدیل‌کننده حس تنهایی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر اهواز

نیما پورمندان
گروه روان‌شناسی بالینی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
۱۷۴۳۱۰۲۰۴۶@iau.ir

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، پیش‌بینی میل به خودکشی بر اساس کنترل تکانه، نشخوار ذهنی، باور فراشناختی و ناامیدی با نقش تعدیل‌کننده حس تنهایی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر اهواز بود. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۴۰۵–۱۴۰۴ بودند که از بین آن‌ها، ۲۴۰ نوجوان پسر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های میل به خودکشی بک و استیر، کنترل تکانه بارت و همکاران، نشخوار ذهنی نولن و همکاران، باور فراشناختی ولز و همکاران، ناامیدی بک و حس تنهایی راسل، پیلوا و کورتونا استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و مدل تعدیل‌شده استفاده شد. نتایج نشان داد بین کنترل تکانه با میل به خودکشی رابطه منفی و معنی‌دار؛ بین نشخوار ذهنی با میل به خودکشی رابطه مثبت و معنی‌دار، بین باور فراشناختی با میل به خودکشی رابطه منفی و معنی‌دار و بین ناامیدی با میل به خودکشی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت($p<$۰۱/۰). از آنجایی که حس تنهایی نقش تعدیل‌کننده نداشت، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر این متغیرها بر میل به خودکشی مستقل از سطح تنهایی افراد است و مداخلات می‌توانند بدون در نظر گرفتن این عامل، بر شناسایی و درمان مستقیم نشانه‌های نشخوار ذهنی و ناامیدی و آموزش مهارت‌های کنترل تکانه و باور فراشناختی هدف‌گذاری شوند.

واژگان کلیدی

میل به خودکشی، کنترل تکانه، نشخوار ذهنی، باور فراشناختی، ناامیدی

شناخت خودکشی و خودآسیب‌رسانی از دیدگاه اسلامی و راهبردهای پیشگیری از آن‌ها

زهرا عزیزی
فارغ‌التحصیل سطح سه حوزه علمیه خواهران
za۱۰۸۱۸۵@gmail.com

چکیده

خودکشی و خودآسیب‌رسانی از پدیده‌های پیچیده روانی–اجتماعی هستند که در دهه‌های اخیر با رشد چشمگیری مواجه شده‌اند. این پژوهش با رویکردی توصیفی–تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تبیین مفهوم خودکشی و خودآسیب‌رسانی از منظر آموزه‌های اسلامی (قرآن، روایات و آرای فقها) پرداخته و راهبردهای پیشگیری از این پدیده‌ها را بر اساس منابع دینی استخراج نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در قرآن کریم، خودآسیب‌رسانی مفهومی گسترده دارد که شامل خودکشی مستقیم، به‌خطر انداختن جان در شرایط غیرضروری، ارتکاب گناهان کبیره و حتی فساد اقتصادی می‌شود. روایات معصومان(علیهم‌السلام) نیز بر حرمت قتل نفس تأکید داشته و آن را از گناهان کبیره شمرده‌اند. فقهای شیعه و اهل‌سنت بر حرمت خودکشی اجماع دارند. راهبردهای پیشگیری در پنج محور اصلی: خودشناسی، خداشناسی، معادشناسی، تکلیف‌شناسی و اعتقاد به مهدویت تبیین شده است که هر یک با کارکردهای خاص خود در ایجاد آرامش روانی، امیدواری و معناداری زندگی، نقش مؤثری در پیشگیری از خودکشی ایفا می‌کنند. همچنین کنترل آسیب‌های نوظهور نظیر فضای مجازی، تقویت مهارت‌های زندگی و مداخله خانواده، از راهکارهای تکمیلی به شمار می‌روند. نتیجه آنکه رویکرد جامع اسلامی با تأکید بر ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری، می‌تواند الگویی کارآمد برای پیشگیری از خودکشی ارائه دهد.

واژگان کلیدی

خودکشی، خودآسیب‌رسانی، روایات، قرآن، پیشگیری

تبیین نقش مؤلفه‌های قرآنی صبر و مهار نفس در ارتقای کارکردهای اجرایی و شناخت اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی بر پایه بازی‌درمانی شناختی–رفتاری

علیرضا فریدونی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، معلم ابتدایی شهرستان بهار، ایران
feredouniali@gmail.com

چکیده

اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی یکی از شایع‌ترین اختلالات عصبی–رشدی دوران کودکی است که با نقایص بنیادین در کارکردهای اجرایی و ابعاد شناخت اجتماعی همراه است. هدف از پژوهش حاضر، تبیین نظری نقش مؤلفه‌های قرآنی صبر و ثبات قدم، کظم غیظ، رفق و احسان و تذکر و مراقبه در ارتقای کارکردهای اجرایی و شناخت اجتماعی کودکان ۹ تا ۱۲ سال مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی در بستر بازی‌درمانی شناختی–رفتاری بود. روش پژوهش از نوع توصیفی–تحلیلی با رویکرد سنتز نظری تطبیقی و تحلیل اسنادی نظام‌مند بود که در آن متون تفسیری و آموزه‌های روان‌شناختی قرآن کریم با الگوهای نوین عصب‌روان‌شناختی و مداخلات بازی‌محور پیوند داده شدند. یافته‌ها نشان داد که آموزه صبر با بازداری پاسخ و توجه پایدار، کظم غیظ با خودتنظیمی هیجانی و مدولاسیون بادامه مغز، رفق با نظریه ذهن و رمزگردانی همدلانه، و تذکر با پایشگری شناختی و حافظه فعال انطباق دارند. درونی‌سازی این مؤلفه‌ها در فضای تجربی، نمادین و ساختاریافته بازی‌درمانی شناختی–رفتاری موجب تعدیل فعالیت از بالا به پایین قشر پیش‌پیشانی و کاهش رفتارهای تکانشی و خطای اسناد خصمانه می‌گردد. همچنین بر پایه این سنتز مفهومی، یک بسته مداخله‌ای ۱۰ جلسه‌ای بومی تحت عنوان CBPT-Q تدوین شد. در نتیجه، تلفیق غنای معنایی–انگیزشی قرآن کریم با فنون فعال بازی‌درمانی، الگویی کارآمد، چندبعدی و متناسب با بافت فرهنگی جهت کاهش علائم هسته‌ای اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی، ارتقای سازگاری تحصیلی و پذیرش همسالان فراهم می‌آورد که اجرای کارآزمایی‌های بالینی تصادفی برای ارزیابی تجربی آن پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی

مؤلفه‌های قرآنی، صبر و مهار نفس، اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی، بازی‌درمانی شناختی–رفتاری

نقش «امید» قرآنی به‌عنوان عامل محافظتی در پیشگیری از خودکشی و افکار خودآسیبی در جوانان

مهسا یعقوبی، پریسا یعقوبی
دانشجو
mahsa.yagobi۱۹۹۹@gmail.com

چکیده

خودکشی و افکار خودآسیبی یکی از بحران‌های جدی سلامت روان در جوانان است که عواملی مانند ناامیدی، بی‌معنایی و فقدان حمایت اجتماعی در بروز آن نقش دارند. هدف این پژوهش، تحلیل مروری–تحلیلی نقش «امید» قرآنی به‌عنوان یک عامل محافظتی در پیشگیری از خودکشی و افکار خودآسیبی در جوانان است. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی از نوع مروری بوده و داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع معتبر قرآنی، تفاسیر و مقالات روان‌شناختی مرتبط با امید و خودکشی گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مفهوم «امید» در قرآن با واژگانی چون رجاء، فرج و نهی از یأس قابل استخراج است و به‌عنوان یک سازوکار شناختی–عاطفی، موجب بازسازی معنای زندگی، افزایش تاب‌آوری و کاهش ناامیدی می‌شود. تحلیل تطبیقی با نظریه امید اسنایدر نشان می‌دهد که امید قرآنی فراتر از انتظار صرف، بر «توکل» و «حسن ظن به خدا» استوار است و می‌تواند به‌عنوان عامل محافظتی قوی در برابر افکار خودکشی عمل کند. نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود مداخلات روان‌شناختی مبتنی بر امید قرآنی برای جوانان در معرض خطر طراحی و اجرا شود.

واژگان کلیدی

امید قرآنی، خودکشی، افکار خودآسیبی، جوانان، عامل محافظتی

تحلیل و درمان اختلالات روان‌شناختی از منظر روان‌شناسی اسلامی

رقیه علی‌زاده
دانشگاه پیام نور
r.alizadeh.۱۱۱@gmail.com

چکیده

اختلالات روان‌شناختی از مهم‌ترین مسائل سلامت انسان‌اند و تبیین ماهیت، عوامل شکل‌گیری و شیوه‌های مداخله در آن‌ها، نیازمند توجه هم‌زمان به ابعاد زیستی، روان‌شناختی، اجتماعی و معنوی انسان است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تحلیلی اختلالات روان‌شناختی و راهکارهای پیشگیری و درمان آن‌ها از منظر روان‌شناسی اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم انجام شده است. در این مقاله، ابتدا مفهوم اختلال روانی و محدودیت برخی معیارهای رایج در روان‌شناسی معاصر، از جمله معیارهای آماری، فرهنگی، غیرانطباقی و رنج شخصی، بررسی شده و سپس ظرفیت قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی برای ارائه چارچوبی جامع‌تر درباره سلامت و آسیب روانی مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که در رویکرد قرآنی، عوامل مؤثر بر آسیب روانی را می‌توان در سطوح درون‌فردی، بین‌فردی، محیطی و معنوی بررسی کرد. عواملی مانند ترس، حزن، ناامیدی، غفلت، رفتارهای ناسالم، تعارض‌های اجتماعی و فشارهای ناشی از فقدان و مشکلات اقتصادی، در کنار سایر عوامل، در این چارچوب قابل تحلیل‌اند. همچنین، آموزه‌هایی مانند معنابخشی به رنج، تقویت امید، صبر، یاد خدا، دعا، توکل، اصلاح نگرش به‌عنوان منابع معنوی و روان‌شناختی برای مواجهه با مشکلات مطرح می‌شوند. بر این اساس، روان‌شناسی اسلامی می‌تواند با توجه هم‌زمان به سلامت روان، معنویت، اخلاق، فطرت و غایت رشد انسان، چارچوبی مکمل برای فهم و مدیریت آسیب‌های روان‌شناختی فراهم آورد؛ هرچند آموزه‌های دینی نباید جایگزین مداخلات تخصصی روان‌شناختی و پزشکی در اختلالات بالینی شوند.

واژگان کلیدی

اختلالات روان‌شناختی، روان‌شناسی اسلامی، آموزه‌های قرآن، روان‌شناسی معاصر، آسیب‌شناسی

بررسی رابطه هوش معنوی با افکار خودکشی در دانشجویان دانشگاه اردکان

مینا صفی، مدینه دائی‌نژاد
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران
minasafi@stu.ardakan.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی با افکار خودکشی در دانشجویان دانشگاه اردکان انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و از لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اردکان در سال ۱۴۰۵ بود که تعداد ۸۰ نفر از آنان به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل پرسشنامه هوش معنوی کینگ و پرسشنامه افکار خودکشی بک بود. تحلیل داده‌ها به روش ضریب رگرسیون همزمان و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری انجام شد. نتایج ضریب همبستگی رگرسیون همزمان نشان داد که، بین هوش معنوی و افکار خودکشی در سطح($p<$ ۰۱/۰) رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، هوش معنوی در بهبود کاهش گرایش به خودکشی نقش مهمی دارد. بنابراین ارتقا و آموزش مهارت‌های هوش معنوی به‌عنوان عامل کلیدی در پیشگیری و کاهش آسیب‌های ناشی از گرایش به خودکشی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

هوش معنوی، افکار خودکشی، دانشجویان، پیشگیری

بررسی اثربخشی قصه‌درمانی اسلامی–ایرانی در تعدیل رفتارهای تکانشی کودکان بیش‌فعال(ADHD)

زهرا فتحی حمزانلوئی، زهرا فتحی حمزانلوئی، محمود آزادی

دانشجو

glnrgs۵۰۲@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر مداخله قصه‌درمانی با رویکرد اسلامی–ایرانی بر کاهش رفتارهای تکانشی در کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی بود. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کودکان ۷ تا ۱۲ ساله مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روان‌شناسی شهر مشهد در سال ۱۴۰۵ بود که از میان آن‌ها ۳۰ نفر به‌صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مقیاس تکانشگری هیرسچفیلد و پرسشنامه ارزیابی بیش‌فعالی کودکان وندربیلت بود. پروتکل اجرایی شامل ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای قصه‌درمانی با مضامین اخلاقی برگرفته از متون کهن ایرانی و روایات اسلامی بود. نتایج نشان داد که بین نمرات پس‌آزمون دو گروه در مؤلفه‌های تکانشگری تفاوت معناداری وجود دارد($p<۰۵/۰$). یافته‌ها حاکی از آن است که قصه‌درمانی اسلامی–ایرانی می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مکمل مؤثر در تعدیل رفتارهای تکانشی این کودکان مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

قصه‌درمانی اسلامی–ایرانی، رفتارهای تکانشی، کودکان بیش‌فعال، اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی

محور چهارم:

خانواده با رویکرد روان‌شناسی اسلامی

پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس افکار خودآیند منفی و پایبندی مذهبی

راضیه جعفری

پژوهشگر

jfryradyh۱۵@gmail.com

چکیده

تعهد زناشویی یکی از مؤلفه‌های اصلی پایداری روابط خانوادگی است و از عوامل شناختی، هیجانی و ارزشی گوناگون تأثیر می‌پذیرد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش افکار خودآیند منفی و پایبندی مذهبی در پیش‌بینی تعهد زناشویی در میان زنان متأهل شهر شیراز بود. این پژوهش با روش توصیفی–همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل زنان متأهل شهر شیراز بود و نمونه‌ای از آنان به شیوه در دسترس انتخاب شد. ابزارهای جمع‌آوری داده شامل پرسشنامه تعهد زناشویی، پرسشنامه افکار خودآیند منفی و پرسشنامه جهت‌گیری دینی اسلامی بود. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج نشان داد افکار خودآیند منفی رابطه‌ای منفی و معنادار با تعهد زناشویی دارد و پایبندی مذهبی با تعهد زناشویی رابطه‌ای مثبت و معنادار نشان می‌دهد. همچنین نتایج رگرسیون بیانگر آن بود که این دو متغیر بخش قابل‌توجهی از واریانس تعهد زناشویی را تبیین می‌کنند. بر این اساس، کاهش افکار منفی و تقویت پایبندی مذهبی می‌تواند در افزایش انسجام و ثبات روابط زناشویی نقش مؤثری داشته باشد.

واژگان کلیدی

تعهد زناشویی، افکار خودآیند منفی، پایبندی مذهبی، زنان متأهل

تبیین الگوی «اخلاق معاشرت با همسر» مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم

سیدمحمد ضیاء عرفانی

جامعه المصطفی العالمیه، خراسان رضوی

seyedziyaerfani@gmail.com

چکیده

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش محوری در تأمین سلامت روانی فرد و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند و کیفیت روابط زن و شوهر، مهم‌ترین عامل پایداری یا فروپاشی آن به شمار می‌آید. با توجه به گسترش تعارضات زناشویی و ناکارآمدی برخی الگوهای وارداتی در تبیین اخلاق همسرداری، بازخوانی الگوی قرآنی معاشرت همسران به‌عنوان یک خلأ علمی و نظری ضروری است. هدف پژوهش حاضر، استخراج، طبقه‌بندی و تبیین اصول بنیادین اخلاق همسرداری از منظر قرآن کریم و تحلیل ساختار اخلاقی حاکم بر روابط زوجین است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی–تحلیلی انجام شده و داده‌ها از طریق مطالعه نظام‌مند آیات مرتبط با روابط زناشویی و تحلیل آن‌ها بر اساس تفاسیر معتبر گردآوری و بررسی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی قرآنی اخلاق معاشرت همسران، واجد ساختاری منسجم و چندلایه است که در سه سطح شناختی، عاطفی و رفتاری قابل تبیین است. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد که اصول اخلاقی مستخرج از قرآن کریم، ظرفیتی نظری و کاربردی برای بازسازی الگوی تعامل همسران دارد و می‌تواند به‌عنوان چارچوبی بومی و دینی در حوزه مطالعات قرآن و روان‌شناسی خانواده، در جهت کاهش تعارضات زناشویی، ارتقای رضایت زوجین و پیشگیری از آسیب‌های خانوادگی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، اخلاق معاشرت، همسر، خانواده، سبک زندگی اسلامی

بررسی سبک‌شناسی سوره مبارکه طلاق

فهیمه ریگی

دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عربی
f۸۳۲۳۸۱٤٤@gmail.com

چکیده

سوره مبارکه طلاق به‌عنوان یکی از سوره‌های مدنی قرآن کریم، ضمن بیان احکام حقوقی طلاق، عده، نفقه و حقوق زنان مطلقه، پیامی عمیق اخلاقی، تربیتی و توحیدی را در قالبی هنری و بلاغی ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای، به بررسی ویژگی‌های زبانی و هنری این سوره پرداخته تا نشان دهد چگونه عناصر سبکی در تقویت پیام هدایتی و اعجاز بیانی قرآن نقش ایفا می‌کنند. یافته‌ها حاکی از آن است که در سطح واژگانی، گزینش دقیق کلمات کلیدی و تکرار ریشه‌های معنادار همچون تقوا، قدر، رزق و حدود الله، شبکه‌ای منسجم از معانی حقوقی، عاطفی و کیهانی پدید آورده که بحران طلاق را به نمادی از قانون کلی خلقت تبدیل می‌کند. در سطح بلاغی، بهره‌گیری از اسالیب شرطی تکرارشونده، تضاد عسر و یسر، ایجاز در احکام و سجع فواصل، لحنی آرامش‌بخش، هشداردهنده و امیدآفرین ایجاد کرده است؛ و در سطح ساختاری، چیدمان حلقوی سه‌لایه‌ای سوره با موتیف‌های تکراری، بحران فردی را در چارچوب قدرت و علم فراگیر الهی قرار داده و انسجام سبکی بی‌نظیری را به نمایش می‌گذارد. این بررسی نشان می‌دهد که سبک سوره طلاق، فراتر از بیان قوانین، ابزاری برای پیشگیری از بحران خانوادگی، ترویج تقوا و ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و رحمت الهی است و بخشی روشن از اعجاز قرآن به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، سوره طلاق، بلاغت، سبک‌شناسی، خانواده

مدل مفهومی نقش تربیتی مادر در خانواده مسلمان با تکیه بر اصول روان‌شناسی اسلامی

فرزانه طالقانی
استاد حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران
fmk.۱۳٤۱@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل مفهومی نقش تربیتی مادر در خانواده‌های مسلمان بر پایه اصول روان‌شناسی اسلامی انجام شده است. مطالعه حاضر از نوع مرور نظام‌مند مفهومی بوده و تلاش دارد با بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی «قلب–عقل–نفس»، نحوه تبیین تعاملات مادرفرزند را در متون علمی و دینی بررسی کند. جست‌وجوی منابع بر اساس راهنمای گزارش‌دهی مرور نظام‌مند در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی شامل نورمگز، مگیران و کتابخانه دیجیتال نور انجام شد. معیارهای ورود شامل مقالات همتاداوری‌شده، کتاب‌های علمی، رساله‌های دانشگاهی و متون دینی معتبر مرتبط با تعامل مادرفرزند و روان‌شناسی اسلامی برای تحلیل نهایی انتخاب شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوهای تعاملی مادرفرزند در ادبیات موجود را می‌توان در سه بُعد تحلیلی طبقه‌بندی کرد: قلب (الگوهای مبتنی بر پاسخ‌دهی هیجانی و محبت)، عقل (الگوهای هدایت شناختی و تدبیر تربیتی) و نفس (الگوهای خودنظارتی و تنظیم رفتار). بررسی تطبیقی منابع نشان می‌دهد این ابعاد در بسیاری از مطالعات با شاخص‌های عاطفی، شناختی و رفتاری کودک به‌طور هم‌زمان گزارش شده‌اند، هرچند غالب پژوهش‌ها هر بُعد را به‌صورت منفرد بررسی کرده‌اند. در مجموع، چارچوب «قلب–عقل–نفس» به‌عنوان یک مدل مفهومی تحلیلی در روان‌شناسی اسلامی می‌تواند بستری برای سازمان‌دهی یافته‌های پراکنده، توسعه ابزارهای ارزیابی بومی و طراحی پژوهش‌های تجربی آینده در حوزه تعامل مادرفرزند فراهم آورد.

واژگان کلیدی

نقش تربیتی مادر، خانواده‌های مسلمان، روان‌شناسی اسلامی، قلب، عقل، نفس

نقش جستجو و یافتن معنا در زندگی در پیش‌بینی تاب‌آوری در مواجهه با چالش‌های پس از طلاق در افراد مطلقه ایرانی

نادر اعیادی، محبوبه موسیوند، هاجر خورشیدی میانایی

دانشگاه اصفهان

ayadinader۲۳@gmail.com

چکیده

با توجه به بافت فرهنگی و مذهبی کشور ما، استفاده از رویکردهای مبتنی بر مقابله مذهبی و معنایابی می‌تواند یکی از روش‌های مؤثر در کمک به افراد در مواجهه با چالش‌های دشوار زندگی باشد. لذا، هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین جستجو و یافتن معنا در زندگی با تاب‌آوری پس از طلاق در افراد مطلقه ایرانی است. پژوهش حاضر توصیفی–همبستگی است. شرکت‌کنندگان این پژوهش افراد مطلقه استان البرز در سال ۱۴۰۲ هستند که از میان آن‌ها ۲۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس و گلوله برفی انتخاب شدند. نتایج نشان داد که جستجوی معنا در زندگی (r=۰/۲۲۳؛ p<۰/۰۱) (و حضور معنا در زندگی (r=۰/۳۸۲؛ p<۰/۰۱) (رابطه مثبت و معناداری با تاب‌آوری دارد. علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که جستجوی معنا در زندگی و داشتن معنا در زندگی قادر به پیش‌بینی ۰/۱۷ از تغییرات نمرات تاب‌آوری افراد مطلقه هستند. بنابراین، جستجو و یافتن معنا در زندگی پس از طلاق می‌تواند با ارتقاء جنبه معنوی سلامت افراد مطلقه سبب ارتقاء تاب‌آوری روان‌شناختی آن‌ها در مواجهه با چالش‌های متعدد زندگی پس از طلاق شود.

واژگان کلیدی

جستجوی معنا، حضور معنا در زندگی، تاب‌آوری، طلاق

بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن بر سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض

اصغر باهوش، کاظم عرفانیان
آموزش و پرورش
as.bahoosh@gmail.com

چکیده

با توجه به تغییرات و پیچیدگی‌های روزافزون جامعه و گسترش روابط اجتماعی، آماده‌سازی افراد جهت رویارویی با موقعیت‌های دشوار، امری ضروری به نظر می‌رسد؛ به همین دلیل روان‌شناسان جهت پیشگیری از بیماری‌های روانی و نابهنجاری‌های اجتماعی، آموزش مهارت‌های زندگی را در سراسر جهان و در سطح مدارس آغاز نموده‌اند. تحقیق حاضر به‌منظور بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن بر سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض انجام شد. برای این منظور از کلیه زوجین دارای تعارض، مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تحت نظر بهزیستی مشهد که در سه ماهه سوم سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۲ نفر (۱۶ زوج) به‌صورت نمونه‌گیری داوطلبانه مبتنی بر هدف انتخاب شده و در دو گروه گواه و آزمایش با ده جلسه آموزش مهارت‌های زندگی قرار گرفتند و اطلاعات حاصل از این آزمون‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی بر سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض تأثیر مثبت و معناداری دارد($p<$ ۰۵/۰) .(بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، آموزش مهارت‌های زندگی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی توانست با ایجاد روابط اجتماعی سالم و آموختن الگوهای ارتباطی جدید به کلیه زوجین دارای تعارضات زناشویی، سلامت اجتماعی این افراد را افزایش داده و موجب به وجود آمدن سبکی تازه در زندگی این افراد شود.

واژگان کلیدی

آموزش مهارت‌های زندگی، آموزه‌های قرآنی، سلامت اجتماعی، زوجین دارای تعارض

اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن بر بخشودگی زناشویی و سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض

کاظم عرفانیان، اصغر باهوش

آموزش و پرورش

asybhy@gmail.com

چکیده

تحقیق حاضر به‌منظور بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن بر بخشودگی زناشویی و سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض انجام شد. برای این منظور از کلیه زوجین دارای تعارض، مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تحت نظر بهزیستی مشهد که در سه ماهه سوم سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۲ نفر (۱۶ زوج) به‌صورت نمونه‌گیری داوطلبانه مبتنی بر هدف انتخاب شده و در دو گروه گواه و آزمایش قرار گرفتند. اعضای گروه آزمایش ۱۰ جلسه آموزش مهارت‌های زندگی با تأکید بر آموزه‌های قرآن را دریافت کردند، اما برای اعضای گروه گواه مداخله خاصی ارائه نشد. برای سنجش میزان بخشودگی زناشویی و سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون از میزان سلامت اجتماعی و مقیاس بخشودگی زناشویی استفاده گردید و اطلاعات حاصل از این آزمون‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی بر بخشودگی زناشویی و سلامت اجتماعی زوجین دارای تعارض تأثیر مثبت و معناداری دارد($p<$ ۰۵/۰ .(لذا فرضیه‌ها مورد تأیید قرار گرفتند.

واژگان کلیدی

آموزش مهارت‌های زندگی، آموزه‌های قرآنی، بخشودگی زناشویی، سلامت اجتماعی

خانواده و ابعاد سلامت و تبیین اختلال در خانواده امروزی با رویکرد اسلامی

رضا نیکان فر، فرزانه اشراقی اسکوئی
دانشجوی دکتری مدیریت دولتی و دستیار آموزشی
nikijun۸۹@yahoo.com

چکیده

خانواده به‌عنوان نهاد بنیادین جامعه، نقشی محوری در سلامت روانی، اجتماعی و معنوی ایفا می‌کند. این مطالعه با هدف تبیین ابعاد سلامت و اختلالات خانواده معاصر از منظر اسلامی و در تعامل با روان‌شناسی نوین انجام شد. روش پژوهش ترکیبی (کیفی–کمّی) بود که در فاز کیفی، مرور نظام‌مند منابع اسلامی (آیات قرآن و احادیث معتبر از منابع شیعه و سنی) و در فاز کمّی، تحلیل محتوای ۵۰ مقاله معتبر بین‌المللی (۲۰۱۵–۲۰۲۳) را شامل می‌شد. یافته‌ها پنج بعد سلامت خانواده در اسلام را استخراج کرد: سلامت ارتباطی (احترام و گفتگو)، سلامت معنوی (اشتراک اعتقادی)، سلامت اخلاقی (رعایت حقوق)، سلامت روانی (تعادل هیجانی) و سلامت کارکردی (تقسیم مسئولیت). همچنین، شش دسته اختلال اصلی شناسایی شد: اختلالات ارتباطی (شکاف نسلی دیجیتال)، ساختاری (تضعیف مرزها)، کارکردی (مدیریت اقتصادی ناکارآمد)، روانی–اجتماعی (اعتیاد دیجیتال)، معنوی–اخلاقی (بحران هویت ارزشی) و اختلالات ناشی از عوامل کلان (فشارهای اقتصادی). تحلیل تطبیقی نشان داد آموزه‌های اسلامی در حوزه‌هایی مانند اهمیت ارتباط محترمانه و ثبات عاطفی، با یافته‌های روان‌شناسی معاصر هم‌پوشانی قابل‌توجهی دارد. در نتیجه، الگوی اسلامی سلامت خانواده با ارائه چارچوبی جامع و معنوی، می‌تواند مبنای طراحی مداخلات خانواده‌درمانی فرهنگ‌محور در جوامع اسلامی قرار گیرد و به غنای گفتمان جهانی روان‌شناسی خانواده بیفزاید.

واژگان کلیدی

سلامت خانواده، اختلالات خانواده، روان‌شناسی اسلامی، قرآن، خانواده معاصر

نقش آموزه‌های اسلامی در ارتقای ابعاد چهارگانه سلامت خانواده (جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی)

فهیمه فضل‌الله همدانی
دانشگاه آزاد تهران مرکزی
zareelahe۱۳۹۷@gmail.com

چکیده

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در تحقق و پایداری سلامت همه‌جانبه دارد. آموزه‌های اسلامی با رویکردی جامع‌نگر و انسان‌محور، چارچوبی منسجم برای ارتقای ابعاد چهارگانه سلامت خانواده؛ جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی ارائه می‌دهند. در بعد سلامت جسمی، تأکید اسلام بر تغذیه حلال و سالم، اعتدال، بهداشت فردی و اجتماعی و پیشگیری، بنیان‌های سبک زندگی سالم را تقویت می‌کند. در بعد سلامت روانی، مفاهیمی چون آرامش مبتنی بر توکل، صبر، امید، رضایت و تنظیم هیجانات، نقش مؤثری در کاهش اضطراب، تعارضات خانوادگی و افزایش تاب‌آوری دارند. در بعد سلامت اجتماعی، ارزش‌هایی نظیر عدالت، مسئولیت‌پذیری، احترام متقابل، صله‌رحم و تعاون اجتماعی، انسجام خانواده و سرمایه اجتماعی را ارتقا می‌بخشند. نهایتاً در بعد سلامت معنوی، تقویت معنابخشی به زندگی، ارتباط با خداوند و اخلاق‌مداری، به‌عنوان زیربنای یکپارچه‌ساز سایر ابعاد سلامت عمل می‌کند. این مقاله با تبیین تحلیلی آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که الگوی اسلامی سلامت خانواده، الگویی جامع، پیشگیرانه و پایدار است که می‌تواند به‌طور معنادار کیفیت زندگی خانوادگی و سلامت جامعه را بهبود بخشد.

واژگان کلیدی

آموزه‌های اسلامی، سلامت خانواده، سلامت جسمی، سلامت روانی، سلامت معنوی

واکاوی اصول زناشویی در آیه ۲۱ سوره روم

علیرضا کبیریان
مؤسسه آموزش عالی مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام
alikabirian۹۱۳@gmail.com

چکیده

ازدواج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در اسلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به همین خاطر، قرآن کریم مباحث فراوان و مختلفی را نسبت به خانواده در موارد مختلفی بیان کرده است. آیه ۲۱ سوره روم یکی از مهم‌ترین آیاتی است که در این باره، اصول و مهارت‌های مؤثر و جذابی نسبت به انتخاب همسر و همسرداری موفق ارائه داده است. با توجه به کمبود پژوهش‌های نظام‌مند و عمیق نسبت به این مباحث به‌ویژه در این آیه، لازم بود به هدف ارائه چارچوبی نوین در این زمینه، به تحلیل محتوایی آیه مذکور و استخراج مفاهیم کلیدی موردنظر پرداخته شود. این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از تفاسیر متعدد و دیگر منابع مربوطه و با روش توصیفی–تحلیلی نوشته شد و به برداشت‌های بدیع و کاربردی علمی و همراه با شواهد عقلی و نقلی دست یافت. یافته‌ها نشان می‌دهد با توجه به این آیه، چندین دستور و گزاره علمی مهم و کاربردی مرتبط با مشاوره خانواده و ازدواج دارد. چراکه انتخاب همسر باید بر اساس معیارهای هم‌کفو بودن و آرامش‌دهنده بودن و مهربان و دلسوز بودن باشد. همچنین در روابط زوجین، توجه به مقدس بودن ازدواج و کوشش در حفظ حرمتش، مراقبت از جسم و روح و روان همسر، تلاش جهت تناسب و هماهنگی و نزدیک شدن روحیات و رفتارها، کوشش و توجه همیشگی برای رسیدن به آرامش بیشتر و... از اصول و مهارت‌های همسرداری می‌باشد که به‌عنوان راهنمایی‌های عملی مهمی برای زوجین و مشاوران خانواده کاربرد دارد.

واژگان کلیدی

آیه ۲۱ روم، تقدس ازدواج، همسرگزینی، عشق و دلسوزی، زناشویی

دعا در قرآن کریم: ابزاری برای سلامت روان، رشد اخلاقی و تربیت فرزندان

سیده سارا آزاده

گروه پژوهشی لیزر پزشکی، مرکز تحقیقات لیزر در پزشکی، پژوهشکده یارا، جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

sara.azadehhh@gmail.com

چکیده

دعا یکی از مهم‌ترین اعمال عبادی در اسلام است که علاوه بر ارتباط مستقیم انسان با خداوند، نقش مؤثری در سلامت روان، توسعه فضایل اخلاقی و تربیت فرزندان دارد. این پژوهش با رویکرد تحلیلی، ابعاد تربیتی، اخلاقی و روان‌شناختی دعا را مورد بررسی قرار داده است. روش مطالعه شامل تحلیل متون قرآنی و مرور شواهد روان‌شناختی و بالینی مرتبط با نیایش است. یافته‌ها نشان می‌دهند که دعا موجب تقویت فضایل اخلاقی مانند صبر، شکرگزاری، توکل و مسئولیت‌پذیری می‌شود و به کاهش اضطراب و فشارهای روانی کمک می‌کند. نیایش والدین برای فرزندان، عاملی کلیدی در انتقال ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و اجتماعی آنان است. از منظر سلامت روان، دعا با ایجاد تمرکز ذهن، کاهش افکار منفی و افزایش اعتماد به حمایت الهی، تاب‌آوری روانی فرد را ارتقا داده و به بهبود کیفیت خواب و کاهش تنش‌های روانی کمک می‌کند. مکانیزم‌های روان‌شناختی اثر دعا شامل کاهش اضطراب ناشی از ابهام، بازتعریف شناختی شرایط دشوار، تقویت تاب‌آوری و توسعه مهارت‌های مقابله‌ای است. نیایش خانوادگی، به‌ویژه در محیطی که والدین الگوی عملی فضایل اخلاقی هستند، موجب نهادینه شدن رفتار اخلاقی در کودکان می‌شود و همدلی و انسجام خانوادگی را تقویت می‌کند. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد که دعا نه‌تنها عمل عبادی، بلکه ابزار مؤثری برای پرورش اخلاق، سلامت روان و انسجام اجتماعی است. ترویج فرهنگ نیایش همراه با خودسازی و عمل اخلاقی می‌تواند الگویی پایدار برای تعالی فرد و جامعه فراهم آورد.

واژگان کلیدی

دعا، سلامت روان، تربیت اخلاقی، نیایش والدین، قرآن کریم

تحلیل خطاهای شناختی والدین در تربیت فرزند بر اساس احادیث معصومین(ع): رویکردی روان‌شناختی–اسلامی

سید محمد مهدی رضوی
طلبه جامعه المصطفی العالمیه
mrazavy۱۱۰@gmail.com

چکیده

خطاهای شناختی والدین به‌عنوان الگوهای تحریف‌شده تفکر، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای تربیتی ناکارآمد ایفا می‌کنند و می‌توانند منجر به آسیب‌های عاطفی، روانی و اجتماعی در فرزندان شوند. این پژوهش با هدف شناسایی خطاهای شناختی شایع والدین در فرایند تربیت، بررسی چگونگی اشاره احادیث معصومین(ع) به این خطاها و ارائه راهکارهای اصلاحی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی انجام شده است. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی احادیث منتخب از منابع معتبر شیعی است که با چارچوب روان‌شناسی شناختی تطبیق داده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خطاهایی مانند تعمیم افراطی، تفکر دوقطبی، تبعیض ناخودآگاه، فاجعه‌سازی، ذهن‌خوانی و توقع غیرواقعی از مراحل رشد کودک در رفتار والدین رایج هستند و احادیث معصومین(ع) با تأکید بر میانه‌روی، عدالت میان فرزندان، پرهیز از عیب‌جویی مکرر، توجه به مراحل رشد، الگوسازی عملی به‌جای صرف گفتار و اصلاح تدریجی رفتار، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم این تحریف‌های شناختی را نقد کرده و راهکارهایی عملی برای اصلاح شناخت والدین ارائه می‌دهند. نتایج حاکی از آن است که الگوی تربیتی اسلامی مبتنی بر اصلاح شناخت والدین می‌تواند به کاهش تنش‌های خانوادگی، تقویت روابط والد–فرزند و ارتقای سلامت روان کودکان کمک کند. این رویکرد تلفیقی، زمینه‌ای مناسب برای برنامه‌های آموزشی والدین و مشاوره‌های خانواده‌محور فراهم می‌آورد و می‌تواند مبنایی برای توسعه ابزارهای سنجش و برنامه‌های آموزشی تلفیقی در حوزه روان‌شناسی اسلامی باشد و به غنای مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه تربیت فرزند کمک کند.

واژگان کلیدی

خطاهای شناختی، تربیت فرزند، احادیث معصومین(ع)، روان‌شناسی اسلامی، والدگری آگاهانه

مدل مفهومی عوامل طلاق مبتنی بر قرآن: تحلیل محتوای کیفی

علی بیات
دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
sadra۷۱۱۹۰@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مفهومی عوامل مؤثر بر طلاق در قرآن انجام شده است. این مطالعه با رویکرد اکتشافی–متوالی و روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفت. جامعه متنی پژوهش شامل آیات قرآن و روایات تفسیری بود که با نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع، از میان ۳۸ مفهوم مرتبط با طلاق در نرم‌افزارهای جامع‌الاحادیث و جامع‌التفاسیر نور، ۲۱۰ متن انتخاب گردید. داده‌ها بر اساس الگوی بنگستون و در چهار مرحله «ازمتن‌گیری»، «به‌متن‌دهی»، «مقوله‌بندی» و «یکپارچه‌سازی» تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد مدل مفهومی نهایی شامل ۸۵۰ کد باز، ۹۵ زیرمقوله، ۳۳ مقوله، ۱۳ درون‌مایه، و در نهایت پنج بعد اصلی است. این ابعاد عبارت‌اند از: عوامل بنیادین، بسترهای ادراکی، کانون بحران، عوامل تعدیل‌گر، و الگوهای مواجهه. در سطح علی، مدل شامل نه عامل چندگانگی مبدأ ادراک‌شده، ازدواج نادرست، پنداره‌سازی مسئله، پردازش تحریف‌شده، احساس درماندگی، دلزدگی، خودفروری، بی‌تفاوتی یا مداخله ناکارآمد اطرافیان، و شکل‌گیری روابط عاطفی جایگزین است. همچنین چهار راهبرد کلیدی مواجهه با پدیده طلاق شامل اقدام متعارف به طلاق، دوگانگی، نافرمانی و سرکشی، و متارکه و دوری‌گزینی شناسایی شد. روایی مدل با بهره‌گیری از چهار معیار لینکلن و گوبا و نیز سنجش شاخص روایی محتوا و نسبت روایی محتوا توسط ۹ کارشناس تأیید شد. بر این اساس، طلاق از تعامل عوامل بنیادین، بسترهای ادراکی و کانون‌های درونی بحران شکل می‌گیرد و تحت تأثیر عوامل تعدیل‌گر به الگوهای متفاوتی از مواجهه منتهی می‌شود.

واژگان کلیدی

طلاق، مدل مفهومی، سبب‌شناسی طلاق، تحلیل محتوای کیفی، خانواده

پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی زنان متأهل دارای فرزند زیر پنج سال بر اساس رضایت از زندگی و سلامت معنوی در شهر رشت

سید امید ستوده ناورودی، فائزه روشان، علیرضا مرادی
سازمان آموزش و پرورش گیلان، ایران
omid.sotodeh@yahoo.com

چکیده

بیشتر زوج‌ها، پس از شروع زندگی مشترک وارد مرحله فرزندآوری و انتقال به نقش والدگری می‌شوند. بعد از تولد فرزند، زوجین برای سازش با شرایط جدید دچار سردرگمی می‌شوند. مدیریت چنین شرایطی می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی والدین، به‌خصوص زنان را متأثر کند. هدف این پژوهش پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس رضایت از زندگی و سلامت معنوی در زنان متأهل دارای فرزند زیر پنج سال شهر رشت است. این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن کلیه مادران دارای فرزند زیر ۵ سال شهر رشت بوده است. حجم نمونه ۱۳۰ مادر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. نمونه‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف، رضایت از زندگی و سلامت معنوی الیسون مورد بررسی قرار گرفتند. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که بین سلامت معنوی و رضایت از زندگی با بهزیستی روان‌شناختی در مادران دارای فرزند زیر ۵ سال رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج خلاصه مدل رگرسیون نشان داد که سلامت معنوی و رضایت از زندگی پیش‌بین‌های مناسبی برای بهزیستی روان‌شناختی مادران مورد بررسی هستند و میزان R^2 نشان می‌دهد که ۳/۱۷ درصد از میزان بهزیستی روان‌شناختی مادران بر این اساس قابل تبیین است. در مجموع می‌توان گفت رضایت از زندگی و سلامت معنوی نقش مهمی در میزان بهزیستی روان‌شناختی مادران دارای فرزند زیر ۵ سال دارد.

واژگان کلیدی

بهزیستی روان‌شناختی، رضایت از زندگی، سلامت معنوی، زنان متأهل

تحلیل فقهی آرامش روانی در خانواده با تأکید بر مفهوم «مودت و رحمت» در قرآن

حجت عزیزالهی
دانشگاه یزد
h.azizollahi@yazd.ac.ir

چکیده

خانواده در اسلام نهادی فراتر از قرارداد حقوقی و بستری برای دستیابی به «سکون و آرامش» است. آیه ۲۱ سوره روم با ترسیم مثلث «سکون، مودت و رحمت»، فلسفه خلقت همسر و هدف غایی نکاح را تبیین می‌کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر، خلأ نظری موجود در تحلیل کارکردهای فقهی مودت و رحمت و نسبت آن با آرامش روانی در خانواده است. پرسش آن است که آیا این دو مفهوم صرفاً توصیه‌هایی اخلاقی‌اند یا می‌توانند به‌عنوان معیارهایی تأثیرگذار در استنباط احکام فقهی و تأمین سلامت روانی خانواده نقش‌آفرینی کنند؟ این تحقیق با روش توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع معتبر فقهی، تفسیری و روان‌شناختی، نخست به مفهوم‌شناسی مودت و رحمت در تفاسیر فریقین پرداخته، سپس کاربرد آن‌ها را در ابواب مختلف فقه خانواده واکاوی کرده و در نهایت با یافته‌های روان‌شناسی خانواده تطبیق داده است. نوآوری پژوهش در خوانش فقهی مودت و رحمت به‌عنوان مبانی استنباط احکام و ایجاد پیوند میان سه ساحت قرآن، فقه و روان‌شناسی است. یافته‌ها نشان می‌دهد مودت و رحمت در استنباط احکامی همچون حرمت نکاح با غیرمسلمان، کیفیت نفقه و حسن معاشرت، حدود و تعزیرات، و احکام طلاق نقش محوری دارند. همچنین تطبیق این یافته‌ها با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، هماهنگی عمیقی را میان تأکید قرآن بر مودت و رحمت و مؤلفه‌هایی همچون محبت، همدلی و مسئولیت‌پذیری عاطفی به‌عنوان ارکان سلامت روانی خانواده آشکار می‌سازد.

واژگان کلیدی

مودت، رحمت، آرامش روانی، فقه خانواده، آیه ۲۱ سوره روم

بررسی خانواده و ابعاد سلامت و تبیین اختلال در خانواده‌های امروزی با رویکرد اسلامی در منطقه عجب‌شیر

سعید آذری راد، حاجیه هرگلانی

آموزش و پرورش

azarirad.saeid@gmail.com

چکیده

در جوامع انسانی در ابتدا مفهوم سلامت سال‌ها بیشتر بر سلامت جسمی و روانی را به ذهن متبادر می‌ساخت اما امروزه جوامع انسانی همراه با تحولات اجتماعی و فرهنگی به اهمیت بعد اجتماعی و معنوی و زیست‌محیطی را مورد توجه قرار داده‌اند. ابعاد سلامت در ارزیابی جدید بین‌المللی یکی از شاخص‌های مهم توسعه و رفاه جامعه محسوب می‌شود، زیرا بر شاخص‌های اقتصادی–اجتماعی جامعه اثر می‌گذارد. ابعاد سلامت می‌تواند کارآمدی و پویایی جامعه از جمله خانواده را تضمین کند. هدف تحقیق حاضر بررسی خانواده و ابعاد سلامت و تبیین اختلال در خانواده امروزی با رویکرد اسلامی در منطقه عجب‌شیر می‌باشد. تحقیق حاضر از نظر شیوه گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۰۱ نفر از خانواده‌های منطقه مرکزی عجب‌شیر و نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان شامل ۱۲۷ نفر می‌باشد. در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سنجش عملکرد خانواده، پرسشنامه سلامت اجتماعی، پرسشنامه سلامت روانی، پرسشنامه سلامت معنوی و پرسشنامه سلامت جسمانی و زیست‌محیطی می‌باشد. نتایج حاصل از تحقیق با استفاده از آزمون‌های آماری رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که بین سلامت جسمی، روانی، معنوی، اجتماعی و زیست‌محیطی با عملکرد خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی

خانواده، ابعاد سلامت، عملکرد خانواده، اختلال خانواده، رویکرد اسلامی

بررسی مدیریت هیجانی همسران در کاهش تعارضات زناشویی و ارتقای سلامت روان

مریم صفری، ابوالقاسم بشیری

طلبه

msafary۹۶@gmail.com

چکیده

برای شکل‌گیری شخصیت، عوامل بسیاری مانند وراثت، محیط، فطرت و اراده دخیل هستند که همگی در حال تأثیر و تأثر بر یکدیگر می‌باشند. بُعد هیجانی از عوامل مؤثر بر شخصیت است که یکی از کارکردهای آن، تبدیل شدنِ تجربه‌های هیجانی به ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد. با توجه به آنکه هیجان در سلامت روانی و شخصیت اثرگذار بوده و سرنوشت‌ساز می‌باشد؛ لازم است تا با مدیریتِ آن برای دستیابی به شخصیتی سالم و پویا تلاش نمود. مدیریتِ خود قادر است، شخصیت را دستخوش تغییراتی بنماید که علاوه بر اثرات شخصی در کیفیت تعاملات اجتماعی به‌ویژه روابط زوجینی نیز اثرگذار بوده و نقش تثبیت‌کننده را داراست. از طرفی فرایند ازدواج نیز در تکوین شخصیت تأثیر دارد و شایسته است که سلامت روابط آن توسط کاهش تعارضات تأمین گردد. بنابراین در این پژوهش مدیریت هیجانی همسران مورد بررسی قرار گرفته است. در آموزه‌های اسلامی راهکارهایی برای تنظیم هیجان و همچنین پیرامون روابط زناشویی وجود دارد که از آیات و روایات استخراج می‌شوند. این نوشتار با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی انجام شده و برای روایی‌سنجی از نظر ارزیابان استفاده گردید و پس از کسب نمره لازم، ضمن تأیید نقش مدیریت هیجانی در کاهش تعارضات همسران، راهبرد هدف‌شناسی ازدواج نیز به‌عنوان یک راهبرد بینشی مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت. نتایج این پژوهش می‌تواند برای ساخت پرسش‌نامه و بسته آموزشی در پژوهش‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

شخصیت، مدیریت هیجانی، همسران، هدف‌شناسی ازدواج، تعارضات زناشویی

سرمایه روان‌شناختی متعالی: تبیین نقش معنویت در تحول مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی زوج‌های نابارور

مهدی خان‌آبادی
گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه یزد
mahdi.khanabadi@yazd.ac.ir

چکیده

هدف: ناباروری به‌عنوان یک بحران وجودی، ابعاد مختلف سلامت روان زوج‌ها را متأثر می‌سازد. هدف پژوهش حاضر، واکاوی تحلیلی نقش معنویت در ارتقای مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی (امید، تاب‌آوری، خودکارآمدی و خوش‌بینی) در زوج‌های نابارور و ارائه یک مدل مفهومی در این زمینه بود. روش‌شناسی: این مطالعه با رویکرد کیفی و روش مروری–تحلیلی انجام شد. داده‌ها با استفاده از فیش‌برداری اسنادی از متون تخصصی، کتاب‌ها و مقالات علمی معتبر (۲۰۲۰–۲۰۲۶) در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و بین‌المللی گردآوری و با روش تحلیل محتوای استنتاجی و سنتز نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: تحلیل یافته‌ها نشان داد که معنویت از طریق مکانیسم‌های «بازارزیابی شناختی» و «ایجاد لنگرگاه معنایی»، زیرساخت‌های سرمایه روان‌شناختی را بازسازی می‌کند. معنویت با تبدیل امیدِ واکنشی به امید وجودی، تقویت خودکارآمدی توکل‌محور، ایجاد خوش‌بینی مبتنی بر حکمت الهی و افزایش تاب‌آوری از طریق معنابخشی به رنج، منجر به شکل‌گیری یک مدل مفهومی و سازه‌ای نوین تحت عنوان «سرمایه روان‌شناختی متعالی» می‌گردد. نتیجه‌گیری: معنویت به‌عنوان یک هسته مرکزی، هم‌افزایی میان مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی را تسهیل کرده و زوج‌ها را در برابر فرسودگی ناشی از درمان‌های ناباروری مصون می‌دارد. پیشنهاد می‌شود مراکز درمانی، پیوست‌های معنویت‌درمانی را در پروتکل‌های حمایتی خود ادغام نمایند.

واژگان کلیدی

معنویت، سرمایه روان‌شناختی، ناباروری، رویکرد کیفی، زوج‌های نابارور

اثربخشی آموزش گروهی حل تعارض زوجین با رویکرد اسلامی بر سازگاری و رضایت زناشویی

حمیدرضا عبداللهی خوراسگانی، سیمین قاسمی
مشاور خانواده قوه قضائیه، عضو سازمان نظام روان‌شناسی
abdellahi۱۳۹۷@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزش گروهی حل‌تعارض زوجین با رویکرد اسلامی بر سازگاری و رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان بود. این پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری، زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان در سال ۱۴۰۰ بودند که ۳۲ زوج از آن‌ها به شیوه در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۶ زوج) و گواه (۱۶ زوج) جایگزین شدند. از دو ابزار پرسش‌نامه سازگاری زناشویی اسپاینر و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ در پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. در گروه آزمایش به مدت ده جلسه نود دقیقه‌ای شیوه‌های حل تعارض زوجین با رویکرد اسلامی آموزش داده شد و گروه گواه مداخله‌ای دریافت نکرد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری و روش تحلیل کواریانس تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که آموزش گروهی حل تعارض زوجین با رویکرد اسلامی؛ سازگاری زناشویی و ابعاد آن و همچنین رضایت زناشویی و ابعاد آن را افزایش داده است($p<$ ۰۰۱/۰ .(با توجه به نتایج می‌توان از این شیوه برای کمک به حفظ بنیان خانواده و بهبود روابط زوجین استفاده کرد.

واژگان کلیدی

حل‌تعارض، رویکرد اسلامی، سازگاری زناشویی، رضایت زناشویی، زوجین

مدیریت هیجانی همسران با محوریت آیه ۴۶ سوره فصلت

مریم صفری، محمد زارعی توپخانه

طلبه

msafary۹٦@gmail.com

چکیده

تحکیم رابطه زناشویی و کسب رضامندی همسران مرهون مهارت‌هایی می‌باشد که یکی از آن‌ها ثبات هیجانی است. برای این منظور خودتنظیمی هیجانی در همسران کمک‌کننده است. این توانمندی؛ مدیریتی است که سبب تنظیم و مهار تعمدی، هشیارانه و تلاشگرانه تمایلات، افکار و هیجانات زوجین شده و رسیدن به آرمان‌ها، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی و متعالی را تسهیل می‌نماید. با توجه به اینکه هیجانات در تعاملات، نقش مداخله‌گر و جهت‌دهندگی دارند؛ ساماندهی آن اهمیت پیدا کرده و راهکارهایی در پژوهش‌های روان‌شناسی معاصر بیان شده است لکن به‌علت اختلاف مبانی نظری و فرهنگی لازم است با مبانی اسلامی بررسی شود به‌ویژه در رابطه زوجینی که تعاملات چندلایه‌ای نمود بیشتری دارد. بنابراین خودتنظیمی هیجانی همسران را می‌توان از عوامل تأثیرگذار در رضامندی زناشویی و کاهش طلاق (عاطفی، جنسی و قانونی) دانست. این پژوهش با هدف استخراج راهکاری با توجه به رهنمود آیه ۴۶ سوره فصلت انجام شد. روش به‌کار رفته در این پژوهش، تحلیل کیفی محتوای متون دینی بود و مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با خودتنظیمی هیجانی همسران از آیات و روایات گرفته شد. یافته‌ها به ارزیابان و کارشناسان متخصص در حیطه روان‌شناسی و مباحث اسلامی ارائه و پس از کسب نمره لازم، بر اساس شاخص‌های روایی محتوا و نسبت روایی محتوا روش استنباط‌شده مورد تأیید قرار گرفت. روش شناختیِ استخراج‌شده پیامدشناسی کنش‌های هیجانی می‌باشد و می‌تواند در برنامه آموزشی و یا درمانی حیطه همسران مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

خودتنظیمی هیجانی، پیامدشناسی، تعارض، همسران، آیه ۴۶ فصلت

تحلیل عمیق پیامدهای الگوریتم‌های هوش مصنوعی در شبکه‌های اجتماعی بر اعتیاد دیجیتال و سلامت روان نسل جوان

مریم محمدی
دانشگاه پیام نور آستارا
۱۲۷۰۹۵۸۳۴۸@iran.ir

چکیده

در عصر حاضر، هوش مصنوعی به محرک اصلی تغییرات در زیرساخت‌های دیجیتال تبدیل شده است و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پیشگامان این تحول، با به‌کارگیری پیچیده‌ترین الگوریتم‌های یادگیری ماشین، تجربه کاربری را بازتعریف کرده‌اند. این الگوریتم‌ها، که بر پایه تحلیل کلان‌داده‌های رفتاری کاربران طراحی شده‌اند، هدفشان در وهله اول، به حداکثر رساندن «زمان حضور» و «درگیری» کاربر در پلتفرم است. در این راستا، فناوری‌هایی نظیر سیستم‌های توصیه‌گر، فیدهای شخصی‌سازی‌شده و محتواهای کوتاه و جذاب، به ابزارهایی قدرتمند برای دستکاری ناخودآگاه رفتار کاربر بدل شده‌اند. پژوهش‌های جدید نشان‌دهنده همبستگی مستقیمی میان این الگوریتم‌های «بهینه‌ساز درگیری»، ایجاد «چرخه‌های پاداش دوپامین» و در نهایت، شکل‌گیری «رفتارهای شبه‌اعتیادی» است که به‌طور فزاینده‌ای سلامت روان، به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان را تهدید می‌کند. این مقاله، در راستای پاسخ به درک عمیق‌تر این پدیده، به مرور و تحلیل ۳۰ مطالعه کلیدی و معتبر منتشرشده میان سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ پرداخته است. هدف اصلی، واکاوی جامع اثرات سه‌گانه این الگوریتم‌ها بر سلامت شناختی از قبیل تمرکز، حافظه و عملکرد اجرایی، سلامت عاطفی و روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب، تنهایی و عزت‌نفس؛ الگوهای رفتاری و اجتماعی شامل اختلالات خواب، انزوای اجتماعی و افت تحصیلی است. تمرکز ویژه بر سازوکارهای دقیق الگوریتمی که منجر به اعتیاد دیجیتال می‌شوند، از جمله «اسکرول بی‌پایان»، «محتواهای کوتاه‌مدت» و «سیستم‌های پاداش متغیر»، از نقاط قوت این پژوهش محسوب می‌شود. نتایج این مرور روایتی، بر لزوم اتخاذ رویکردهای چندوجهی شامل مداخلات آموزشی در حوزه سواد رسانه‌ای، طراحی اخلاق‌مدار پلتفرم‌ها، و تدوین سیاست‌های حمایتی و نظارتی تأکید دارد تا از گسترش بیشتر پیامدهای مخرب این فناوری‌ها جلوگیری به عمل آید.

واژگان کلیدی

هوش مصنوعی، سلامت روان، شبکه‌های اجتماعی، اعتیاد دیجیتال، نسل جوان

نقش نظام اخلاقی دین در تحکیم خانواده: از پرهیز از رذائل تا ترویج فضائل

روح‌اله پورعابدین، عصمت پورعابدین، زهرا بیابانی
عضو هیئت علمی گروه آموزشی معارف اسلامی و دروس عمومی دانشگاه بزرگمهر قائنات
pourabedin@buqaen.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نقش نظام‌مند و یکپارچه آموزه‌های دینی در تحکیم بنیان خانواده، بر پایه اجتناب از سه رذیله کلیدی (سوءظن، حسادت و کینه‌ورزی) و تقویت سه فضیلت بنیادین (نرم‌خویی و مدارا، صبر و حلم) انجام شده است. این مطالعه به روش کیفی و با تحلیل محتوای موضوعی آیات قرآن کریم و روایات معتبر اسلامی انجام شده است. داده‌ها با جستجوی هدفمند کلیدواژه‌های مرتبط در متون دینی گردآوری و طی فرآیندی در قالب مقوله‌های اصلی و فرعی سازماندهی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد آموزه‌های دینی، یک منظومه به‌هم‌پیوسته را ارائه می‌دهند که در آن، پرهیز از رذایل، نقش «سم‌زدایی» و آماده‌سازی بستر را ایفا می‌کند و ترویج فضایل، وظیفه «ساختن» و استحکام‌بخشی را بر عهده دارد. مهم‌تر آنکه، این اجزا در یک چرخه فضیلت تعامل دارند؛ به‌گونه‌ای که هر فضیلت، اجرای فضیلت دیگر را تسهیل و از شدت رذایل می‌کاهد (مثلاً نرم‌خویی زمینه سوءظن را کم می‌کند و صبر، امکان ترک کینه را فراهم می‌سازد). تحکیم خانواده در گرو عمل به یک «الگوی جامع اخلاقی» است که ریشه در متون دینی دارد. نتیجه نهایی این الگو، خلق خانواده‌ای تاب‌آور است که در آن، امنیت روانی (نتیجه پرهیز از سوءظن)، همکاری و شادکامی (نتیجه نبود حسادت)، آرامش و انسجام (نتیجه نرم‌خویی و مدارا) و توانمندی در عبور از بحران‌ها (نتیجه صبر و حلم) به‌عنوان سرمایه‌های اخلاقی نهادینه می‌شوند. این پژوهش، نشان می‌دهد که دین با ارائه چنین منظومه‌ای، خانواده را از یک نهاد صرفاً زیست‌شناختی به یک «مدرسه تربیت اخلاقی» و «پناهگاه امن عاطفی» ارتقا می‌بخشد.

واژگان کلیدی

تحکیم خانواده، اخلاق دینی، سوءظن، حسادت، نرم‌خویی

بررسی تأثیر نماز و عبادت در تحکیم بنیان خانواده از منظر آیات و روایات

حسن خداوردی فر، یونس جعفری نوده
آموزش و پرورش
hasanomid۱۲@gmail.com

چکیده

تشکیل خانواده پیمان الهی در اسلام است که بر اساس فطرت انسانی و هدایت‌گری قرآن و سنت، بین زن و مرد به‌صورت معتبر و پایدار شکل می‌گیرد. جامعه اسلامی از خانواده‌ها ساخته شده و دین اسلام به نهاد خانوادگی اهمیت بسزایی اختصاص داده است؛ چرا که پایه پایداری و پیشرفت اجتماعات بشری، تحکیم بنیان خانواده است. نماز به‌عنوان رکن اصلی دین، نه‌تنها ارتباط مستقیم با خداوند را تقویت می‌کند، بلکه آثار عمیقی در سبک زندگی، رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان دارد. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر نماز و سایر عبادات بر تحکیم خانواده از منظر آیات قرآن و روایات معصومین(ع) انجام شده است. روش پژوهش توصیفی–تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق مطالعه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای (مانند تفاسیر، کتب حدیث، فتوای فقهی و مقالات پژوهشی) گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نماز و عبادت با تقویت مؤلفه‌هایی چون اعتقاد قلبی، نیک‌بینی، مدارا، سازش، خوش‌اخلاقی، عفت، نجابت، آگاهی از حقوق و وظایف شرعی، پایبندی به تعهدات اخلاقی و حقوقی، همچنین تقویت نظم، انضباط، تعاون و همکاری بین اعضای خانواده، نقش مؤثری در استحکام و پایداری بنیان خانوادگی ایفا می‌کنند. در نهایت، این پژوهش بر لزوم توجه به ابعاد روحی–اجتماعی عبادات، به‌ویژه نماز، در برنامه‌ریزی‌های خانوادگی و اجتماعی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی

تحکیم خانواده، عبادت، نماز، آیات و روایات، سبک زندگی اسلامی

تأثیر درمان با رویکرد معنوی در کاهش تمایل به طلاق و افزایش سازگاری زناشویی در زوجین متقاضی طلاق توافقی در شهرستان ماسال

سیده حکیمه صفوی میرمحله

دانشجو

safavishs۱۹۸۱@gmail.com

چکیده

طلاق به‌عنوان یکی از آسیب‌زاترین پدیده‌های اجتماعی، پیامدهای روانی–اجتماعی عمیقی برای زوجین و جامعه به همراه دارد. رویکردهای درمانی معنوی به دلیل ارائه چارچوبی برای معنا بخشیدن به رنج‌ها و تقویت منابع درون‌فردی، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند. هدف از انجام مطالعه حاضر، بررسی اثربخشی درمان با رویکرد معنوی در کاهش تمایل به طلاق و افزایش سازگاری زناشویی در زوجین متقاضی طلاق توافقی در شهرستان ماسال بود. این مطالعه از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون و گروه کنترل با دوره پیگیری سه‌ماهه بود و جامعه آماری شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده شهرستان ماسال در سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ بودند. از میان آن‌ها، ۶۰ زوج (۱۲۰ نفر) به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۳۰ زوج) و کنترل (۳۰ زوج) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های مقیاس تمایل به طلاق، مقیاس سازگاری زناشویی و پروتکل درمان معنوی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار آماری استفاده شد. نتایج نشان داد که درمان با رویکرد معنوی به‌طور معناداری موجب کاهش تمایل به طلاق و افزایش سازگاری زناشویی در زوجین گروه آزمایش شد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از طرح‌های ترکیبی (کمی–کیفی) استفاده شود و اثربخشی درمان معنوی در مقایسه با سایر رویکردهای درمانی مانند درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد یا طرح‌واره‌درمانی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

درمان معنوی، تمایل به طلاق، سازگاری زناشویی، زوجین متقاضی طلاق

تمایزیافتگی و کاهش تعارضات خانوادگی: بازخوانی الگوی بلوغ عاطفی در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه بوئن

فاطمه آگهی، سجاد رحیمی
استادیار گروه معارف دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران
f.agahi@kub.ac.ir

چکیده

تعارضات خانوادگی از مهم‌ترین چالش‌های سلامت روان به شمار می‌آیند که غالباً ناشی از ضعف در تنظیم هیجان و مدیریت روابط عاطفی است. در این راستا، «تمایزیافتگی خود» در نظریه بوئن به معنای «توانایی حفظ تعادل میان عقل و هیجان در عین حفظ هویت شخصی و پیوندهای عاطفی»، راهکاری کلیدی برای کاهش این تنش‌ها محسوب می‌شود. با وجود اهمیت این مفهوم در روان‌شناسی خانواده، ظرفیت متون دینی اسلامی برای تبیین و تقویت آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف بازخوانی مفهوم تمایزیافتگی و تبیین نقش آن در کاهش تعارضات خانوادگی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه انجام شده است. روش پژوهش توصیفی–تحلیلی است و داده‌ها با رویکرد تحلیل مفهومی گردآوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نهج‌البلاغه بر مؤلفه‌هایی چون خودشناسی، مدیریت هیجان، عقلانیت در تصمیم‌گیری، استقلال شخصیت، رعایت حدود روابط، اعتدال در محبت و دشمنی، حفظ پیوندهای خانوادگی و مدیریت تعارض از طریق گفت‌وگوی عقلانی تأکید دارد. این مؤلفه‌ها الگویی از بلوغ عاطفی ارائه می‌دهند که ضمن کاهش تنش‌های خانوادگی، با افزودن ابعاد توحیدی و اخلاقی، افق معنوی عمیق‌تری را برای تحقق تمایزیافتگی ترسیم می‌کند. بر این اساس، الگوی تربیتی نهج‌البلاغه می‌تواند مکملی مؤثر برای رویکردهای روان‌شناختی در حوزه مشاوره خانواده باشد.

واژگان کلیدی

تمایزیافتگی خود، تعارضات خانوادگی، بلوغ عاطفی، نظریه بوئن، نهج‌البلاغه

تحلیل نشانه‌شناختی بازنمایی رابطه والد–نوجوان در سریال‌های تلویزیونی صداوسیما با تأکید بر آموزه‌های اسلامی؛ مطالعه موردی: «مادرانه» و «نیکان»

رضوانه رستمی، فاطمه عظیمی فرد
سازمان صدا و سیما
rostami.rezvaneh@gmail.com

چکیده

خانواده از مهم‌ترین بسترهای تربیت و هویت است و رسانه‌های نمایشی در بازنمایی و تثبیت الگوهای رابطه والد–نوجوان نقش مؤثری دارند. با وجود اهمیت موضوع، بازنمایی این رابطه در سریال‌های تلویزیونی صداوسیما و میزان انطباق آن با آموزه‌های اسلامی، کمتر به‌صورت تطبیقی و نشانه‌شناختی بررسی شده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل نشانه‌شناختی بازنمایی رابطه والد–نوجوان و ارزیابی انطباق آن با آموزه‌های اسلامی، دو سریال «مادرانه» (شبکه سه، ۱۳۹۲) و «نیکان» (شبکه سه، ۱۴۰۲) را بررسی می‌کند. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل رمزگان جان فیسک در سه سطح واقعیت، بازنمایی و ایدئولوژی است. یافته‌ها نشان می‌دهد بازنمایی رابطه والد–نوجوان در این دو سریال برای انطباق با الگوی مطلوب اسلامی نیازمند تقویت است. در «مادرانه»، رابطه نوجوان با پدر در چهارچوب الگویی پدرسالارانه ترسیم می‌شود که با مؤلفه‌هایی چون رحمت، گفت‌وگو و همراهی والدین در دوره بلوغ هم‌خوانی کامل ندارد؛ درحالی‌که مادر، مقتدر و عاطفی بازنمایی می‌شود، اما دوری فیزیکی، نقش تربیتی و نظارتی او را محدود کرده است. همچنین، در تصمیم‌گیری‌های پدر به پیامدهای روان‌شناختی و هویتی نوجوانی کمتر توجه می‌شود. در «نیکان»، با وجود غیبت فیزیکی پدر، تداوم رابطه عاطفی امن پیشین او با دختر، به‌عنوان سرمایه‌ای روانی حفظ شده و نقشی محافظت‌کننده در رشد اخلاقی نوجوان دارد. وجه تمایز پژوهش، تحلیل تطبیقی رابطه والد–نوجوان در دو سریال متعلق به دو دهه متفاوت و ارزیابی آن در پرتو آموزه‌های اسلامی است. نتایج بر ضرورت تقویت رویکرد اسلامی و هم‌افزایی آن با دانش روان‌شناسی در تولیدات نمایشی تأکید دارد.

واژگان کلیدی

آموزه‌های اسلامی، بازنمایی، تحلیل نشانه‌شناختی، رابطه والد–نوجوان، سریال‌های تلویزیونی

مطالعه مروری سلامت روان و تحکیم خانواده مبتنی بر تعالیم اسلامی

فرزانه برهانی، مهدی محمودی
دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی سلامت دانشگاه ایرانیان، تهران، ایران
farzaneh.borhani.۱٤۰٤۱@gmail.com

چکیده

خانواده و سلامت روان دو رکن بنیادین پایداری فرد و جامعه‌اند و تعالیم اسلامی بر پیوند عمیق میان این دو تأکید دارند. هدف این مطالعه، مرور و تحلیل نظام‌مند پژوهش‌هایی است که به بررسی نقش دین، معنویت اسلامی، فضیلت‌های اخلاقی و سبک زندگی دینی در ارتقای سلامت روان و استحکام خانواده پرداخته‌اند. این مرور با تحلیل محتوای نه منبع معتبر انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که خانواده در اندیشه اسلامی نهادی فطری و کانون شکل‌گیری شخصیت است. همچنین نگرش مذهبی، به‌ویژه در نوجوانان، با شاخص‌های بهتر سلامت روان همچون عزت‌نفس، تاب‌آوری و کاهش اضطراب همراه است. مؤلفه‌هایی مانند ایمان، عبادات، صبر، زهد و تقویت پیوندهای خانوادگی از دیدگاه اسلامی ستون‌های سلامت روان محسوب می‌شوند. الگوی مفهومی روان‌شناسی اسلامی نیز سلامت روان را در چارچوب توحید، فطرت و کمال روح تبیین می‌کند. فضیلت‌های اخلاقی مانند محبت، حسن‌خلق، عفو و صداقت نیز نقش راهبردی در انسجام خانواده دارند. نقد رویکردهای سکولار نشان می‌دهد که معنویت اسلامی در ارتقای سلامت روان زوجین سازوکارهای عمیق‌تری را فعال می‌کند. سلامت روان در اسلام بر محور ایمان، ذکر، کنترل نفس و سبک زندگی متعادل تعریف می‌شود. دین و معنویت اسلامی همچنین ابزارهایی برای معنابخشی، تنظیم هیجان و افزایش تاب‌آوری فراهم می‌کنند. این مطالعه تأکید می‌کند که تعالیم اسلامی ظرفیت بالایی برای طراحی مدل‌های بومی ارتقای سلامت روان و تحکیم خانواده دارند.

واژگان کلیدی

سلامت روان اسلامی، خانواده اسلامی، نوجوانی و دین، روان‌شناسی اسلامی، سبک زندگی اسلامی

اثربخشی آموزش گذشت مبتنی بر مذهب بر سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه

سید امید ستوده ناورودی، ساحل فرشمی
سازمان آموزش و پرورش گیلان، ایران
omid.sotodeh@yahoo.com

چکیده

سازگاری پس از طلاق، متغیری است که می‌تواند به‌شدت تحت تأثیر طلاق قرار گیرد و در این بین، آموزش گذشت مبتنی بر مذهب می‌تواند موجب بهبود نشانه‌های طلاق شود. این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش گذشت مبتنی بر مذهب بر سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه انجام شد. روش پژوهش حاضر، نیمه‌آزمایشی همراه با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان متقاضی طلاق و ساکن شهر رشت در شش ماهه اول سال ۱۴۰۴ بود که به مراکز مداخله در بحران و طلاق این شهر مراجعه کردند. از این تعداد، ۳۰ نفر با در نظر گرفتن معیارهای ورود و خروج از طریق پیش‌آزمون شناسایی شدند اما سه نفر به دلایلی ریزش داشتند و در نهایت ۲۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه کنترل (۱۴ نفر) و آزمایش (۱۳ نفر) گمارده شدند و به مقیاس سازگاری طلاق پاسخ دادند. برنامه آموزش گذشت مبتنی بر مذهب نیز به مدت ۸ جلسه بر روی گروه آزمایش اجرا شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد آموزش گذشت مبتنی بر مذهب منجر به افزایش نمره کل سازگاری پس از طلاق و ابعاد آن در زنان مطلقه در پس‌آزمون گروه آزمایش شد ($p<$ ۰۵/۰). در نتیجه می‌توان از این آموزش جهت افزایش سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه کمک گرفت.

واژگان کلیدی

آموزش گذشت، مذهب، سازگاری، زنان مطلقه، پس از طلاق

بررسی تطبیقی و هم‌افزایی نظام تربیتی قرآن و روان‌شناسی معاصر در تحکیم پیوند زناشویی با تأکید بر استعاره تراشه

ماجد سواری، مریم شکیبایی
دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان
pajo۳۶۳۹@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی هم‌افزایی نظام تربیتی قرآن و روان‌شناسی معاصر در تحکیم پیوند زناشویی، با تکیه بر استعاره نوین «تراشه» به‌عنوان چارچوب مفهومی انجام شده است. این مطالعه به تحلیل تطبیقی پنج مؤلفه اصلی نظام خانواده در قرآن (وفاداری، عدالت در معاشرت، فلسفه عده، نهاد داوری و الگوی سه‌مرحله‌ای اصلاح رفتار) با پنج نظریه روان‌شناختی منتخب (دلبستگی بالبی، تعادل سیستمی، کنارآمدی راسبالت، زبان‌های عشق چاپمن و مدل گاتمن) پرداخته است. روش پژوهش توصیفی–تحلیلی و تطبیقی است. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن با محوریت تفسیر المیزان و تحلیل اسنادی منابع دست‌اول روان‌شناسی گردآوری شده‌اند. یافته‌های تطبیقی نشان می‌دهد که مفهوم قرآنی «میثاق غلیظ» با نظریه دلبستگی ایمن، اصل معاشرت به معروف با انصاف ادراک‌شده در نظریه تعادل، سازوکار داوری قرآنی با میانجی‌گری خانوادگی، فلسفه عده با جدایی آزمایشی، و مودت و رحمت با زبان‌های عشق پنج‌گانه، هم‌افزایی تکمیلی دارند. برآیند نهایی پژوهش، ارائه «مدل مدار پنج‌گانه تحکیم خانواده» مشتمل بر حلقه‌های بنیان امن، مرز محافظ، جریان انصاف، مدار محبت و ترمیم‌گر است که خانواده را به‌مثابه مداری پویا با قابلیت خودترمیمی مفهوم‌پردازی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد هم‌افزایی قرآن و روان‌شناسی نه از نوع تشابه صرف، بلکه از سنخ تکمیل متقابل است: قرآن مبانی متعالی را ترسیم می‌کند و روان‌شناسی سازوکارهای عملیاتی تحقق آن را تبیین می‌نماید.

واژگان کلیدی

قرآن و روان‌شناسی، تحکیم خانواده، استعاره تراشه، نظام تربیتی، دلبستگی

طراحی و اعتباریابی بسته آموزشی تاب‌آوری خانواده بر اساس مفاهیم قرآنی برای مداخله در تعارضات زناشویی

معصومه محمودی پور
marziyeh.koushki@modares.ac.ir

چکیده

تعارضات زناشویی از شایع‌ترین مشکلات خانواده‌های ایرانی است و تاب‌آوری خانواده نقش کلیدی در کاهش طلاق و افزایش ثبات خانواده دارد. این پژوهش با هدف طراحی و اعتباریابی بسته آموزشی مبتنی بر مفاهیم قرآنی برای افزایش تاب‌آوری خانواده در زوجین دارای تعارضات زناشویی انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، ترکیبی (کیفی–کمّی) از نوع اکتشافی متوالی بود. در مرحله کیفی، ابتدا مؤلفه‌های تاب‌آوری خانواده در ادبیات روان‌شناسی شناسایی شد؛ سپس با استفاده از تحلیل مضمون، مفاهیم قرآنی همسو با این مؤلفه‌ها در آیات مرتبط و تفاسیر المیزان و نمونه استخراج و کدگذاری گردید. در مرحله کمّی، علاوه بر بررسی روایی محتوایی بسته آموزشی با شاخص‌های نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا، مضامین استخراج‌شده نیز توسط متخصصان روان‌شناسی با رویکرد اسلامی از نظر تناسب مفهومی با تاب‌آوری خانواده ارزیابی شد. در نهایت، پنج مضمون اصلی دارای بیشترین همخوانی نظری با مؤلفه‌های تاب‌آوری خانواده شامل توکل، صبر، عفو و گذشت، مودت و رحمت، و مشورت استخراج شد. بر اساس این مضامین، بسته آموزشی ۸ جلسه‌ای تدوین شد. نتایج اعتباریابی نشان داد میانگین نسبت روایی محتوا برابر ۸۱/۰ و میانگین شاخص روایی محتوا برابر ۸۷/۰ بود که بالاتر از مقادیر معیار لاوشه است و نشان‌دهنده روایی محتوایی مطلوب می‌باشد. بسته آموزشی تاب‌آوری خانواده مبتنی بر مفاهیم قرآنی از روایی مناسبی برخوردار است و می‌تواند در مشاوره خانواده و کاهش تعارضات زناشویی به کار رود. پیشنهاد می‌شود اثربخشی آن در پژوهش‌های تجربی آینده ارزیابی شود.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری خانواده، تعارضات زناشویی، بسته آموزشی، مفاهیم قرآنی، مشاوره خانواده

تبیین تجربه زیسته مادران کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم از نقش صبر، امید و توکل در سازگاری روان‌شناختی: رویکرد تحلیل مضمون

سحر زینلی، سعید حسن‌زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
saharzeynali@ut.ac.ir

چکیده

اختلال طیف اوتیسم به‌عنوان یکی از اختلالات عصب تحولی، علاوه بر چالش‌های رشدی و ارتباطی کودک، فشار روانی قابل توجهی بر خانواده، به‌ویژه مادران وارد می‌کند. در این میان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های معنوی و آموزه‌های اسلامی می‌تواند نقش مهمی در سازگاری روان‌شناختی والدین ایفا کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین تجربه مادران کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم از نقش صبر، امید و توکل در سازگاری روان‌شناختی با رویکرد روان‌شناسی اسلامی انجام شد. این پژوهش از نوع کیفی و با روش تحلیل مضمون انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل مادران کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم در شهر تهران بود که از میان آنان ۱۲ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و بر اساس روش تحلیل مضمون براون و کلارک تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش منجر به استخراج پنج مضمون اصلی شامل صبر فعال در مواجهه با چالش‌های مراقبتی، توکل به‌عنوان منبع آرامش روانی، امید معنوی به آینده کودک، پذیرش کودک به‌عنوان امانت الهی و معناجویی در رنج و مراقبت شد. نتایج نشان داد که مفاهیم معنوی و آموزه‌های اسلامی می‌توانند به‌عنوان منابع روان‌شناختی مؤثر نقش مهمی در کاهش فشار روانی، افزایش تاب‌آوری و بهبود سازگاری روان‌شناختی مادران کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم ایفا کنند. بر این اساس، توجه به ظرفیت‌های روان‌شناسی اسلامی در طراحی مداخلات خانواده‌محور مرتبط با اختلال طیف اوتیسم ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی

اختلال طیف اوتیسم، روان‌شناسی اسلامی، صبر، توکل، امید

رابطه خودخاموشی و افسردگی بین زنان متأهل شهرستان میاندوآب

کوثر مهربانی
کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان، بوکان، ایران
agalavizh@yahoo.com

چکیده

خودخاموشی به معنای آن است که با توجه به موقعیت پیش‌آمده، فرد احساس می‌کند نباید نظرات یا احساسات خود را بیان کند یا برای حفظ هماهنگی و آرامش جمعی سکوت کند. خودخاموشی یا به عبارتی ساکت کردن خود در زنان، انتخاب فردی نیست؛ بلکه اجباری برآمده از دل فرهنگ پدرسالاری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خودخاموشی و افسردگی بین زنان متأهل شهرستان میاندوآب صورت گرفت. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع توصیفی–همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل شهرستان میاندوآب در سال ۱۴۰۳ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۵۰ نفر انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس افسردگی بک و مقیاس خودخاموشی جک بودند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری و از طریق آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین افسردگی و خودخاموشی رابطه مثبت و معنادار($r=$ ۷۲/۰) وجود دارد و ۵۲ درصد از واریانس افسردگی بین زنان متأهل توسط خودخاموشی پیش‌بینی می‌شود($p<$ ۰۱/۰). بنابراین می‌توان گفت که خودخاموشی یکی از فاکتورهای مهم در بروز افسردگی بین زنان متأهل است.

واژگان کلیدی

افسردگی، خودخاموشی، زنان متأهل، سلامت روان

تأثیرات حضور مادر در محیط خانواده بر زندگی کودکان و نوجوانان با تکیه بر قرآن و روان‌شناسی

دنیا پورمند
مؤسسه علمی پژوهشی اسلام‌شناسی
donyasabz۵۳۵@gmail.com

چکیده

حضور مادر در خانه و در کنار فرزندان از جمله عوامل کلیدی در شکل‌گیری سلامت روانی، رشد عاطفی، موفقیت تحصیلی و روابط اجتماعی کودکان محسوب می‌شود. این مقاله به بررسی تأثیرات چندبُعدی حضور مادر در محیط خانواده بر زندگی کودکان و نوجوانان می‌پردازد. با استفاده از مروری تحلیلی بر پژوهش‌های روان‌شناسی رشد، جامعه‌شناسی خانواده و علوم تربیتی در دهه‌های اخیر، یافته‌ها نشان می‌دهند که حضور فیزیکی و عاطفی مادر - نه به‌معنای انحصار نقش زن به خانه، بلکه به‌عنوان یک منبع امنیت و حمایت - ارتباط معناداری با کاهش اضطراب، بهبود دستیابی‌های شناختی، افزایش اعتماد به نفس و کاهش رفتارهای پرخطر در سنین نوجوانی فرزندان دارد. با این حال، این تأثیرات تحت تأثیر عواملی چون کیفیت رابطه مادر–فرزند، سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی–اجتماعی خانواده و حمایت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. این مقاله ضمن تأکید بر پیچیدگی نقش مادری در جوامع مدرن، پیشنهاداتی برای سیاست‌گذاری‌های خانواده‌محور ارائه می‌دهد تا حضور والدین، به‌ویژه مادران، به‌گونه‌ای تسهیل شود که هم به رفاه کودکان کمک کند و هم از حقوق فردی مادران در حوزه‌های شغلی و اجتماعی حمایت نماید.

واژگان کلیدی

حضور مادر، رشد کودک، امنیت عاطفی، روان‌شناسی قرآنی–فرزند، سیاست‌های خانواده‌محور

رابطه دینداری و سلامت خانواده در زوجین شهرستان شهریار

معصومه گوی آبادی، معصومه سادات میرغیاثی، نرگس همایون فال

آموزش و پرورش

mmg.guya@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه دینداری با سلامت خانواده در زوجین شهرستان شهریار بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل زوجین متأهل ساکن شهرستان شهریار در سال ۱۴۰۴ بود که از میان آنان ۸۲ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های محقق‌ساخته سنجش دینداری (۱۵ گویه) و سلامت خانواده (۱۰ گویه) استفاده شد. روایی محتوایی ابزارها توسط دو نفر از اعضای هیئت علمی متخصص تأیید و پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه دینداری (۹۴/۰) و سلامت خانواده (۹۱/۰) مطلوب ارزیابی شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار صفحه‌گسترده و به‌کارگیری آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین دینداری و سلامت خانواده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد($r=۴۱/۰$، $p<۰۰۱/۰$). همچنین، نتایج رگرسیون نشان داد که دینداری پیش‌بین معنادار سلامت خانواده است و حدود ۱۷ درصد از واریانس سلامت خانواده را تبیین می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، تقویت باورها و ارزش‌های دینی می‌تواند در ارتقای سلامت خانواده و بهبود روابط خانوادگی نقش مؤثری داشته باشد.

واژگان کلیدی

دینداری، سلامت خانواده، زوجین، رویکرد اسلامی، شهرستان شهریار

بررسی نقش معنویت در ارتقای تاب‌آوری زوجین در مواجهه با تعارضات زناشویی از منظر روان‌شناسی اسلامی

علی سعادت

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

alisaadat۳۸۰۸@gmail.com

چکیده

تعارضات زناشویی به‌عنوان یکی از چالش‌های بنیادین در نظام خانواده، پایداری روابط زوجین و سلامت روان آنان را به‌شدت تهدید می‌کند. با توجه به افزایش نرخ تنش‌های خانوادگی، شناسایی عوامل محافظتی که بتوانند تاب‌آوری زوجین را در مواجهه با این تنش‌ها ارتقا بخشند، ضرورتی مبرم در حوزه مشاوره خانواده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش معنویت در ارتقای تاب‌آوری زوجین در مواجهه با تعارضات زناشویی از منظر روان‌شناسی اسلامی انجام شد. این تحقیق از نوع توصیفی–همبستگی است که بر روی ۱۲۰ نفر (۶۰ زوج) از مراجعین مراکز مشاوره شهر انار در سال ۱۴۰۴ انجام گرفت. نمونه‌ها به‌روش در دسترس انتخاب شدند و ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های تاب‌آوری کانر–دیویدسون، مقیاس معنویت آل‌مهدی و پرسشنامه تعارضات زناشویی بود. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین معنویت و تاب‌آوری (r=۰/۶۲، p<۰/۰۱) و رابطه منفی و معنادار بین معنویت و تعارضات زناشویی (r=−۰/۴۵، p<۰/۰۱) بود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که معنویت توانست ۴/۳۸ درصد از واریانس تاب‌آوری زوجین را تبیین نماید. بر اساس یافته‌ها، مؤلفه‌های معنوی در روان‌شناسی اسلامی از طریق معنابخشی به چالش‌ها، به‌عنوان منابع مقابله‌ای در ارتقای ظرفیت روانی زوجین عمل می‌کنند؛ لذا پیشنهاد می‌شود مؤلفه‌های معنوی در تدوین پروتکل‌های مداخله‌ای و برنامه‌های آموزشی مشاوران خانواده گنجانده شوند.

واژگان کلیدی

معنویت، تاب‌آوری زوجین، تعارضات زناشویی، روان‌شناسی اسلامی، مشاوره خانواده

تعامل دوسویه در روابط زناشویی بر اساس آموزه‌های «مودت و رحمت»: یک مطالعه کیفی

اعظم رحمانی
مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
azamrahmani۷@gmail.com

چکیده

خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است و در اسلام، ازدواج برای ایجاد آرامش روانی، مودت و رحمت شکل گرفته است. با این‌حال، کیفیت تعاملات عاطفی و جنسی زوجین، یکی از چالش‌های اصلی خانواده‌های ایرانی است که ریشه در پیچیدگی‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی تعامل دوسویه در روابط زناشویی از منظر زنان ایرانی و در پرتو آموزه‌های روان‌شناسی قرآن‌محور انجام شد. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای قراردادی انجام گردید. ۱۲ زن متأهل یا مطلقه با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع جمع‌آوری شدند. تحلیل داده‌ها به استخراج تم اصلی «تعامل دوسویه در روابط زناشویی» با دو طبقه «رضایت و توافق» و «نفی پاداش و باج‌گیری» و ۸ زیرطبقه انجامید. زنان بر مؤلفه‌هایی چون رضایت دوطرفه، لذت مشترک، آمادگی و معاشقه، گفت‌وگو، مشاوره و سکس‌تراپی، و رد معامله‌گری تأکید داشتند که با آموزه‌های قرآن‌محور نظیر «مودت و رحمت»، «معاشرت به معروف» و «سکینه» هم‌خوانی کامل دارد. بر اساس تفسیر المیزان، «معاشرت به معروف» به معنای رفتار نیکو و عادلانه با همسر و رعایت حقوق متقابل است. زنان ایرانی بر تعامل دوسویه تأکید دارند و تقویت آن بر اساس آموزه‌های قرآن‌محور می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش، تعارضات را کاهش و از روابط خارج از ازدواج پیشگیری کند. پیشنهاد می‌شود وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی و نهادهای دینی با همکاری یکدیگر، برنامه‌های ملی آموزش مهارت‌های ارتباطی و جنسی با رویکرد قرآن‌محور طراحی کنند.

واژگان کلیدی

تعامل دوسویه، روابط زناشویی، روان‌شناسی قرآن‌محور، زنان ایرانی، رضایت جنسی

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک زندگی اسلامی در زنان

محمدرضا حسین پور، لاله سمیعی، رضا سمیعی، حبیب شجاع نهند، مهتاب چیوایی، صدیقه سمیعی
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
psych.researcher۸۹@gmail.com

چکیده

با توجه به تأثیرات مخرب روان‌شناختی طلاق و تأثیرات آن در زندگی فردی و خانوادگی افراد، لزوم شناسایی عوامل زمینه‌ساز و به پیرو آن تمهید روش‌های درمانی مؤثر بیش از پیش آشکار می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک زندگی اسلامی در زنان صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌های آزاد و پیام نور شهرستان الیگودرز که در سال تحصیلی ۱۴۰۳–۱۴۰۴ مشغول تحصیل هستند، بود. از میان جامعه آماری تعداد ۲۰۰ نفر از دانشجویان با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود به پژوهش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش شامل پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن و پرسشنامه سبک زندگی اسلامی کاویان بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک زندگی اسلامی با طلاق عاطفی زنان رابطه معکوس معنی‌داری وجود دارد. با استفاده از یافته‌های این پژوهش می‌توان راهکارهایی برای مشاوره و روان‌درمانی به‌خصوص برای زنان درگیر طلاق عاطفی ارائه داد. همچنین نتایج حاکی از آن است که تقویت عواطف مثبت، ترویج سبک زندگی اسلامی و تعدیل باورهای فراشناختی ناکارآمد می‌تواند نقش مؤثری در کاهش گرایش به طلاق عاطفی ایفا نماید. بر این اساس، طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات درمانی مبتنی بر این مؤلفه‌ها، می‌تواند گامی مهم در جهت تحکیم بنیان خانواده و بهبود سلامت روان زنان متأهل محسوب شود.

واژگان کلیدی

طلاق عاطفی، سبک زندگی اسلامی، طلاق، زنان متأهل

نقش آموزه‌های قرآنی در بهبود سلامت روان خانواده: رویکردی مشاوره‌ای

سیدمحمدهادی حکیم، احسان کرمی شهریار، بهار امیری حسن آبادی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی

hadihkm۹۸۹@gmail.com

چکیده

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی محوری در شکل‌گیری سلامت روان افراد، تربیت نسل‌های آینده و پایداری و انسجام جامعه ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر، افزایش تعارضات خانوادگی، کاهش ارتباط مؤثر میان اعضا، ضعف در مهارت‌های ارتباطی و بروز بحران‌های عاطفی و تربیتی، ضرورت بهره‌گیری از رویکردهای فرهنگی، دینی و ارزشی در حوزه مشاوره خانواده را دوچندان کرده است. از آنجا که آموزه‌های قرآنی به‌عنوان یک منبع غنی فرهنگی و اعتقادی، حاوی اصولی برای تحکیم روابط انسانی و خانوادگی هستند، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزه‌های قرآنی در بهبود سلامت روان خانواده و تبیین کاربرد آن‌ها در رویکردهای مشاوره‌ای انجام شده است. روش پژوهش به‌صورت توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این راستا، ابتدا مفاهیم و آیات مرتبط با خانواده، سلامت روان و روابط میان‌فردی استخراج و دسته‌بندی شده، سپس دلالت‌های مشاوره‌ای آن‌ها تحلیل و تبیین گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیم قرآنی همچون محبت، رحمت، صبر، گذشت، احترام متقابل و حسن معاشرت، می‌توانند در قالب اصول راهبردی و عملی در مشاوره خانواده به کار گرفته شوند و زمینه کاهش تعارضات، افزایش همدلی، تقویت ارتباط مؤثر و بهبود کیفیت روابط خانوادگی را فراهم کنند. همچنین به‌نظر می‌رسد تلفیق آموزه‌های قرآنی با رویکردهای مشاوره‌ای رایج، می‌تواند به ارتقای سلامت روان خانواده، تقویت بنیان‌های تربیتی و اجتماعی آن و ارائه الگویی بومی و متناسب با فرهنگ در مشاوره خانواده کمک نماید.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، سلامت روان، مشاوره خانواده، روابط عاطفی، آموزه‌های قرآنی

اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر بخشودگی و عدالت ادراک‌شده در رابطه زناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز خانواده

نجمه مظلوم
شرکت‌کننده آزاد
farashenakht.۳۲@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر بخشودگی و عدالت ادراک‌شده در رابطه زناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز خانواده بود. جامعه پژوهش حاضر شامل زوجین مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی شهر اهواز در سال ۱۴۰۵ می‌باشند؛ که حجم نمونه ۳۰ زوج بود که بر اساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. طرح پژوهش از نوع نیمه‌تجربی، پیش‌آزمون—پس‌آزمون با گروه کنترل بود. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل: پرسشنامه بخشودگی زناشویی (پولارد و همکاران)، پرسشنامه عدالت زناشویی (بهمنی) و مداخله آموزشی پروتکل زوج‌درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بودند. پس از گزینش تصادفی گروه‌ها، از گروه آزمایش و گروه کنترل پیش‌آزمون به عمل آمد. سپس بر روی گروه آزمایش، مداخله زوج‌درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی به مدت ۸ جلسه به مدت یک‌ساعت‌ونیم ارائه شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کوواریانس استفاده شد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده تحلیل کوواریانس به‌طور کلی معنادار بوده است و نتایج نشان می‌دهد که زوج‌درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر بخشودگی و عدالت ادراک‌شده در رابطه زناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز خانواده مؤثر است.

واژگان کلیدی

زوج‌درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، بخشودگی، عدالت ادراک‌شده، رضایت زناشویی

تبیین نقش مؤلفه‌های تاب‌آوری مبتنی بر آموزه‌های قرآنی توکل و صبر در کاهش راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان در والدین کودکان استثنایی

معصومه شمسی، اسما سادات قنادزاده تفتی
معاون آموزشی دبستان دخترانه سوده، شهرستان سیرجان، ایران
gharechae@gmail.com

چکیده

والدین کودکان استثنایی به دلیل مواجهه مستمر با فشارهای روانی، هیجانی و اجتماعی، بیش از سایر والدین در معرض استفاده از راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان قرار دارند؛ راهبردهایی که می‌توانند سلامت روان والد، کیفیت تعامل والد–کودک و کارآمدی فرایندهای تربیتی را تحت تأثیر قرار دهند. در این میان، تاب‌آوری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل محافظت‌کننده در برابر استرس شناخته می‌شود، اما نقش مؤلفه‌های معنوی آن، به‌ویژه توکل و صبر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش مؤلفه‌های تاب‌آوری مبتنی بر توکل و صبر در کاهش راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان در والدین کودکان استثنایی انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی از نوع مطالعه اسنادی با رویکرد تحلیل محتوای جهت‌دار است. داده‌ها از طریق بررسی و تحلیل منابع علمی داخلی و خارجی، مطالعات روان‌شناختی مرتبط و آموزه‌های قرآنی گردآوری و در قالب یک مدل مفهومی سنتز شدند. یافته‌ها نشان داد که توکل و صبر، از طریق بازسازی ارزیابی‌های شناختی، تقویت معنابخشی، افزایش تحمل پریشانی، کاهش احساس درماندگی و تعدیل سوگیری‌هایی همچون فاجعه‌انگاری و نشخوار فکری، به ارتقای تاب‌آوری و کاهش راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان کمک می‌کنند. همچنین نتایج بیانگر آن است که بهره‌گیری از این مؤلفه‌های معنوی می‌تواند زمینه بهبود سلامت روان والدین، ارتقای کیفیت تعامل والد–کودک و افزایش اثربخشی مداخلات روان‌شناختی خانواده‌محور را فراهم سازد. بر این اساس، ادغام مؤلفه‌های قرآنی در برنامه‌های آموزش والدین و مداخلات روان‌شناختی، می‌تواند چارچوبی بومی و فرهنگ‌متناسب برای حمایت از خانواده‌های دارای کودک استثنایی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری، توکل، صبر، تنظیم هیجان، والدین کودکان استثنایی

معیارهای انتخاب همسر بر اساس آیه ۲۱ سوره روم

علیرضا کبیریان
مؤسسه آموزش عالی مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام
alikabirian۹۱۳@gmail.com

چکیده

آیه ۲۱ سوره روم با تعابیر «خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا»، «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» و «جَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً»، افزون بر تبیین غایت ازدواج، حاوی معیارهایی است که می‌تواند چارچوبی قرآنی برای گزینش همسر فراهم آورد. با وجود مطالعات گسترده درباره این آیه در حوزه‌های تفسیر تطبیقی، استنباط فقهی و تحلیل آرای مفسران، پژوهش مستقلی که به استخراج نظام‌مند این معیارها پرداخته باشد، شکل‌نگرفته است. نوشتار حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و با تکیه بر منابع معتبر تفسیری و واژه‌شناختی، درصدد استخراج و دسته‌بندی شاخص‌های انتخاب همسر از فقرات این آیه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این معیارها در دو ساحت معرفتی و عملی قابل شناسایی هستند: ساحت معرفتی شامل تقدس‌انگاری ازدواج، نعمت‌انگاری آن، اعتقاد به تساوی جنسیتی و قصد جدی در ازدواج است و ساحت عملی دربردارنده حفظ حرمت، آرامش‌محوری، مودت و رحمت، شکرگزاری عملی، توانایی بر مراقبت و تفکرورزی می‌باشد. نوآوری مقاله در پیوند میان این معیارها با غایات نهایی ازدواج (سکونت، مودت و رحمت) و تبیین این نکته است که انتخاب همسر، نه صرفاً گامی عملی، که فرایندی معرفتی مبتنی بر بینش توحیدی به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی

معیارهای همسرگزینی، آیه ۲۱ روم، تقدس ازدواج، آرامش، دلسوزی

خیانت زناشویی به‌مثابه فروپاشی امانت رابطه، بازسازی یک الگوی قرآن‌محور در گفت‌وگوی انتقادی با روان‌شناسی روابط فرازناشویی

آرش رجبی، سیده معصومه طباطبایی
دانشگاه امیرکبیر
eshragh.sadra@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازسازی مفهومی خیانت زناشویی بر پایه مفاهیم کلیدی قرآن (عهد، امانت، صدق و حفظ حریم) در گفت‌وگوی انتقادی با یافته‌های روان‌شناسی روابط فرازناشویی انجام شده است. روش پژوهش، تحلیل مفهومی–موضوعی آیات منتخب قرآن با ارجاع به تفاسیر معتبر (المیزان و نمونه) و مقایسه نظام‌مند با پژوهش‌های تجربی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خیانت یک رویداد لحظه‌ای نیست، بلکه فرایندی تدریجی است که با ابهام در مرزهای رابطه آغاز می‌شود، از طریق انتقال صمیمیت انحصاری به شخص سوم پیش می‌رود، با توجیه‌گری و عقلانی‌سازی تداوم می‌یابد و به پنهان‌سازی و گسست اعتماد می‌انجامد. مفهوم قرآنی «متخذات اخدان» در آیه ۲۵ سوره نساء، چنان‌که علامه طباطبایی در المیزان تبیین کرده است، مرز روشنی میان «دوستی آشکار مبتنی بر تعهد» و «دوستی پنهان مبتنی بر خیانت» ترسیم می‌کند که با یافته‌های معاصر درباره «خیانت کوچک» (گاتمن) و «دوستی‌های به‌ظاهر بی‌خطر» (گلس) هم‌پوشانی قابل‌توجهی دارد. نوآوری پژوهش، ارائه الگوی «فروپاشی امانت رابطه» است که خیانت را نه یک واقعه، بلکه فرسایش تدریجی امانت رابطه از طریق نقض عهد، صدق و حریم‌داری تبیین می‌کند. این الگو می‌تواند زمینه‌ساز مداخلات پیشگیرانه و زوج‌درمانی مبتنی بر قرآن باشد و برای پژوهش‌های تجربی آینده قابل نقد و آزمون است.

واژگان کلیدی

خیانت زناشویی، امانت رابطه، عهد، متخذات اخدان، قرآن و روان‌شناسی

رابطه استرس خانوادگی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان: نقش میانجی اضطراب تحصیلی

فاطمه رضائی کلاکی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گلستان، گرگان، ایران و دبیر جغرافیا استان مازندران

rezaeek۷۷۶۹@gmail.com

چکیده

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از عوامل فردی، خانوادگی و آموزشی تأثیر می‌پذیرد و شرایط نامطلوب خانواده می‌تواند با افزایش فشار روانی، عملکرد تحصیلی را کاهش دهد. در این میان، اضطراب تحصیلی یکی از سازوکارهای احتمالی ارتباط میان استرس خانوادگی و پیشرفت تحصیلی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس استرس خانوادگی و بررسی نقش میانجی اضطراب تحصیلی در این رابطه انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی—همبستگی و مبتنی بر تحلیل میانجی‌گری بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم دبیرستان حضرت خدیجه شهر بهشهر در سال تحصیلی ۱۴۰۴—۱۴۰۵، و حجم نمونه برابر با ۳۷ دانش‌آموز است. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی، پیرسون و تحلیل میانجی‌گری با استفاده از روش بوت‌استرپ استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که بین استرس خانوادگی و اضطراب تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین استرس خانوادگی با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی و معناداری داشت، بین اضطراب تحصیلی و پیشرفت تحصیلی نیز رابطه منفی و معناداری مشاهده شد. نتایج تحلیل میانجی‌گری نشان داد اثر غیرمستقیم استرس خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی از طریق اضطراب تحصیلی ۰/۳۳۱- بود و فاصله اطمینان ۹۵ درصد صفر را دربرنگرفت. همچنین، پس از ورود اضطراب تحصیلی به مدل، اثر مستقیم استرس خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی ۰/۱۷۹- به دست آمد. این یافته‌ها نشان می‌دهد اضطراب تحصیلی می‌تواند در رابطه بین استرس خانوادگی و پیشرفت تحصیلی نقش میانجی داشته باشد و بخشی از ارتباط میان شرایط خانوادگی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین کند.

واژگان کلیدی

استرس خانوادگی، اضطراب تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان، تحلیل میانجی‌گری

تبیین تجربه زیسته دختران محجبه و مذهبی از پدیده تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی: یک مطالعه کیفی با رویکرد روان‌شناسی قرآنی

راضیه اعتصامی پور، فاطمه رستگاری
دانشگاه پیام نور
r.eatesami@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش تبیین تجربه زیسته، تعارضات روان‌شناختی–دینی و راهبردهای مقابله‌ای دختران محجبه و مذهبی در مواجهه با پدیده تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی با رویکرد روان‌شناسی قرآنی بود. پژوهش کیفی حاضر در زمره پژوهش‌های پدیدارشناسی تفسیری می‌باشد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش دختران محجبه و مذهبی ساکن شهر شیراز و شهرستان‌های تابعه استان فارس بوده‌اند. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر به‌صورت هدفمند بوده و روش انتخاب نمونه نیز، نمونه‌گیری گلوله برفی بوده است. با استناد به قانون اشباع نظری، حجم نمونه ۱۲ نفر بود. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق با مشارکت‌کنندگان ۲۸ تا ۴۰ ساله با سابقه ۳ تا ۱۵ سال جستجوی ازدواج انجام شد. داده‌ها با روش تحلیل مضمون و با استفاده از چارچوب روان‌شناسی قرآنی (با تأکید بر مفاهیم صبر، توکل، رضا، امید و دعا) تحلیل گردیدند. تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی ۵ مضمون اصلی و ۲۱ مفهوم محوری شد: تعارض بین باورهای دینی و واقعیت اجتماعی، فشار سیستم خانوادگی و اجتماعی، بحران هویت دینی–جنسیتی، راهبردهای مقابله‌ای مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، و بازتعریف معنای زندگی و ازدواج در پرتو قرآن. یافته‌ها نشان می‌دهد که دختران محجبه و مذهبی در مواجهه با تأخیر در ازدواج، یک فرآیند تحولی را تجربه می‌کنند که از بحران و تعارض آغاز شده و از طریق راهبردهای مقابله‌ای مبتنی بر آموزه‌های قرآنی به بازتعریف معنا و سازگاری عمیق منجر می‌شود. آنان با تکیه بر مفاهیمی چون صبر، توکل، رضا و دعا، از حالت «انتظار منفعلانه» خارج شده و به «پرواز» در مسیرهای دیگر زندگی روی می‌آورند.

واژگان کلیدی

تأخیر در ازدواج، تجرد قطعی، دختران محجبه، روان‌شناسی قرآنی، تجربه زیسته

پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس هویت دینی و جهت‌گیری مذهبی در زنان میانسال

امان‌محمد ارازی، سید معصومه علیزاده بریجانی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران
arazyaman۱٤@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس هویت دینی و جهت‌گیری مذهبی در زنان میانسال انجام پذیرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، از نظر هدف کاربردی و به لحاظ اجرا میدانی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان میانسال شهر گنبد در سال ۱۴۰۵ و روش نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس و حجم نمونه ۱۲۰ نفر بود. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه هویت دینی، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی و پرسشنامه کیفیت زندگی بود. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد بین هویت دینی و جهت‌گیری مذهبی درونی با کیفیت زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد($p<$ ۰۱/۰). اما بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و کیفیت زندگی رابطه منفی معنادار وجود دارد($p<$ ۰۱/۰). همچنین بر اساس یافته‌ها، متغیرهای هویت دینی، جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی در مجموع ۳۶ درصد واریانس کیفیت زندگی را تبیین می‌کنند. و این نتیجه حاصل شده است که هویت دینی و جهت‌گیری‌های مذهبی در کیفیت زندگی زنان میانسال تأثیر دارند.

واژگان کلیدی

کیفیت زندگی، هویت دینی، جهت‌گیری مذهبی، زنان میانسال

سکینه در قرآن: الگویی برای تنظیم عصبی–شناختی اضطراب دلبستگی زوجین

زینب السادات حسینی، احسان میرزابابانتاج امیری، زهرا عباس‌تبارگازا
دانشگاه مازندران
z.hosseini@umz.ac.ir

چکیده

روابط زناشویی در جهان معاصر با چالش‌هایی همچون ناامنی عاطفی، اضطراب دلبستگی و ضعف در تنظیم هیجان مواجه است. اضطراب دلبستگی می‌تواند با افزایش نگرانی از طرد شدن، بی‌ثباتی هیجانی و تعارض‌های ارتباطی، کیفیت روابط زوجین را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، قرآن کریم با طرح مفهوم «سکینه»، الگویی از آرامش درونی و ثبات قلبی ارائه می‌دهد که می‌تواند در گفت‌وگو با یافته‌های روان‌شناختی و علوم شناختی مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای، مفهوم سکینه در قرآن کریم و ارتباط آن با اضطراب دلبستگی، تنظیم هیجان و امنیت عاطفی زوجین را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سکینه در قرآن صرفاً آرامشی موقت نیست، بلکه با ثبات روانی، اطمینان درونی و کاهش آشفتگی همراه است. بررسی تطبیقی آن با نظریه دلبستگی، تنظیم هیجان و نظریه پلی‌واگال نشان می‌دهد که میان کارکردهای توصیف‌شده برای سکینه و برخی مؤلفه‌های احساس امنیت، کاهش برانگیختگی دفاعی و تنظیم هیجانی هم‌پوشانی مفهومی وجود دارد. بر این اساس، سکینه ظرفیت آن را دارد که به‌عنوان الگویی معنوی–روان‌شناختی برای تبیین کاهش اضطراب دلبستگی، تقویت امنیت عاطفی و تحکیم روابط زوجین مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

سکینه، اضطراب دلبستگی، تنظیم هیجان، امنیت عاطفی، نظریه پلی‌واگال

فرسودگی مادرانه در خانواده معاصر: تحلیل عوامل روان‌شناختی و جنسیتی و راهبردهای پیشگیری با تأکید بر آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی اسلامی

عطیه باقری، حدیثه حق‌بیان
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تهران
atieh.bagheri@ut.ac.ir

چکیده

فرسودگی مادرانه به تجربه فرسودگی والدینی در بستر نقش مادری اشاره دارد و با عدم تعادل مزمن میان تقاضاهای مراقبتی، خانوادگی و اجتماعی و منابع فردی و حمایتی مادر مرتبط است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل عوامل روان‌شناختی و جنسیتی مرتبط با فرسودگی مادرانه و بررسی ظرفیت‌های هنجاری و معنایی آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی اسلامی برای ارائه چارچوبی پیشگیرانه است. پژوهش با روش مرور روایتی ساختاریافته و رویکرد تحلیلی–تطبیقی و بین‌رشته‌ای انجام شد و منابع مرتبط با فرسودگی والدینی، فشار نقش مادری، حمایت خانوادگی و اجتماعی، عوامل جنسیتی و آموزه‌های قرآنی مرتبط با مسئولیت والدین، رعایت توان، منع آسیب و مشورت بررسی شدند. نتایج مرور نشان داد که کمال‌گرایی، خودانتقادی، اضطراب، دشواری تنظیم هیجان، فشار نقش، بار مراقبتی و ذهنی، تعارض نقش‌ها و حمایت ناکافی با فرسودگی مادرانه ارتباط دارند؛ در مقابل، خودشفقتی، تاب‌آوری، حمایت همسر، تقسیم مسئولیت، مشارکت در تصمیم‌گیری و حمایت اجتماعی به‌عنوان منابع محافظتی مطرح‌لند. همچنین، آموزه‌های قرآن ظرفیت‌هایی هنجاری برای حمایت از مادر، تعدیل فشارهای نقش و تقویت مسئولیت متقابل فراهم می‌کنند. بر این اساس، چارچوبی چهارسطحی شامل سطوح فردی–روانی، زوجی–خانوادگی، اجتماعی–فرهنگی و هنجاری–معنایی پیشنهاد شد. این چارچوب نیازمند آزمون تجربی در پژوهش‌های آینده است.

واژگان کلیدی

فرسودگی مادرانه، فرسودگی والدینی، نقش مادری، حمایت خانوادگی، روان‌شناسی اسلامی

نقش والدگری هشیارانه و خودتنظیمی معنوی در مهار خودکارآمدی طرح‌واره‌ای به‌منظور پیشگیری از انتقال بین‌نسلی آسیب‌های روانی

اسما سادات قنادزاده تفتی، نسترن احمدی
معاون آموزشی دبستان دخترانه سوده، شهرستان سیرجان، ایران
gharechae@gmail.com

چکیده

انتقال بین‌نسلی تروما و بازتولید الگوهای رفتاری ناکارآمد در محیط خانواده، غالباً از طریق فراخوانی ناخودآگاه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه والدین در جریان تعامل با فرزندان رخ می‌دهد. پژوهش مروری–تحلیلی حاضر با هدف تبیین سازوکارهای روان‌شناختی والدگری هشیارانه و خودتنظیمی معنوی در متوقف ساختن چرخه بازتولید آسیب‌های روانی به انجام رسید. گردآوری داده‌ها با جست‌وجوی ساختارمند منابع معتبر علمی در پایگاه‌های داخلی و بین‌المللی با استفاده از کلیدواژه‌های تخصصی انجام شد و در نهایت شواهد نظری و تجربی مستخرج از متون برگزیده مورد تحلیل و سنتز مفهومی قرار گرفتند. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که رفتارهای تنش‌زای فرزندان به‌منزله محرک‌های محیطی عمل نموده و با فعال‌سازی طرح‌واره‌های ناکارآمد والد (نظیر بریدگی و طرد یا گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد)، موجب آمیختگی شناختی و بروز رفتارهای هیجانی تکانشی می‌گردند. در مقابل، تلفیق مؤلفه‌های والدگری هشیارانه و خودتنظیمی معنوی از طریق ایجاد وقفه هشیارانه، تعدیل برانگیختگی دستگاه لیمبیک، بازتفسیر موقعیت تعارضی بر مبنای حضور ناظر استعلایی و گسلش شناختی از ذهنیت‌های والدینی ناکارآمد، مانع از بازیگری طرح‌واره در والد می‌شود. افزون بر این، در قالب این پژوهش پروتکل پنج‌گام والدگری هشیارانه–معنوی به‌عنوان یک الگوی کاربردی برای توانمندسازی والدین در تثبیت ذهنیت بزرگسال سالم تدوین گردید. به‌طور کلی، کاربست هم‌افزای هشیاری ذهن و معنویت‌محوری می‌تواند به‌عنوان یک سد محافظتی نیرومند در برابر بازتولید آسیب‌های روانی میان نسل‌ها عمل کرده و در مداخلات بالینی و آموزش‌های پیشگیرانه خانواده‌محور ثمربخش واقع شود.

واژگان کلیدی

والدگری هشیارانه، خودتنظیمی معنوی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، انتقال بین‌نسلی تروما، ذهنیت بزرگسال سالم

بررسی تعادل و تنظیم هیجانی زوجین در پیشگیری از شخصیت وسواس جبری

مریم صفری، سیدعلی سیدموسوی

طلبه

msafary۹۶@gmail.com

چکیده

سلامتِ رابطه همسران حاصل تعاملات زوجیِ مثبت است که از عوامل تأثیرگذار در رضامندی زناشویی و کاهش طلاق (عاطفی، جنسی، قانونی) به شمار می‌آید. بر اساس آموزه‌های اسلامی با تنظیم خُلق می‌توان به پیشگیری از شکل‌گیری الگوهای شخصیتی ناکارآمد مانند اختلال شخصیت وسواسی–جبری پرداخت. پژوهش حاضر با هدف بررسی اعتدال در حوزه تنظیم هیجان انجام شده و از دیدگاه فقهی و روان‌شناختی تلاش می‌نماید که مدلی کارآمد برای زوجین حاصل شود و راهکارهایی ارائه نماید. این پژوهش بر پایه روش مدل‌یابی مفهومی از متون اسلامی انجام شد. یافته‌های پژوهش به ساخت یک مدل مفهومی انجامید که در آن چهار سازه پیش‌بین (ادای حقوق و ایفای نقش همسری، عافیت جسمی و روانی، اعتدال در غیرت و تعهد، و تعادل در رضامندی زناشویی) از طریق سازه میانجیِ تعادل و تنظیم هیجانی، به دو پیامد می‌انجامند: کاهش احتمال شکل‌گیری اختلال شخصیت وسواسی–جبری، و افزایش سکونت، آرامش و تحکیم خانواده. تمایز وسوسه شیطانی از اختلال وسواسی بالینی نیز به‌عنوان سازه تعدیل‌کننده، مسیر اصلی مدل را تعدیل می‌کند. روایی محتوایی مؤلفه‌های مدل با ضرایب بالاتر از حد مطلوب (بیش از ۵۱/۰) تأیید شد. تعادل و تنظیم هیجانی همسران در این اختلال از مباحث قابل بررسی در فقه، قانون مدنی و قانون حمایت خانواده در راستای تحکیم خانواده است.

واژگان کلیدی

تنظیم هیجانی، شخصیت وسواس جبری، وسوسه، مدل‌یابی مفاهیم روان‌شناختی، تعادل هیجانات

محور پنجم:

رشد و تربیت با رویکرد اسلامی

روان‌شناسی یادگیری باورهای دینی در دوران بلوغ

فاطمه داور

دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، رشته علوم حدیث – گرایش نهج‌البلاغه

fatemehdavar۱۳۷٦@gmail.com

چکیده

دوران بلوغ با تحولات عمیق شـــناختی، عاطفی و اجتماعی همراه اســـت و همین تحولات، یادگیری باورهای دینی را از حالت تقلیدی و پذیرش منفعلانه به فرآیندی فعال، انتقادی و شخصی تبدیل می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی به بررسی مکانیزم‌های روان‌شناختی مؤثر در یادگیری باورهای دینی در دوران بلوغ می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش، تبیین چگونگی پردازش، بازسازی و درونی‌سازی باورهای دینی توسط نوجوانان و شناسایی عوامل روان‌شناختی اثرگذار بر این فرآیند است. یافته‌ها نشان می‌دهد که یادگیری باورهای دینی در این دوره از طریق سه مکانیزم اساسی انجام می‌گیرد: نخست، مکانیزم شناختی که مبتنی بر رشد تفکر انتزاعی، استدلال منطقی و توانایی حل تعارض‌های فکری است و امکان ارزیابی انتقادی باورهای موروثی را فراهم می‌ســـازد؛ دوم، مکانیزم عاطفی–هویتی که باورهای دینی را به‌عنوان منبعی برای پاســـخ به بحران هویت و ایجاد انسجام روانی به کار می‌گیرد؛ و سوم، مکانیزم اجتماعی که از طریق تعامل با خانواده، همسالان و الگوهای مرجع، پذیرش و تثبیت باورها را تســـهیل می‌کند. این مکانیزم‌ها به‌صـــورت درهم‌تنیده عمل می‌کنند و موفقیت فرآیند یادگیری وابســـته به تعامل متعادل میان آن‌هاســـت. نتایج پژوهش تأکید می‌کند که آموزش دینی مؤثر در دوران بلوغ باید با ویژگی‌های شـــناختی و عاطفی نوجولنان هماهنگ بوده و زمینه شکل‌گیری ایمانی آگاهانه، پایدار و درونی را فراهم سازد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی یادگیری، باورهای دینی، دوران بلوغ، رشد شناختی، هویت‌یابی

صبر، دعا و توکل: مؤلفه‌های رشد روانی، معنوی و تربیتی انسان در قرآن و کلام ائمه اطهار(ع)

مجتبی کیخاسابر

هیئت علمی دانشگاه

mkeikhasaber@yahoo.com

چکیده

رشد روانی و معنوی انسان از مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک میان قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی است. در حالی که روان‌شناسی معاصر عمدتاً بر ابعاد شناختی و رفتاری انسان تمرکز دارد، تبیین عمیق مؤلفه‌های معنوی مؤثر بر سلامت روان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم با معرفی مفاهیمی همچون صبر، دعا و توکل، الگویی جامع برای رشد متوازن انسان ارائه می‌دهد. با این حال، خلأ پژوهش‌های تحلیلی که این مفاهیم را در چارچوب روان‌شناسی اسلامی به‌صورت منسجم بررسی کنند، همچنان محسوس است. هدف این پژوهش، تبیین نقش صبر، دعا و توکل به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین رشد روانی–معنوی انسان بر اساس آموزه‌های قرآنی و تحلیل آن‌ها از منظر روان‌شناسی اسلامی است. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی بوده و داده‌ها با استفاده از آیات قرآن کریم (با توجه به ترجمه و تفسیر)، منابع معتبر تفسیری و آثار روان‌شناسی اسلامی گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که صبر به‌عنوان عامل تقویت تاب‌آوری و تنظیم هیجانی، دعا به‌مثابه سازوکار معنابخشی و تخلیه روانی، و توکل به‌عنوان منبع آرامش، کاهش اضطراب و افزایش احساس امنیت درونی، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد سالم شخصیت انسان دارند. این سه مؤلفه در تعامل با یکدیگر، زمینه‌ساز تعادل روانی و تعالی معنوی انسان می‌شوند. نتیجه‌گیری کلی پژوهش نشان می‌دهد که صبر، دعا و توکل در قرآن نه‌تنها مفاهیمی عبادی، بلکه راهبردهایی مؤثر برای سلامت روان و رشد شخصیت انسان هستند و می‌توانند به‌طور کاربردی در حوزه‌های روان‌شناسی اسلامی، مشاوره دینی و تربیت معنوی مورد استفاده قرار گیرند.

واژگان کلیدی

رشد روانی–معنوی، صبر، دعا، توکل، روان‌شناسی اسلامی

نقش خدمات روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و مشاوره در سلامت روانی

علیرضا رستم‌زاده، محمدعلی طالبی، شکیبا عابدینی

کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس

alirezaro۱٦@gmail.com

چکیده

سلامت روان یکی از مؤلفه‌های بنیادین در پویایی، کارآمدی و توسعه پایدار هر جامعه به‌شمار می‌آید. با توجه به نقش محوری سرمایه انسانی در فرآیند رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ارتقای سلامت روانی افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گستره اختلالات و مشکلات روان‌شناختی در میان افراد جامعه متنوع بوده و تحت تأثیر عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فردی قرار دارد. دستاوردهای نوین علوم اجتماعی و انسانی نشان می‌دهد که شکوفایی استعدادهای انسانی در گرو سلامت همه‌جانبه، شامل ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و شغلی است. در این راستا، خدمات مشاوره، روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی نقشی تعیین‌کننده در ارتقای سلامت روان ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر این خدمات بر سلامت روان جامعه انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سطح مطلوب سلامت روان با بهبود کیفیت زندگی و افزایش سازگاری فردی و اجتماعی همراه است، در حالی‌که ضعف در این حوزه می‌تواند پیامدهای منفی قابل‌توجهی بر کیفیت زندگی افراد برجای گذارد. بر این اساس، نقش روان‌شناسان، مشاوران و مددکاران اجتماعی در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و متعادل از نظر روانی و جسمانی انکارناپذیر است. ارائه و توسعه خدمات تخصصی در این حوزه می‌تواند به درک، مدیریت و بهبود هیجانات و رفتارهای فردی کمک کرده و بدین‌وسیله سلامت روانی جامعه را به‌طور معناداری تقویت کند. همچنین انجام ارزیابی‌های میدانی و مطالعات کاربردی در این حوزه جهت سیاست‌گذاری مؤثر پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی

سلامت روان، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، مشاوره، سرمایه انسانی

بررسی ابعاد رشد و بالندگی انسان بر اساس تعالیم قرآن کریم و رویکرد روان‌شناسی اسلامی

زینب جودی، علی ثامری

دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

sameriali۹۹@gmail.com

چکیده

رشد و بالندگی انسان از اساسی‌ترین مباحث علمی و روان‌شناسی به‌شمار می‌آید و در این میان، روان‌شناسی اسلامی با تکیه بر تعالیم قرآن کریم، نگرشی جامع و چندبُعدی به ماهیت و تحول انسان ارائه می‌دهد. برخلاف روان‌شناسی رایج که غالباً بر جنبه‌های زیستی، شناختی و رفتاری تمرکز دارد، قرآن کریم انسان را موجودی برخوردار از ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی معرفی می‌کند که رشد حقیقی او در گرو هماهنگی میان این ابعاد است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد مختلف رشد و بالندگی انسان از منظر قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی انجام شده است و نقش مؤلفه‌هایی چون روح، عقل، اختیار، مسئولیت‌پذیری، ازدواج و بُعد اجتماعی را در فرایند رشد فردی و اجتماعی انسان تحلیل می‌کند. این تحقیق با روش توصیفی–تحلیلی و بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای، از طریق تحلیل آیات قرآن کریم، روایات اسلامی و آثار اندیشمندان مسلمان صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که انسان در نگاه قرآن دارای سرشتی دوگانه است و کمال او در تعامل متوازن میان جسم و روح تحقق می‌یابد. عقل به‌عنوان نیروی ادراکی و اخلاقی، نقش محوری در هدایت انتخاب‌ها دارد و اختیار انسان با مسئولیت‌پذیری همراه است. همچنین ازدواج و روابط اجتماعی سالم، تأثیر عمیقی بر آرامش روانی و رشد معنوی انسان دارند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنایی نظری برای توسعه الگوهای بومی در روان‌شناسی اسلامی، مشاوره خانواده و تعلیم و تربیت دینی فراهم سازد و به ارتقای سلامت روان فردی و اجتماعی کمک نماید.

واژگان کلیدی

رشد انسان، روان‌شناسی اسلامی، قرآن کریم، ابعاد وجودی انسان، سلامت روان

نقش حافظه در تعلیم و تربیت کودک و عوامل تقویت‌کننده آن از دیدگاه روان‌شناسان، دانشمندان و آموزه‌های اسلامی

علیرضا رستم‌زاده، شکیبا عابدینی، هادی پورشافعی
کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس
alirezaro۱٦@gmail.com

چکیده

از آنجایی که حافظه یکی از عوامل مؤثر در یادگیری و زمینه‌ساز شکوفایی استعداد و ارتقای علمی و اخلاقی کودک می‌باشد بسیار مورد توجه قرار گرفته و همواره برای بهبود آن کوشیده‌اند. مسئله حافظه و عوامل تقویت‌کننده و نیز عواملی که باعث ضعف آن می‌شود از دیرباز مورد توجه دانشمندان، روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت بوده و نظریات ارزنده‌ای در این‌باره ارائه نموده‌اند: نوع تغذیه، عوامل تکنیکی، عوامل مکانی و زمانی و فردی و اجتماعی، عوامل اضطراب، عوامل افزایش یا کاهش یادگیری و حافظه، نقش حافظه در یادگیری و تعلیم و تربیت و ارتباط حافظه با برخی از مؤلفه‌ها مانند تمرکز، هوش، عادت، عاطفه، تخیل و تمرین. حافظه و اقسام آن مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. دین مقدس اسلام هم قرن‌ها پیش از این، رهنمودهای ارزنده‌ای برای تقویت حافظه بیان نموده است. حافظه بهبود یک مهارت فکری است. حافظه بایستی به سوی ارتباطات منطقی افکار و به سوی هوش و ذهنیات رهنمون گردد. حافظه تمامی شخصیت انسان را دربرمی‌گیرد و کیفیت آن به عامل محرک آن بستگی دارد. بنابراین روش‌های تقویت حافظه، روش‌ها و تکنیک‌هایی هستند که توان و ظرفیت رمزگردانی و بازیابی را افزایش می‌دهند و دستیابی به مطالب ذخیره‌شده را راحت‌تر و آسان‌تر می‌سازند. با تمرکز انگیزه و بالاتر از همه صرف زمان می‌توان ذهن را تربیت کرد تا کارهای خارق‌العاده انجام دهد؛ و به آن‌چه موردنظر تعلیم و تربیت و هدف نهایی انسان است دسترسی پیدا کرد.

واژگان کلیدی

حافظه، عوامل تقویت، عوامل تضعیف، تعلیم و تربیت، قرآن و حدیث

شیوه‌های تربیت فرزندان برای ورود به جامعه

محمدرضا نوروزی همایون، علی سلیمی، اسماعیل صدری دمیرچی
دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
mohammadreza.noroozi@uma.ac.ir

چکیده

بخش مهمی از فرایند تربیت کودکان، به‌کارگیری روش‌های تربیتی مناسب در ساحت‌های مختلف زندگی آنان است. این روش‌ها به‌ویژه در تربیت اجتماعی اهمیت فراوانی دارند، زیرا کودکان در چارچوب خانواده و محیط اجتماعی خود به‌تدریج نقش خود را به‌عنوان اعضای مسئول جامعه می‌آموزند و توسعه مهارت‌های اجتماعی آنان، زمینه‌ساز مشارکت مؤثر و رفتارهای سازنده در جامعه است. روش‌های تربیتی زمینه‌ساز تربیت اجتماعی، فضایی را فراهم می‌کنند که کودکان بتوانند مهارت‌های ارتباطی، همدلی، همکاری و احترام به دیگران را به‌طور طبیعی کسب کنند و در تعاملات اجتماعی خود موفق عمل نمایند. پژوهش حاضر به بررسی وظیفه شرعی والدین در استفاده از این روش‌ها پرداخته است و با مراجعه به منابع فقهی، از جمله قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، تلاش می‌کند حکم مسئله را مطابق روش متعارف استنباط فقها روشن سازد. بر اساس تحلیل ادله فقهی، به‌کارگیری روش‌های تربیتی که زمینه‌ساز رشد اجتماعی کودکان هستند، در ابعاد شناختی، احساسی و رفتاری، حداقل از منظر شرعی مستحب شمرده می‌شود و والدین تشویق به بهره‌گیری از این روش‌ها می‌شوند. این روش‌ها، ضمن تقویت توانمندی‌های فردی کودک، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری او در جامعه دارند و می‌توانند به کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش همبستگی و مشارکت اجتماعی میان نسل‌های آینده کمک کنند. بنابراین، تربیت اجتماعی کودکان با روش‌های زمینه‌ساز، هم از منظر روان‌شناختی و هم از نظر شرعی، اهمیت حیاتی دارد و والدین موظف‌اند در حد توان خود از آن بهره ببرند.

واژگان کلیدی

تربیت، تربیت اجتماعی فرزند، روش تربیت، روش‌های زمینه‌ساز تربیت، خانواده

بررسی رابطه بین عزت‌نفس دینی با تاب‌آوری تحصیلی، تنظیم هیجان تحصیلی و سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان

سمیه نجاری

معلم

somayehnajari۳۰۲@gmail.com

چکیده

عزت‌نفس دینی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم هویت دینی، می‌تواند نقش معناداری در سازگاری روان‌شناختی و تحصیلی دانش‌آموزان ایفا کند. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه عزت‌نفس دینی با تاب‌آوری تحصیلی، تنظیم هیجان تحصیلی و سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر تبریز بود. روش پژوهش توصیفی–همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم مدارس دولتی شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۵–۱۴۰۴ بود که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۳۳۸ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه عزت‌نفس دینی، پرسشنامه تاب‌آوری تحصیلی، پرسشنامه تنظیم هیجان تحصیلی و پرسشنامه سازگاری تحصیلی بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین عزت‌نفس دینی با تاب‌آوری تحصیلی، تنظیم هیجان تحصیلی و سازگاری تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد($p<$ ۰۵/۰). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عزت‌نفس دینی قادر است به‌طور معناداری تاب‌آوری تحصیلی، تنظیم هیجان تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عزت‌نفس دینی می‌تواند به‌عنوان منبعی درونی برای تقویت پایداری تحصیلی، بهبود تنظیم هیجان و افزایش سازگاری دانش‌آموزان با محیط آموزشی مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی با محوریت تقویت عزت‌نفس دینی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد.

واژگان کلیدی

عزت‌نفس دینی، تاب‌آوری تحصیلی، تنظیم هیجان تحصیلی، سازگاری تحصیلی، دانش‌آموزان

نقش منابع دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان

ذکریا صالحی خلردی، مجتبی رضایی‌راد، فاطمه دارابی‌نیا
دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری
zakariasalehi۹۹@gmail.com

چکیده

این مقاله با هدف بررسی نقش منابع دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان نگارش شده است. روش پژوهش کیفی و از نوع مروری بوده و داده‌ها از طریق فیش‌برداری از منابع دست‌اول و دوم گردآوری شده‌اند. در این مرور، ابتدا مفهوم بهزیستی تحصیلی و ابعاد و عوامل مؤثر بر آن در بافت مدرسه تبیین شد، سپس منابع دینی به‌عنوان سازه‌های روان‌شناختی قابل سنجش معرفی گردید و سه مؤلفه اصلی آن شامل توکل، صبر و امید مورد توجه قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد «امید» به‌ویژه به شکل امید تحصیلی، مستقیم‌ترین و پرشواهدترین ارتباط را با بهزیستی تحصیلی دارد و می‌تواند از مسیرهایی مانند خودتنظیمی و حفظ جهت‌مندی در شرایط فشارزا به بهبود تجربه تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند. همچنین «صبر» و «توکل» بیشتر نقش حمایتی–محافظتی داشته و از طریق کاهش تنش‌هایی مانند اضطراب امتحان، تقویت تاب‌آوری، ارتقای سلامت روان و شکل‌دهی نگرش‌های مثبت، زمینه‌ساز بهزیستی تحصیلی مطلوب‌تر می‌شوند. در مجموع، نتایج این مطالعه بر ضرورت توجه مدرسه و مشاوران آموزشی به تقویت منابع درونی دانش‌آموزان، به‌ویژه امید تحصیلی و مؤلفه‌های دین‌پایه، در کنار برنامه‌های تربیتی و حمایتی تأکید دارد.

واژگان کلیدی

منابع دینی، بهزیستی تحصیلی، توکل، صبر، امید

تحلیل کیفی–اسنادی نقش آموزش کل‌نگر مبتنی بر قرآن کریم در ارتقای سلامت روان دانشجویان

کیمیا صحراییان، الهام زرین‌کلاه
استادیار گروه روان‌شناسی، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران
kimia.sahraian@eghlid.ac.ir

چکیده

بحران روبه‌گسترش سلامت روان در میان دانشجویان، ضرورت بهره‌گیری از رویکردهایی جامع، بومی و معنامحور را بیش از پیش آشکار ساخته است. هدف پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل نقش آموزش کل‌نگر مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم در ارتقای سلامت روان دانشجویان و ارائه یک چارچوب مفهومی منسجم در این زمینه است. این مطالعه با روش اسنادی و با رویکرد کیفی توصیفی–تحلیلی انجام شد. داده‌ها از طریق بررسی و تحلیل قرآن کریم، تفاسیر معتبر کلاسیک و معاصر، منابع حدیثی مرتبط، مقالات علمی نمایه‌شده و کتاب‌های تخصصی در حوزه روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان و آموزش کل‌نگر گردآوری شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و رویکرد تحلیل مضمون انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که قرآن کریم چارچوبی یکپارچه و چندبعدی برای سلامت روان ارائه می‌دهد که در آن سه بُعد اساسی معنوی، هیجانی و شناختی–روانی در قالب یک نظام تعاملی و هم‌افزا سازمان می‌یابند. پرورش آگاهی معنوی از طریق مفاهیمی چون تقوا، توکل و ذکر، ارتقای هوش هیجانی مبتنی بر صبر، شکر و تنظیم هیجان، و تقویت سلامت شناختی با تأکید بر تفکر تأملی، حسن‌ظن و تاب‌آوری، از مهم‌ترین مؤلفه‌های این الگو هستند. در جمع‌بندی می‌توان گفت آموزش کل‌نگر مبتنی بر قرآن کریم، با ادغام نظام‌مند این مؤلفه‌ها در برنامه‌های آموزشی دانشگاهی، ظرفیت بالایی برای ارتقای پایدار سلامت روان دانشجویان دارد و می‌تولند به‌عنوان راهکاری بومی و کاربردی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

آموزش کل‌نگر، قرآن کریم، سلامت روان، دانشجویان، تحلیل کیفی–اسنادی

تعلیم و تربیت نوجوانان با رویکرد اسلامی و تأثیر آن بر سلامت روان خانواده

همت مومنی
آموزش و پرورش
fahimehmomeni۱۹۸۷@gmail.com

چکیده

نوجوانی دوره‌ای حساس از رشد است که با جست‌وجوی هویت، استقلال‌طلبی و نوسانات هیجانی همراه می‌شود. در این میان، خانواده نظامی پویا است که از کیفیت سازگاری نوجوان تأثیر می‌پذیرد و هم‌زمان بر آن اثر می‌گذارد. در این میان تعلیم و تربیت نوجوانان با رویکرد اسلامی، با تأکید بر ارزش‌های دینی، اخلاقی و معنوی، نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت سالم و بالنده آنان ایفا می‌کند. این رویکرد با تقویت هویت دینی، مهارت‌های زندگی و تاب‌آوری در نوجوانان، به کاهش آسیب‌ها کمک می‌کند. مقاله حاضر با روش تحلیلی–توصیفی به تبیین سه اصل در تربیت نوجوان از منظر اسلامی و توضیح سازوکارهای روان‌شناختی آن می‌پردازد که چگونه می‌تواند سلامت روانی خانواده را تقویت کند. هدف از تدوین این مقاله، با تأکید بر رویکرد اسلامی به تعلیم و تربیت نوجوانان در ابعاد معنوی و عاطفی و تأثیر آن در رسیدگی به چالش‌های سلامت روانی آن در خانواده را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که رویکرد اسلامیِ مبتنی بر فضائل اخلاقی–تقوا و عزت و احترام متقابل می‌تواند تعارض‌های خانوادگی را کاهش دهد، انسجام و امید را افزایش دهد و شاخص‌های سلامت روانی خانواده (همبستگی، سازگاری، تنظیم هیجان و احساس معنا) را بهبود بخشد.

واژگان کلیدی

تعلیم و تربیت، تربیت اسلامی، نوجوانی، سلامت روان خانواده

رویکرد روان‌شناختی به تعلیم و تربیت کودکان در سیره معصومان (ع)

ذبیح‌اله کرمی، فاطمه مرادی
دانشگاه جامع علوم انتظامی امین
zekr۱۲@chmail.ir

چکیده

از عوامل مؤثر در روان‌شناختی تعلیم و تربیت، خانواده است که مهم‌ترین محیط برای شکوفایی استعدادهای مختلف فرزندان می‌باشد. در حقیقت محیط خانواده، مدرسه‌ای است که می‌تواند استعدادهای درونی کودکان را بپروراند و به آن‌ها درس عزّت نفس، شخصیت، رشادت، شهامت، بخشش، سخاوت و دیگر سجایای انسانی را بیاموزد؛ لذا والدین با توجه به تأثیر روان‌شناختی تعلیم و تربیت شایسته، مسئولیت تربیت معنوی و فرهنگی آنان را نیز بر عهده دارند. در سبک زندگی ائمه(ع) محیط خانواده صفاتی همچون خداجویی، معادباوری، همیاری، همکاری، عزّت نفس، گناه‌گریزی، نرم‌خویی و راست‌گویی را به کودکان می‌آموزد و با رعایت مساوات، حرمت نهادن به آنان، آموزش آداب اجتماعی، نظامی و مهرورزی به فرزندان نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی آنان داشته‌اند. سؤال اصلی در این مقاله رویکرد روان‌شناختی در تعلیم و تربیت کودک، در سیره معصومان(ع) چگونه بوده است؟ از این‌رو در این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای توصیفی–تحلیلی می‌باشد. بررسی روان‌شناختی تعلیم و تربیت کودکان با محوریت سیره ائمه اطهار(ع) می‌پردازیم و با بهره‌گیری از منابع معتبر روایی جایگاه خانواده ائمه اطهار(ع) و تأثیرات روان‌شناختی آن در تعلیم و تربیت فرزندان که مرحله پیش از تولد و پس از آن دوره کودکی را در بر می‌گیرد را واکاوی نموده‌ایم.

واژگان کلیدی

تعلیم و تربیت، خانواده، کودک، رویکرد روان‌شناختی، سیره معصومان(ع)

شاگردپروری و احیای هویت معنوی نسل جوان: راهبردهای تربیتی در مواجهه با بحران هویت در سبک زندگی دیجیتال

محسن رضائی، زهرا بیانی هدش، زهرا دشتکی، فاطمه علینقی، مطهره رشیدی، مهدیه گل‌محمدی
دانشگاه یزد
rezaiee@yazd.ac.ir

چکیده

این پژوهش به بررسی بحران هویت نسل جوان در سبک زندگی دیجیتال و راهکارهای تربیتی مبتنی بر شاگردپروری برای احیای هویت معنوی می‌پردازد. با رویکردی میان‌رشته‌ای، ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی این بحران تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گسترش فضای مجازی، تأثیر سلبریتی‌ها، ضعف نهادهای سنتی و نسبی‌گرایی اخلاقی، عوامل اصلی تشدید بحران هویت هستند که پیامدهایی چون از خودبیگانگی، هویت‌های کاذب و پریشانی روان‌شناختی را به دنبال دارند. در پاسخ به این چالش، شاگردپروری به‌عنوان الگوی تربیتی اسلامی مطرح می‌شود که بر رابطه عمیق استاد و شاگرد، خودشناسی و انتقال ارزش‌های بنیادین تأکید دارد. این پژوهش با نقد مدل‌های سنتی شاگردپروری، الگوهای نوینی را پیشنهاد می‌کند که شامل بهره‌گیری هدفمند از فناوری، تقویت تفکر نقادانه و پیوند تربیت فردی با جمعی است. راهکارهای عملی ارائه‌شده عبارت‌اند از: طراحی فرآیند چهارمرحله‌ای خودآگاهی، خودسازی، خودباوری و خودارزیابی؛ استفاده از متاورس‌های تربیتی و شبکه‌های اجتماعی تعاملی؛ احیای هویت از طریق زیارت و اماکن مقدس؛ و الگوسازی از شخصیت‌های معاصر. نتایج نشان می‌دهد که تلفیق آموزه‌های اسلامی با اقتضائات عصر دیجیتال در قالب شاگردپروری پویا، می‌تواند به بازسازی هویت دینی و اخلاقی جوانان بینجامد. این مطالعه بر ضرورت بازاندیشی در نظام‌های تربیتی و به‌کارگیری راهبردهای بومی برای مواجهه با چالش‌های هویتی نسل دیجیتال تأکید دارد.

واژگان کلیدی

بحران هویت، سبک زندگی دیجیتال، مربی‌گری معنوی، آموزش اسلامی، بازسازی هویت جوانان

نقش قرآن بر سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان

فاطمه عبدالهی، محمد موسی خورشیدی، فاطمه عبدالهی
دانشگاه آزاد
f.abdullahi۱۳٦٤@gmail.com

چکیده

قرآن کریم به‌عنوان جامع‌ترین منبع هدایت، نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به سبک زندگی انسان دارد. قرآن کریم به‌عنوان جامع‌ترین و ماندگارترین منبع هدایت الهی نقشی بنیادین در شکل‌گیری و جهت‌دهی به سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. آموزه‌های این کتاب آسمانی علاوه بر تعیین مبانی اعتقادی و اخلاقی، الگوهای رفتاری و زیست مؤمنانه را نیز ارائه می‌دهد. در بعد فردی قرآن بر خودشناسی، اعتدال، پاکی در نیت و عمل، صبر، قناعت و توکل تأکید دارد؛ اموری که زمینه‌ساز آرامش، رشد معنوی و تعادل روانی انسان می‌شود. در بعد اجتماعی این کتاب با توصیه به عدالت، احسان، مشورت، گذشت، تعاون و احترام متقابل، زمینه ایجاد جامعه‌ای سالم، پویا و مبتنی بر ارزش‌های انسانی را فراهم می‌سازد. هدف از این پژوهش حاضر بررسی نقش قرآن بر سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌باشد. این مقاله از نوع علمی مروری است و همچنین روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و توصیفی–تحلیلی می‌باشد. نتایج نشان داد که قرآن با ارائه الگوهای رفتاری مبتنی بر ایمان، عدالت، اعتدال و احسان، زمینه‌ساز تحقق زندگی متوازن، سالم و هدفمند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی است. مطابق آیات قرآن کریم، هر رفتاری در سبک زندگی اسلامی باید حداقل برخوردار از شناخت‌ها و نگرش‌هایی مانند نگرش به هستی، انسان و مبدأ متعالی عالم به‌عنوان پشتوانه رفتارهای انسان باشد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، سبک زندگی، ایمان، جامعه، عدالت اجتماعی

رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی

مهسا برومند
mahshow۱٤۰۰@gmail.com

چکیده

شناخت چگونگی رشد و پرورش انسان در ابعاد گوناگون جسمی، شناختی، اجتماعی و معنوی، از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان علوم انسانی و الهی بوده است. قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی هدایت الهی، با نگاهی جامع و هدفمند، مسیر رشد انسان را از آغاز خلقت تا کمال نهایی ترسیم می‌کند. در این نگاه، انسان موجودی صرفاً زیستی یا روان‌شناختی نیست، بلکه ترکیبی هماهنگ از جسم و روح است که در مسیر رشد و تکامل قرار دارد و هدف نهایی این مسیر، دستیابی به قرب الهی و تحقق مقام بندگی آگاهانه است. قرآن کریم ضمن توجه به ابعاد جسمانی و شناختی رشد انسان، بُعد معنوی و اخلاقی را محور اصلی تکامل معرفی می‌کند و تمامی مراحل زندگی، از پیش از تولد تا سالمندی و حتی پس از مرگ، را در چارچوبی هدفمند و الهی معنا می‌بخشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند روان‌شناسی بر رشد شناختی و تجربی تأکید دارد، قرآن با نگاهی جامع‌تر، رشد حقیقی انسان را در پیوند متوازن جسم، عقل، اخلاق و معنویت می‌داند و می‌تواند مبنایی برای ارائه الگویی جامع در پرورش انسان باشد.

واژگان کلیدی

رشد، انسان، قرآن، روان‌شناسی اسلامی، کمال انسانی

نقش آموزه‌های قرآنی در تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان با رویکرد روان‌شناسی اسلامی

زهرا همتی فاخر

معاون

hematifakherz@gmail.com

چکیده

تاب‌آوری روان‌شناختی یکی از مؤلفه‌های اساسی سلامت روان دانش‌آموزان در مواجهه با چالش‌های تحصیلی، اجتماعی و هیجانی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در سازگاری آنان با فشارهای محیطی دارد. با توجه به گسترش رویکردهای بومی و فرهنگی در روان‌شناسی، بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی می‌تواند چارچوبی معنادار و مؤثر برای تقویت تاب‌آوری در نظام آموزشی فراهم آورد. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش آموزه‌های قرآنی در تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان با تأکید بر رویکرد روان‌شناسی اسلامی است. روش پژوهش از نوع توصیفی–تحلیلی بوده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، منابع معتبر روان‌شناسی، پژوهش‌های مرتبط با تاب‌آوری و متون تفسیری و قرآنی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد مفاهیمی همچون صبر، توکل، امید، معناجویی، خودکنترلی و باور به حکمت الهی که در آموزه‌های قرآنی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، با مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری روان‌شناختی هم‌راستا بوده و می‌توانند به‌عنوان منابع درونی مؤثر، توان مقابله دانش‌آموزان با فشارهای روانی و تحصیلی را افزایش دهند. همچنین نتایج حاکی از آن است که معلمان و نظام آموزشی با بهره‌گیری هدفمند از این آموزه‌ها می‌توانند نقش مهمی در پرورش تاب‌آوری دانش‌آموزان ایفا کنند. در مجموع، تلفیق آموزه‌های قرآنی با مبانی روان‌شناسی اسلامی می‌تواند به طراحی مداخلات تربیتی مؤثر در جهت ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان منجر شود.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری روان‌شناختی، آموزه‌های قرآنی، روان‌شناسی اسلامی، دانش‌آموزان، سلامت روان

تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

سید احمد محمدی حسینی، نفیسه اکبری
دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشکده علوم و ادبیات انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
nafisehakbari۳۲۲٤@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، شامل تمامی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار که در نیم‌سال اول سال ۱۴۰۴–۱۴۰۵ اشتغال به تحصیل داشتند که بین ۱۳۰ نفر به روش تصادفی ساده پرسشنامه توزیع شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه هوش هیجانی بار–آن و پرسشنامه عملکرد تحصیلی بود. برای برآورد اعتبار مقدماتی یک نمونه اولیه شامل ۴۰ نفر انتخاب شد. روایی محتوایی هر دو پرسشنامه توسط تعدادی از صاحب‌نظران و متخصصین این حوزه مورد تأیید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۸۱/۰ و ۷۱/۰ به‌دست آمد. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری تجزیه و تحلیل شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون میانگین یک جامعه، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج نشان داد که دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار از وضعیت عملکرد تحصیلی مناسبی برخوردار هستند؛ بین هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی رابطه مستقیم، مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین هوش هیجانی به مقدار ۰۶۷/۰ توانایی پیش‌بینی عملکرد تحصیلی را دارد.

واژگان کلیدی

هوش هیجانی، عملکرد تحصیلی، دانشجویان پرستاری، آموزش عالی

معنا، سلامت روان و تربیت معلم: تحلیلی فلسفی–روان‌شناختی بر اساس آموزه‌های قرآنی

حمیده هادی تبار، زهراسادات هاشمی، مریم داودی
گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
h.haditabar@cfu.ac.ir

چکیده

مسئله معنادهی به زندگی و کار یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های سلامت روان انسان معاصر است و فقدان آن، به‌ویژه در نظام‌های آموزشی، می‌تواند به بروز فرسودگی روانی، اضطراب و بحران هویت منجر شود. تربیت معلم به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری هویت حرفه‌ای و اخلاقی معلمان آینده، نیازمند توجه جدی به ابعاد معنایی و روان‌شناختی انسان است. پژوهش حاضر با رویکردی نظری–تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب‌های فلسفه دین و روان‌شناسی، به بررسی نسبت میان معنا، سلامت روان و تربیت معلم در پرتو آموزه‌های قرآنی می‌پردازد. تحلیل این پژوهش نشان می‌دهد که به‌کارگیری چارچوب «هوش معنوی»، نیز راهکاری مؤثر برای تبدیل این مبانی قرآنی به برنامه عملی در حوزه تربیت معلم است. در نتیجه، تلفیق این مبانی معناشناختی قرآن با رویکردهای روان‌شناختی می‌تواند چارچوبی غنی برای ارتقای سلامت روان معلمان آینده و تقویت کارکردهای تربیتی و مشاوره‌ای در نظام تربیت معلم فراهم آورد. این پژوهش بر ضرورت بازاندیشی در برنامه‌های تربیت معلم با تأکید بر معنا و سلامت روان مبتنی بر آموزه‌های قرآنی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی

تربیت معلم، روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان، فلسفه دین، معنا

الگوی قرآنی رشد شخصیت انسان با تأکید بر مراحل رشد عقلانی

الهام زرین‌کلاه، کیمیا صحراییان
استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران
ezarinkolah@yahoo.com

چکیده

رشد شخصیت و تحول عقلانی انسان از بنیادی‌ترین مسائل انسان‌شناسی و تربیت دینی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار آگاهانه، مسئولیت‌پذیری و تعالی فردی و اجتماعی دارد. از این‌رو، جستار حاضر با رویکردی توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع قرآنی و یافته‌های روان‌شناسی رشد، به تبیین الگوی قرآنی رشد عقلانی در بستر رشد شخصیت انسان می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که رشد عقلانی از منظر قرآن به‌صورت فرآیندی تدریجی و مرحله‌ای تحلیل شده و چهار مرحله اساسی «احساس»، «نظر»، «تفکر و تعقل» و «تذکر» به‌عنوان ارکان الگوی قرآنی رشد عقل معرفی می‌گردد. در واقع عقل در نگرش قرآنی دارای ماهیتی پویا و تدریجی است و از ادراکات حسی آغاز شده، با تأمل، تفکر و یادآوری آگاهانه به بصیرت، انتخاب مسئولانه و تحول شخصیت می‌انجامد. این الگو می‌تواند مبنایی نظری برای بازنگری در رویکردهای تربیتی و آموزشی و زمینه‌ساز پرورش متوازن ابعاد شناختی، اخلاقی و معنوی انسان باشد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، انسان، رشد شخصیت، رشد عقلانی، تذکر

اهمیت و نقش اخلاق و تربیت از منظر قرآن کریم

زهرا شریفی
fatemeh.amini.۸۳۳۱@gmail.com

چکیده

قرآن کریم، مفهومی از رفتار اجتماعی آمیخته با اخلاق ارائه می‌دهد که شیوه‌های درست زندگی را پیش روی انسان می‌گشاید. پژوهش حاضر با هدف استخراج و تبیین جایگاه و اهمیت اخلاق و تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم بوده که با روش توصیفی همراه با تحلیل محتوا و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. تربیت اجتماعی همواره مورد توجه مکاتب مختلف بوده و بین مسلملنان جایگاهی ارزشمند و شخصیت‌ساز داشته است. یافته‌های پژوهش حاکی است: از منظر قرآن کریم، رفتار اجتماعی با اخلاق همراه بوده و در متن تربیت اجتماعی قرار گرفته است و با اهداف تعادل روحی، تقرب به خداوند، و الزامات اعتقادی مانند فطرت، توحید، و شیوه‌هایی مانند محبت و احترام، کسب می‌گردد؛ به‌طوری که همواره رشد و کمال انسان را در راستای ارزش‌های اخلاقی قرار داده و سعادت در زندگی را با اخلاق اجتماعی رهنمون و ملزم نموده است.

واژگان کلیدی

اخلاق، تربیت اسلامی، قرآن، آیات قرآنی، تربیت اجتماعی

مطالعه مروری رابطه هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

ذکریا صالحی خلردی، سهیل طالبی
دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری
zakariasalehi۹۹@gmail.com

چکیده

پیشرفت تحصیلی از پیامدهای مهم نظام آموزشی است و تحت تأثیر عوامل شناختی، انگیزشی و روان‌شناختی قرار دارد. در سال‌های اخیر «هوش معنوی» به‌عنوان یکی از سازه‌های معنامحور مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته و نقش آن در پیامدهای تحصیلی بررسی شده است. هدف مطالعه حاضر، مرور یافته‌های پژوهشی درباره رابطه هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. روش پژوهش از نوع مرور روایی بوده و بر اساس منابع منتخب صورت پذیرفته است. یافته‌های مرور نشان می‌دهد هوش معنوی در بیشتر مطالعات با شاخص‌های پیشرفت و موفقیت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد و در برخی پژوهش‌ها به‌عنوان متغیر پیش‌بین معرفی شده است. همچنین شواهدی وجود دارد که رابطه هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی می‌تواند از مسیر متغیرهای نزدیک به عملکرد، مانند خودکارآمدی تحصیلی و خودتنظیمی یادگیری، تبیین شود. در کنار پژوهش‌های همبستگی، برخی مطالعات آموزشی نیز گزارش کرده‌اند که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی با بهبود عملکرد و پیشرفت آموزشی همراه بوده است. در مجموع، مرور حاضر نشان می‌دهد توجه به هوش معنوی در برنامه‌های تربیتی مدرسه می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد مکمل برای تقویت زمینه‌های روان‌شناختی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی

هوش معنوی، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان، روان‌شناسی تربیتی

بررسی تطبیقی رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی

حمزه میرزایی
only٥٤٨٧@gmail.com

چکیده

انسان در مسیر زندگی خود همواره در حال رشد و تحول است. شناخت ابعاد این رشد و عوامل مؤثر بر آن از دیرباز مورد توجه مکاتب مختلف بشری و ادیان آسمانی بوده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی به بررسی تطبیقی مفهوم رشد و تحول انسان از منظر قرآن کریم و دانش روان‌شناسی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه در روان‌شناسی رشد، ابعاد مختلفی مانند رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما این دانش عمدتاً به توصیف تغییرات کمی و کیفی در طول حیات انسان می‌پردازد و نگاه ارزشی به مفهوم رشد ندارد. در مقابل، قرآن کریم رشد را امری ارزشی و هدف‌مند دانسته و آن را به‌معنای جهت‌دهی استعدادها به‌سوی کمال حقیقی و قرب الهی معرفی می‌کند. از منظر قرآن، رشد دارای مراحلی مانند دوران جنینی تا پیری است که با تعلیم و تزکیه محقق می‌شود. مهم‌ترین وجه تمایز این دو دیدگاه آن است که در روان‌شناسی، عوامل زیستی و محیطی نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد دارند، حال آنکه از منظر قرآنی، انسان موجودی مختار و مسئول است که تلاش فردی او بیشترین سهم را در رشد و تعالی وی ایفا می‌کند. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که واژه «رشد» و مشتقات آن در معانی متعددی از جمله هدایت الهی، درایت عقلی، شایستگی معنوی و پختگی شخصیتی به کار رفته است که حکایت از جامعیت نگاه قرآن به ابعاد وجودی انسان دارد.

واژگان کلیدی

رشد، تحول، قرآن کریم، روان‌شناسی رشد، انسان‌شناسی

واکاوی نظری نقش فرزندپروری اسلامی در تقویت تاب‌آوری نوجوانان: تحلیلی بر پایه آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی اسلامی

زکیه نجاریان، زهرا میرشفیعی
استادیار دانشگاه معارف قرآن و عترت
znajaryan٤٤١@gmail.com

چکیده

کیفیت فرزندپروری از جمله مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در رشد روانی، اجتماعی و معنوی کودکان و نوجوانان است. هدف پژوهش حاضر، واکاوی نظری نقش فرزندپروری اسلامی در تقویت تاب‌آوری با تأکید بر آموزه‌های قرآن و دیدگاه‌های روان‌شناسی اسلامی است. این پژوهش از نوع مطالعات مروری–نظری و با رویکرد توصیفی–تحلیلی انجام شده است. در این راستا منابع مرتبط در دو حوزه اصلی فرزندپروری اسلامی و تاب‌آوری از منظر اسلام و روان‌شناسی اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت. منابع مورد استفاده شامل قرآن کریم، تفاسیر معتبر، متون حدیثی، آثار کلاسیک تربیت اسلامی و همچنین پژوهش‌های معاصر داخلی و خارجی در حوزه روان‌شناسی اسلامی، فرزندپروری و تاب‌آوری بود. یافته‌ها نشان داد فرزندپروری اسلامی نظامی یکپارچه، هدفمند و مرحله‌محور، مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است که مؤلفه‌های محوری آن عبارت‌اند از: نخست، تلفیق محبت و اقتدار منطقی (بر اساس دو اصل احسان و عدل)؛ دوم، پرورش تدریجی متناسب با مراحل رشد؛ سوم، تربیت توأمان ابعاد روحانی، اخلاقی، عقلانی و روانی–جسمانی؛ و چهارم، بهره‌گیری از انواع راهبردهای تربیتی؛ اسوه‌پردازی، پندگویی، تمرین و تکرار عادت‌ساز و چشم‌پوشی آگاهانه. همچنین، تاب‌آوری اسلامی نیز به‌مثابه فرآیندی پویا و چندبعدی تبیین می‌شود که مؤلفه‌های اصلی آن شامل صبر، توکل، شکر، توسل و حمایت اجتماعی هویت‌بخش است. تحلیل مبانی نظری نشان می‌دهد که میان مؤلفه‌های فرزندپروری اسلامی و ابعاد تاب‌آوری، هم‌پوشانی و هم‌افزایی معناداری وجود دارد. فرزندپروری اسلامی با ایجاد دلبستگی ایمن، تقویت تنظیم هیجانی در بستر معنا، و پرورش نگرش توحیدی به رنج‌ها و چالش‌ها، بستر اصلی شکل‌گیری تاب‌آوری را در فرزندان فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

فرزندپروری اسلامی، تاب‌آوری، نوجوانان، قرآن، روان‌شناسی اسلامی

تحلیل تربیتی–شناختی احکام قرآنی: مطالعه موردی حکم حجاب و مقایسه با رویکرد غربی

آسیه ذوعلم

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

a.zouelm@alzahra.ac.ir

چکیده

تحلیل تربیتی–شناختی احکام قرآنی نشان می‌دهد که بیان احکام الهی صرفاً ابلاغ دستور نیست، بلکه با فرایندهای شناختی و عاطفی مؤثر بر پذیرش مخاطب همراه است. پژوهش حاضر با بررسی نحوه بیان حکم حجاب در سوره‌های احزاب و نور، به تحلیل زمینه‌های شناختی تشریع این حکم بر پایه نظریه طرحواره و ارزیابی شناختی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن زمینه پذیرش حجاب را از طریق شکل‌دهی طرحواره‌ای مبتنی بر تقوا، عفت، حیا، پوشش، طهارت و پرهیز از خودنمایی در سوره‌های مکی آغاز کرده و در سوره‌های احزاب و نور با تأکید بر مرجعیت و اطاعت از پیامبر(ص) و اهمیت خانواده، آن را بسط و غنی می‌سازد. همچنین در تبیین فلسفه حکم، با فعال‌سازی طرحواره‌های پیشین و بسط با مؤلفه دوری از آزار، زمینه شناختی پذیرش حکم را فراهم می‌کند. بهره‌گیری از راهبردهایی همچون تشریف حکم، آغاز خطاب از مردان و تأکید بر رحمت الهی نیز، از طریق جهت‌دهی به ارزیابی شناختی، بار عاطفی مثبتی برای پذیرش حکم ایجاد می‌کند. همچنین، چالش‌های معاصر در ادراک و پذیرش حجاب را می‌توان ناشی از تفاوت در طرحواره‌های شناختی دانست؛ به‌گونه‌ای که بر خلاف نظام ارزشی قرآن، حجاب در چارچوب طرحواره‌ای آزادی‌محور، به‌مثابه محدودیت آزادی فردی و در نتیجه ضدارزش تفسیر می‌شود.

واژگان کلیدی

حجاب، روان‌شناسی شناختی، نظریه طرحواره، ارزیابی شناختی، پذیرش احکام

مراحل تحول روانی بر اساس حکمت متعالیه

سیدهادی صبوری
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم
sabori۱٤۱٤hadi@gmail.com

چکیده

تحول روان‌شناختی انسان مرحله‌مند است و در هر مرحله ویژگی‌ها و رفتارهای انسان متفاوت از مرحله قبل است. شناخت این مراحل از این جهت اهمیت دارد که بر پایه آن‌ها می‌توان اصول و شیوه‌های مختلفی را برای تربیت به کار برد. بنابراین هدف از این پژوهش، دستیابی به مراحل تحول روان‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه می‌باشد. پژوهش حاضر با روش کیفی از نوع تحلیل محتوا بود. همچنین داده‌ها از طریق مطالعه و فیش‌برداری از کتب، مقالات و نیز استفاده از کتابخانه‌های الکترونیک جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردیده است. به‌منظور ارزیابی روایی محتوا، یافته‌ها توسط ۵ کارشناس دارای تحصیلات عالی در زمینه معارف اسلامی–فلسفی و روان‌شناسی، از طریق پرسشنامه درجه‌بندی محتوایی با شاخص روایی محتوا بررسی شد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بر اساس حکمت متعالیه، تحول روان‌شناختی انسان در طول حیات به‌طور طبیعی شامل سه دوره نباتی، حیوانی و انسانی و ۷ مرحله جنینی، طفولیت حسی، طفولیت مثالی، بلوغ أشد، بلوغ معنوی، شیخوخه و پس از مرگ می‌باشد. این الگو می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های تربیتی مرحله‌محور در روان‌شناسی اسلامی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

مراحل تحول روانی، حکمت متعالیه، تحلیل محتوا، تربیت اسلامی

تحلیل روان‌شناختی دام‌های شیطان در سقوط انسان بر اساس آموزه‌های قرآن و تفاسیر معتبر

سیده زهرا خرمیان
seyedehzaahra.khoramian@iau.ir

چکیده

هدف نهایی آفرینش انسان، رسیدن به کمال حقیقی و قرب الهی است. در این مسیر، شیطان به‌عنوان دشمنی آشکار و سوگندخورده، با ابزارهای شناختی و عاطفی، در اغوای انسان و بازداشتن او از مسیر تربیت الهی می‌کوشد. شناخت ابعاد نفوذ و دام‌های او، پیش‌نیازی مهم برای تربیت دینی و خودسازی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و رویکرد میان‌رشته‌ای، با بهره‌گیری از منابع دست‌اول لغوی و تفسیری نظیر المیزان و مجمع‌البیان و نیز مطالعات روان‌شناسی شناختی، به تحلیل روان‌شناختی سازوکارهای اغوای شیطان می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد شیطان از دو ساحت اصلی در انسان عمل می‌کند: حوزه شناخت‌ها از طریق تحریف ادراک، تزیین گناه، وعده‌های باطل و فراموشی یاد خدا، و حوزه گرایش‌ها با تحریک امیال نفسانی، ایجاد ترس، حزن، یأس و تفرقه. این فرایندها با مفاهیمی چون بازسازی شناختی، افکار مزاحم، خطاهای اسناد و ناهماهنگی شناختی در روان‌شناسی شناختی قابل تبیین‌اند. با این حال قرآن کریم تأکید می‌کند که نفوذ شیطان بدون اجازه و اراده انسان تحقق نمی‌یابد. بنابراین، مقابله با او مستلزم تقویت بنیان‌های معرفتی و ایمانی از طریق ذکر، اخلاص، تقوا، توکل و یقین به دشمنی اوست.

واژگان کلیدی

شیطان، کمال انسان، روان‌شناسی شناختی، تربیت دینی، موانع تربیت

تحلیل محتوای کمی کتاب هدیه‌های آسمانی پایه پنجم ابتدایی از منظر هوش هیجانی دنیل گلمن

مرضیه زمانی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تهران
zamani.mar۱۸@ut.ac.ir

چکیده

آموزش و پرورش در درجه اول و در نگاهی عمیق‌تر، کتب درسی، نقش بارزی در پرورش انسان‌هایی مناسب برای زیست در اجتماع دارد. در راستای تحقق این مهم، ابعاد هوش هیجانی، که ابزاری مهم برای زیست اجتماعی برای هر شهروندی می‌باشد، توسط دنیل گلمن ارائه شده است و در پژوهش حاضر، قصد تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمانی پایه پنجم ابتدایی به جهت رعایت این ابعاد و گنجاندن آن در محتوای دروس مختلف می‌باشد. ابعاد هوش هیجانی گلمن شامل خودتنظیمی، خودانگیختگی، خودآگاهی، مهارت‌های اجتماعی و همدلی است. روش پژوهش حاضر، تحلیل محتوا از نوع تحلیل محتوای کمی است. پس از بررسی محتوای این کتاب، فراوانی وجود هر زیرمقوله از ابعاد هوش هیجانی گلمن، محاسبه و تناسب و درصد آن‌ها محاسبه گشت. در نهایت مشخص شد که میزان توجه به مؤلفه مهارت‌های اجتماعی مطلوب اما زیرمؤلفه خودانگیختگی نامطلوب می‌باشد. این یافته‌ها می‌تواند مبنایی برای بازنگری در محتوای کتب درسی دینی و تربیتی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

تحلیل محتوا، هدیه‌های آسمانی، هوش هیجانی، تعلیم و تربیت دینی

تحلیل امنیت روانی کودک در قرآن و کاربردهای آن در نظام آموزشی

محمد میر، امیرحسن قربانی نکو، علیرضا احمدی وشنو
استادیار گروه معارف و تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران
mir@cfu.ac.ir

چکیده

این مطالعه به بررسی مفهوم امنیت روانی کودک در قرآن و اهمیت آن برای نظام‌های آموزشی معاصر می‌پردازد. امنیت روانی به احساس ایمنی، آرامش هیجانی، اعتماد و آزادی از ترس در کودک اطلاق می‌شود که برای رشد سالم او ضروری تلقی می‌گردد. در روان‌شناسی مدرن، کودک دارای امنیت روانی توانایی بیشتری در یادگیری، شکل‌گیری روابط اجتماعی و توسعه شخصیت پایدار دارد. با استفاده از روش کیفی و توصیفی–تحلیلی، این پژوهش آیات و روایات منتخب قرآنی مرتبط با سکینه، رحمت، توکل به خدا و داستان مادر حضرت موسی را بررسی می‌کند. بر اساس این تحلیل، چند عنصر کلیدی امنیت روانی شناسایی شد که شامل اطمینان هیجانی، دلبستگی امن، امید و حمایت معنوی هستند. سپس مطالعه بررسی می‌کند که چگونه این عناصر می‌توانند در محیط‌های آموزشی به کار گرفته شوند، به‌ویژه در بهبود روابط معلم و دانش‌آموز، ایجاد کلاس‌های حمایتی و ارتقای آموزش مبتنی بر ارزش‌ها. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیب آموزه‌های قرآنی با روان‌شناسی تربیتی معاصر می‌تواند به توسعه رویکردی جامع و فرهنگی–معنادار برای آموزش کودکان کمک کند. چنین رویکردی ممکن است به تقویت ثبات هیجانی، تاب‌آوری و سلامت کلی کودکان در محیط مدرسه منجر شود.

واژگان کلیدی

امنیت روانی کودک، قرآن کریم، نظام آموزشی، روان‌شناسی تربیتی، دلبستگی امن

رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی: چشم‌اندازی روان‌شناختی و مشاوره‌ای

سعیده عبدالهی، سیدمحمدرضا قائم محمدی، ظهیرالدین فاریابی
saedahabdollahi@yahoo.com

چکیده

رشد و تحول انسان از مباحث بنیادین در علوم دینی و روان‌شناسی است که به ارتقای کیفیت زندگی فردی و اجتماعی می‌انجامد. قرآن کریم با تأکید بر تزکیه نفس، پرورش اخلاق و تعالی معنوی، چارچوبی کامل برای هدایت انسان به سوی کمال ارائه می‌دهد. روان‌شناسی اسلامی نیز با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی فرد را مورد تحلیل قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی–کتابخانه‌ای به بررسی مفاهیم رشد و تحول انسانی در قرآن و تطبیق آن با دیدگاه‌های روان‌شناسی اسلامی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد انسان در سه بعد اصلی معنوی، شناختی و اجتماعی امکان‌پذیر است و مشاوره با رویکرد اسلامی می‌تواند مسیر رشد فرد را هدفمند و متوازن کند. آیات قرآن مانند «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) و «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹) بر ارزش انسانی و ضرورت رشد معنوی تأکید دارند. این پژوهش ضمن تبیین چارچوب رشد انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی، کاربردهای مشاوره‌ای برای توسعه مهارت‌های اخلاقی، اجتماعی و شناختی فرد ارائه می‌دهد. نتایج می‌تواند برای مشاوران، روان‌شناسان و پژوهشگران اسلامی مبنای عملی و نظری جهت هدایت رشد فردی و اجتماعی باشد.

واژگان کلیدی

رشد انسانی، روان‌شناسی اسلامی، مشاوره قرآنی، تعالی معنوی، تزکیه نفس

رشد و تحول انسان از منظر قرآن کریم

سیدمجتبی جلالی
استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران
s.m.jalali@sku.ac.ir

چکیده

پژوهش با رویکردی تحلیلی–تفسیری، به تبیین فرآیند رشد و تحول انسان از منظر قرآن کریم می‌پردازد. در این دیدگاه، انسان موجودی دوبُعدی است که از ترکیب جسم مادی و روح الهی پدید آمده و با تکیه بر کرامت ذاتی، فطرت توحیدی و قدرت انتخاب، قابلیت رشد تا مرتبه خلافت الهی را داراست. مسیر تحول انسانی در قرآن، حرکتی تدریجی و پیوسته از مادیت به معناست که در سه مرحله اصلی نفس (امّاره، لوّامه و مطمئنه) تحقق می‌یابد. در این مسیر، تزکیه و مجاهده نفس زمینه شکوفایی فضائل اخلاقی مانند صبر و عدالت را فراهم می‌سازد. تحول حقیقی تنها به بعد فردی محدود نیست؛ بلکه در تعالیم قرآنی، رشد درونی فرد باید در قالب مسئولیت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، و اصلاح جامعه بروز یابد. از این منظر، تحول اجتماعی ادامه طبیعی رشد فردی است و میان تکامل شخص و جامعه رابطه‌ای دوسویه برقرار است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم رشد انسان را سفری وجودی از خاک تا روح، و از خودخواهی تا بندگی می‌داند. عامل تعیین‌کننده در این سیر، اراده و اختیار انسان است. در نهایت، رستگاری و کمال مطلق تنها در سایه تزکیه و عبودیت تحقق می‌یابد؛ چنان‌که آیه شریفه «قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكّاهَا» (شمس: ۹–۱۰) معیار نهایی رشد و سعادت انسانی را بیان می‌کند.

واژگان کلیدی

رشد انسان، تزکیه نفس، اختیار و اراده، تحول اجتماعی، قرآن کریم

الگوی حلقوی‌شکل تحول روانی بر اساس حکمت متعالیه

سیدهادی صبوری
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم
sabori۱٤۱٤hadi@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش، دستیابی به الگوی تحول روان‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه بود. پژوهش حاضر با روش کیفی با رویکرد استقرایی از نوع تحلیل محتوا بود. جامعه شامل کلیه آثار مکتوب ملاصدرا بود و نمونه شامل گزاره‌های مشتمل بر مفاهیم مرتبط با تحول روان‌شناختی بود که از شیوه نمونه‌گیری هدفمند به‌دست‌آمده بود. داده‌ها از طریق مطالعه و فیش‌برداری از کتب، مقالات و نیز استفاده از کتابخانه‌های الکترونیکی جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردیده و سپس برای به‌دست آوردن یافته‌ها از فرآیند رمزگذاری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بر اساس حکمت متعالیه می‌توان به ۷ مرحله تحول روان‌شناختی: جنینی، طفولیت حسی، طفولیت مثالی، بلوغ أشد، بلوغ معنوی، شیخوخه و پس از مرگ و ۱۲ عامل تحول روان‌شناختی، شامل عوامل معنوی (فیض الهی، فرشتگان، شیطان)، عوامل اولیه (فطرت اولیه، وراثت)، عوامل ثانویه درونی (اکتساب علم، اراده، محبت) و عوامل ثانویه بیرونی (أنبیاء و اولیاء الهی، کنش‌های انسانی، تکرار کنش انسانی، تغذیه) دست‌یافت. در نتیجه، مدل تحول روان‌شناختی به‌دست‌آمده بر اساس حکمت متعالیه بیانگر این است که سرآغاز تحول انسانی از باری تعالی ناشی و به وی نیز برمی‌گردد. همچنین مشخص شد که صحنه تحول روان‌شناختی، صحنه کارزار اغوای شیطانی و توفیق الهی است. با این وجود، ملاصدرا محوری‌ترین عامل را اراده انسانی تعیین می‌کند که اگر با نور علم و ایمان قوی شود بر اغوائات شیطانی فائق آمده و در سلک ملائکه قرار خواهد گرفت اما در غیر این صورت قوای شیطانی بر استقرار خود در نفس دوام می‌بخشد و در سلک شیاطین قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی

تحول روان‌شناختی، الگو، حکمت متعالیه، مراحل تحول، عوامل تحول

بررسی مؤلفه‌های سلامت روان در نظام تربیتی قرآن

یگانه سعدی دوست، علی بهرامی
آموزش و پرورش
saadidoostyegane@gmail.com

چکیده

سلامت روان از اساسی‌ترین ابعاد رشد انسان در جوامع امروز به شمار می‌رود و نظام‌های تربیتی، به‌ویژه نظام آموزش‌وپرورش، نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت آن دارند. با وجود گسترش رویکردهای روان‌شناختی درباره بهزیستی و تعادل روانی، بازخوانی مفهوم سلامت روان در چارچوب آموزه‌های قرآن کریم می‌تواند افق‌های تازه‌ای در تربیت نسل جدید بگشاید. هدف این پژوهش شناسایی و تبیین مؤلفه‌های سلامت روان در نظام تربیتی قرآن و بررسی دلالت‌های آن برای تعلیم و تربیت رسمی است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای آیات مرتبط انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی مانند آرامش درونی، امیدواری، صبر و بردباری، توکل، خودکنترلی، کرامت انسانی و احساس معنا در زندگی، از ارکان سلامت روان در منظومه تربیتی قرآن محسوب می‌شوند. در این چارچوب، سلامت روان صرفاً فقدان اختلال نیست، بلکه به معنای دستیابی به تعادل روانی، جهت‌مندی ارزشی و انسجام درونی است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بهره‌گیری آگاهانه از این مؤلفه‌ها در برنامه‌های آموزشی و تربیتی می‌تواند به ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان و تقویت سرمایه انسانی در جامعه اسلامی کمک کند.

واژگان کلیدی

سلامت روان، تعلیم و تربیت، نظام تربیتی، آموزش و پرورش، قرآن کریم

تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری نوجوانان از منظر روان‌شناسی مثبت‌گرا سلیگمن و آموزه‌های نهج‌البلاغه

زهرا نعناکار، احسان کرمی شهریار
asmahnanakar۷۷@gmail.com

چکیده

تاب‌آوری از مفاهیم بنیادین در حوزه روان‌شناسی مثبت‌گرا و از عوامل مؤثر در سازگاری نوجوانان با فشارها و چالش‌های زندگی به شمار می‌آید. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری نوجوانان در چارچوب روان‌شناسی مثبت‌گرا با تأکید بر نظریه سلیگمن و آموزه‌های حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه انجام شده است. این پژوهش با روش تحلیلی–اسنادی و رویکرد تطبیقی، مؤلفه‌های تاب‌آوری را در مدل PERMA شامل هیجان مثبت، درگیری، روابط مثبت، معنا و دستاورد بررسی کرده و آن‌ها را با مفاهیم متناظر در نهج‌البلاغه مانند ایمان، صبر، توکل، معناجویی، مدیریت هیجان، بصیرت و مسئولیت‌پذیری مقایسه می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود تفاوت در مبانی نظری، هر دو رویکرد بر نقش معنا، امید، روابط حمایتی و رشد در مواجهه با سختی‌ها تأکید دارند. بر این اساس، تلفیق مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا با آموزه‌های معنوی و اخلاقی نهج‌البلاغه می‌تواند الگویی بومی برای تقویت تاب‌آوری و ارتقای بهزیستی روانی نوجوانان فراهم آورد.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری نوجوانان، روان‌شناسی مثبت‌گرا، سلیگمن، نهج‌البلاغه، بهزیستی روانی

بررسی اثربخشی بسته آموزشی چند سوره قرآن بر هوش هیجانی و کم‌رویی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبستان

راضیه کیانی بروجنی، ملوک خادمی اشکذری
گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران
rkiani۲۰۹٦@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش، طراحی و تدوین بسته آموزشی چند سوره از قرآن مبتنی بر طرح فهم قرآن و تعیین اثربخشی آن بر هوش هیجانی و کم‌رویی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی بود. روش پژوهش، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر پایه اول ابتدایی شهر بروجن در سال تحصیلی ۱۴۰۲–۱۴۰۱ بود. از میان آن‌ها، ۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) جایگزین گردیدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مقیاس هوش هیجانی بار–اون و پرسشنامه کم‌رویی کودکان کروزیر بود. بسته آموزشی تدوین‌شده با محوریت سوره‌های حمد، ناس و فلق، طی ۹ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای به گروه آزمایش آموزش داده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بسته آموزشی تدوین‌شده از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که آموزش مبتنی بر فهم قرآن، منجر به افزایش معنادار هوش هیجانی ($p<$ ۰۵/۰) و کاهش معنادار کم‌رویی ($p<$ ۰۵/۰) در دانش‌آموزان گروه آزمایش شد و این اثر در مرحله پیگیری یک‌ماهه نیز پایدار بود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بسته آموزشی مبتنی بر فهم قرآن، با فعال‌سازی تفکر اجتماعی و ابراز احساسات، ابزاری کارآمد برای ارتقای سلامت روان و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان است.

واژگان کلیدی

بسته آموزشی، طرح فهم قرآن، کم‌رویی، هوش هیجانی، دانش‌آموزان پایه اول

بررسی تطبیقی رویکردهای اسلام و روان‌شناسی در تربیت کودک

نفیسه قناعتی
دانشگاه آزاد نجف‌آباد
beigloomaryam@yahoo.com

چکیده

تربیت کودک، سنگ بنای توسعه فردی و اجتماعی و دغدغه اصلی جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. این مقاله با هدف بررسی تطبیقی و ارائه یک الگوی جامع تربیتی، به تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های اسلام و روان‌شناسی در زمینه اهداف، اصول و روش‌های تربیت کودک می‌پردازد. مبنای معرفتی اسلام، وحی و آموزه‌های الهی است که بر کرامت ذاتی انسان، قرب الهی و سعادت اخروی تأکید دارد. در مقابل، روان‌شناسی با تکیه بر روش‌های تجربی و علمی، به بررسی ابعاد جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی رشد کودک می‌پردازد. این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت در مبانی و اهداف غایی، اشتراکات قابل توجهی میان این دو رویکرد در اصول بنیادین (مانند محبت، الگوپذیری، تدریج، تشویق) و روش‌های عملی (مانند توجه به بازی، گفتگو، آموزش مهارت‌های زندگی) وجود دارد. اسلام با تأکید بر ابعاد معنوی و غایت‌گرایی، چارچوبی فراگیر و متعالی ارائه می‌دهد که می‌تواند با یافته‌های علمی روان‌شناسی تلفیق شده و الگوی تربیتی غنی‌تری را برای پرورش نسلی سالم، متعادل و بالنده فراهم آورد.

واژگان کلیدی

تربیت کودک، اسلام، روان‌شناسی، الگوی تربیتی، تربیت دینی

روش تدریس و ویژگی‌های معلمی استاد شهید مرتضی مطهری(ره)

محسن عزیزی ابرقوئی
استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران
mohsen.azizi@qom.ac.ir

چکیده

روش آموزش و تدریس مناسب، و ویژگی‌های معلم خوب از مسائل اصلی است که توجه روان‌شناسان و به‌ویژه روان‌شناسان تربیتی را به خود جلب نموده است. پژوهش‌های زیادی درباره روش‌های آموزش و تدریس مناسب و همچنین ویژگی‌های معلم خوب در حوزه روان‌شناسی تربیتی صورت گرفته و گاه نتایج مفیدی هم به دست آمده است، اما به‌نظر می‌رسد این حیطه پژوهشی از منظر بررسی ویژگی‌های الگوهای برجسته کاستی‌هایی دارد. به‌نظر می‌رسد که جای یک الگوی شایسته و روش مناسب در تدریس که بیشترین بهره‌وری را بتوان از آن برد و هم برای معلم و هم برای متعلم سودمند باشد در نظام‌های آموزشی خالی است. معلم و دانش‌آموز، دو رکن اساسی آموزش و پرورش هستند. آموزش و تدریس، کاری بسیار ظریف و حساس است و هر کسی که سواد یا معلوماتی در زمینه خاصی کسب کرده است، نمی‌تواند معلم موفقی باشد. با توجه به ارزش جایگاه معلم در فرهنگ اسلامی و ایرانی، ما سعی داریم در این مقاله به بررسی گوشه‌ای از ویژگی‌های استاد شهید مطهری در مقام معلمی بپردازیم که از زبان شاگردان برجسته ایشان مطرح شده است. بدون تردید استاد شهید مرتضی مطهری نمونه بارز یک معلم و استاد فرهیخته و یک الگوی شایسته علمی، اخلاقی و عملی برای همه ما و به‌خصوص معلمان و اساتید ما هستند. این مقاله در سه بخش به بررسی ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با تدریس استاد، ویژگی‌های معلمی استاد، و رابطه ایشان با شاگردان تقسیم پرداخته است.

واژگان کلیدی

شهید مرتضی مطهری، روش تدریس، معلم موفق، روش معلمی، روان‌شناسی تربیتی

مراحل رشد و تحول ایمان از منظر قرآن و حدیث

حمیدرضا فاتحی
استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
h.fatehi@riau.ac.ir

چکیده

ایمان مهم‌ترین نیاز واقعی انسان است. هدف این پژوهش، تبیین رشد و تحول ایمان از منظر قرآن و حدیث است. روش این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل گفتمان است که ساختار عبارات قرآن و حدیث را مورد بررسی قرار می‌دهد. مراحل تحول ایمان در قرآن و حدیث، مستقیم بیان نشده، ولی با تحلیل متون، شش مرحله به دست می‌آید و برای هر مرحله جنبه دنیایی آن نیز مطرح می‌شود. مرحله اول که زمینه‌سازی ایمان است، خود فرد دخالتی ندارد و نقش مادر برجسته است. مرحله دوم، که ایمان فطری نامتمایز است، کودک به رفتار ظاهری افراد پیرامون خود توجه دارد و آموزش غیرمستقیم است. مرحله سوم، که آموزش مستقیم جهت شکوفایی استعدادهای فطری است، مرتبه اول اسلام شکل می‌گیرد. مرحله چهارم، که ظهور اندیشه انتقادی و توجه به تجربه دیگران است، مرتبه اول ایمان شکل می‌گیرد. ممکن است فرد در همین مرحله بماند و یا به سوی نگرش دنیایی کشیده شود. مرحله پنجم که بلوغ أشُدّ نام گرفته، اگر مراحل قبل درست شکل گرفته باشد، مرتبه دوم اسلام و ایمان شکل می‌گیرد. در این مرحله، امکان رفتن به مرحله سوم اسلام و ایمان نیز فراهم است. مرحله ششم که بلوغ عقلانی نامیده شده است، مرتبه چهارم اسلام و ایمان حاصل می‌شود. اگر مرتبه سوم در مرحله قبل حاصل نشده باشد، امکان حصول مرتبه سوم و چهارم اسلام و ایمان در این مرحله بیشتر فراهم است.

واژگان کلیدی

تحول ایمان، ایمان فطری، مراتب اسلام، مراتب ایمان، رشد دینی

تحلیل تطبیقی فرآیند رشد و تحول انسان از منظر قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی

صمد مومنی
هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور
samadmomeni۱۹۸۱@gmail.com

چکیده

مطالعه رشد و تحول انسان همواره میان دو رویکرد زیست‌شناختی و روحی مورد توجه بوده است. مسئله اصلی این پژوهش، شکاف موجود میان رویکرد پوزیتیویستی روان‌شناسی مدرن که عمدتاً بر ابعاد رفتاری و شناختی تمرکز دارد و نیاز به تبیین یک الگوی رشد جامع و معنوی است که ابعاد ماورایی و وجودی انسان را نیز لحاظ کند. هدف این مطالعه، تبیین مراحل رشد و تحول انسان بر اساس آیات قرآن کریم و تحلیل تطبیقی آن با مبانی روان‌شناسی اسلامی است. روش پژوهش: این مطالعه از نوع کیفی با رویکرد توصیفی–تحلیلی است. جامعه مورد مطالعه شامل آیات مرتبط با تکوین و تکامل انسان در قرآن کریم و متون کلیدی و بنیادین روان‌شناسی اسلامی (کلاسیک و معاصر) است. نحوه گردآوری داده‌ها از طریق روش اسنادی–کتابخانه‌ای با بررسی نظام‌مند و استخراج مفاهیم کلیدی از منابع دست اول و دوم صورت گرفته است. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوایی و تحلیل تطبیقی برای شناسایی نقاط اشتراک و تمایز میان مدل‌های رشد مادی و معنوی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش: نتایج نشان می‌دهد که در قرآن کریم، رشد و تحول انسان فراتر از تغییرات بیولوژیک، یک سیر تکاملی وجودی است که از مرحله ماده به روح و از نفس اماره به سمت نفس مطمئنه حرکت می‌کند. همچنین رشد انسانی در قرآن با مفاهیم فطرت، خلقت و تزکیه پیوند دارد و تحول انسان در قالب یک مدل خطی نیست، بلکه یک فرآیند صعودی است.

واژگان کلیدی

رشد و تحول، قرآن کریم، روان‌شناسی اسلامی، نفس، تکامل وجودی

واکاوی نقش معلم در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان با بهره‌گیری از نظریه «خودِ گفت‌وگویی» هرمانز و نقد آن بر اساس مبانی اخلاق اسلامی

مریم عزیزی
فارغ‌التحصیل دانشگاه شهید بهشتی
marryaziizii@gmail.com

چکیده

تربیت اخلاقی، به‌عنوان ستون اصلی نظام آموزشی، نیازمند درک عمیقی از فرآیندهای درونی شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش معلم در این حوزه و بهره‌گیری از نظریه «خودِ گفت‌وگویی» هوبرت هرمانز، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های این چارچوب نظری را در بستر اخلاق اسلامی بررسی می‌کند. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی–استنباطی است. یافته‌ها نشان می‌دهد نظریه هرمانز با تأکید بر چندصدایی بودن ذهن، ابزاری کارآمد برای گذار از روش‌های تحمیلی به کنشگری فعال دانش‌آموز است. راهکارهایی چون ایجاد بستر گفت‌وگو، هدایت تأملات درونی و روایت‌گری، به معلم کمک می‌کند تا با شناسایی صداهای متکثر، فضای امنی برای درونی‌سازی ارزش‌ها فراهم آورد. با این حال، نقد این نظریه بر اساس مبانی اخلاق اسلامی چالش‌های جدی را آشکار می‌سازد: غفلت از غایت‌مندی متعالی افعال (قرب الهی)، فقدان معیار وحیانی که منجر به نسبی‌گرایی شود، نادیده گرفتن موانع معنوی مانند نفس اماره و کمرنگ شدن نقش الگوی متعالی (اسوه حسنه) در مقابل خودمختاری محض. نتیجه‌گیری حاکی از آن است که نظریه هرمانز به‌تنهایی کافی نیست. مدل مطلوب، تلفیقی است که در آن معلم از ابزارهای شناختی هرمانز برای مدیریت گفت‌وگوهای درونی استفاده کرده، اما داوری و هدایت نهایی را بر اساس معیارهای ثابت وحیانی و عقلی و با هدف قرب الهی انجام دهد. این رویکرد ترکیبی، ضمن حفظ تعادل روان‌شناختی، دانش‌آموز را به سمت اخلاقی پایدار و معنوی هدایت می‌کند.

واژگان کلیدی

تربیت اخلاقی، خودِ گفت‌وگویی، هوبرت هرمانز، اخلاق اسلامی، نقش معلم

بررسی تاب‌آوری و دین‌داری اسلامی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر برازجان در سال تحصیلی ۱۴۰۳–۱۴۰۴

خاتون پورمودت، شهباز پاپری

استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

pourmaveddat@pnu.ac.ir

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی تاب‌آوری و دین‌داری اسلامی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر برازجان است. روش: در این پژوهش که به روش توصیفی است، ۷۷ دانش‌آموز پایه متوسطه به روش در دسترس انتخاب و پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون و دین‌داری اسلامی صافدل را تکمیل نمودند. برای بررسی فرضیه پژوهش مبتنی بر تفاوت بین افراد با میزان دین‌داری مختلف در زیرمقیاس‌های تاب‌آوری از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. یافته: پس از معنی‌داری آزمون اثر پیلایی، نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که در تمام مؤلفه‌های تاب‌آوری ازجمله زیرمقیاس تصور از شایستگی فردی، اعتماد به غرایز فردی، تحمل عاطفه منفی، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، کنترل و تأثیرات معنوی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بررسی آزمون تعقیبی نیز نشان داد که این تفاوت در زیرمقیاس‌ها بین گروه اول و دوم و اول و سوم معنی‌دار است و در همه گروه‌ها با افزایش دین‌داری تاب‌آوری بیشتری مشاهده می‌شد. نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که با افزایش دین‌داری تاب‌آوری نوجوانان افزایش می‌یابد؛ بنابراین یکی از روش‌های افزایش تاب‌آوری در مشکلات فردی و اجتماعی، تدوین روش‌های مداخله‌ای بر اساس آموزه‌های اسلامی است.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری، دین‌داری اسلامی، باورهای مذهبی، دانش‌آموزان

مرور نظام‌مند الگوها، سازوکارها و کیفیت روش‌شناختی مداخلات مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای سلامت روان

دانش‌آموزان دوره ابتدایی: یک سنتز کیفی شواهد

سید علیرضا کشاورز، سید متین طباطبائیان
دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید سلیمانی، قم، ایران
mantegh۱۳۸۳@gmail.com

چکیده

توجه به سلامت روان در دوران کودکی و نوجوانی اهمیت بسزایی دارد؛ با این حال، مداخلات روان‌شناختی در جوامع مسلمان نیازمند بومی‌سازی دقیق با آموزه‌های دینی است. پژوهش حاضر با هدف مرور دامنه‌ای و سنتز کیفی الگوها، سازوکارها و کیفیت روش‌شناختی مداخلات اسلامی برای ارتقای سلامت روان کودکان و نوجوانان انجام شد. با بهره‌گیری از چارچوب پریزما، مقالات منتشرشده در پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی طی بازه زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ جست‌وجو و پس از غربالگری، ۳۱ مطالعه واجد شرایط با روش تحلیل مضمون براون و کلارک بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد مداخلات اسلامی در چهار رویکرد «مبتنی بر هنر و بازی»، «روایی و الگوسازی قرآنی»، «شناختی–رفتاری» و «اعمال معنوی–عبادی مستقیم» دسته‌بندی می‌شوند. سازوکار اثربخشی این مداخلات عمدتاً از طریق تقلیل علائم درونی‌سازی‌شده (اضطراب و استرس)، بهبود سازگاری اجتماعی، ارتقای تاب‌آوری و تنظیم‌گری فیزیولوژیک است. بررسی کیفیت شواهد نیز لزوم گذر از ابزارهای خودگزارشی به کارآزمایی‌های بالینی استاندارد را نشان داد. نتیجه‌گیری: مداخلات اسلامی، به‌ویژه با بازنمایی عینی مفاهیم انتزاعی (مانند قصه و بازی)، ظرفیت بالایی در پیشگیری از اختلالات روانی داشته و چارچوب کارآمدی برای نظام مشاوره مدارس فراهم می‌کنند.

واژگان کلیدی

سلامت روان، کودکان و نوجوانان، مداخلات اسلامی، مرور دامنه‌ای، مشاوره مدارس

بررسی نقش سبک فرزندپروری والدین در عزت نفس نوجوانان با تأکید بر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی

احد امیدی، محمد اسماعیلی

حوزه علمیه

mohammad.۲۰۰۱۱.esmaeili@gmail.com

چکیده

خانواده نخستین و بنیادی‌ترین بستر شکل‌گیری شخصیت نوجوان به شمار می‌آید و سبک‌های فرزندپروری والدین نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و تحول عزت‌نفس نوجوان دارند. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری والدین در تبیین عزت‌نفس نوجوانان با تأکید بر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی بود. روش پژوهش به لحاظ رویکرد کیفی و به شیوه توصیفی–تحلیلی انجام شده است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه نظام‌مند و تحلیل متون و مقالات علمی–پژوهشی مرتبط با سبک‌های فرزندپروری و عزت‌نفس گردآوری و مورد تبیین قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که سبک فرزندپروری مقتدرانه، به دلیل برخورداری از تعادل میان محبت، پاسخ‌گویی عاطفی و نظارت منطقی، بیشترین تأثیر مثبت را بر عزت‌نفس نوجوانان دارد. در مقابل، سبک فرزندپروری مستبدانه قوی‌ترین عامل تضعیف‌کننده عزت‌نفس نوجوانان شناخته شد. همچنین، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه کمترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی عزت‌نفس نوجوان را نشان داد و سبک فرزندپروری بی‌تفاوت، به دلیل پاسخ‌گویی عاطفی پایین و نظارت حداقلی، نوجوانان را در معرض سطوح بسیار پایین عزت‌نفس قرار می‌دهد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، سبک فرزندپروری والدین نقشی اساسی در تقویت یا تضعیف عزت‌نفس نوجوانان ایفا می‌کند و تربیت مقتدرانه، همسو با یافته‌های روان‌شناختی و آموزه‌های اسلامی، مؤثرترین الگوی تربیتی محسوب می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان راهنمایی علمی برای والدین و مربیان در جهت اصلاح سبک‌های فرزندپروری و ارتقای عزت‌نفس نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

سبک‌های فرزندپروری، عزت‌نفس، نوجوانان، خانواده، تربیت فرزند

نقش معنای زندگی در پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر

محدثه خرسندی کلور، میرعبدالحسن عسکری رانکوه
گروه روان‌شناسی عمومی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
qazalekhorsandiqazale@gmail.com

چکیده

اهمال‌کاری تحصیلی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل عدم موفقیت‌های آموزشی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین شناسایی متغیرهای مرتبط با آن از ضرورت‌های پژوهشی محسوب می‌گردد. هدف پژوهش حاضر تعیین نقش معنای زندگی در پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر رشت بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر رشت در سال تحصیلی ۱۴۰۳–۱۴۰۴ به تعداد ۱۱۸۶۲ نفر بود. از این بین نمونه‌ای به حجم ۳۷۶ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های معنای زندگی (استگر و همکاران) و اهمال‌کاری تحصیلی (سولومون و راثبلوم) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد بین نمره کل معنای زندگی و مؤلفه‌های حضور معنا و جستجوی معنا با نمره کل اهمال‌کاری تحصیلی و مؤلفه‌های آماده شدن برای امتحان، آماده کردن و ارائه مقاله، و آماده کردن و ارائه تکالیف دانش‌آموزان دختر رابطه منفی و معنادار وجود دارد($p<$ ۰۱/۰). نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای جستجوی معنا و حضور معنا به‌صورت منفی و در مجموع ۱۰ درصد از تغییرات اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی می‌کنند($p<$ ۰۱/۰). بر این اساس دلالت‌های ضمنی بر جایگاه و نقش معنای زندگی در کاهش سطوح اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر رشت تأکید دارند.

واژگان کلیدی

معنای زندگی، اهمال‌کاری تحصیلی، دانش‌آموزان دختر، روان‌شناسی اسلامی

بررسی رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی

وحید وردست آرانی
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، اصفهان، ایران
s.atena.naghipour@gmail.com

چکیده

رشد و تحول از بنیادی‌ترین مباحث علوم تربیتی، روان‌شناسی و انسان‌شناسی است که در سنت اسلامی و به‌ویژه در قرآن کریم، جایگاهی محوری دارد. در رویکرد قرآنی، انسان موجودی چندبعدی با ساحت‌های جسمانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی است که مسیر تحول او تنها به تغییرات زیستی و روان‌شناختی محدود نمی‌شود، بلکه غایت آن حرکت از مراتب ابتدایی حیات به سوی کمال، قرب الهی و شکوفایی فطرت انسانی است. در مقابل، روان‌شناسی جدید و نیز روان‌شناسی اسلامی، هر یک با زبان و دستگاه مفهومی خاص خود، به تبیین فرایند رشد، عوامل مؤثر بر تحول شخصیت، شکل‌گیری هویت، رشد اخلاقی، سلامت روان و تعالی معنوی پرداخته‌اند. هدف مقاله حاضر، مرور و تحلیل دیدگاه‌های مربوط به رشد و تحول انسان از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی و نیز مقایسه مفهومی و کارکردی این دو حوزه است. این پژوهش از نوع مروری است و داده‌های آن با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی و پژوهش‌های مرتبط در حوزه قرآن‌پژوهی، تعلیم و تربیت اسلامی و روان‌شناسی اسلامی گردآوری شده است. یافته‌های مورد انتظار نشان می‌دهد که در هر دو رویکرد، رشد انسان فرایندی تدریجی و متأثر از تعامل عوامل درونی و بیرونی است؛ با این تفاوت که در منظر قرآنی، بعد معنوی و غایت‌مدارِ تحول، نقش محوری‌تری دارد. روان‌شناسی اسلامی می‌تواند میان توصیف‌های علمیِ تحول و تبیین‌های ارزشی و غایتمندِ دین، نوعی پیوند روشمند ایجاد کند. بر این اساس، تلفیق ظرفیت‌های مفهومی قرآن و روان‌شناسی اسلامی می‌تواند چارچوبی عمیق برای فهم رشد همه‌جانبه انسان در حوزه‌های تربیتی، مشاوره‌ای و فرهنگی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

رشد انسان، تحول انسان، روان‌شناسی اسلامی، قرآن کریم، تعلیم و تربیت

الگوی تحول «حکمت» در قرآن و روان‌شناسی رشد: مطالعه‌ای تطبیقی با نظریه‌های فراشناخت و خردورزی

فاطمه غفارزاده، محمد شفیق اسکی

دانشجو

fatemeh۸۵.gh۴۳۱@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی تحول «حکمت» در قرآن و مطالعه تطبیقی آن با نظریه‌های فراشناخت و خردورزی در روان‌شناسی رشد انجام شد. طرح پژوهش کیفی و در دو مرحله بود؛ در مرحله نخست، با روش تحلیل محتوای کیفی، ۴۷ آیه از قرآن کریم که به‌صورت هدفمند انتخاب شده بودند، تحلیل شدند و در مرحله دوم، الگوی به‌دست‌آمده با ابعاد سه‌گانه خرد در مدل آردلت و مؤلفه‌های دانش و تنظیم فراشناختی مقایسه گردید. یافته‌ها نشان داد حکمت در قرآن در قالب الگویی سلسله‌مراتبی شامل سه مرحله حکمت نظری، حکمت عملی و حکمت نوری قابل تبیین است. حکمت نظری بر فهم عمیق حقایق، حکمت عملی بر تخلق اخلاقی و تهذیب نفس، و حکمت نوری بر بصیرت معنوی، قلب سلیم و رحمت گسترده دلالت دارد. تحلیل تطبیقی نشان داد الگوی قرآنی هر سه بُعد شناختی، تأملی و عاطفی خرد را در بر می‌گیرد و با مؤلفه‌های فراشناختی هم‌سوست، اما از حیث خاستگاه الهی حکمت، گسترش بُعد عاطفی تا مرز رحمت عام و محوریت قلب سلیم از الگوهای روان‌شناختی متمایز می‌شود. این نتایج می‌تواند مبنایی برای طراحی ابزارهای بومی سنجش حکمت و برنامه‌های تربیتی مبتنی بر آموزه‌های قرآن فراهم آورد.

واژگان کلیدی

حکمت قرآنی، الگوی تحولی، فراشناخت، خردورزی، روان‌شناسی رشد

رشد و تحول معنوی انسان از منظر قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی

مسعود حدادی کهنموئی، ابوالفضل کلب خانی
معاون پژوهش مدرسه علمیه امام خمینی(ره) شهرستان خوی
mhk٦٦٢٣@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی رشد و تحول معنوی انسان از منظر قرآن کریم و تبیین چگونگی تعامل آن با مبانی روان‌شناسی اسلامی انجام شده است. مسئله اصلی آن است که آیا مدل رشد قرآنی و مدل روان‌شناسی اسلامی دو مسیر موازی و ناهمگون‌اند یا در یک نظام واحد یکدیگر را تکمیل می‌کنند. روش پژوهش توصیفی–تحلیلی و از نوع تحلیل محتوای کیفی است و جامعه متنی آن را آیات قرآنی مرتبط با رشد، تزکیه، فلاح، فطرت و مراتب نفس، همراه با تفاسیر معتبر و آثار روان‌شناسی اسلامی تشکیل می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد معنوی در قرآن فرآیندی فطرت‌محور، اختیاری و غایت‌مند است که از «فطرت الهی» آغاز و با «تزکیه» و «مجاهدت» به «نفس مطمئنه» و «قرب الهی» می‌رسد. روان‌شناسی اسلامی با ترسیم مراتب نفس (امّاره، لوّامه، ملهمه، مطمئنه) و تأکید بر «جهاد اکبر»، همین مسیر را در قالب یک مدل روان‌شناختی بازتولید می‌کند. تفاوت متدولوژیک این دو رویکرد در آن است که قرآن از منظر وحیانی و غایت‌شناسانه به رشد می‌نگرد، در حالی که روان‌شناسی اسلامی با روشی توصیفی–تحلیلی فرآیندهای درونی تحول را تبیین می‌کند. در مقایسه با مدل‌های روان‌شناسی مدرن (مزلو و اریکسون)، مدل قرآنی–اسلامی از سه جهت برتری دارد: غایت‌مندی متعالی (قرب الهی) در برابر خودشکوفایی دنیوی، پیوند ابعاد شناختی، اخلاقی و معنوی، و پیش‌بینی مسیرهای انحراف و بازگشت. نتیجه آنکه تلفیق آموزه‌های قرآنی و روان‌شناسی اسلامی الگویی جامع، کارآمد و قدسی برای تعالی انسان معاصر ارائه می‌دهد که در آن سلامت دنیوی و سعادت اخروی در «حیات طیبه» به هم پیوند می‌خورند.

واژگان کلیدی

رشد و تحول معنوی، روان‌شناسی اسلامی، رشد فطری، تعالی نفس، قرآن کریم

تبیین نقش الگوهای تربیتی و فعالیت‌های پرورشی در نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار در مدارس متوسطه

حجت‌اله غفاری، سمانه صفری‌نژاد

دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

hojatollah.ghaffari@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش الگوهای تربیتی و فعالیت‌های پرورشی در نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار در مدارس متوسطه انجام شده است. روش این پژوهش با رویه کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. شرکت‌کنندگان ۲۰ نفر از مدیران، معلمان و دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم شهر شیراز بودند که با کمک روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها به‌وسیله مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با روش تحلیل مضمون براون و کلارک تجزیه‌وتحلیل شد. برای افزایش اعتبار داده‌ها، معیارهای لینکن و گوبا مورد استفاده قرار گرفتند. بر اساس یافته‌ها، تحلیل داده‌ها به شناسایی شش مضمون اصلی انجامید که عبارت‌اند از الگوسازی رفتاری مربیان، فضای تربیتی حمایتگر، تجربه عملی و مشارکت دانش‌آموزان، مسئولیت اجتماعی، تقویت همدلی، هماهنگی میان پیام‌های تربیتی و عملکرد مدرسه، و موانع نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار. بر اساس یافته‌ها، نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار فرایندی تدریجی و متکی بر تجربه می‌باشد که از الگوبرداری از مربیان آغاز شده و با مشارکت عملی دانش‌آموزان در فضایی حمایتگر تداوم یافت. در نتیجه فرهنگ ایثار زمانی ماندگار می‌شود که از یک موضوع آموزشی به تجربه زیسته مدرسه‌ای تبدیل می‌شود. رفتار الگویی مربیان، فضای حمایتگر، مشارکت فعال دانش‌آموزان، و هماهنگی میان خانواده و مدرسه از مؤلفه‌های اصلی این فرایند هستند و مدارس با فعالیت‌های گروهی و داوطلبانه و توانمندسازی معلمان می‌توانند زمینه نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار را فراهم نمایند.

واژگان کلیدی

فرهنگ ایثار، الگوهای تربیتی، نهادینه‌سازی، فعالیت‌های پرورشی، دوره متوسطه

مبانی روان‌شناختی تربیت انسان در قرآن کریم و اندیشه تربیتی امام شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

محسن تقی‌زاده

مسئول علمی، سطح ۳ حوزوی، فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران

mt۱۳۵۶۸۸۵@gmail.com

چکیده

تربیت انسان یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های مکتب اسلام و در رأس آن قرآن کریم است که با نگاهی عمیق به لایه‌های درونی وجود آدمی، نظامی منسجم از مبانی روان‌شناختی برای فرآیند تعلیم و تربیت ارائه می‌کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی روان‌شناختی تربیت انسان در قرآن کریم و بازخوانی آن در اندیشه تربیتی امام شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای است که در آن با مراجعه به آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر، آثار مکتوب علمای اسلامی و بیانات رهبر انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های روان‌شناختی مؤثر در تربیت دینی استخراج و با روش تحلیل محتوای کیفی دسته‌بندی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مبانی روان‌شناختی تربیت در قرآن کریم حول محورهایی چون فطرت، قلب، نفس با مراتب سه‌گانه آن، عقل، اراده و نظام انگیزشی مبتنی بر خوف و رجا شکل گرفته است و اندیشه تربیتی آیت‌الله خامنه‌ای این مبانی را در قالب مفاهیمی چون خودسازی، بصیرت، تزکیه، و هویت انقلابی بازتولید و برای عرصه اجتماعی و تمدنی بسط داده است. نوآوری پژوهش در تبیین نسبت میان لایه فردی–روانی تربیت قرآنی با لایه اجتماعی–تمدنی اندیشه تربیتی رهبر انقلاب و ارائه الگویی تلفیقی از این دو ساحت است که در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش می‌تواند برای طراحی الگوهای تربیتی حوزوی و دانشگاهی مبتنی بر مبانی وحیانی و منطبق با نیازهای عصر حاضر مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی تربیتی، قرآن کریم، فطرت، تزکیه نفس، آیت‌الله خامنه‌ای

اصول رشد بر اساس منابع اسلامی

محمدرضا احمدی
گروه روان‌شناسی مؤسسه امام خمینی قم، ایران
m.r.ahmadi۳۱۳@gmail.com

چکیده

یکی از مسائل مهم در روان‌شناسی رشد، شناسایی قواعد و قوانین حاکم بر تغییرات انسان در گستره تحول است. روان‌شناسی معاصر اصول و قواعد نسبتاً فراگیری را برای این تحولات در طول زندگی انسان از انعقاد نطفه تا مرگ مطرح می‌کند. رویکرد روان‌شناسی اسلامی نیز با تکیه بر منابع اسلامی این اصول و قواعد را مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش حاضر در صدد شناسایی این اصول حاکم بر روند تحول در گستره عمر انسان بر اساس منابع اسلامی است. روش پژوهش تحلیل محتوای دینی است که با مراجعه به منابع اسلامی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی به طبقه‌بندی آیات و روایات پرداخته و سپس به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد بر اساس منابع اسلامی رشد در گستره عمر انسان از چهار اصل نسبتاً فراگیر تبعیت می‌کند که عبارت‌اند از: نخست، رشد مرحله‌ای و ناپیوسته است؛ دوم، رشد در انسان تابع اصل تفاوت‌های فردی است؛ سوم، رشد در ابعاد مختلف قابل پیش‌بینی است؛ و چهارم، مراحل رشد دارای مراحل حساس است. همچنین یافته‌ها حکایت از وجود مراحل حساس دیگری و متفاوت از آنچه در روان‌شناسی معاصر بیان می‌شود، دارد.

واژگان کلیدی

اصول رشد، روان‌شناسی اسلامی، منابع اسلامی، مراحل تحول

تأثیر بازی‌های آموزشی در هوش معنوی و میزان یادگیری درس تعلیمات دینی دانش‌آموزان ابتدایی شهر تهران

هدا حیدری
دبیر معارف آموزش و پرورش منطقه ۱۵ تهران
heidariazra@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر بازی‌های آموزشی در هوش معنوی و میزان یادگیری درس تعلیمات دینی دانش‌آموزان ابتدایی شهر تهران بوده است. روش پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش، کمی از نوع نیمه‌تجربی بوده و از نظر گردآوری اطلاعات و داده‌ها، از نوع پیمایشی می‌باشد؛ همچنین بر اساس نحوه اجرا از نوع میدانی (پرسشنامه) و کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) بوده است. نتیجه‌گیری پژوهش از نوع مقایسه گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تهران در سال ۱۴۰۳–۱۴۰۴ به تعداد ۶۵۳ هزار نفر بوده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری در دسترس به‌صورت گروه همگن بوده است. نمونه پژوهش دو کلاس از یک مدرسه ابتدایی شهر تهران انتخاب گردید. هر کلاس درس شامل ۳۰ دانش‌آموز بوده که در مجموع، ۶۰ نفر دانش‌آموز بود. ابزار پژوهش بازی‌های آزمایشی، پرسشنامه استاندارد میزان یادگیری یانگ، کلمز و مورفی و پرسشنامه استاندارد هوش معنوی کینگ بوده است. به‌منظور تحلیل داده‌های این پژوهش از آزمون کوواریانس استفاده شد. نتایج نشان داد بازی‌های آموزشی بر هوش معنوی و میزان یادگیری تعلیمات دینی دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی

بازی‌های آموزشی، هوش معنوی، یادگیری، درس تعلیمات دینی، دانش‌آموزان ابتدایی

آثار سعادت از دیدگاه قرآن

زهرا عبادی
آموزش و پرورش
saeedalmasi۲۸۸@gmail.com

چکیده

رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت از مهم‌ترین آمال و آرزوهای آدمی و برخاسته از فطرت اوست. دین مبین اسلام به‌عنوان دین جامع و کامل پیرامون مسئله سعادت نظریه خاص و ممتازی دارد که می‌توان آن را از منابعی همچون قرآن و سنت به دست آورد. هدف این تحقیق ارائه تعریف قرآنی از سعادت و آثار آن در زندگی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی است و سؤال تحقیق این است که از منظر قرآن کریم سعادت چیست و چه آثار گران‌سنگی در زندگی انسان دارد؟ در تحقیق پیش رو هدف یادشده و سؤال تحقیق با تکیه بر دیدگاه قرآن کریم و با روش کتابخانه‌ای– تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است تا جویندگان سعادت را به حقیقت این آرزوی بشر آشنا و به مسیر دستیابی به آن رهنمون سازد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که سعادت برای همه جوامع بشری مفید و آینده‌ساز هست و خواهد بود.

واژگان کلیدی

سعادت، آثار، قرآن، حدیث، فطرت

رشد و تحول انسان در منظومه قرآن و روان‌شناسی اسلامی: تبیین مراحل، عوامل و غایت کمال انسان

محمد رضا افروغ
دانشگاه فرهنگیان
mohammadrezaafroogh۹۷@gmail.com

چکیده

مسئله رشد و تحول انسان از بنیادی‌ترین مسائل مشترک میان قرآن، علوم انسانی و روان‌شناسی است؛ با این تفاوت که قرآن، برخلاف بسیاری از رویکردهای روان‌شناختی جدید، رشد را صرفاً فرایندی زیستی، شناختی یا اجتماعی نمی‌داند، بلکه آن را حرکتی چندساحتی و غایت‌مند از وضعیت بالقوه انسانی به سوی شکوفایی فطری، تزکیه نفس، تقوا، اطمینان قلب و قرب الهی تلقی می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از تحلیل مفهومی آیات قرآن، منابع تفسیری و آثار اندیشمندان اسلامی و نیز مطالعات معاصر روان‌شناسی اسلامی، درصدد تبیین مراحل، عوامل، موانع و غایت رشد انسان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در منظومه قرآنی، انسان دارای ساختاری چندلایه شامل جسم، نفس، عقل، قلب و روح است و رشد حقیقی زمانی تحقق می‌یابد که این ساحت‌ها در چارچوب توحید و اخلاق با یکدیگر هماهنگ شوند. مفاهیمی همچون فطرت، عقل، اختیار، نفس اماره، نفس لوامه، توبه، تزکیه، تقوا، ذکر و نفس مطمئنه را می‌توان اجزای یک فرایند پویا و غیرخطی در تحول انسان دانست. همچنین، پژوهش‌های جدید روان‌شناسی اسلامی، از جمله دیدگاه‌های معاصر درباره شخصیت قرآنی و مراحل رشد، امکان بازسازی علمی‌تر این نظام مفهومی را فراهم کرده‌اند. بر اساس یافته‌ها، می‌توان الگوی «رشد یکپارچه توحیدی» را پیشنهاد کرد که در آن رشد شناختی، هیجانی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی در یک نظام منسجم و غایت‌محور قرار می‌گیرند. غایت نهایی این فرایند، صرفاً سازگاری روان‌شناختی یا رضایت شخصی نیست، بلکه رسیدن به فلاح، آرامش وجودی، عبودیت آگاهانه و قرب الهی است.

واژگان کلیدی

رشد انسان، تحول شخصیت، قرآن، روان‌شناسی اسلامی، فطرت، تزکیه نفس

پیشگیری از آسیب‌های روان‌شناختی معلمان با تکیه بر آموزه‌های معنوی صحیفه رابعه سجادیه

سیدمحسن طباطبایی، وحیده عامری بافقی
گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران
smtaba@iau.ir

چکیده

معلمان به‌عنوان ارکان هدایت تربیتی، به‌طور مداوم در معرض آسیب‌های روان‌شناختی ناشی از استرس شغلی، فرسودگی هیجانی، تشتت شناختی و بحران‌های معنایی قرار دارند؛ آسیب‌هایی که الگوهای متداول روان‌شناسی مدرن به دلیل غفلت از لنگرگاه وجودی و معنوی انسان، کارآمدی محدودی در پیشگیری بنیادین آن‌ها دارند. پژوهش حاضر با روش تحلیل توصیفی–تحلیلی درون‌متنی و با تکیه بر آموزه‌های دعای ۵۸ صحیفه رابعه سجادیه (گردآوری محدث نوری)، به طراحی «الگوی پنج‌سطحی پیشگیری از آسیب‌های روان‌شناختی معلمان» می‌پردازد. این الگو مشتمل بر پنج سطح پیشگیرانه است: تنظیم هیجانی برای مهار اضطراب و افسردگی، صیانت شناختی جهت مقابله با وسواس و تشتت ذهنی، حفظ تعادل زیستی–روانی برای پیشگیری از فرسودگی مفرط، پالایش اخلاقی به‌منظور پیشگیری از فرسایش روابط بین‌فردی و در نهایت، بازسازی شناختی–وجودی مبتنی بر تفویض و توکل فعال. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این منظومه تعاملی، به‌عنوان چارچوبی اسلامی و کاربردی، می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌های کلان در نظام تعلیم و تربیت و تدوین بسته‌های مداخله‌ای برای توانمندسازی معلمان و ارتقای سلامت روان در محیط‌های آموزشی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

آسیب‌های روان‌شناختی، روان‌شناسی اسلامی، صحیفه سجادیه، سلامت معنوی، معلمان

الگوی تاب‌آوری دیجیتال مبتنی بر آموزه‌های قرآنی تقوا و ضبط نفس جهت کاهش نشانگان اعتیاد به فضای مجازی در نوجوانان

اسما سادات قنادزاده تفتی

معاون آموزشی دبستان دخترانه سوده، شهرستان سیرجان، ایران

gharechae@gmail.com

چکیده

گسترش استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، در کنار فرصت‌های ارتباطی و آموزشی، با افزایش نشانگان اعتیاد به فضای مجازی، کاهش خودنظم‌بخشی و تضعیف تعاملات اجتماعی نوجوانان همراه شده است. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی مفهومی برای ارتقای تاب‌آوری دیجیتال نوجوانان بر اساس آموزه‌های قرآنی تقوا و ضبط نفس انجام شد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل اسنادی کیفی و سنتز نظری، در چهار گام شامل واکاوی ترمینولوژیک مفاهیم قرآنی، تحلیل سازوکارهای عصب‌روان‌شناختی وابستگی دیجیتال، نگاشت تطبیقی سازه‌های قرآنی با مؤلفه‌های روان‌شناختی و تلفیق نهایی یافته‌ها انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که تقوا، غضّ بصر، صبر، نهی نفس از هوی و پرهیز از لغو می‌توانند در قالب مؤلفه‌های پایشگری درونی، مدیریت توجه، تأخیر در ارضای نیاز، تنظیم هیجان و هدف‌گزینی متعالی تبیین شوند. بر اساس الگوی پیشنهادی، تأثیر آموزه‌های قرآنی بر تاب‌آوری دیجیتال در چهار سطح بینشی، شناختی–توجهی، هیجانی و رفتاری جریان می‌یابد و نوجوان را از مصرف‌کننده‌ای واکنشی به کاربری آگاه، خودتنظیم و هدفمند تبدیل می‌کند. نتیجه‌گیری نشان داد که برخلاف مداخلات صرفاً فنی مانند محدودسازی زمانی یا سم‌زدایی دیجیتال، تقویت کنترل درونی و معنابخشی به خویشتن‌داری می‌تواند زمینه پایدارتری برای کاهش رفتارهای اعتیادگونه فراهم آورد. آزمون تجربی اثربخشی این الگو در مطالعات آینده ضروری است.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری دیجیتال، تقوا، ضبط نفس، اعتیاد به فضای مجازی، نوجوانان

اثربخشی آموزش تاب‌آوری تحصیلی توحیدی‌محور بر ابعاد شخصی، اجتماعی، محیطی و متعالی بهزیستی معنوی در دانش‌آموزان

زهرا ترازی، سید احسان افشاری‌زاده
استادیار، گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
taraziza۸۸@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش تاب‌آوری تحصیلی توحیدی‌محور بر بهزیستی معنوی دانش‌آموزان دختر انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری سه‌هفته‌ای همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه یازدهم دوره دوم متوسطه مدارس غیردولتی منطقه ۱۴ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳–۱۴۰۴ بود. ۳۴ دانش‌آموز ۱۶ تا ۱۸ ساله به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. پس از ریزش نمونه، داده‌های ۳۰ دانش‌آموز، شامل ۱۵ نفر در هر گروه، تحلیل شد. گروه آزمایش در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش تاب‌آوری تحصیلی توحیدی‌محور دریافت کرد؛ گروه گواه مداخله‌ای دریافت نکرد. ابزار پژوهش، پرسشنامه بهزیستی معنوی گومز و فیشر بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره با اندازه‌گیری‌های مکرر در قالب طرح آمیخته تحلیل شدند. نتایج نشان داد تعامل زمان و گروه در مجموعه مؤلفه‌های بهزیستی معنوی معنادار است($F=۳۴/۶$، $p<۰۰۱/۰$). آموزش بر مؤلفه‌های متعالی، شخصی و اجتماعی اثر معنادار داشت، اما اثر آن بر مؤلفه محیطی معنادار نبود($p=۱۲/۰$). همچنین، بخشی از تغییرات ایجادشده در مؤلفه‌های معنادار تا مرحله پیگیری حفظ شد. بنابراین، آموزش تاب‌آوری تحصیلی توحیدی‌محور می‌تواند در ارتقای بهزیستی معنوی دانش‌آموزان دختر، به‌ویژه در ابعاد متعالی، شخصی و اجتماعی، مؤثر باشد.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری تحصیلی، رویکرد توحیدی، بهزیستی معنوی، دانش‌آموزان دختر، آموزش دینی

نقش معنویت در ارتقای سلامت روان نوجوانان با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم

رضا رافتی
دانشگاه امام رضا(ع)
rafatireza٤٧@gmail.com

چکیده

نوجوانی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل رشد انسان است که با تحولات گسترده‌ای همراه است. نوجوان علاوه بر مواجهه با تغییرات رشدی، با چالش‌هایی همچون شکل‌گیری هویت، نیاز به استقلال، فشارهای تحصیلی و اجتماعی، نگرانی درباره آینده و جست‌وجوی معنا و هدف در زندگی مواجه است. لذا توجه به سلامت روان نوجوانان و شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان، معنویت می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع مهم درونی انسان، از طریق تقویت آرامش، امید، هدفمندی، تاب‌آوری و سازگاری با مشکلات، در ارتقای سلامت روان نقش داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش معنویت در ارتقای سلامت روان نوجوانان با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم انجام شد. این پژوهش از نظر رویکرد، کیفی و از نظر روش، اسنادی–تحلیلی است. داده‌ها از طریق بررسی آیات قرآن کریم، تفاسیر، کتاب‌ها و پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با معنویت، سلامت روان و ویژگی‌های دوره نوجوانی گردآوری و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که ایمان، توکل، ذکر و یاد خدا، صبر، امید، شکرگزاری، معنا و هدفمندی زندگی و ارتباط با خداوند از مهم‌ترین مؤلفه‌های معنوی مورد تأکید قرآن کریم هستند که می‌توانند در تقویت سلامت روان نوجوانان نقش داشته باشند. همچنین شواهد پژوهشی بیانگر ارتباط معنویت و دینداری درونی‌شده با بهزیستی روان‌شناختی، رضایت از زندگی، عزت‌نفس، احساس معنا و کاهش برخی مشکلات روان‌شناختی است. بر این اساس، بهره‌گیری هدفمند و متناسب با ویژگی‌های رشدی نوجوانان از آموزه‌های قرآن کریم می‌تواند به‌عنوان مؤلفه‌ای مکمل در برنامه‌های تربیتی و ارتقای سلامت روان مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

نوجوانی، سلامت روان، معنویت، قرآن کریم، تربیت دینی

امید و سعادت در قرآن؛ تبیین عوامل و پیامدهای تربیتی

سمیه سلمانیان
استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
s.salmanian@basu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین مفهوم امید و سعادت در قرآن کریم و تحلیل عوامل مؤثر بر تحقق آن‌ها و پیامدهای تربیتی و اخلاقی این مفاهیم انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش آن است که قرآن کریم چگونه امید را در ارتباط با سعادت انسان تبیین می‌کند و چه عوامل و زمینه‌هایی را در تحقق آن مؤثر می‌داند. پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد تفسیر موضوعی، آیات مرتبط با امید، سعادت، ایمان، عمل صالح، تقوا، استغفار، صبر، توکل و نصرت الهی را بررسی و تحلیل کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در منطق قرآن، امید حقیقی بر ایمان به خداوند، اعتماد به رحمت و نصرت الهی و التزام به عمل صالح استوار است و در کنار تقوا، صبر و استغفار، زمینه تحقق سعادت انسان را فراهم می‌سازد. از این منظر، سعادت قرآنی صرفاً برخورداری از لذت و آسایش دنیوی نیست، بلکه حاصل پیوند ایمان، عمل و جهت‌گیری الهی زندگی و دستیابی به آرامش و رستگاری است. همچنین، تقویت امید، صبر در برابر دشواری‌ها، اعتماد به خداوند و شکرگزاری از مهم‌ترین پیامدهای تربیتی این آموزه‌هاست که می‌تواند در اصلاح نگرش، رفتار و سبک زندگی انسان نقش‌آفرین باشد. بر این اساس، قرآن کریم الگویی از سعادت ارائه می‌دهد که در آن امید نه یک خوش‌بینی منفعلانه، بلکه نیرویی تربیتی برای حرکت انسان در مسیر رشد اخلاقی و معنوی است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، امید، سعادت، عوامل سعادت، تربیت

نقش نگرش مثبت دینی در ارتقای بهداشت روانی نوجوانان: تبیین روان‌شناختی و تربیتی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

رضا رافتی، علیرضا مصحفی، مهدی لشکری

دانشگاه امام رضا(ع)

rafatireza۴۷@gmail.com

چکیده

نوجوانی یکی از حساس‌ترین مراحل تحول انسان است که با تغییرات سریع جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و هویتی همراه است. بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، حدود یک نفر از هر هفت نوجوان ۱۰ تا ۱۹ ساله در جهان با یکی از اختلالات سلامت روان مواجه است. از این‌رو، شناسایی عوامل حمایت‌کننده از سلامت روان نوجوانان اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش نگرش مثبت دینی در ارتقای سلامت روان نوجوانان با تأکید بر آموزه‌های اسلامی انجام شده است. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، مروری–تحلیلی است و با بررسی منابع علمی داخلی و خارجی، مطالعات تجربی، مرورهای نظام‌مند و اسناد معتبر انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد نگرش ساختاری چندبعدی شامل مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است و نگرش مثبت دینی زمانی ظرفیت بیشتری برای حمایت از سلامت روان دارد که باورهای دینی با تجربه عاطفی مثبت، معنای شخصی، امید، خودکنترلی و رفتار اخلاقی همراه شوند. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد معنویت و دینداری با هدفمندی زندگی، رضایت از زندگی، تاب‌آوری و خودکنترلی ارتباط دارند و در برخی مطالعات با کاهش نشانه‌های اضطراب و افسردگی همراه بوده‌اند. با این‌حال، نوع و کیفیت دینداری اهمیت دارد و مقابله دینی منفی می‌تواند با پیامدهای نامطلوب روانی همراه باشد. در مجموع، نگرش مثبت دینی می‌تواند یکی از منابع بالقوه حمایت روانی–اجتماعی نوجوانان باشد؛ مشروط بر آنکه تربیت دینی بر آگاهی، گفت‌وگو، محبت، کرامت انسانی و معنابخشی استوار باشد.

واژگان کلیدی

نگرش مثبت دینی، دینداری، معنویت، سلامت روان، نوجوانان، تربیت دینی

خوانش امیدآفرینی در قرآن کریم با نگاهی به اشعار حافظ شیراز

احمد لامعی گیو، سمیه اقبالی نسب
دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بیرجند
somaye.eghbali٦٥@gmail.com

چکیده

امید، یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم قرآنی است که در سراسر آثار ادبی، به‌ویژه در دیوان اشعار حافظ، بازتاب گسترده‌ای یافته است. حافظ شاعر غزل‌سرای مشهور ادبیات فارسی، با بهره‌گیری از مفاهیم انسان‌ساز قرآن از جمله امیدآفرینی، توانسته است بسیاری از جلوه‌های متعالی قرآن را ملموس و عینی نماید. این مقاله با روش توصیفی–تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به بررسی جلوه‌های امیدآفرینی در دیوان حافظ و پیوند آن با مضامین قرآنی می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش آن است که حافظ چگونه از داستان‌های قرآنی، مفاهیم توحیدی و آموزه‌های اسلامی برای ایجاد و تقویت امید در مخاطب بهره گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حافظ با استفاده از تلمیحات قرآنی چون داستان یوسف، نوح، موسی و عیسی(علیهم‌السلام)، و با به‌کارگیری ساختارهای بلاغی مانند تکرار، تضاد و استعاره، امیدی عقلانی و متعادل را در برابر یأس و ناامیدی ترسیم می‌کند. امید در نگاه حافظ نه خوش‌بینی ساده‌لوحانه، بلکه آگاهی از سنت‌های الهی، توکل بر تدبیر خداوند و پذیرش گذرای بودن سختی‌هاست. این پژوهش می‌تواند الگویی برای مطالعات میان‌رشته‌ای میان تفسیر ابعاد مختلف قرآن از جمله حوزه روان‌شناسی و ادبیات فارسی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

امیدآفرینی، حافظ، قرآن، ادبیات فارسی، تلمیح، توکل

الگوی فرایندی تعامل والد–فرزند در قرآن کریم و روایات امامیه: تحلیل محتوای جهت‌دار بر پایه نظریه‌های روان‌شناسی رشد

سیدمحمدعلی آقایی
طلبه سطح ۴ حوزه علمیه، کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، قم، ایران
aliaghaei.psy@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نظام معرفتی اسلام درباره خانواده به‌مثابه بستری پویا برای رشد تحولی روابط والد–فرزند انجام شده است. با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای جهت‌دار و واکاوی ۱۸ آیه هسته‌ای از قرآن کریم و بیش از ۱۵ روایت از منابع حدیثی امامیه، بدنه مفهومی تحقیق در قالب ۱۶ محور قرآنی و ۲۵ محور روایی–تفسیری بسط یافته و به سازه‌های روان‌شناختی قابل‌مقایسه تبدیل شده است. دستاورد این فرایند، صورت‌بندی الگویی جامع و چهارمرحله‌ای از تحول نقش‌های متقابل والد–فرزند است: کودکی اول (تولد تا ۷ سال)، کودکی دوم (۷ تا ۱۴ سال)، نوجوانی (۱۴ تا ۲۱ سال) و جوانی (پس از ۲۱ سالگی). بر اساس این الگو، نقش فرزند از «سیادت و بازی» به «اطاعت»، سپس «وزارت مشروط» و در نهایت «تکالیف بالغانه متقابل» نظیر احسان، احترام، شکر و انفاق گذار می‌کند. در مقابل، نقش والدین نیز از «تأمین و پرورش» به «تربیت ساختارمند» و در نهایت «محبت و دعا» تغییر می‌یابد. همگرایی این مدل با شش نظریه برجسته روان‌شناسی رشد و جامعه‌شناسی خانواده (اریکسون، بالبی–اینزورث، باومریند، گروتوانت–کوپر، بوئن، و بنگستون–رابرتز) مورد تحلیل قرار گرفته است. نوآوری اصلی این مطالعه در تلفیق هم‌زمان سه ضلع خانواده (پدر، مادر، فرزند) در طول مسیر رشد، صورت‌بندی صریح نسبت میان محتوای روایی و بنیان‌های قرآنی، و بازخوانی نقادانه نظریه‌های روان‌شناختی از منظر فرافرهنگی نهفته است. یافته‌های این پژوهش به‌مثابه بازسازی مفهومی متن، چارچوبی نظری برای روان‌شناسی بومی خانواده فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی

الگوی تعامل والد–فرزند، خانواده در قرآن و روایات، تحلیل محتوای جهت‌دار، روان‌شناسی رشد، نظریه دلبستگی

نظریه یادگیری کند ایلریس و تطبیق مفهومی آن با آموزه‌های قرآن کریم

راضیه جماعتی اردکانی، حمید روستائی صدرآبادی
گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران
jamaati@ardakan.ac.ir

چکیده

یادگیری از بنیادی‌ترین مفاهیم روان‌شناسی تربیتی است و تبیین ابعاد مختلف آن، از اهمیت نظری و کاربردی برخوردار است. نظریه یادگیری کنود ایلریس از رویکردهای جامع به یادگیری انسانی است که یادگیری را فرایندی چندبعدی می‌داند. هدف مقاله حاضر، تحلیل مؤلفه‌های اصلی نظریه ایلریس و بررسی هم‌پوشانی‌های مفهومی آن با برخی آموزه‌های قرآن کریم درباره یادگیری، تجربه، تحول درونی و تعامل اجتماعی است. پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کیفی و از نوع تحلیل مفهومی–تطبیقی است. در بخش نخست، مؤلفه‌های اصلی نظریه ایلریس بر اساس آثار اصلی وی استخراج و سازمان‌دهی شد؛ سپس مجموعه‌ای از آموزه‌ها و آیات مرتبط با علم، تفکر، تجربه، ابتلاء، تزکیه و تعامل اجتماعی در قرآن کریم، با توجه به منابع تفسیری مورد استفاده در مقاله، بررسی و در نهایت از حیث کارکرد و معنای تربیتی با مؤلفه‌های نظریه مقایسه شد. یافته‌ها نشان داد که میان برخی مؤلفه‌های این نظریه و آموزه‌های قرآنی، به‌ویژه در تأکید بر درهم‌تنیدگی فرایندهای شناختی، عاطفی و اجتماعی، یادگیری از تجربه و امکان تغییر درونی، هم‌پوشانی‌های مفهومی قابل توجهی وجود دارد. با این‌حال، این شباهت‌ها به معنای همسانی یا معادل‌بودن دو چارچوب نیست؛ زیرا نظریه ایلریس در چارچوب روان‌شناسی تربیتی معاصر صورت‌بندی شده، در حالی که آموزه‌های قرآن در منظومه‌ای دینی، انسان‌شناختی، اخلاقی و هدایتی قرار دارند. بنابراین، استفاده از نظریه ایلریس برای خوانش برخی ظرفیت‌های تربیتی آموزه‌های قرآن می‌تولند زمینه‌ای برای گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای میان علوم تربیتی و مطالعات قرآنی فراهم کند، مشروط بر آنکه مرزهای مفهومی و مبانی متفاوت دو حوزه حفظ شود.

واژگان کلیدی

یادگیری چندبعدی، یادگیری تحول‌آفرین، تفکر، تدبر، تزکیه

تبیین مهارت‌های آمادگی برای ایفای نقش زنانه در دختران نوجوان بر اساس الگوی قرآنی زن مسلمان

سپیده آزادشهرکی، مریم سعیدمحمدی، مرضیه زرگری، مائده خدابنده‌لو
sepiide۲۰۲٤@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مهارت‌های آمادگی برای ایفای نقش زنانه در دختران نوجوان بر اساس الگوی قرآنی انجام شده است. با توجه به اینکه دوره نوجوانی مرحله کلیدی شکل‌گیری هویت است و برنامه‌های تربیتی موجود غالباً از تبیین مهارت‌های دینی در این حوزه غافل هستند، ضرورت طراحی یک چارچوب مهارتی مبتنی بر قرآن احساس می‌شود. این پژوهش با رویکرد کیفی و از طریق تحلیل مفهومی و محتوای آیات قرآن و الگوهای زنان شایسته انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی زن مسلمان دارای ابعاد ایمانی، اخلاقی، فردی، خانوادگی و اجتماعی است که تحقق آن‌ها نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی، اخلاقی و ارتباطی است؛ از جمله: خودشناسی، هویت‌یابی دینی، عفاف، کرامت نفس، مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری آگاهانه. همچنین بر اساس چارچوب «حُسن‌گزینی»، چهار مهارت بنیادین به‌عنوان پیش‌نیاز دستیابی به ویژگی‌های «صالحات، قانتات و حافظات للغیب» استخراج شد: نخست، شناخت شر و مصون‌سازی در برابر آن؛ دوم، تشخیص خیر از شر بر پایه عقل و حجت؛ سوم، تمایز خیر و حُسن و حرکت به سوی حسن‌گزینی؛ و چهارم، به‌کارگیری توانمندی‌های درونی در انتخاب احسن. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی جهت تقویت هویت زنانه اسلامی در نوجوانان فراهم آورد.

واژگان کلیدی

دختران نوجوان، الگوی زن مسلمان، مهارت‌های آمادگی، تربیت قرآنی، نقش زنانه

بررسی روابط ساختاری بین سبک‌های فرزندپروری اسلامی و خودتنظیمی تحصیلی با نقش میانجی امید تحصیلی در دانش‌آموزان

زهرا کاظمی، محمد رضا شهابی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی
zahrakazemi۹۹@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی روابط ساختاری بین سبک‌های فرزندپروری اسلامی و خودتنظیمی تحصیلی با نقش میانجی امید تحصیلی در دانش‌آموزان بود. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر قم در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ بود که از میان آنان ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری اسلامی، پرسشنامه خودتنظیمی تحصیلی و پرسشنامه امید تحصیلی بود. داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های فرزندپروری اسلامی اثر مستقیم و معناداری بر خودتنظیمی تحصیلی و امید تحصیلی دارند. همچنین امید تحصیلی نقش میانجی معناداری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری اسلامی و خودتنظیمی تحصیلی ایفا می‌کند. شاخص‌های برازش مدل، برازش مطلوب مدل پیشنهادی را تأیید کردند. بر اساس یافته‌ها، والدینی که از سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی استفاده می‌کنند، می‌توانند از طریق تقویت امید تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی فرزندان خود را ارتقا دهند. این نتایج می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای والدین و دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

فرزندپروری اسلامی، خودتنظیمی تحصیلی، امید تحصیلی، دانش‌آموزان، مدل‌یابی معادلات ساختاری

محور ششم:

روان‌شناسی اجتماعی و مقاومت

واکاوی نقش قرآن و آموزه‌های اخلاقی آن در امنیت، آرامش و سلامت روانی فرد و جامعه

پیمان حاتمیان

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه لرستان

hatamian۱۵۲@gmail.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آشکار دین مبین اسلام، توجه و عنایت به بهداشت، آرامش و سلامت روانی در کنار سلامت جسمانی است و بعضی از واجبات و محرمات الهی برای تأمین سلامت روان و پیشگیری از ابتلا به آسیب‌های روحی و روانی تشریع شده است. قرآن کریم نیز تنها راه رستگاری و سعادت انسان را در تزکیه و پالایش روح و روان آدمی می‌داند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش قرآن و آموزه‌های آن در امنیت، آرامش و سلامت روانی فرد و جامعه انجام شد. این مطالعه توصیفی–تحلیلی با شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی با مطالعه قرآن کریم و آموزه‌های این کتاب آسمانی صورت گرفت. مطابق نتایج حاصل از این مطالعه، در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین عوامل جهت امنیت، آرامش و سلامت روانی افراد و جوامع، بهره‌گیری از قرآن کریم و آموزه‌های این کتاب آسمانی است. این یافته‌ها بر ضرورت توجه هرچه بیشتر به آموزه‌های قرآنی در برنامه‌های ارتقای سلامت روان فردی و اجتماعی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، آرامش، سلامت روان، امنیت روانی، آموزه‌های اخلاقی

مفهوم‌شناسی صبر در قرآن کریم و نقش آن در مدل روان‌شناسی مقاومت اسلامی: تحلیل محتوای سوره‌های بقره و آل‌عمران

محمد علی نظری

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

nazarii@cfu.ac.ir

چکیده

مفهوم «صبر» از بنیادی‌ترین مفاهیم اخلاقی–روان‌شناختی قرآن کریم است که در مواجهه با بحران‌ها، فشارهای روانی و چالش‌های فردی و اجتماعی نقشی محوری دارد. با وجود توجه روان‌شناسی معاصر به تاب‌آوری و مقاومت روانی، خلأ جدی‌ای در تبیین الگوی بومی مقاومت مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، به‌ویژه با تمرکز بر «صبر»، مشاهده می‌شود. این پژوهش در پی آن است که با مفهوم‌شناسی دقیق صبر در قرآن، زمینه نظری لازم برای طراحی مدل روان‌شناسی مقاومت اسلامی را فراهم کند. هدف اصلی، استخراج مؤلفه‌ها، کارکردها و سطوح معنایی صبر در سوره‌های بقره و آل‌عمران و تحلیل نقش آن در شکل‌دهی به مقاومت روان‌شناختی از منظر قرآن است. روش پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل محتوای تفسیری است که با مراجعه به آیات مرتبط با صبر در این دو سوره و بهره‌گیری از تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد صبر در قرآن صرفاً یک فضیلت اخلاقی انفعالی نیست، بلکه سازه‌ای پویا و چندبعدی است شامل مؤلفه‌هایی چون پایداری شناختی، تنظیم هیجانی، معنابخشی به رنج، توکل فعال و جهت‌گیری الهی. در سوره بقره، صبر بیشتر در بستر ابتلاءها و فشارهای اجتماعی و ایمانی تبیین شده، در حالی که در سوره آل‌عمران با مفاهیمی چون جهاد، ثبات قدم و مقاومت جمعی پیوند می‌خورد. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که مفهوم قرآنی صبر می‌تواند هسته مرکزی یک مدل روان‌شناسی مقاومت اسلامی باشد و مبنایی نظری برای مداخلات روان‌شناختی، مشاوره‌ای و تربیتی مبتنی بر قرآن فراهم آورد.

واژگان کلیدی

صبر، روان‌شناسی مقاومت، قرآن کریم، سوره بقره، سوره آل‌عمران

The 2nd National Conference
Quran and Psychology
دومین همایش ملی
قرآن و روانشناسی
۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵

راهکارهای قرآنی مدیریت خشم و اضطراب در بحران‌های اجتماعی: مطالعه تطبیقی آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)

محمد علی نظری

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

nazarii@cfu.ac.ir

چکیده

در بحران‌های اجتماعی، پدیده‌هایی مانند خشم و اضطراب تشدید شده و مدیریت آن‌ها برای سلامت روان و انسجام جامعه ضروری است. این مقاله با هدف تبیین راهکارهای قرآنی و حدیثی برای مدیریت این هیجانات، به روش توصیفی–تحلیلی و با رویکرد تطبیقی بین آیات قرآن و احادیث معصومین(ع) انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد قرآن کریم با ارائه مفاهیمی مانند توکل، صبر، یقین به حکمت الهی و پناه بردن به خدا، اساس محکمی برای مقابله با اضطراب ایجاد می‌کند. آیاتی چون «أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» بر آرامش‌بخش بودن یاد خدا تأکید دارند. در مدیریت خشم نیز قرآن با توصیه به عفو، گذشت، کنترل نفس و اهمیت کظم غیظ، چارچوبی اخلاقی ارائه می‌دهد. احادیث معصومین(ع) این مبانی قرآنی را بسط عملی داده‌اند. توصیه‌هایی مانند سکوت، تغییر وضعیت جسمانی (نشستن یا وضو گرفتن) و پناه بردن به دعا در لحظه خشم، و نیز تأکید بر تفکر در عاقبت کار و توکل فعال در مواجهه با اضطراب، از جمله راهکارهای عینی برگرفته از سنت هستند. مطالعه تطبیقی حاکی از همسویی کامل رهنمودهای قرآن و احادیث است، به‌طوری که احادیث نقش راهنمای کاربردی و مکمل برای تحقق اصول کلی قرآن را ایفا می‌کنند. در نتیجه، نظام اسلامی مدیریت هیجانات در بحران، مبتنی بر تقویت بنیان‌های اعتقادی، خودمراقبتی اخلاقی و عمل به دستورالعمل‌های عملی است که در کنار هم می‌توانند تاب‌آوری فرد و جامعه را در شرایط دشوار افزایش دهند.

واژگان کلیدی

مدیریت هیجانات، بحران اجتماعی، قرآن کریم، احادیث معصومین(ع)، سلامت روان

نقش روان‌شناسی اسلامی در پیشگیری، کنترل و کاهش مشکلات روان‌شناختی و بحران‌های اجتماعی

ریحانه غلام‌زاده
گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
rih.gholamzade@gmail.com

چکیده

روان‌شناسی اسلامی به‌عنوان رویکرد میان‌رشته‌ای، تلاش می‌کند تا اصول روان‌شناسی مدرن را با آموزه‌های دینی اسلام تلفیق کند و سلامت روان و بهزیستی اجتماعی را در جوامع مسلمان ارتقا دهد. این مقاله مروری با هدف بررسی نقش روان‌شناسی اسلامی در پیشگیری، کنترل و کاهش مشکلات روان‌شناختی و بحران‌های اجتماعی انجام شده است. روش پژوهش مرور نظام‌مند منابع علمی و تجربی بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ است. داده‌ها از ۱۵ منبع معتبر فارسی و انگلیسی استخراج و با تحلیل کیفی–تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهند که آموزه‌های معنوی و اخلاقی اسلام مانند توکل، صبر، ذکر، دعا و حمایت اجتماعی به افزایش تاب‌آوری روانی، کاهش اضطراب و افسردگی و تقویت عملکرد اجتماعی کمک می‌کنند. همچنین مداخلات درمانی مبتنی بر اصول اسلامی، به‌ویژه زمانی که با روش‌های مدرن مانند درمان شناختی–رفتاری و درمان پذیرش و تعهد تلفیق شوند، اثربخشی درمان‌های روان‌شناختی را بهبود می‌بخشند. از نظر اجتماعی، اصول اخلاقی و معنوی اسلام باعث کاهش رفتارهای پرخطر، ناهنجاری‌های اجتماعی و بحران‌های جمعی می‌شوند. یافته‌ها حاکی از آن است که روان‌شناسی اسلامی می‌تواند ابزاری مؤثر برای پیشگیری و کاهش مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی و همچنین ارتقای سلامت معنوی و اجتماعی جوامع مسلمان باشد. بر اساس نتایج، پیشنهاد می‌شود که درمانگران و مشاوران از مداخلات معنوی–دینی بهره ببرند، برنامه‌های پیشگیری جامعه‌محور طراحی شود و پژوهش‌های تجربی گسترده‌تر برای سنجش اثرات روان‌شناسی اسلامی انجام شود. این مطالعه نشان می‌دهد که تلفیق آموزه‌های اسلامی با روان‌شناسی مدرن نه‌تنها می‌تواند سلامت فردی را افزایش دهد، بلکه نقش مؤثری در پیشگیری از بحران‌های اجتماعی و ارتقای بهزیستی جمعی دارد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان، بحران‌های اجتماعی، پیشگیری، تاب‌آوری

سلامت روان اجتماعی در قرآن: از معنا تا کنش جمعی

محمد شیروانی
گروه معارف، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
mo_shirvani@sbu.ac.ir

چکیده

سلامت روان، اگر صرفاً در سطح فردی فهم شود، از درک بسیاری از ریشه‌های رنج انسانی بازمی‌ماند. این پژوهش با تمرکز بر مفهوم «سلامت روان اجتماعی»، می‌کوشد ظرفیت‌های قرآنی تبیین رابطه میان ساختارهای اجتماعی، معنا و تعادل روانی انسان را بازخوانی کند. روش تحقیق، تحلیل مفهومی–تفسیری آیات قرآن با اتکا به تفاسیر معتبر کلاسیک و معاصر، به‌ویژه المیزان علامه طباطبایی و جامع‌البیان طبری است. در این چارچوب، مفاهیمی چون عدالت اجتماعی (قسط)، مسئولیت متقابل، اعتماد و همبستگی جمعی به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین سلامت روان اجتماعی استخراج و تحلیل می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن، اختلالات روانی–اجتماعی را صرفاً پیامد ضعف‌های فردی نمی‌داند، بلکه آن‌ها را به اختلال در نظم اخلاقی و عدالت‌محور جامعه پیوند می‌زند. از منظر قرآن، تحقق عدالت و معنابخشی به کنش اجتماعی، نقشی اساسی در کاهش اضطراب جمعی، افزایش امنیت روانی و تقویت انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. این پژوهش، ضمن پرهیز از تقلیل قرآن به متنی روان‌درمانگر به معنای مدرن، نشان می‌دهد که قرآن واجد چارچوبی انسان‌شناختی است که می‌تواند گفت‌وگویی انتقادی و سازنده با روان‌شناسی اجتماعی معاصر برقرار کند.

واژگان کلیدی

سلامت روان اجتماعی، قرآن، عدالت اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی، همبستگی جمعی

نقش روان‌شناسی اسلامی در حل بحران‌های اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و حدیثی

محمد مهدی مسعودی
گروه معارف اسلامی، واحد اقلید، دانشگاه آزاد اسلامی، اقلید، ایران
mm.masoudi۵۷@iau.ac.ir

چکیده

این مقاله با هدف بررسی نقش روان‌شناسی اسلامی در مواجهه با بحران‌های اجتماعی معاصر و مقایسه آن با رویکردهای غالب روان‌شناسی سکولار انجام شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش مرور تحلیلی ادبیات، به واکاوی مفاهیم بنیادینی همچون فطرت، قلب، تزکیه نفس و رابطه انسان با خدا در چارچوب روان‌شناسی اسلامی می‌پردازد و کاربست آن‌ها را در تحلیل بحران‌هایی نظیر فروپاشی خانواده، بحران هویت و تضعیف اخلاق اجتماعی بررسی می‌کند. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد روان‌شناسی اسلامی با ارائه مدلی کل‌نگر و معنامحور از سلامت روان، این بحران‌ها را نه صرفاً در سطح نشانه‌های رفتاری یا عوامل ساختاری، بلکه در سطح علل هویتی و معنوی تبیین می‌کند. در حالی که مداخلات سکولار عمدتاً بر کاهش علائم روان‌شناختی و افزایش سازگاری فرد با محیط تمرکز دارند، رویکرد اسلامی با بهره‌گیری از سازه‌هایی نظیر دعا، ذکر، توکل، تزکیه نفس و مسئولیت‌پذیری اخلاقی، سلامت را در پیوند با تقرب الهی و تقویت کنترل درونی مبتنی بر تقوا بازتعریف می‌نماید. شواهد پژوهشی موجود نشان می‌دهد که چنین مداخلاتی، به‌ویژه در جوامع دارای زمینه دینی، می‌توانند به ارتقای تاب‌آوری روانی و انسجام اجتماعی منجر شوند. مقاله حاضر ضمن تأکید بر ظرفیت‌های نظری و کاربردی روان‌شناسی اسلامی، بر ضرورت تلفیق این رویکرد با روان‌شناسی مبتنی بر شواهد و انجام مطالعات تجربی نظام‌مند برای سنجش اثربخشی آن در سطوح فردی و اجتماعی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، بحران‌های اجتماعی، سلامت خانواده، مداخلات تلفیقی، روان‌شناسی دین

نقش دعا، توکل و یاد خدا در افزایش تاب‌آوری روانی و مقابله با بحران‌های روانی و اجتماعی

زینب یعقوبی
گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
z.psychology.۱۸@gmail.com

چکیده

تاب‌آوری روانی یکی از عوامل کلیدی در مقابله با فشارها و بحران‌های روانی و اجتماعی است و توانایی فرد برای بازگشت به تعادل روانی پس از مواجهه با مشکلات را افزایش می‌دهد. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که منابع معنوی و مذهبی، به‌ویژه دعا، توکل به خدا و یاد مستمر خدا، نقش مؤثری در تقویت تاب‌آوری روانی دارند. این مقاله با هدف بررسی و تحلیل نقش این عوامل معنوی در مقابله با بحران‌های روانی و اجتماعی، به‌صورت مروری تحلیلی انجام شده است. روش پژوهش بر اساس جمع‌آوری و تحلیل ۱۵ مقاله معتبر داخلی و خارجی منتشرشده بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ بوده است. داده‌ها بر اساس سه محور اصلی دسته‌بندی شده‌اند: نخست، تأثیر دعا بر تاب‌آوری روانی، دوم، نقش توکل به خدا در مقابله با بحران‌ها و سوم، اثر یاد خدا و تمرینات معنوی بر توان مقابله‌ای افراد. تحلیل‌ها نشان داد که دعا باعث کاهش اضطراب و افزایش امید و احساس کنترل فرد می‌شود، توکل به خدا مهارت‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری روانی را تقویت می‌کند، و یاد مستمر خدا موجب افزایش معنا، هدف و رضایت از زندگی می‌شود. علاوه بر این، تعامل این عوامل معنوی با حمایت اجتماعی و مهارت‌های مقابله‌ای اثرگذاری آن‌ها را تقویت می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تمرینات معنوی می‌توانند به‌عنوان ابزارهای عملی و فرهنگی برای ارتقای تاب‌آوری روانی و کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی استفاده شوند. همچنین، یافته‌ها زمینه را برای برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و روان‌درمانی با تمرکز بر منابع معنوی فراهم می‌کنند.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری روانی، دعا، توکل به خدا، یاد خدا، سلامت روان

تاب‌آوری روان‌شناختی از منظر قرآن

عذرا نصیری افراپلی، اسماعیل اسلامی
استادیار گروه زبان و ادبیّات عربی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران
es.eslami۱۳۵۹@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین و استخراج مؤلفه‌ها و سازوکارهای تاب‌آوری روان‌شناختی از منظر قرآن کریم بود تا بتواند به کاستی‌های مدل‌های سکولار (مادی‌گرا، غیرمذهبی) در زمینه ارائه بنیان‌های معنوی و معنای زندگی، پاسخی اسلامی بدهد. این مطالعه با رویکرد کیفی–تفسیری انجام شد. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای آیات کلیدی قرآن مجید و تفاسیر معتبر شیعه و سنی (مانند المیزان و نمونه) پیرامون مفاهیم مرتبط با تحمل سختی‌ها، مواجهه با بلا و استقامت، جمع‌آوری و تحلیل شدند. یافته‌های تحقیق، یک مدل پنج‌گانه و کل‌نگر از تاب‌آوری قرآنی را ارائه داد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: جهان‌بینی توحیدی (ایمان و یقین) به‌عنوان شالوده معناسازی و امنیت وجودی؛ صبر و ثبات به‌مثابه استقامت فعال و تحمل پریشانی؛ توکل و تفویض امر به‌عنوان راهکار مدیریت اضطراب ناشی از عدم قطعیت و کنترل‌ناپذیری؛ شکر و رضا به‌عنوان مکانیسم بازسازی شناختی مثبت و تسهیل رشد پس از آسیب، و تقوا و عمل صالح به‌عنوان ضمانت اجرایی برای توانایی حل مسئله و خودکنترلی اخلاقی. نتایج نشان داد، مدل تاب‌آوری قرآنی، فراتر از یک مهارت صرف، یک منظومه تربیتی است که فرد را نه‌تنها برای بازگشت به حالت تعادل، بلکه برای رشد معنوی و وجودی پس از بحران آماده می‌کند. این مدل بر اساس «امنیت معنوی» بنیان گذاشته شده و چارچوبی بومی و عملی برای طراحی پروتکل‌های مداخلاتی در روان‌شناسی اسلامی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری روان‌شناختی، قرآن کریم، روان‌شناسی اسلامی، صبر، توکل

تقریب مذاهب اسلامی و کارکردهای روان‌شناختی آن در تقویت همبستگی اجتماعی با تأکید بر نقش اهل‌بیت(ع) و الگوی اخلاقی–هویتی حضرت فاطمه زهرا(س) برحسب منابع اهل سنت

بهرام دردی‌گری
دانشگاه فرهنگیان گرگان
basagray@gmail.com

چکیده

پیامبر اکرم(ص) به‌عنوان خاتم پیامبران، مأموریتی عظیم در تعلیم و تزکیه نفوس بشر داشتند. پس از دریافت کلام الهی، ایشان آن را با شأن تلاوت و تبیین عرضه می‌کردند و مؤمنان را به تدبر و تعمق در آموزه‌های وحیانی فرا می‌خواندند. در خطاب وداع، پیامبر دو گوهر ارزشمند، یعنی کتاب الهی و عترت پاک، را به یادگار گذاشتند و مردم را به تمسک به آن‌ها سفارش نمودند. توجه به احادیث و علوم مرتبط با آن از اهمیت علمی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار است و بررسی روایات فضائل اهل بیت(ع) و تبیین معیارهای ارزیابی آن‌ها، نقش مهمی در ارتقای فهم دینی و تقویت وحدت اسلامی دارد. روش پژوهش: این تحقیق کاربردی و بنیادی و از منظر ماهیت و روش، توصیفی–تحلیلی و تاریخی است. داده‌ها با مراجعه به آیات قرآن کریم، احادیث معتبر و تفاسیر شناخته‌شده به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. نتایج: آگاهی از جایگاه اهل بیت، به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا(س)، در نزد عالمان اهل سنت، نه‌تنها در تحقیقات علمی بلکه در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی و تقریب میان مذاهب اهمیت دارد. این شناخت وحدت اسلامی را تقویت، سلامت روان اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی جامعه را ارتقا و تعارضات خانوادگی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. کاربرد و آثار: معرفی فضائل اهل بیت از منظر مفسران اهل سنت، به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا(س)، موجب ایجاد الفت میان پیروان مذاهب، تقویت همبستگی فرهنگی و دینی و ارتقای تاب‌آوری روانی و اجتماعی است و می‌تولند مبنایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و مشاوره‌ای با رویکرد میان‌رشته‌ای و اسلامی باشد.

واژگان کلیدی

اهل بیت، فاطمه زهرا(س)، اهل سنت، وحدت اسلامی، همبستگی اجتماعی

واکاوی مسئولیت حکمرانی دینی در ارتقاء سلامت روانی

مهدی جابری زاده
دانش‌پژوه حوزه علمیه
mahdiansari۱۱۹@yahoo.com

چکیده

سلامت روان به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه انسانی و اجتماعی، در این راستا مسئولیت حکمرانی دینی در ارتقاء امنیت سلامت روانی چیست؟ در نظام جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی دینی مبتنی بر مبانی فقه امامیه، دستوراتی برای تضمین سعادت مادی و معنوی آحاد جامعه ارائه می‌دهد. هدف این مقاله بررسی مسئولیت حکومت اسلامی در ارتقای سلامت روان جامعه است که از منظر فقه سیاسی شیعه و با استناد به یافته‌های روان‌شناسی معاصر و با بهره‌گیری از روش تحلیلی–توصیفی و کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم کلیدی فقهی نظیر قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام»، «حرمت اخلال در نظام» و عدالت اجتماعی، مبنای الزام حکومت به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه و مداخله‌ای در حوزه سلامت روان هستند. نتیجه‌گیری مقاله بر ضرورت نهادینه‌سازی سلامت روان در اولویت‌های برنامه‌ریزی کلان حکومتی، فراتر از رویکردهای صرفاً درمانی و در قالب یک رویکرد پیشگیرانه ساختاری تأکید دارد. این پژوهش از منظر فقهی، استدلال می‌کند که کوتاهی در این زمینه، و خلل به سلامت روانی جامعه، مصداق تضییع حقوق اساسی مردم و کوتاهی در انجام وظایف حکومت و مردم است.

واژگان کلیدی

حکمرانی دینی، سلامت روان، فقه امامیه، سیاست‌گذاری عمومی، قاعده لاضرر

ارائه الگوی قرآنی روان‌شناسی محیط امن سیاسی و دلالت‌های آن برای سلامت روان اجتماعی

سید سجاد آل سید غفور
محقق رسمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
aleghafoor@gmail.com

چکیده

در حالی که ناامنی سیاسی به‌عنوان عاملی تنش‌زای اجتماعی و با پیامدهایی چون افزایش اضطراب جمعی، احساس درماندگی و تضعیف سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود، این پژوهش در پی کشف راهکارهای بنیادین قرآن کریم برای ایجاد محیطی امن و توانمندساز است. مطالعه حاضر با هدف تبیین الگوی قرآنی امنیت سیاسی و واکاوی دلالت‌های روان‌شناختی آن برای سلامت فرد و جامعه انجام شده است. بر اساس روش تفسیر موضوعی استخراجی، آیات مرتبط با مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده امنیت سیاسی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم تحقق امنیت سیاسی را منوط به تأمین دو رکن اصلی می‌داند: آزادی (شامل آزادی فکر و بیان) و مشارکت (شامل مشورت و انتخاب). از منظر روان‌شناختی، آزادی به ارضای نیاز به خودمختاری و ابراز وجود سالم کمک کرده و از بروز آسیب‌هایی مانند نفاق درونی و اضطراب هویتی جلوگیری می‌کند. مشارکت نیز نیازهای شایستگی، تعلق و عاملیت جمعی را پاسخ گفته و موجب افزایش تاب‌آوری اجتماعی می‌شود. در مقابل، فقدان این ارکان می‌تواند به پدیده‌هایی چون یادگیری درماندگی، اختلال در هویت جمعی و تضعیف قضاوت اخلاقی در سطح جامعه منجر شود. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که الگوی قرآنی، چارچوبی روان‌شناختی–سیاسی برای محیط امن فراهم می‌کند که می‌تواند مبنایی برای نظریه‌پردازی در حوزه روان‌شناسی سیاسی اسلامی و نیز طراحی مداخلات ارتقادهنده سلامت روان در جوامع اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، امنیت سیاسی، سلامت روان، روان‌شناسی اسلامی، آزادی، مشارکت

کارکرد دعا و توسّل در مدیریت بحران؛ با تأکید بر جنگ

معصومه آبانگاه ازگمی
استادیار دانشگاه خوارزمی
abangah.azgomi@gmail.com

چکیده

در مواجهه با بحران‌های فراگیر همچون جنگ، نیاز جامعه به منابع معنوی برای حفظ انسجام روانی و اجتماعی افزایش می‌یابد. پژوهش حاضر بر آن است که با روش استقرائی، نشان دهد که دعا و توسّل، به‌عنوان آموزه‌های ریشه‌دار در قرآن و روایات، در شرایط بحرانی چگونه بر ساختار روانی و رفتار جمعی جامعه اثر می‌گذارند. بدین منظور ضمن بهره‌گیری از منابع قرآنی و یافته‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دینی، نمونه‌هایی از کارکردهای دعا و توسّل در مدیریت بحران مسلمانان در دوره میانه اسلامی به‌ویژه دوره جنگ‌های صلیبی و حمله مغول را مورد بررسی قرار داده است. با بررسی یافته‌های پژوهش در این دوره و اخذ نتیجه استقرایی از جزء به کل، می‌توان تعمیم داد که دعا و توسّل، از طریق ایجاد آرامش، امید، صبر، افزایش اتکای درونی و معنابخشی به رنج، توان تقابل با فشارهای روانی جنگ را به‌طور قابل توجهی بالا برده و در قالب تقویت اراده، روحیه مقاومت و انسجام جمعی بروز می‌یابد، لذا ابزاری مهم برای سامان‌دهی روانی جامعه محسوب می‌شود. از سویی دیگر قرائت‌های نادرست از این مفاهیم می‌تواند به کاهش تلاش فردی، گرایش به انزوا و بروز خرافه در جامعه منجر شده و فهم عقلانی و معتدل از دعا و توسّل می‌تواند به شکل‌گیری دینداری فعال و مقاوم‌ساز کمک کرده و نقش مؤثری در مدیریت بحران‌های جمعی ناشی از جنگ ایفا کند.

واژگان کلیدی

قرآن، دعا، توسّل، روان‌شناسی، جنگ، بحران

مؤلفه‌های روان‌شناختی «البُغضُ فی الله» در قرآن و تجلی آن در قیام عاشورا: الگویی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی

محمد مهدی مسعودی
گروه معارف اسلامی، واحد اقلید، دانشگاه آزاد اسلامی، اقلید، ایران
mm.masoudi@iau.ac.ir

چکیده

مسئولیت‌پذیری اجتماعی از شاخص‌های سلامت روان جمعی است، اما منابع انگیزشی پایدار آن در برابر فساد ساختاری نیاز به تبیین دارد. این پژوهش کیفی با هدف تبیین مؤلفه‌های روان‌شناختی آموزه قرآنی «البُغضُ فی الله» و تجلی آن در قیام عاشورا، از روش تحلیل محتوای جهت‌دار استفاده کرد. ابتدا آیات مرتبط با ولایت و برائت تحلیل شد و سه مؤلفه شناختی، عاطفی و کنشی استخراج گردید. سپس داده‌های تاریخی عاشورا بر اساس این چارچوب بررسی شد. یافته‌ها نشان داد «بُغضُ فی الله» دارای ساختاری سه‌بعدی شامل: تشخیص جریان باطل، بیزاری عزتمندانه درونی و مرزبندی عملی اجتماعی است. تحلیل عاشورا نشان داد امام حسین(ع) این مؤلفه‌ها را منسجم در سیره خود متجلی ساخته است؛ به‌طوری که تشخیص فساد حکومت یزید، حفظ عزت ایمانی و کنش اصلاح‌گرانه تا مرز شهادت، الگویی تاریخی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی ارائه داد. نتایج حاکی است «البُغضُ فی الله» صرفاً یک گرایش عاطفی نیست، بلکه سازوکاری هویت‌ساز برای فعال‌سازی انگیزش اخلاقی و کنش اجتماعی در چارچوب توحیدی است. این الگو می‌تواند مبنایی بومی برای تقویت هویت اخلاقی و افزایش مقاومت در برابر عادی‌سازی فساد در جوامع اسلامی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

البُغضُ فی الله، روان‌شناسی قرآنی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عاشورا، هویت اخلاقی

نقش روان‌شناسی اسلامی در حل بحران‌های اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی–حدیثی

محمد مهدی مسعودی

گروه معارف اسلامی، واحد اقلید، دانشگاه آزاد اسلامی، اقلید، ایران

mm.masoudi@iau.ac.ir

چکیده

این مقاله با هدف بررسی نقش روان‌شناسی اسلامی در مواجهه با بحران‌های اجتماعی معاصر و مقایسه آن با رویکردهای غالب روان‌شناسی سکولار انجام شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش مرور تحلیلی ادبیات، به واکاوی مفاهیم بنیادینی همچون فطرت، قلب، تزکیه نفس و رابطه انسان با خدا در چارچوب روان‌شناسی اسلامی می‌پردازد و کاربست آن‌ها را در تحلیل بحران‌هایی نظیر فروپاشی خانواده، بحران هویت و تضعیف اخلاق اجتماعی بررسی می‌کند. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد روان‌شناسی اسلامی با ارائه مدلی کل‌نگر و معنامحور از سلامت روان، این بحران‌ها را نه صرفاً در سطح نشانه‌های رفتاری یا عوامل ساختاری، بلکه در سطح علل هویتی و معنوی تبیین می‌کند. در حالی که مداخلات سکولار عمدتاً بر کاهش علائم روان‌شناختی و افزایش سازگاری فرد با محیط تمرکز دارند، رویکرد اسلامی با بهره‌گیری از سازه‌هایی نظیر دعا، ذکر، توکل، تزکیه نفس و مسئولیت‌پذیری اخلاقی، سلامت را در پیوند با تقرب الهی و تقویت کنترل درونی مبتنی بر تقوا بازتعریف می‌نماید. شواهد پژوهشی موجود نشان می‌دهد که چنین مداخلاتی، به‌ویژه در جوامع دارای زمینه دینی، می‌توانند به ارتقای تاب‌آوری روانی و انسجام اجتماعی منجر شوند. مقاله حاضر ضمن تأکید بر ظرفیت‌های نظری و کاربردی روان‌شناسی اسلامی، بر ضرورت تلفیق این رویکرد با روان‌شناسی مبتنی بر شواهد و انجام مطالعات تجربی نظام‌مند برای سنجش اثربخشی آن در سطوح فردی و اجتماعی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، بحران‌های اجتماعی، سلامت خانواده، مداخلات تلفیقی، روان‌شناسی دین

تحلیل تطبیقی نقش روان‌شناسی اسلامی بر سلامت روان در تنش‌های فراگیر اجتماعی: رویکردی بر تاب‌آوری و سازگاری معنوی

محمد شهربانویی
mysky@vatanmail.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین و تحلیل تطبیقی نقش مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامی در حفظ و ارتقای سلامت روان طی بحران‌ها و تنش‌های فراگیر اجتماعی انجام شده است. در عصر حاضر که جوامع با بحران‌های نوپدید و تنش‌های ساختاری مواجه هستند، نیاز به الگوهای بومی و مکتبی جهت تبیین رفتارهای مقابله‌ای بیش از پیش احساس می‌شود. روش این پژوهش از نوع توصیفی–تحلیلی و با رویکرد کتابخانه‌ای است که به بررسی متون کلاسیک اسلامی و یافته‌های نوین روان‌شناسی مثبت‌گرا می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سازه‌هایی همچون «توکل»، «صبر» و «رضا» نه‌تنها به‌عنوان مفاهیم اخلاقی، بلکه به‌مثابه راهبردهای شناختی–رفتاری قدرتمند در کاهش اضطراب جمعی و افسردگی ناشی از بی‌ثباتی‌های اجتماعی عمل می‌کنند. نتایج حاکی از آن است که روان‌شناسی اسلامی با ارائه یک نظام معنایی منسجم، فرآیند تاب‌آوری را از سطح فردی به سطح اجتماعی ارتقا داده و با تقویت شبکه حمایت اجتماعی (امت‌محور)، از فروپاشی روانی در برابر شوک‌های بیرونی جلوگیری می‌کند. همچنین، مقایسه این الگو با مدل‌های سکولار نشان‌دهنده برتری روان‌شناسی اسلامی در ایجاد «امید پایدار» از طریق اتصال به منبع قدرت لایزال الهی است که در شرایط بحرانی، مانع از بروز بن‌بست‌های وجودی می‌گردد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان، تنش‌های اجتماعی، تاب‌آوری معنوی، مدیریت بحران

روان‌شناسی مقاومت با رویکرد روان‌شناسی و مشاوره اسلامی

فاطمه قاسمی

دانشگاه

ghasemi۲۰۳٤۲۱۰۱@gmail.com

چکیده

این مقاله مروری به بررسی مفهوم «مقاومت» به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی–رفتاری در بسترهای فردی، اجتماعی و معنوی می‌پردازد و می‌کوشد چارچوبی یکپارچه از آن در روان‌شناسی و مشاوره اسلامی ارائه دهد. ابتدا دیدگاه‌های روان‌شناسی غربی، از جمله روان‌کاوی، رفتارگرایی، انسان‌گرایی و شناختی–رفتاری درباره مقاومت مرور شده و سپس این مفهوم در چارچوب مبانی اسلامی تحلیل گردیده است. در روان‌شناسی اسلامی، مقاومت فراتر از یک سازوکار دفاعی یا پاسخ شرطی، به‌منزله فضیلتی اخلاقی–روانی و وظیفه‌ای دینی در برابر موانع رشد معنوی تعریف می‌شود. مفاهیمی مانند جهاد اکبر، صبر، تقوا، ایثار، مراقبه و توکل، ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری مقاومت سازنده را تبیین کرده و غایت آن را کمال انسانی و قرب الهی می‌دانند. همچنین نقش مشاوره اسلامی در تقویت مقاومت مثبت از طریق ابزارهایی چون موعظه، دعا، تهذیب نفس و الگوسازی دینی بررسی شده و اشکال ناسازگارانه مقاومت مانند لجاجت و انکار حق نیز تحلیل گردیده است. در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که رویکرد اسلامی با ارائه نظام معنایی و ارزشی جامع، می‌تواند به غنای فهم پدیده مقاومت و توسعه راهکارهای مشاوره‌ای بومی کمک کند و بر ضرورت بومی‌سازی نظریه‌های روان‌شناختی و انجام پژوهش‌های تجربی بیشتر تأکید دارد.

واژگان کلیدی

مقاومت، روان‌شناسی اسلامی، مشاوره اسلامی، جهاد اکبر، صبر

آسیب‌های اجتماعی از منظر روان‌شناسی اسلامی و پیشنهاد الگوهای پیشگیری

محمد حسین خوند

دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی زنجان، دانشجو دبیری الهیات زنجان

khond@cfu.ac.ir

چکیده

آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع مدرن و در حال گذار به شمار می‌آیند و به‌عنوان پدیده‌هایی چندوجهی، نه‌تنها به حوزه رفتار فردی محدود نمی‌شوند، بلکه ریشه در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و آموزشی جامعه دارند. هدف اصلی پژوهش، شناسایی ابعاد ساختاری و علل زمینه‌ساز مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی (مانند اعتیاد، طلاق، بزهکاری و خشونت) و ارائه چارچوبی جامع برای راهکارهای پیشگیری سطح اول، دوم و سوم است. سؤالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از: مهم‌ترین عوامل ساختاری مؤثر بر گسترش آسیب‌های اجتماعی در ایران کدامند؟ نقش نظام‌های نهادی (آموزش، خانواده، رسانه) در تشدید یا مهار این آسیب‌ها چگونه است؟ مؤثرترین راهکارهای علمی و عملی مبتنی بر منابع روان‌شناسی اسلامی برای پیشگیری ریشه‌ای از آسیب‌ها چه می‌باشد؟ در این پژوهش، با رویکرد توصیفی–تحلیلی، ابعاد مختلف آسیب‌ها بررسی و تحلیل شده است. نتایج حاکی از آن است که پیشگیری مؤثر مستلزم رویکردی چندبخشی است که شامل تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای سواد رسانه‌ای، و اصلاح سیاست‌های اقتصادی–اجتماعی باشد. این تحقیق در نهایت، مدلی یکپارچه برای برنامه‌ریزی و مداخله اجتماعی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

آسیب اجتماعی، علل، پیشگیری، راه‌حل، روان‌شناسی اسلامی

تحلیل مروری مفهوم تاب‌آوری شناختی در شرایط بحران و جنگ از منظر روان‌شناسی اسلامی

فاطمه الله‌یاری، مصطفی محمدی
ftmejan۱۰۲۰@gmail.com

چکیده

این مطالعه مروری با هدف بررسی و تحلیل مفهوم تاب‌آوری شناختی در شرایط بحران و جنگ از منظر روان‌شناسی اسلامی انجام شد. روش پژوهش توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مرور نظام‌مند متون قرآنی، روایی و پژوهش‌های علمی مرتبط بود. یافته‌ها نشان دادند که صبر به‌عنوان توانایی تحمل دشواری‌ها و کنترل هیجانات منفی، موجب حفظ تمرکز، مدیریت استرس و تقویت مهارت‌های حل مسئله می‌شود. توکل، به معنای سپردن امور به خداوند شکست‌ناپذیر و اعتماد به حکمت و عدالت او، اضطراب و احساس ناتوانی را کاهش داده و انگیزه و امید به ادامه مسیر را افزایش می‌دهد. تعامل صبر و توکل، به‌عنوان منابع داخلی مقاومت روانی، انعطاف‌پذیری شناختی و مهارت‌های مقابله‌ای را تقویت می‌کند و تاب‌آوری فردی را در مواجهه با بحران‌ها و جنگ افزایش می‌دهد. این ترکیب معنوی–رفتاری، علاوه بر تقویت سلامت روان، زمینه بازسازی خود، تصمیم‌گیری هوشمندانه و انطباق مؤثر با شرایط نامطمئن را فراهم می‌آورد. بنابراین، صبر و توکل نه‌تنها مؤلفه‌های معنوی بلکه ابزارهای عملی و شناختی برای ارتقای تاب‌آوری و مقاومت روانی در شرایط بحرانی محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری شناختی، صبر، توکل، روان‌شناسی اسلامی، بحران، جنگ

نقش روان‌شناسی اسلامی در پیشگیری، کنترل و کاهش مشکلات روان‌شناختی و بحران‌های اجتماعی

علیرضا عظیمی‌کیا
دانش‌آموخته مشاوره اسلامی، مرکز تخصصی امام خمینی(ره)، قم، ایران
۱۴۲۲alireza@gmail.com

چکیده

تحولات شتابان فناورانه و دگرگونی‌های تمدنی معاصر، الگوهای زیست فردی و اجتماعی انسان را با تغییرات عمیق روان‌شناختی مواجه ساخته و زمینه‌ساز گسترش بحران‌هایی همچون اضطراب، افسردگی، بحران معنا و هویت، تضعیف بنیان خانواده و ناپایداری اجتماعی شده است. در این میان، رویکردهای رایج روان‌شناسی که عمدتاً بر مبانی سکولار و انسان‌شناسی تقلیل‌گرایانه استوارند، در تبیین و مدیریت ریشه‌های عمیق این بحران‌ها با محدودیت‌های جدی مواجه‌اند. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش روان‌شناسی اسلامی در سه سطح پیشگیری، کنترل و کاهش مشکلات روان‌شناختی و بحران‌های اجتماعی انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی منابع قرآنی، روایی و آثار علمی حوزه روان‌شناسی اسلامی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روان‌شناسی اسلامی با تکیه بر انسان‌شناسی توحیدی، معنابخشی به حیات، تقویت ایمان و اخلاق، و ارائه الگوهای تربیتی و مداخله‌ای بومی، از ظرفیت نظری و عملی بالایی برای پیشگیری از بروز بحران‌ها، کنترل پیامدهای روانی آن‌ها و کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی برخوردار است. برآیند پژوهش، ارائه چارچوبی راهبردی برای مداخلات روان‌شناختی اسلامی در مواجهه با بحران‌های روانی–اجتماعی معاصر است که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های سلامت روان و توسعه دانش روان‌شناسی اسلامی نقش‌آفرین باشد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان، بحران‌های اجتماعی، پیشگیری روان‌شناختی، معنویت اسلامی

مدل مفهومی مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و نقش آن در ارتقاء سلامت روان

روح‌الله فایضی، سید محمد باب‌المرادی
کارشناسی ارشد مشاوره اسلامی، مؤسسه عالی امیرالمؤمنین(ع)، قم، ایران
rouhollah.fayezi@iran.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مدل مفهومی مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی و بررسی نقش آن در ارتقای سلامت روان انجام شده است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی–تحلیلی است. در بخش کیفی، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، آیات قرآن کریم و متون روایی مرتبط با مفهوم زمان بررسی و مؤلفه‌های اصلی استخراج شد؛ همچنین برای تبیین پیوند مدیریت زمان با سلامت روان، از یافته‌های پژوهش‌های تجربی نوین روان‌شناسی استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که در قرآن کریم، زمان به‌مثابه امانتی الهی و سرمایه‌ای مسئولیت‌آور تلقی می‌شود. بر اساس آموزه‌های استخراج‌شده، مدیریت زمان در اسلام ناظر بر «مدیریت خویشتن» است و بر پنج مؤلفه بنیادین «بصیرت، تعهد، وجدان‌مداری، مدیریت عملیاتی و مراقبه» استوار می‌باشد. همچنین سیره معصومین(ع) بر ضرورت ایجاد تعادل میان عبادت، معاش و تفریح تأکید دارد. یافته‌های روان‌شناختی حاکی از آن است که این الگو با تقویت خودکنترلی، به کاهش استرس و پیشگیری از آسیب‌های نوپدید (مانند وابستگی به فضای مجازی) منجر می‌شود. اعتبار مدل پیشنهادی نیز از طریق رویکرد «تثلیث داده‌ها» و «همسویی نظری» با پژوهش‌های پیشین مورد تأیید قرار گرفت. در مجموع، الگوی مدیریت زمان اسلامی با تلفیق نظم بیرونی و انضباط درونی، ظرفیت بالایی برای ارتقای سلامت روان در عصر دیجیتال دارد.

واژگان کلیدی

مدیریت زمان، سبک زندگی اسلامی، سلامت روان، خودکنترلی، سیره معصومین(ع)

بررسی معنویت اسلامی در افزایش خودکارآمدی فردی و اجتماعی

علی شیخزاده
کارمند بانک سپه
a.sheakhzade۵۰۹۵@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی معنویت اسلامی در افزایش خودکارآمدی فردی و اجتماعی است. معنویت اسلامی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم هویت دینی و روانی انسان، می‌تولند با ایجاد معنا، تقویت باورهای درونی و جهت‌دهی به رفتارهای فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز ارتقای احساس توانمندی و کارآمدی در افراد شود. در این پژوهش، با تکیه بر رویکرد توصیفی–همبستگی و بر اساس داده‌های حاصل از جامعه‌ای متشکل از ۴۰۰ نفر از افراد بزرگسال، رابطه میان مؤلفه‌های معنویت اسلامی شامل توکل، امید، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و خودشناسی دینی با ابعاد خودکارآمدی فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که میان سطح معنویت اسلامی و خودکارآمدی فردی و اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد، به‌گونه‌ای که افزایش معنویت اسلامی با بهبود باور به توانایی حل مسئله، مقابله با فشارهای روانی و مشارکت مؤثر اجتماعی همراه است. بر اساس یافته‌ها، معنویت اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک منبع روان‌شناختی و اجتماعی مؤثر در تقویت خودکارآمدی مورد توجه سیاست‌گذاران آموزشی، فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

معنویت اسلامی، خودکارآمدی فردی، خودکارآمدی اجتماعی، سلامت روان، کارکرد اجتماعی

نقش مناسک و باورهای دینی در تاب‌آوری اجتماعی در شرایط بحران و جنگ: یک مطالعه توصیفی–تحلیلی

کوثر هدایتی نسب، زهره احمدی

روان‌شناسی بالینی–خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

k.hedayatinasab@mail.sbu.ac.ir

چکیده

بحران‌های اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی مدرن هستند و تاب‌آوری به‌عنوان توانایی مقاومت و بازیابی در برابر این بحران‌ها اهمیت ویژه‌ای یافته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل تأثیر مناسک و باورهای دینی بر تاب‌آوری در بحران‌های اجتماعی انجام شده است. این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی با کلیدواژه‌های مرتبط جستجو شدند و از میان منابع اولیه، ۱۹ منبع معتبر (۷ منبع داخلی و ۱۲ منبع خارجی) منتشرشده در بازه زمانی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر مناسک و باورهای دینی بر تاب‌آوری در دو مقوله اصلی قابل دسته‌بندی است: سرمایه معنوی (باورها) شامل ارزش‌های مذهبی (توکل، معادباوری، صبر، رضایت) و ارزش‌های انسانی (ایثار، همدلی)؛ و زیست معنوی (مناسک) شامل فعالیت‌های معنوی (نماز با خشوع، دعا، ذکر، تلاوت قرآن) و فعالیت‌های مذهبی (نماز جماعت، مراسم جمعی). همچنین چهار مکانیسم اصلی برای این تأثیر شناسایی شد: شناختی (معنابخشی به رنج)، عاطفی (ایجاد آرامش و امید)، اجتماعی (تقویت شبکه حمایتی) و فیزیولوژیک (تنظیم هیجانی). مناسک و باورهای دینی با فعال‌سازی مکانیسم‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و فیزیولوژیک، نقش مؤثری در افزایش تاب‌آوری افراد و جوامع در برابر بحران‌های اجتماعی دارند. توجه به این ظرفیت عظیم معنوی در طراحی مداخلات روان‌شناختی و برنامه‌های مدیریت بحران ضروری است.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری، مناسک دینی، باورهای دینی، جنگ، بحران

نقش روان‌شناسی اسلامی در کاهش خشونت اجتماعی

شهناز جلیل طهماسبی، پریسا خلیلی
دانشگاه کاشان
shahnazj۱٤۰۰@gmail.com

چکیده

خشونت اجتماعی یکی از چالش‌های اساسی جوامع بشری است که تأثیرات مخربی بر سلامت روان، روابط اجتماعی و امنیت عمومی می‌گذارد. با توجه به اهمیت روزافزون پرداختن به ریشه‌های خشونت و ارائه راهکارهای مؤثر، این پژوهش با هدف بررسی نقش روان‌شناسی اسلامی در کاهش خشونت اجتماعی انجام شد. اهداف اصلی این تحقیق شامل تبیین ارتباط بین شناخت آموزه‌های روان‌شناسی اسلامی و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز، و همچنین بررسی عوامل جمعیتی مؤثر بر این رابطه بود. روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری این تحقیق را عموم مردم شهر کاشان، به‌ویژه جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال، تشکیل می‌دادند که از این میان، ۱۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی شامل همبستگی پیرسون، آزمون T مستقل، تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه استفاده گردید. یافته‌های کلی پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه‌های منفی و معنادار بین میزان شناخت روان‌شناسی اسلامی و گرایش به خشونت اجتماعی است؛ به این معنا که با افزایش شناخت این آموزه‌ها، میزان خشونت کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج حاکی از آن بود که در نمونه مورد مطالعه، تفاوت معناداری از نظر جنسیتی در میزان خشونت مشاهده نشد و سن به‌تنهایی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی قابل‌توجهی در این زمینه نداشت. این یافته‌ها بر اهمیت بسزای رویکرد اسلامی در پیشگیری و کاهش خشونت اجتماعی تأکید دارند.

واژگان کلیدی

خشونت اجتماعی، روان‌شناسی اسلامی، کاهش خشونت، رویکرد دینی، جامعه کاشان

واکاوی مؤلفه‌های روان‌شناختی آسیب‌های اجتماعی و ارائه الگوی پیشگیری خانواده‌محور بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه

معصومه شمسعلی
آموزش و پرورش
masoumeh.shamsali۱۳٦٥@gmail.com

چکیده

افزایش و پیچیدگی آسیب‌های اجتماعی در جوامع معاصر، ضرورت بازاندیشی در مبانی نظری پیشگیری و مداخله را دوچندان ساخته است. روان‌شناسی اسلامی با ارائه تصویری معنامحور و فطرت‌مدار از انسان، ظرفیت قابل‌توجهی برای تحلیل ریشه‌های درونی آسیب‌ها و طراحی راهکارهای پایدار پیشگیرانه دارد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش توصیفی–تحلیلی بر مبنای تحلیل محتوای کتاب گران‌قدر نهج‌البلاغه، تلاش می‌کند تا مؤلفه‌های روان‌شناختی مرتبط با آسیب‌های اجتماعی را شناسایی کرده و الگوی پیشگیری خانواده‌محور ارائه دهد. لازم به ذکر است که برداشت‌های این پژوهش از مفاهیم نورانی نهج‌البلاغه، تحلیلی و تفسیری توسط پژوهشگر است و به معنای نقل مستقیم کلام نورانی مولای متقیان امام علی(ع) نیست. یافته‌ها نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی همچون حرص، عجب، ضعف خودنظم‌دهی، تقلید کورکورانه و فقدان هویت معنوی، از زمینه‌های درونی بروز آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند. در مقابل تقویت فطرت الهی، خودنظم‌دهی مبتنی بر تقوا، تفکر نقاد و الگوسازی رفتاری در خانواده، نقش کلیدی در پیشگیری اولیه و ثانویه ایفا می‌کنند. بر اساس نتایج، سه سطح پیشگیری شامل پیشگیری اولیه (تربیت فطرت الهی)، پیشگیری ثانویه (نظارت و هدایت شناختی–هیجانی) و پیشگیری ثالث (بازسازی هویت و مداخلات اصلاحی) پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، نهج‌البلاغه، آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری خانواده‌محور، خودنظم‌دهی

بررسی تطبیقی نقش امید در مقاومت از منظر روان‌شناسی و اسلامی

فائزه محمدکاظمی، سید محمدهادی هاشمی
f.m.kazemi@ut.ac.ir

چکیده

امید از مفاهیم بنیادین و اثرگذار در حیات فردی و اجتماعی انسان است که در روان‌شناسی و آموزه‌های اسلامی با رویکردهای متفاوتی تبیین شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی نقش امید در مقاومت از منظر روان‌شناسی و اسلامی انجام شده است. در این مقاله، ابتدا دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان برجسته روان‌شناسی درباره امید، از جمله استاتلند، اسنایدر و دوفالت و مارتوکیو، بررسی شده و سپس مفهوم امید در قرآن کریم و منابع اسلامی تبیین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند در هر دو رویکرد، امید به‌عنوان عاملی انگیزشی و تقویت‌کننده پایداری انسان مطرح است، اما در نگاه اسلامی امید افزون بر بُعد روانی، ماهیتی ایمانی و غایت‌مند دارد و با مفاهیمی چون ایمان، توکل، صبر و تلاش در راه خدا پیوند خورده است. همچنین در این مطالعه، مفهوم مقاومت به‌عنوان یک وظیفه دینی، اخلاقی و اجتماعی بررسی شده و نشان داده شده است که امید می‌تواند نقش مهمی در تقویت روحیه استقامت فردی و جمعی در برابر تهدیدها و فشارها ایفا کند. بر این اساس، امید در اندیشه اسلامی نه‌تنها یک حالت درونی، بلکه نیرویی راهبردی در حفظ هویت دینی و تحقق مقاومت اسلامی به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی

امید، مقاومت، روان‌شناسی، اسلامی، قرآن کریم

تحلیل روان‌شناختی عبارت «إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَیهِ راجِعون»: چارچوبی قرآنی برای معنابخشی و تاب‌آوری روانی در شرایط تهدید و بحران

جواد حساسی
مرکز تخصصی مشاوره و روان‌شناسی اسلامی امام خمینی(ره) قم
hassasi@chmail.ir

چکیده

عبارت قرآنی «إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَیهِ راجِعُون» که معمولاً در موقعیت‌های سوگواری به کار می‌رود، نه‌تنها یکی از آموزه‌های مهم توحیدی در مواجهه با مصیبت و تهدید است که پیوند هستی‌شناختی انسان با مبدأ و معاد را روشن می‌کند، بلکه چارچوبی شناختی، تربیتی و روان‌شناختی برای مواجهه با بحران‌های زندگی نیز به شمار می‌آید. پژوهش حاضر با هدف تبیین روان‌شناختی این عبارت به‌مثابه چارچوبی قرآنی برای معنابخشی و تاب‌آوری روانی در شرایط بحران انجام گرفته است. روش پژوهش، تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای است؛ بدین معنا که آیه مورد نظر محور تحلیل قرار گرفته و دیگر آیات و روایات مرتبط در راستای تبیین آن به‌کار رفته‌اند. در گام نخست، مؤلفه‌های کلیدی آیه استخراج و تحلیل شد. در گام بعد، با بهره‌گیری از آرای مفسران و حکیمان، الگویی مفهومی برای مواجهه مؤمنانه با بحران ترسیم گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که درک حقیقت «إِنّا لِلّهِ» و باور به مالکیت الهی، نگرش انسان به خود و جهان را بازسازی کرده و زمینه رهایی از وابستگی‌های اضطراب‌آور را فراهم می‌کند. همچنین توجه به «إِنّا إِلَیهِ راجِعُون» سبب می‌شود فرد سختی‌ها و مصیبت‌ها را نه بن‌بست، بلکه فرآیند تربیت الهی و سیر تکامل وجودی درک کند. در این چارچوب، صبر قرآنی شیوه‌ای از زیستن و کیفیتی روانی تلقی می‌شود که انسان را از واکنش‌های منفی به بحران‌ها به سوی رشد معنوی هدایت می‌کند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که عبارت «إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَیهِ راجِعُون» با تغییر مبانی شناختی، به ساختاری معنابخش تبدیل می‌شود که تاب‌آوری، آرامش درونی و معناجویی را در برابر فشارهای زندگی افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی

مالکیت اعتباری، مالکیت حقیقی، انّالله، صبر، تاب‌آوری قرآنی

تقویت تاب‌آوری با رویکرد وجودی و مفاهیم روان‌شناسی اسلامی (ایمان، توکل، صبر)

مهسا یعقوبی، پریسا یعقوبی
دانشجو
mahsa.yagobi۱۹۹۹@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی نظری مؤلفه‌های کلیدی ایمان، توکل و صبر در روان‌شناسی اسلامی می‌پردازد و نقش این سه مفهوم را به‌عنوان بنیان‌هایی وجودی برای تقویت تاب‌آوری در برابر ناملایمات زندگی تحلیل می‌کند. این پژوهش با اتخاذ رویکردی معنامحور و وجودی، می‌کوشد نشان دهد که چگونه تعامل میان ایمان، توکل و صبر می‌تواند به فرد امکان دهد تا نه‌تنها در برابر فشارهای بیرونی مقاومت کند، بلکه از دل تجربه‌های دشوار، مسیر رشد و شکوفایی شخصی را نیز بپیماید. در این بررسی، ایمان به‌عنوان چارچوبی برای ایجاد معنا، توکل به‌عنوان سازوکاری برای کاهش اضطراب و اتکا بر نیرویی برتر و صبر به‌عنوان راهبردی فعال در مدیریت و عبور از سختی‌ها تحلیل شده است. چارچوب مفهومی مقاله با تکیه بر آیات قرآنی و روایات اسلامی شکل گرفته و با یافته‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا و نظریه‌های معنادرمانی تلفیق شده است. بر اساس این چارچوب، مدل سه‌لایه‌ای ارائه می‌شود که در آن ایمان نقش پایه‌ای در جهت‌دهی شناختی و وجودی دارد، توکل کارکردی آرام‌بخش در تنظیم هیجانات ایفا می‌کند، و صبر به‌عنوان نیروی پایداری عملی، موجب حفظ حرکت فرد در مسیر رشد می‌شود. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این مفاهیم صرفاً واکنش‌هایی منفعلانه نیستند، بلکه نیروهایی فعال، هدفمند و درونی‌اند که توانایی بازسازی معنا، حفظ امید و تقویت مقاومت روانی را فراهم می‌سازند. بحث و نتیجه‌گیری مقاله بر اهمیت ادغام این مفاهیم در مداخلات روان‌شناختی و ضرورت توجه به ابعاد معنوی تاب‌آوری تأکید دارد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، ایمان، توکل، صبر، رویکرد وجودی

نقش تعاملی روان‌شناسی اسلامی و حکمرانی دینی در ارتقای سلامت روانی جامعه

صمد مومنی
هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور
samadmomeni۱۹۸۱@gmail.com

چکیده

سلامت روانی یکی از ارکان اصلی پایداری جوامع است که تحت تأثیر نظام‌های ارزشی و سیاسی قرار دارد. مسئله این است که روان‌شناسی مدرن عمدتاً بر درمان‌های فردمحور تمرکز دارد، در حالی که نقش ساختارهای حکمرانی دینی در پیشگیری و ارتقای سلامت روان بر اساس مبانی اسلامی کمتر تبیین شده است. هدف از این پژوهش تبیین رابطه میان پارادایم‌های روان‌شناسی اسلامی و سیاست‌گذاری‌های حکمرانی دینی در بهبود بهزیستی روان‌شناختی است. پژوهش حاضر از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی–تحلیلی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است. حوزه مطالعه این پژوهش، متون بنیادین اسلامی (قرآن و سنت) و نظریات نوین روان‌شناسی اسلامی و حکمرانی دینی می‌باشد. روش گردآوری به‌صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع اصیل و معاصر است. شیوه تحلیل داده‌ها به‌صورت تحلیل محتوای کیفی و استنتاج منطقی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی دینی با ایجاد امنیت اخلاقی، عدالت اجتماعی و ترویج سبک زندگی توحیدی، بستری را فراهم می‌کند که در آن مفاهیم روان‌شناختی مانند توکل، صبر و رضایت، منجر به کاهش اضطراب‌های وجودی و افزایش تاب‌آوری جمعی می‌گردد. در نتیجه پیوند میان روان‌شناسی اسلامی و حکمرانی دینی منجر به تولید مدلی از سلامت روان جامعه‌محور می‌شود که فراتر از درمان بالینی، به تعالی نفس و صلح اجتماعی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، حکمرانی دینی، سلامت روانی، سیاست‌گذاری معنوی، تاب‌آوری

The 2nd National Conference
Quran and Psychology
دومین همایش ملی
قرآن و روانشناسی
۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵

مقایسه تطبیقی رشد پس از سانحه در روان‌شناسی اگزیستانسیال و مفهوم ابتلاء در قرآن: زمینه‌های نظری و کاربردهای توان‌بخشی در آسیب‌های روانی ناشی از جنگ و بحران

جمال‌الدین کاظمی گل‌وردی، شهاب‌الدین کاظمی گل‌وردی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران
j.kazemi.g@chmail.ir

چکیده

رنج همواره بخشی از تجربه انسانی در جنگ و بحران بوده است، اما نگاه به آن از دو منظر روان‌شناسی اگزیستانسیال (رشد پس از سانحه) و قرآن (ابتلاء) تفاوت‌های بنیادینی دارد. این مقاله با هدف مقایسه تطبیقی این دو مفهوم و استخراج کاربردهای آن در توان‌بخشی روانی آسیب‌دیدگان جنگ و بحران و به روش توصیفی–تحلیلی و تطبیقی انجام شده است. بدین صورت که ابتدا مبانی نظری رشد پس از سانحه در آثار فرانکل، یالوم، تدسکی و کلهون و نیز مفهوم ابتلاء در قرآن صورت‌بندی شد و سپس در چهار محور منبع معنا، غایت رنج، نقش صبر و شاخص‌های تعالی مورد تطبیق قرار گرفت. هر دو دیدگاه رنج را فرصتی برای تحول مثبت می‌دانند و نگرش فعال فرد را کلیدی می‌شمارند. اما تفاوت‌هایی قابل توجهی نیز دارند؛ در رشد پس از سانحه، معنا توسط انسان ساخته می‌شود و غایت آن رشد روانی در همین جهان است؛ در ابتلاء، معنا ریشه الهی دارد و هدف نهایی قرب و پاداش اخروی است. صبر در قرآن مفهومی عبادی و گسترده‌تر از مقاومت روانی دارد. مدل ترکیبی پیشنهادی با بازسازی معنای رنج در قالب ابتلاء، پرورش صبر فعال، استفاده از منابع معنوی بومی و امیدآفرینی اخروی می‌تواند اثربخشی توان‌بخشی را در جوامع اسلامی افزایش دهد.

واژگان کلیدی

رشد پس از سانحه، روان‌شناسی اگزیستانسیال، ابتلاء، قرآن، توان‌بخشی روانی جنگ

نقش مناسک دینی و ملی در ایجاد توانایی‌های عبور از شرایط بحرانی و جنگ

صغری فرزانه
گروه معارف، دانشکده علوم، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
soghra.farzaneh@iau.ac.ir

چکیده

این مقاله به بررسی نقش مناسبت‌ها و مناسک دینی و ملی در تقویت توانایی جوامع برای عبور از شرایط بحرانی، به‌ویژه جنگ، می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش آن است که مناسک جمعی از طریق چه سازوکارهایی می‌توانند به افزایش تاب‌آوری اجتماعی، انسجام جمعی و مدیریت بحران کمک کنند. چارچوب نظری پژوهش با تکیه بر دیدگاه‌های دورکیم درباره وجدان جمعی، بوردیو در خصوص سرمایه نمادین و نظریه آیین‌های گذار ون‌گنپ و ترنر شکل گرفته است. همچنین با بهره‌گیری از منابع اسلامی و تجربه تاریخی جامعه ایران، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مناسک مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد مناسبت‌ها و آیین‌های جمعی با تقویت هویت مشترک، ایجاد همبستگی اجتماعی، کاهش اضطراب‌های ناشی از بحران و فراهم‌کردن بسترهای معنابخش برای رنج و مقاومت، نقش مهمی در افزایش ظرفیت جوامع برای مواجهه با شرایط بحرانی ایفا می‌کنند. این مناسک افزون بر کارکردهای نمادین، به‌عنوان سازوکارهایی مؤثر در بسیج اجتماعی، حفظ روحیه عمومی و بازسازی نظم و امید اجتماعی در دوران بحران و پسابحران عمل می‌کنند. از این‌رو، توجه به کارکردهای فرهنگی و اجتماعی مناسک می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مدیریت بحران و تقویت سرمایه اجتماعی اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

واژگان کلیدی

مناسک، تاب‌آوری، بحران، جنگ، هویت

روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی مقاومت در قرآن کریم و کلام معصوم

فاطمه اسدی، ثنا صفری
دانشگاه فرهنگیان
f.asadi۵۷۷۹@gmail.com

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تبیین مبانی انسان‌شناختی روان‌شناسی اسلامی، تحلیل مؤلفه‌های آرامش روانی، و شناسایی نقش ایمان، توکل، صبر و استقامت در تقویت تاب‌آوری روانی از منظر قرآن و کلام معصوم انجام شده است. روش: این پژوهش با رویکرد توصیفی–تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه منابع معین اسلامی شامل قرآن کریم، نهج‌البلاغه، اصول کافی، تحف‌العقول، غررالحکم و بحارالانوار صورت گرفته است. داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته‌اند. یافته‌ها: روان‌شناسی اسلامی بر اصولی چون کرامت ذاتی انسان، دو ساحتی بودن وجود او، فطرت الهی و اختیار و مسئولیت استوار است. ساختار شخصیت در اسلام بر سه مؤلفه عقل، قلب و نفس بنا شده و نفس دارای مراتب اماره، لوّامه و مطمئنه است. مؤلفه‌های آرامش روانی شامل یاد خدا، صبر، توکل و امید است که هر یک در آیات و روایات به‌عنوان مکانیسم‌های مؤثر برای کاهش اضطراب و ایجاد امنیت روانی معرفی شده‌اند. الگوهای قرآنی و روایی همچون زندگی پیامبران اولوالعزم و سیره عملی امام علی(ع)، نمونه‌های عینی مقاومت در برابر سختی‌ها ارائه داده‌اند. نتیجه‌گیری: روان‌شناسی اسلامی با ارائه الگویی جامع و مبتنی بر فطرت، راهکارهای مؤثری برای سلامت روان و مقاومت در برابر بحران‌های فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. این رویکرد با تلفیق آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی، می‌تواند به‌عنوان الگویی کارآمد در مدارس، خانواده‌ها و مراکز درمانی به‌کار گرفته شود و زمینه‌ساز تربیت نسلی مقاوم، متعادل و باایمان گردد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، مقاومت، صبر، توکل، تاب‌آوری روانی

روان‌شناسی مقاومت مبتنی بر آموزه‌های روان‌شناختی قرآن کریم (چالش‌ها و راهکارها)

صدیقه سادات میرزاپور آل‌هاشم
عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور
ss_mirzapoor@pnu.ac.ir

چکیده

مقاومت روان‌شناختی یکی از مؤلفه‌های بنیادین سلامت روان در روان‌شناسی مثبت‌گرا است و به توانایی فرد برای حفظ کارکرد سازگارانه در برابر فشارها، تهدیدها و بحران‌ها اشاره دارد. به عبارتی، مقاومت روانی به مجموعه‌ای از واکنش‌های ذهنی، عاطفی و رفتاری گفته می‌شود که فرد در برابر تغییر، پذیرش یک ایده جدید یا رویارویی با حقایقی که با باورهای فعلی او در تضاد هستند از خود نشان می‌دهد. این حالت در واقع یک مکانیزم دفاعی است که هدف آن حفظ تعادل روانی و محافظت از خود در برابر تهدیدهای درک‌شده است. در جهان معاصر، افزایش تنش‌های اجتماعی، اقتصادی و هیجانی، ضرورت تقویت این سازوکار را دوچندان کرده است. قرآن کریم به‌عنوان متنی وحیانی، مجموعه‌ای از آموزه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری ارائه می‌دهد که می‌تولند بنیانی برای ارتقاء مقاومت روانی باشد. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد استنباطی، چالش‌های روان‌شناسی مقاومت در جامعه امروز را بررسی کرده و راهکارهای مبتنی بر قرآن را استخراج می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضعف معناجویی، ناپایداری هیجانی، ناامیدی، گسست معنوی و ضعف الگوگیری از شخصیت‌های مقاوم، از چالش‌های اصلی هستند. در مقابل، مفاهیمی چون صبر، توکّل، امید فعّال، ذکر و تفکّر راهکارهای مؤثّر قرآن برای تقویت مقاومت روانی محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی مقاومت، قرآن کریم، چالش‌ها، راهکارها، تاب‌آوری

روان‌شناسی مقاومت و مبانی آن و حل تعارضات پس از جنگ با ارائه رویکردهای روان‌شناسی

سید ابوالفضل رساء

دانشجو معلم

seyed.ab.۸۱@gmail.com

چکیده

جنگ‌ها و بحران‌های جمعی از دیرباز تاکنون یکی از عمیق‌ترین منابع آسیب‌های روان‌شناختی برای جوامع بشری بوده‌اند. در مواجهه با این رویدادهای فاجعه‌بار، برخی از افراد و گروه‌ها دچار اختلالات روان‌شناختی مزمن می‌شوند، درحالی‌که دیگران تولنایی قلبل‌توجهی در حفظ سلامت روان و حتی رشد پس از سانحه از خود نشان می‌دهند. این مقاله به بررسی مفهوم مقاومت روان‌شناختی به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین سازه‌های نظری در روان‌شناسی بحران و جنگ می‌پردازد و رویکردهای مداخله‌ای مؤثر در این حوزه را مرور می‌کند. یافته‌های پژوهش‌های نظام‌مند و فراتحلیل‌های اخیر نشان می‌دهد که مقاومت روان‌شناختی در بستر آسیب‌های جمعیِ انسان‌ساخت، مفهومی چندبعدی، پویا و وابسته به بافت است که در سه سطح اصلی قابل‌تبیین است: نخست، منابع درون‌فردی (ازجمله راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم هیجانی)، دوم، فرایندهای چندسیستمی و رابطه‌ای (ازجمله حمایت خانواده و جامعه)، و سوم، تداوم اجتماعی–فرهنگی و هویتی (ازجمله حافظه جمعی و سنت‌های فرهنگی). در حوزه مداخله، رویکردهایی همچون آموزش تکنیک‌های بازیابی، کمک‌های اولیه روان‌شناختی، برنامه‌های مدرسه‌محور، و مداخلات مبتنی بر جامعه از مؤثرترین راهبردهای شناخته‌شده هستند. مقاله حاضر با تلفیق یافته‌های معاصر، چارچوبی یکپارچه برای درک مقاومت روان‌شناختی در بحران‌های جنگی ارائه می‌دهد و بر ضرورت طراحی مداخلات فرهنگ‌بنیان، جامعه‌محور و نظام‌گرا تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی

مقاومت روان‌شناختی، مداخله در بحران، جنگ، آسیب روانی، اختلال استرس پس از سانحه

نقش همبستگی و سرمایه اجتماعی در تقویت تاب‌آوری روانی در شرایط جنگ و بحران با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

مبینا علائی بخش، محنا حسنی
دانشگاه فرهنگیان مازندران، مرکز آمل
mobinaalaei۵۷۷@gmail.com

چکیده

جنگ و بحران از طریق افزایش تهدید، فقدان، ناامنی و گسست‌های اجتماعی، سلامت روان افراد و کارکرد جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هدف مقاله حاضر، تبیین نقش تاب‌آوری روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی و حمایت اجتماعی در مواجهه با پیامدهای جنگ و بررسی ظرفیت آموزه‌های اسلامی برای تقویت این فرایندهاست. این مقاله با رویکرد مروری–تحلیلی، ادبیات مرتبط با تاب‌آوری، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی و حمایت اجتماعی را بررسی کرده و سپس مفاهیمی مانند صبر، استقامت، اخوت، تعاون و تکافل و ابزارهای مالی اجتماعی شامل زکات، انفاق، صدقه و وقف را تحلیل می‌کند. مرور مطالعات نشان می‌دهد تاب‌آوری پدیده‌ای صرفاً فردی نیست، بلکه فرایندی چندسطحی و وابسته به زمینه است که از تعامل منابع فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی شکل می‌گیرد. اعتماد اجتماعی، شبکه‌های حمایتگر، مشارکت مدنی و انسجام اجتماعی با تسهیل دسترسی به منابع، افزایش احساس تعلق و تقویت هماهنگی جمعی، ظرفیت سازگاری و بازسازی افراد و جوامع را ارتقا می‌دهند. همچنین، آموزه‌های اسلامی می‌توانند از طریق معنابخشی به رنج، تقویت امید، مسئولیت‌پذیری و همیاری، و نیز با فراهم‌کردن سازوکارهای حمایت مادی، به تقویت تاب‌آوری کمک کنند. با این‌حال، صبر دینی نباید با تحمل منفعلانه یا تاب‌آوری روان‌شناختی یکسان دانسته شود و نباید جایگزین خدمات تخصصی سلامت روان و حمایت‌های نهادی گردد. بر این اساس، طراحی رویکردی یکپارچه که در آن ظرفیت‌های روان‌شناختی، شبکه‌های اجتماعی، نهادهای حمایتی و منابع دینی–مالی به‌صورت هماهنگ در برنامه‌های آمادگی، پاسخ و بازسازی پس از بحران به کار گرفته شوند، ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی، جنگ و بحران

روان‌شناسی اسلامی و مسئولیت‌های اجتماعی: ارائه چارچوبی مفهومی بر پایه آموزه‌های قرآن کریم

عذرا شالباف

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی و دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه بهشتی

shalbaf_azra@ut.ac.ir

چکیده

افزایش مسائل روانی، گسترش فردگرایی و کاهش احساس مسئولیت اجتماعی، از چالش‌های مهم جوامع معاصر به شمار می‌روند. در حالی که بسیاری از رویکردهای رایج روان‌شناسی بر بهزیستی و رشد فردی تمرکز دارند، آموزه‌های اسلامی و قرآنی، سلامت روان را در پیوندی ناگسستنی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عدالت، همدلی، تعاون و تعهد نسبت به دیگران تبیین می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف تبیین نسبت میان روان‌شناسی اسلامی و مسئولیت‌های اجتماعی و ارائه چارچوبی مفهومی برای تفسیر این رابطه، با روش تحلیل مفهومی و مطالعه اسنادی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در روان‌شناسی اسلامی، انسانِ برخوردار از سلامت روان، صرفاً فردی سازگار با خود نیست، بلکه در قبال خانواده، جامعه و محیط پیرامون خویش نیز مسئولیت‌پذیر است. بر این اساس، چارچوب پیشنهادی پژوهش بر چهار مؤلفه «خودآگاهی توحیدی»، «خودتنظیمی اخلاقی»، «همدلی و مسئولیت اجتماعی» و «کنش اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های قرآنی» استوار است و ارتباط میان سلامت روان فردی و سرمایه اجتماعی را تبیین می‌کند. نوآوری پژوهش در ارائه الگویی مفهومی است که مسئولیت اجتماعی را نه پیامدی فرعی، بلکه یکی از مؤلفه‌های بنیادین سلامت روان در روان‌شناسی اسلامی معرفی می‌کند. این چارچوب می‌تواند مبنایی برای توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، طراحی مداخلات روان‌شناختی و تدوین برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم باشد. تجربه وفاق ملی در دوران جنگ اخیر ایران، نمونه بارزی از این ضرورت است.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، مسئولیت اجتماعی، سلامت روان، قرآن کریم، الگوی مفهومی

طراحی الگوی مفهومی پیشگیری از خشونت اجتماعی بر پایه مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامی

امیر اسدی، محمد صیدی
کارمند رسمی آموزش و پرورش (آموزگار)
mhmd۱٦٤۰٥@gmail.com

چکیده

خشونت اجتماعی از مهم‌ترین چالش‌های سلامت عمومی و انسجام اجتماعی است و شکاف میان روان‌شناسی معاصر و ظرفیت‌های بومی، ضرورت طراحی الگوهای فرهنگی–مذهبی را آشکار ساخته است. هدف این پژوهش، طراحی الگوی مفهومی پیشگیری از خشونت اجتماعی بر پایه مؤلفه‌های روان‌شناسی اسلامی در چارچوب آموزه‌های قرآن و سنت نبوی بود. روش پژوهش، مروری–تحلیلی با رویکرد تحلیل مفهومی بود و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای از منابع اسلامی و پایگاه‌های معتبر علمی گردآوری شدند. بر اساس تحلیل مفهومی، دوازده مؤلفه اصلی شامل صبر، حلم، کظم غیظ، تقوا، خودکنترلی، عفو و گذشت، عدالت، رحمت، احسان، مسئولیت‌پذیری، کرامت انسانی و عقلانیت استخراج و با سازه‌های روان‌شناسی معاصر تطبیق داده شدند. این مؤلفه‌ها در سه بُعد شناختی–ارزشی، هیجانی–تنظیمی و اجتماعی–رفتاری سازماندهی شدند و الگوی پیشنهادی با روابط بازخوردی و غیرخطی میان ابعاد، عوامل زمینه‌ای را در سطوح خرد، میانی و کلان لحاظ می‌کند. یافته‌ها نشان داد پیشگیری از خشونت اجتماعی حاصل تعامل مستمر این سه بُعد با یکدیگر و با بستر اجتماعی است. نتایج حاکی از آن است که الگوی طراحی‌شده می‌تواند مبنایی نظری برای پژوهش‌های آتی و طراحی مداخلات آموزشی، مشاوره‌ای و فرهنگی به‌منظور کاهش خشونت اجتماعی و ارتقای سلامت روان فراهم آورد.

واژگان کلیدی

خشونت اجتماعی، پیشگیری از خشونت، روان‌شناسی اسلامی، الگوی مفهومی، سلامت روان

روان‌شناسی مقاومت با رویکرد روان‌شناسی و مشاوره اسلامی

آسیه بنائیان بروجنی
آموزش و پرورش
banaeyan٦٣@gmail.com

چکیده

این مقاله به تبیین مفهوم مقاومت از منظر روان‌شناسی و مشاوره اسلامی می‌پردازد. مقاومت، به‌عنوان توانایی فرد در حفظ ثبات روانی، هویتی و عملکردی در برابر فشارهای درونی و بیرونی، از اهمیت ویژه‌ای در سلامت روان برخوردار است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع ارزشمند قرآن کریم، روایات معصومین(ع) و دستاوردهای روان‌شناسی اسلامی، به بررسی ابعاد دینی و روان‌شناختی مقاومت می‌پردازد. با استناد به مفاهیمی چون صبر، رضا، توکل، استقامت در برابر وسوسه‌ها و حفظ اصول اخلاقی که در متون دینی بازتاب یافته‌اند، این مقاله تلاش می‌کند تا چارچوبی نظری برای «روان‌شناسی مقاومت» با رویکرد اسلامی ارائه دهد. همچنین، با در نظر گرفتن پژوهش‌هایی که به مفاهیمی چون مدیریت خشم، کنترل هیجانات، و نقش باورهای دینی در تاب‌آوری پرداخته‌اند، راهکارهای عملی مبتنی بر مشاوره اسلامی برای تقویت این جنبه از مقاومت فردی معرفی می‌گردد. در نهایت، این مقاله بر اهمیت تلفیق دیدگاه‌های روان‌شناختی با آموزه‌های وحیانی در فهم و ارتقاء سطح مقاومت روانی و معنوی انسان تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی مقاومت، روان‌شناسی و مشاوره اسلامی، تاب‌آوری، صبر، توکل

آسیب‌های اجتماعی از منظر روان‌شناسی اسلامی و ارائه الگوی چندسطحی «حیات طیبه» برای پیشگیری: رویکردی تلفیقی مبتنی بر روان‌شناسی معاصر و آموزه‌های اسلامی

محمد عباسی سورشجانی
مشاور مدرسه و مدرس دانشگاه
mabasy۰٦@gmail.com

چکیده

آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع معاصر هستند که پیامدهای گسترده‌ای بر سلامت روان، انسجام خانواده، سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار برجای می‌گذارند. با وجود گسترش برنامه‌های پیشگیرانه، بسیاری از این برنامه‌ها بر رویکردهای تک‌بعدی استوار بوده و کمتر به ظرفیت‌های فرهنگی و دینی جوامع توجه کرده‌اند. پژوهش حاضر با هدف تبیین آسیب‌های اجتماعی از منظر روان‌شناسی اسلامی و ارائه الگویی بومی برای پیشگیری از آن‌ها انجام شد. این پژوهش با روش مرور تحلیلی و تلفیقی، ضمن بررسی مبانی روان‌شناسی اسلامی و یافته‌های روان‌شناسی معاصر، به تحلیل عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و ساختاری مؤثر بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پرداخت. یافته‌ها نشان داد که مفاهیمی مانند فطرت، خودتنظیمی، سلامت معنوی، استحکام خانواده، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدالت، ظرفیت بالایی برای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه دارند و با بسیاری از سازه‌های مطرح در روان‌شناسی معاصر هم‌پوشانی دارند. بر این اساس، «الگوی چندسطحی حیات طیبه» در پنج سطح فردی، خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و حکمرانی ارائه شد. این الگو با تلفیق اصول روان‌شناسی اسلامی و یافته‌های علمی روز، چارچوبی کاربردی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه در مدارس، مراکز مشاوره، سازمان بهزیستی و سایر نهادهای اجتماعی فراهم می‌آورد. نوآوری پژوهش حاضر در ارائه مدلی بومی و چندسطحی است که علاوه بر تبیین نظری، قابلیت اجرا در نظام آموزشی و خدمات سلامت روان را نیز دارد.

واژگان کلیدی

آسیب‌های اجتماعی، روان‌شناسی اسلامی، پیشگیری، حیات طیبه، سلامت روان، خانواده

مدل ارتقای تاب‌آوری اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی توکل و تکافل در مواجهه با بحران‌ها و تنش‌های جمعی

اسما سادات قنادزاده تفتی
معاون آموزشی دبستان دخترانه سوده، شهرستان سیرجان، ایران
gharechae@gmail.com

چکیده

بحران‌ها و تنش‌های نوپدید معاصر نظیر شوک‌های اقتصادی، بلایای طبیعی و همه‌گیری‌ها، با ایجاد ترومای جمعی و فرسایش سرمایه اجتماعی، پایداری جوامع را با چالش‌های جدی مواجه ساخته‌اند. رویکردهای کلاسیک و امدادی سکولار به دلیل ابتنا بر نگاه تقلیل‌گرایانه و تمرکز انحصاری بر جبران خسارت‌های فیزیکی و مالی، در ساماندهی لایه‌های اگزیستانسیال و روانی رنج‌های جمعی ناتوان بوده و به فرسودگی روانی بازماندگان و ظهور رفتارهای تنازع بقا منجر می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف رفع این نارسایی و تدوین مدلی بومی و کارآمد، با روش تحلیل اسنادی کیفی و سنتز مفهومی چندبعدی، به بازخوانی آموزه‌های وحیانی قرآن کریم پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری قرآنی حاصل پیوند ارگانیک دو بعد هم‌افزا شامل بُعد عمودی یا شناختی–معنوی (توکل، سنت ابتلاء و شرح صدر) به‌مثابه لنگرگاه آرامش و معنابخشی به رنج، و بُعد افقی یا اجتماعی–رفتاری (تکافل، مواسات و انفاق) به‌منزله شبکه امن حمایت بین‌فردی است. تلاقی این دو بعد در قالب یک ماتریس مفهومی سه‌سطحی (فردی، بین‌فردی و ساختاری)، سازه‌ای نوین تحت عنوان «حباب امنیت روانی–اجتماعی» را پدید می‌آورد که از تحقیر انسان نیازمند جلوگیری نموده و از طریق فعال‌سازی خودجوش سرمایه اجتماعی و احیای حس عاملیت، ترومای ناشی از سوانح را مهار می‌سازد. در نهایت، با ابتنا بر این مدل، یک بسته اقدام سریع چندبخشی مشتمل بر راهبردهای عملیاتی و هماهنگ برای ستادهای مدیریت بحران، هلال احمر، رسانه‌ها و نهادهای مذهبی تدوین گردید تا با گسترش چتر تکافل محله‌محور، تاب‌آوری جوامع اسلامی در برابر تنش‌های سهمگین ارتقا یابد.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری اجتماعی، توکل قرآنی، تکافل اجتماعی، مدیریت بحران، حباب امنیت روانی–اجتماعی

نقش مسجد در هویت‌یابی نوجوان ایرانی معاصر با تأکید بر روان‌شناسی اسلامی: آسیب‌ها و راهکارها

محسن داودآبادی فراهانی، محمد مهدی عباسی گویدرق، محمد باقر عباسی

اندیشکده قصد

mohsend۳۱۳@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش مسجد در هویت‌یابی نوجوان ایرانی معاصر با تأکید بر مبانی روان‌شناسی اسلامی، و شناسایی آسیب‌ها و راهکارهای تقویت این نقش انجام شده است. روش پژوهش، تحلیل کیفی از نوع تحلیل مضمون است که با بررسی متون، مقالات، اسناد و بیانات اندیشمندان مسلمان انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد آسیب‌های وضع موجود در هویت‌سازی مساجد برای نوجوانان در یازده محور قابل دسته‌بندی است: ضعف ائمه جماعت و مبلغین، آسیب‌های سبک زندگی امروزی، ضعف‌های برنامه‌ای، فقدان تحلیل و دانش دقیق از هویت‌یابی نوجوانان، نقش تخریبی الگوگیری از سلبریتی‌ها، جایگزینی رسانه‌ها به‌جای نهادهای تربیتی، انعطاف‌پذیری تعلق دینی در شبکه‌های اجتماعی، فقدان جذابیت مساجد، حمایت شعاری مسئولان، ضعف رسانه‌های بومی و ملی، و ضعف نقش‌آفرینی بانوان. در مقابل، ده راهکار برای تقویت نقش هویت‌ساز مسجد ارائه شد که در پنج دسته تربیتی، خانوادگی، ساختاری–مدیریتی، جذاب‌سازی، و ارتباطی–رسانه‌ای سازمان‌دهی شده‌اند. این راهکارها با مبانی روان‌شناسی اسلامی همچون فطرت، معرفت نفس، تعلق اجتماعی، خودکنترلی و الگوگیری هم‌راستا هستند. نتیجه‌گیری پژوهش آن است که مسجد می‌تواند به‌عنوان نهادی چندکارکردی، در صورت رفع آسیب‌ها و اجرای راهکارهای پیشنهادی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری و تحکیم هویت دینی، ملی و انقلابی نوجوان ایرانی معاصر ایفا کند.

واژگان کلیدی

مسجد، هویت‌یابی، نوجوان ایرانی معاصر، روان‌شناسی اسلامی، آسیب‌ها و راهکارها

کارکرد معنابخشی به رنج در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای آن برای سلامت روان: نگاهی تطبیقی به معنویت‌های نوظهور

زهرا اصغری
دانشجوی ارشد علوم قرآن و حدیث
zahraasghri۸۲@gmail.com

چکیده

رنج از تجربه‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی انسان است که می‌تواند شناخت، هیجان، اهداف و بهزیستی روان‌شناختی او را تحت تأثیر قرار دهد؛ با این‌حال، پیامدهای روان‌شناختی رنج تنها به ماهیت و شدت آن وابسته نیست، بلکه نحوه تفسیر و معنابخشی به آن نیز نقش مهمی دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین کارکرد معنابخشی به رنج در آموزه‌های اسلامی، مقایسه آن با برخی مؤلفه‌های معنویت‌های نوظهور و بررسی پیامدهای آن برای سلامت روان انجام شده است. این پژوهش از نوع مروری–تحلیلی و با رویکرد تطبیقی است و با بررسی و تحلیل منابع مرتبط در حوزه روان‌شناسی معنا، آموزه‌های اسلامی و معنویت‌های نوظهور انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که معنابخشی می‌تواند به‌عنوان سازوکاری واسطه‌ای، نحوه ارزیابی رنج و شیوه مواجهه با آن را تحت تأثیر قرار دهد و در صورت برخورداری از انسجام و کارآمدی، زمینه‌ساز کاهش پریشانی، افزایش امید، تاب‌آوری و رشد روان‌شناختی شود. در چارچوب اسلامی، رنج در مفاهیمی مانند ابتلاء، حکمت الهی، هدفمندی زندگی و معاد معنا می‌یابد و از طریق مؤلفه‌هایی همچون صبر، توکل، امید، شکر و عمل صالح تفسیر و مدیریت می‌شود. در برخی معنویت‌های نوظهور نیز رنج از طریق مفاهیمی مانند خودشناسی، تحول درونی و رشد معنوی بازتفسیر می‌شود، اما منبع و افق معنا در آن‌ها متفاوت است. در مجموع، تفاوت اساسی این دو چارچوب در منبع، محتوای معنا، غایت زندگی و شیوه مواجهه با رنج است و کیفیت و انسجام نظام معنایی می‌تواند بر ارتباط تجربه رنج با سلامت روان اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی

رنج، آموزه‌های اسلامی، معنویت‌های نوظهور، سلامت روان، معنابخشی

الگوی حکمرانی دینی در پیشگیری از بحران‌های روانی و اجتماعی

مهدی جلیلی طهماسبی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب
mahdi.jalili۹۰۹@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی حکمرانی دینی در پیشگیری از بحران‌های روانی و اجتماعی تدوین شده است. با گسترش آسیب‌های نوپدید و افزایش تنش‌های روانی در جوامع مدرن، ناکارآمدی الگوهای سکولار در مدیریت بحران، ضرورت بازخوانی آموزه‌های دینی را دوچندان کرده است. این تحقیق با روش توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی نقش مؤلفه‌های حکمرانی دینی مانند عدالت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و شبکه امنیت اجتماعی مبتنی بر همبستگی دینی در کاهش ناهنجاری‌ها می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حکمرانی دینی با ایجاد انسجام درونی، تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی شهروندان از طریق نظام معنابخش دینی و استقرار ساختارهای حمایتی مبتنی بر خیرخواهی عمومی، کارکردی پیشگیرانه در برابر بحران‌های روانی و اجتماعی دارد. در نهایت مدل پیشنهادی بر مبنای تلفیق سیاست‌گذاری کلان ساختاری و ترویج فضایل اخلاقی در سطوح خرد جامعه ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی

حکمرانی دینی، بحران روانی، پیشگیری، تاب‌آوری اجتماعی، سیاست‌گذاری

گفتمان مقاومت در قرآن و نسبت آن با خودآگاهی اجتماعی

سمیه سلمانیان
استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
s.salmanian@basu.ac.ir

چکیده

مقاومت از مفاهیم مهم در قرآن کریم است که بر ایمان، توکل و سنت‌های الهی استوار بوده و در سطوح فردی و اجتماعی تجلی می‌یابد. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین نسبت گفتمان مقاومت در قرآن کریم با خودآگاهی اجتماعی در جوامع اسلامی است؛ خودآگاهی‌ای که فراتر از آگاهی فردی، به شکل‌گیری همبستگی اجتماعی و کنش مسئولانه در برابر سلطه و ظلم منجر می‌شود. بازخوانی آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد که مقاومت در قرآن، با ترسیم الگوهای پایداری پیامبران و مؤمنان در برابر ظلم، نقشی هویت‌ساز و آگاهی‌بخش دارد و آگاهی‌های فردی را به کنش جمعی هدفمند تبدیل می‌کند. در این چارچوب، مقاومت به‌عنوان تجلی خودآگاهی اجتماعی امت اسلامی و مبتنی بر رسالت تاریخی و مسئولیت دینی آن قابل تبیین است. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی و با بهره‌گیری از آیات قرآن و منابع تفسیری، سازوکارها و ابعاد مقاومت و نسبت آن با خودآگاهی اجتماعی را بررسی کرده است. در این راستا، مؤلفه‌هایی چون جهاد، استقامت، ایثار، توکل و نصرت الهی تحلیل شده و سنت تدافع و وعده نصرت الهی به‌عنوان بنیان‌های شکل‌گیری همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی تبیین گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقاومت در قرآن مفهومی جامع و پویا است که در نسبت با خودآگاهی اجتماعی، به سازوکاری عدالت‌محور و همبستگی‌آفرین تبدیل می‌شود و مؤمنان را از انفعال به کنشگری آگاهانه در عرصه اجتماعی و تاریخی سوق می‌دهد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، مقاومت، خودآگاهی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کنش جمعی، نصرت الهی

تاب‌آوری روان‌شناختی در شرایط بحران: مرور توصیفی شواهد علمی و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن و روان‌شناسی اسلامی

زهرا چابکی نژاد، ماریا رحمانی
دکترای مشاوره خانواده، استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشکده حضرت نرجس، دانشگاه ولی عصر(ع) رفسنجان، ایران
zahrachabokinejad@gmail.com

چکیده

شرایط بحران می‌تواند سلامت روان و سازگاری افراد را تحت تأثیر قرار دهد و تاب‌آوری روان‌شناختی در مواجهه با این شرایط اهمیت دارد. این پژوهش با هدف تبیین مؤلفه‌های تاب‌آوری روان‌شناختی در شرایط بحران و بررسی هم‌پوشانی این مؤلفه‌ها با آموزه‌های قرآن کریم و دیدگاه‌های روان‌شناسی اسلامی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع مرور توصیفی است و در آن مطالعات مرتبط با تاب‌آوری روان‌شناختی، سلامت روان و مؤلفه‌های مؤثر بر تاب‌آوری در پایگاه‌های پاب‌مد، اسکوپوس، گوگل اسکالر، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، مگیران و سیویلیکا بررسی شدند. همچنین، مفاهیم مرتبط با تاب‌آوری در قرآن کریم و منابع روان‌شناسی اسلامی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان دادند که تنظیم هیجان، خودکارآمدی، خوش‌بینی، انعطاف‌پذیری شناختی، حل مسئله، حمایت اجتماعی و معنای زندگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های روان‌شناختی مرتبط با تاب‌آوری هستند. در آموزه‌های قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی نیز صبر، توکل، امید و ایمان از مؤلفه‌های مهم در مواجهه با شرایط دشوار و تقویت تاب‌آوری به شمار می‌روند. همچنین، میان برخی مؤلفه‌های روان‌شناختی و اسلامی، از جمله صبر و تنظیم هیجان، توکل و خودکارآمدی و امید و خوش‌بینی، هم‌پوشانی مفهومی و کارکردی مشاهده شد؛ هرچند این مفاهیم از نظر مبانی نظری و معنایی کاملاً معادل یکدیگر نیستند. در نتیجه، تلفیق یافته‌های روان‌شناسی معاصر با آموزه‌های قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی می‌تواند به ارائه چارچوبی جامع‌تر برای تبیین تاب‌آوری روان‌شناختی و تقویت سلامت روان و سازگاری افراد در شرایط بحران کمک کند.

واژگان کلیدی

تاب‌آوری روان‌شناختی، بحران، سلامت روان، قرآن کریم، روان‌شناسی اسلامی

الگوی قرآنی امید جمعی برای بازسازی پس از بحران

ریحانه لطفی
دانشگاه امام رضا(ع) و دانشگاه شهید مطهری
reyhn.lotfi@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین و تبیین الگوی قرآنی امید جمعی به‌عنوان چارچوبی مفهومی و راهبردی برای بازیابی، تاب‌آوری و بازسازی جوامع در دوران پس از بحران انجام شده است. تمرکز اصلی بر گذر از رویکردهای آسیب‌شناختی و بوروکراتیک به سمت فعال‌سازی سرمایه‌های هویتی و معنوی در بستر آموزه‌های وحیانی است. این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون و توصیفی–تحلیلی سامان یافته است. داده‌های متنی برگرفته از آیات ناظر بر ابتلا، صبر، نصرت، استخلاف و اخوت استخراج شده و با ادبیات نظری حوزه روان‌شناسی سلامت، تاب‌آوری اجتماعی و حکمرانی امید در سال‌های اخیر تطبیق داده شدند. یافته‌های تحلیل نشان داد که الگوی قرآنی امید جمعی متشکل از سه مؤلفه بنیادین است: نخست، عاملیت ایمانی مبتنی بر اصل استخلاف و مسئولیت‌محوری فعال در برابر انفعال روانی؛ دوم، همبستگی اجتماعی و تولید سرمایه نمادین از طریق اخوت، ایثار و اشتراک تجارب رنج؛ و سوم، افق‌گشایی آینده‌نگرانه متکی بر وعده‌های قطعی نصرت و تحول احوال انسانی. این مؤلفه‌ها بحران را از موقعیتی صرفاً تهدیدآمیز به بستری برای بازآفرینی هنجاری و ارتقای همبستگی مدنی تبدیل می‌سازند. الگوی قرآنی امید جمعی چارچوبی پویا برای سیاست‌گذاری فرهنگی و مدیریت بحران ارائه می‌دهد که طی آن جامعه به جای فرورفتن در گرداب درماندگی آموخته‌شده، به نیروی مولد تاب‌آوری و نوسازی تبدیل می‌شود. به‌کارگیری این الگو توسط نهادهای حمایتی و حاکمیتی، مستلزم بازنگری در روایت‌گری بحران، تمرکز بر توانمندی‌های بومی و انتقال عاملیت به شبکه پیوندهای مردمی است.

واژگان کلیدی

امید جمعی، الگوی قرآنی، بازسازی پس از بحران، تاب‌آوری اجتماعی، عاملیت ایمانی

امید به‌مثابه سازوکار روان‌شناختی مقاومت در قرآن کریم و کلام معصومان(ع)

زهرا دوستی، محمد دوستی
گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
z.doust۷۳@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش امید به‌عنوان یک سازوکار روان‌شناختی در شکل‌گیری و استمرار مقاومت انسان در برابر فشارها، ناکامی‌ها و بحران‌ها، بر اساس قرآن کریم و کلام معصومان(ع) انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش این است که امید در منظومه اسلامی چگونه از یک حالت عاطفی فراتر می‌رود و به ظرفیت شناختی، هیجانی و رفتاری برای مقاومت تبدیل می‌شود. پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی و توصیفی–تحلیلی است و داده‌ها با مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل مضمونی آیات قرآن و گزاره‌های منتخب نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد امید قرآنی بر سه پایه اساسی استوار است: توحید و اعتماد به قدرت و رحمت الهی، معنا دادن به رنج و آینده، و پیوند امید با عمل صالح و تلاش. بر اساس تحلیل متون، امید از طریق چند سازوکار به مقاومت روان‌شناختی کمک می‌کند: کاهش ادراک بن‌بست، تقویت انگیزش هدف‌مدار، تنظیم هیجان‌های منفی، افزایش تحمل دشواری، تقویت توکل و خودکنترلی، و ایجاد چشم‌انداز آینده‌محور. در کلام معصومان(ع) نیز امیدِ معتبر با عمل، پرهیز از آرزواندیشی و اعتماد فعال به خداوند همراه است. بنابراین، می‌توان الگویی مفهومی ارائه کرد که در آن ایمان و توکل، معنا و هدف، و امید فعال، به صبر، اقدام، تنظیم هیجان و در نهایت مقاومت روان‌شناختی منجر می‌شوند. این الگو ظرفیت استفاده در روان‌شناسی اسلامی، مشاوره و مداخلات مبتنی بر معنویت را دارد.

واژگان کلیدی

امید، مقاومت روان‌شناختی، قرآن کریم، کلام معصومان(ع)، تاب‌آوری

از تاب‌آوری تا استقامت: مطالعه تطبیقی مقاومت روان‌شناختی در نظریه‌های معاصر و قرآن کریم

فاطمه نیکو، زهرا علیزاده بیرجندی، بهناز سمائی، محدثه هاشم‌زاده، فاطمه مصحف

کارشناسی ارشد روان‌شناسی

fateme_nikoo۲۰۰۰@yahoo.com

چکیده

مقاومت روان‌شناختی در مواجهه با بحران‌هایی همچون جنگ، نااطمینانی، فشارهای اقتصادی و گسست‌های اجتماعی، از موضوعات مهم در مطالعه سازگاری و سلامت روان به شمار می‌رود. با وجود گسترش پژوهش‌ها درباره تاب‌آوری، مقابله، سرسختی و معنای زندگی، ابعاد معنوی و دینی مقاومت و ارتباط آن‌ها با نظریه‌های معاصر روان‌شناسی نیازمند بررسی و صورت‌بندی مفهومی بیشتری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهوم مقاومت روان‌شناختی و تحلیل تطبیقی آن با نظریه‌های معاصر روان‌شناسی و آموزه‌های قرآن کریم انجام شده است. این مطالعه با رویکرد مروری–تحلیلی و تطبیقی و بر پایه بررسی منابع روان‌شناختی، آیات قرآن کریم و منابع تفسیری صورت گرفته است. تحلیل انجام‌شده نشان می‌دهد که مقاومت روان‌شناختی را می‌توان چارچوبی چندسطحی دانست که ابعاد فردی، بین‌فردی، اجتماعی و معنوی را دربرمی‌گیرد و با مفاهیمی مانند تاب‌آوری، سرسختی، معنای زندگی، سازگاری و راهبردهای مقابله ارتباط دارد. در آموزه‌های قرآنی نیز مفاهیمی همچون صبر، استقامت، توکل، سکینه، رجاء و اخوت، ظرفیت‌هایی برای مواجهه با رنج، حفظ جهت‌گیری معنایی و استمرار در مسیر زندگی فراهم می‌کنند. مقایسه این دو حوزه، ضمن آشکار ساختن برخی هم‌پوشانی‌های کارکردی، تفاوت آن‌ها را در مبنای معنا، جهت‌گیری ارزشی و غایت مقاومت نشان می‌دهد. بر این اساس، پژوهش حاضر چارچوبی مفهومی و پیشنهادی برای فهم تعامل منابع روان‌شناختی، اجتماعی و معنوی در فرایند مقاومت ارائه می‌کند که می‌تواند زمینه‌ای برای مطالعات تجربی آینده و بررسی امکان طراحی مداخلات روان‌شناختی متناسب با زمینه‌های فرهنگی و دینی فراهم سازد.

واژگان کلیدی

مقاومت روان‌شناختی، تاب‌آوری، صبر، استقامت، قرآن کریم

محور هفتم:

شخصیت شناسی با رویکرد

روان شناسی اسلامی

شاخصه‌های کمال‌گرایی بر مبنای آثار تفسیری اندیشه آیت‌الله جوادی آملی

امیرحسین سبزیان، نورالدین زندیه، مرتضی سلمان‌نژاد، مهسا سبزیان
علوم قرآنی و حدیث، دانشکده الهیات معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران
ahsabzian@chmail.ir

چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از آثار تفسیری آیت‌الله جوادی آملی، مدلی از کمال‌گرایی بنا می‌کند و بدیلی الهیاتی–اسلامی در برابر الگوهای روان‌شناختی غربی ارائه می‌دهد. سپس با بازخوانی یک معرفت‌شناسی اسلامیِ عام و نزدیک‌کردن آن به معرفت‌شناسی مادی حداقلی، زمینه‌ای برای گفت‌وگویی تطبیقی میان این دو جهان‌بینی فراهم می‌سازد. نقطه چالش نظری میان جوادی آملی و آبراهام مازلو، بالاترین گرایش انسانی است: خودشکوفایی در اندیشه مازلو در برابر طلبِ کمال مطلق در اندیشه جوادی آملی. این مقایسه نشان می‌دهد که می‌توان خودشکوفایی را از رأس هرم نیازهای مازلو به سطح یک گرایش بنیادی انسانی جابه‌جا کرد. دستاورد اصلی پژوهش، چارچوبی تخصصی برای نقد اندیشه مازلو بر پایه علوم عقلی–نقلی جامع در سنت اسلامی است که با استفاده از یک مدل کیهان‌شناختی نفس‌محور برگرفته از فلسفه جوادی آملی تحقق یافته است. برای تحلیل، گرایش به کمال در اندیشه جوادی آملی انتخاب شد؛ زیرا شباهتی ظاهری با مفهوم خودشکوفایی دارد. مفهوم «خود» که در فردگرایی الحادی مازلو نقش محوری دارد، به‌عنوان مبنای مشترک گفت‌وگو به کار گرفته شده است. مدل حاصل، طرحی نفس‌محور برای مواجهه انتقادی با فرهنگ فردگرایانه است و قابلیت تعمیم به سایر حوزه‌های فکری را ندارد.

واژگان کلیدی

آیت‌الله جوادی آملی، آبراهام مازلو، کمال‌گرایی، هرم نیازها، بررسی تطبیقی

تحلیل تطبیقی تفاوت‌های ساختاری شخصیت زن و مرد از منظر قرآن و روان‌شناسی

حمیده اسماعیلی، احسان کردی اردکانی، فرناز امیری
arezoesmaili۸۷۸۱@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مروری مفاهیم ساختاری شخصیت انسان از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی و با تأکید بر تفاوت‌های نظام ساختاری شخصیت زن و مرد انجام شد. این پژوهش به شیوه توصیفی–تحلیلی صورت گرفت و در تحلیل آیات قرآن از رویکرد تفسیری استفاده شد. بدین منظور، منابع نظری و پژوهشی مرتبط با حوزه شخصیت و تفاوت‌های فردی مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد که در روان‌شناسی، رویکردهای گوناگونی برای تبیین ساخت روانی شخصیت ارائه شده است که از تنوع و ناهمگرایی مفهومی میان نظریه‌ها حکایت دارد. در مقابل، آموزه‌های قرآنی بر وجود یک ساخت روانی بنیادین در انسان تأکید دارند که از آن با عنوان «فطرت» یاد می‌شود. این ساختار اولیه در تعامل با شرایط زیستی، روان‌شناختی و محیطی، به شکل‌گیری ساخت روانی ثانویه‌ای منجر می‌شود که در قرآن با مفهوم «شاکله» توصیف شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که زنان و مردان در سطح فطرت دارای ویژگی‌های ذاتی مشترک‌اند، اما در سطح شاکله، از نظام‌های ساختاری متمایزی برخوردارند که این تمایزها در ابعاد ادراکی، عاطفی و رفتاری نمود پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی

شخصیت، فطرت، شاکله، تفاوت‌های زن و مرد، قرآن

تبیین الگوی اسلامی خودشفقت‌ورزی به‌مثابه رویکرد بدیل روان‌شناسی غربی

حمید ایماندار، زهرا طالبی طالب بیگی
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
zahra.talebi٦١٢٢@gmail.com

چکیده

خودشفقت‌ورزی، به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی کلیدی، به رویکرد مهربانانه، درک‌کننده و همدلانه فرد در مواجهه با ناکامی‌ها، کاستی‌ها و رنج‌های زندگی اشاره دارد، که جایگزین سازنده‌ای برای خودانتقادی و قضاوت سخت‌گیرانه محسوب می‌شود. این مقاله، با هدف ارائه الگوی جامع خودشفقت‌ورزی اسلامی، به بررسی تطبیقی این مفهوم با رویکردهای رایج روان‌شناسی غربی می‌پردازد. در حالی که مدل‌های غربی عمدتاً بر جنبه‌های روان‌شناختی متمرکز هستند، این پژوهش بر غنای ابعاد غایت‌شناختی (معنا و هدفمندی)، هستی‌شناختی (درک وجودی و جایگاه انسان) و معنوی (ارتباط با خداوند و رحمت الهی) در چارچوب اسلامی تأکید می‌کند. پرسش محوری تحقیق، تبیین تمایزات و برتری‌های خودشفقت‌ورزی اسلامی در این ابعاد سه‌گانه نسبت به مدل‌های غربی است. پاسخ به این سؤال در پژوهش‌های پیشین به‌طور کامل ارائه نشده است زیرا عمدتاً مطالعات بر جنبه‌های صرفاً روان‌شناختی یا جدا از بستر معنوی و غایت‌شناختی تمرکز کرده‌اند. روش تحقیق، مبتنی بر تحلیل و تلفیق منابع اسلامی (قرآن، روایات، آراء اندیشمندان) همراه با بررسی مطالعات تطبیقی مدل‌های غربی انجام شده است. یافته کلیدی این پژوهش، معرفی چارچوبی غنی‌تر و معنادارتر برای خودشفقت‌ورزی است که با پیوند دادن آن با مفاهیم معنوی و الهی، به درک عمیق‌تر و کاربردی‌تر این مفهوم در جهت سلامت جامع روان و معنویت انسان کمک می‌کند.

واژگان کلیدی

خودشفقتی، ابعاد وجودی، حکمت اسلامی، مکاتب غربی، روان‌شناسی اسلامی

نقش آموزه‌های قرآنی در شکل‌دهی شخصیت

سیدمجتبی جلالی، علی‌اصغر حمزه شلمزاری
استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران
s.m.jalali@sku.ac.ir

چکیده

شخصیت، به‌عنوان مجموعه‌ای پیچیده از الگوهای فکری، عاطفی و رفتاری پایدار یک فرد، همواره یکی از محورهای اصلی مطالعات انسانی بوده است. در جهان امروز، دیدگاه‌های متعدد روان‌شناختی سعی در تبیین این ساختار دارند، اما ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، چارچوبی جامع‌تر و هدفمندتر برای آن ارائه می‌دهند. این پژوهش با هدف تبیین نقش بنیادین آموزه‌های قرآن کریم در هدایت، توسعه و کمال شخصیت انسانی شکل گرفته است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی–تحلیلی با اتکای مستقیم به متون قرآنی و با رویکردی نظام‌مند به ابعاد سه‌گانه شخصیت (اعتقادی، اخلاقی و عاطفی) است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم، انسان را بر پایه فطرت توحیدی خلق کرده و آموزه‌های آن، از یک سو موانع درونی (مانند هواهای نفسانی) را شناسایی می‌کند و از سوی دیگر، با ارائه اسوه حسنه و تأکید بر اخلاق عملی (تقوا)، مسیر روشنی را برای دستیابی به شخصیتی متعادل، هدفمند و در نهایت، کمال‌جو ترسیم می‌نماید. این مقاله استدلال می‌کند که شخصیت شکل‌گرفته بر پایه آموزه‌های قرآنی، شخصیتی است که نه‌تنها در برابر ناملایمات تاب می‌آورد، بلکه همواره در حال حرکت به سوی مرتبه «نفس مطمئنه» است.

واژگان کلیدی

شخصیت، آموزه‌های قرآنی، تربیت اسلامی، فطرت، نفس مطمئنه

بررسی سازوکارهای درونی شخصیت در شعر مهلهل با تکیه بر نظریه معرفت‌شناسی آلفرد آدلر و مبانی روان‌شناسی اسلامی

حامد پورحشمتی درگاه، سجاد حسین‌پور
استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان، گیلان، رشت، ایران
poorheshmati@guilan.ac.ir

چکیده

شناخت افکار و روحیات درونی انسان در جهان مدرن امروز، نیازمند بهره‌گیری از نظریه‌های روان‌شناختی‌ای است که بتوانند احساسات و سازوکارهای درونی فرد را به‌درستی تحلیل و تبیین کنند. روان‌شناسی فردنگر آدلر، با عبور از تأکید یک‌جانبه بر جبر محیطی و غرایز زیستی در شکل‌گیری شخصیت، بر نیروی خلاق انسان و توانایی او در حل مسائل زندگی تأکید می‌ورزد. آدلر با رویکردی معرفت‌شناختی، آینده‌نگری در صورت خیالی بودن آن را از مؤلفه‌های اساسی ساخت شخصیت می‌داند. در مبانی روان‌شناسی اسلامی نیز، انسان موجودی منفعل در برابر محیط و غرایز نیست، بلکه با اتکا به نیروی خلاق خویش می‌تواند بر دشواری‌ها فائق آید و مسیر زندگی خود را شکل دهد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل روان‌شناختی اشعار مهلهل، به بررسی مؤلفه‌هایی چون آینده‌نگری ذهنی، باورهای فردی و شکل‌گیری رفتارهای جبرانی در پوشش مضامین فخر و حماسه می‌پردازد، مضامینی که می‌توان آن‌ها را تلاشی برای پوشاندن احساس ضعف و حقارت‌های گذشته دانست. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی است و یافته‌ها نشان می‌دهد که مهلهل با اتکا به نیروی خلاق، در پی جبران کاستی‌های روانی و تحقق نوعی برتری‌جویی بوده است. در بُعد آینده‌نگری ذهنی نیز، شاعر با خلق تصورات آرمانی و با هدف جبران احساس تحقیر، روان خویش را در مسیر انتقام‌گیری از دشمنان بسیج می‌کند و با زبانی حماسی و انتقام‌جویانه سخن می‌گوید تا از طریق خودپنداره‌ای قدرتمند، ساحت آسیب‌دیده روح خویش را التیام بخشد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی، آلفرد آدلر، معرفت‌شناسی، روان‌شناسی اسلامی، مهلهل

انسان‌شناسی در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه بر اساس نظریه روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن

حامد پورحشمتی درگاه، معصومه ملکی
استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان، گیلان، رشت، ایران
poorheshmati@guilan.ac.ir

چکیده

تحلیل مبانی انسان‌شناسی در روان‌شناسی مدرن، بیانگر گذاری بنیادین از انگاره‌های جبرگرایانه به سوی تبیین ابعاد کمال‌گرایانه شخصیت است. در این دیدگاه، انسان نه موجودی محصور در گره‌های روانی، بلکه عاملی آگاه و غایتمند تلقی می‌شود که هستی او در مسیر شکوفایی، معنا می‌یابد. روان‌شناسی مثبت‌نگر با اتکا به همین مبانی هستی‌شناختی و با نفی نگاهِ صرفاً درمان‌محور، بر ظرفیت‌های وجودی انسان برای دستیابی به بهزیستی پایدار تأکید می‌ورزد. قدرتمندترین تجلی این رویکرد در نظریه بهزیستی ظهور یافته است که با ارائه مدلی پنج‌بعدی، کارکرد بهینه شخصیت را در پیوند میان عاطفه مثبت، غرقگی در فعالیت، پیوندهای انسانی، زندگی معنامحور و دستاوردهای ارزشمند تبیین می‌کند. نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از غنی‌ترین اسناد تربیتی در میراث اسلامی، حاوی منظومه‌ای منسجم از آموزه‌های انسان‌شناختی است که هدف آن هدایت انسان به سوی حیات طیبه است. این نامه با محوریت خودسازی و مواجهه آگاهانه با زندگی، قابلیت بالایی برای تحلیل بر مبنای یافته‌های نوین روان‌شناسی دارد. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی–تحلیلی به تبیین مؤلفه‌های انسان‌شناختی این نامه و سنجش میزان انطباق آن با مؤلفه‌های پنج‌گانه بهزیستی (هیجان مثبت، مجذوبیت، روابط، معنا و دستاورد) می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امام علی(ع) در این نامه، ساختاری از رشد انسان را ترسیم می‌کند که در آن امید به رحمت الهی (هیجان مثبت)، جهاد و تلاش هدفمند (درگیری)، قاعده طلایی در تعامل با خلق (روابط)، اتصال به ابدیت (معنا) و کرامت نفس (دستاورد) ارکان اصلی را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی

مارتین سلیگمن، روان‌شناسی مثبت‌نگر، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱، انسان‌شناسی

الگوی مقدماتی روش‌های افزایش اعتماد به نفس توحیدمحور بر مبنای آرای برخی اندیشمندان مسلمان

محسن عزیزی ابرقوئی، مائده میروکیلی
استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران
mohsen.azizi@qom.ac.ir

چکیده

اعتماد به نفس از مفاهیم برجسته در روان‌شناسی و از مفاهیم پرظهور در گفتمان اسلامی و رهبران سیاسی بزرگ جهان اسلام است. با توجه به برخی چالش‌های مرتبط با این مفهوم، این پرسش محل تحقیق و پژوهش است که با توجه به تعریف اسلامی اعتماد به نفس، الگوی پیشنهادی اندیشمندان مسلمان چه نسبتی با تعریف اعتماد به نفس از دیدگاه روان‌شناسان دارد؟ پژوهش حاضر، کیفی بوده و با شیوه گردآوری اسنادی و روش تحلیل محتوا داده‌ها دسته‌بندی شده‌اند. هدف نهایی از انجام این تحقیق تبیین شاخصه‌های اعتماد به نفس توحیدمحور از دیدگاه برخی اندیشمندان مسلمان است. نتایج پژوهش بیانگر این موارد است: پیش‌نیازها، لوازم و راهکارهای ایجاد و گسترش «اعتماد به نفس توحیدی» (ایجاد باورهای صحیح درباره خدا و خود، درک ارتباط بین خود و خداوند، شناخت استعدادها و ظرفیت‌های خدادادی و مسئولیت‌های متعاقب آن، تشخیص اعتماد به نفس توحیدی از موارد مشابه نادرست و تقویت فضایل مهم مرتبط، تمرین سبک اسناددهی توحیدی)، عوامل (ایجاد صفات و ملکات مرتبط با اعتماد به نفس توحیدی در خود، الگوگیری و مصاحبت با افراد دارای اعتماد به نفس، مدیریت نگرش، تلقین مثبت و سازنده، فنون رفتاری و مهارتی) و غلبه بر موانع اعتماد به نفس توحیدمحور. به‌نظر می‌رسد اعتماد به نفس توحیدمحور، با آنچه در روان‌شناسی معاصر در موردش بحث شده، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد.

واژگان کلیدی

اعتماد به نفس توحیدمحور، توحیدمحوری، اندیشمندان مسلمان، اعتماد به نفس، روان‌شناسی اسلامی

بازخوانی شخصیت حضرت امیر(ع) در پرتو انسجام شناختی غایت‌محور با رویکرد میان‌رشته‌ای

اکرم رحیمی
استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
akram.rahimi@pnu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای، به بررسی شخصیت حضرت امیر(ع) بر اساس تلفیق معرفت‌شناسی در روان‌شناسی شناختی و الهیات اسلامی می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش، ارائه مدلی تحلیلی برای فهم پیوند میان ساختار شناختی، اخلاق عملی و جهت‌گیری غایی انسان در شخصیت حضرت امیر(ع) است. روش پژوهش تحلیلی–نظری و مبتنی بر بازخوانی نهج‌البلاغه و مفاهیم کلیدی روان‌شناسی شناختی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شخصیت حضرت امیر(ع) واجد «انسجام شناختیِ غایتمند» است؛ الگویی که در آن باور، گفتار و رفتار فاقد گسست بوده و معرفت به‌عنوان بنیان شخصیت، معیار اخلاق، محرک کنش و غایت وجودی عمل می‌کند. از منظر روان‌شناسی، این الگو بیانگر بالاترین سطح انسجام شخصیتی و سلامت روان و از منظر الهیات، مصداق تحقق انسان کامل و قرب الهی است. این پژوهش با ارائه چارچوبی نوین، امکان توسعه مطالعات تلفیقی را فراهم می‌سازد که معرفت نه صرفاً دانستن ذهنی و نه صرفاً شناخت عقلی است، بلکه بنیان شکل‌گیری شخصیت، جهت‌دهنده رفتار و معیار تکامل انسان تلقی می‌شود که در روان‌شناسی، شناخت صحیح را پیش‌شرط سلامت روان و رشد متعادل می‌داند و الهیات، آن را شرط سلوک الهی و قرب به حقیقت معرفی می‌کند. شخصیت حضرت امیر(ع) در تلاقی این دو ساحت، به الگویی از انسان تبدیل می‌شود که معرفت او، هم سلامت و تعادل روانی را تضمین می‌کند و هم او را به قله کمال الهی می‌رساند؛ الگویی که در آن، معرفت، محور پیوند میان عقل، ایمان و عمل است.

واژگان کلیدی

حضرت امیر(ع)، انسجام شناختی، شخصیت، الهیات، روان‌شناسی

شجاعت فکری در قرآن کریم

فاطمه سیاحیان دهکردی، صادق میراحمدی، سیدمجتبی جلالی
دانشگاه دولتی شهرکرد
fatemeh.sayahiyan@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی چیستی شجاعت فکری در قرآن کریم پرداخته است. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی چیستی فضیلت شجاعت فکری و بیان اهمیت آن در مواجهه با چالش‌های فکری و معرفتی جامعه امروز است. اهداف اصلی این پژوهش، تبیین مفهوم شجاعت فکری از منظر قرآن، شناسایی الگوهای قرآنی آن و تأکید بر نقش آن در پذیرش حق و دفاع از آن می‌باشد. اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روش توصیفی و تحلیل محتوا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شجاعت در قرآن، فراتر از شجاعت اخلاقی است و توانایی ایستادگی در برابر نادرستی‌های فکری، اظهارنظر مسئولانه بر پایه عقلانیت و هدایت الهی و دفاع از حقیقت را نیز در بر می‌گیرد. الگوهایی چون حضرت موسی(ع)، ابراهیم(ع) و پیامبر اسلام(ص) نمونه‌هایی از این فضیلت در قرآن معرفی شده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شجاعت فکری، مقدمه‌ای برای درک و پذیرش حق و مصونیت جامعه در برابر جریان‌های گمراه‌کننده است و توجه به آن در مطالعات قرآنی ضرورت دارد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، شجاعت فکری، شجاعت اخلاقی، حقیقت، معرفت

مطالعه تیپ شخصیتی سردار شهید قاسم سلیمانی از منظر قرآن کریم

حسین حاجتی کاجی، شهلا بهرامی
معلم آموزش و پرورش شهرستان اردل
hksorbital٤@gmail.com

چکیده

شخصیت از مفاهیم بنیادین روان‌شناسی با تعاریف نظری متعدد و گاه متعارض است که حوزه را با آشفتگی روبه‌رو کرده است. برای دستیابی به تعریفی جامع و کارآمد، آموزه‌های وحیانی و اندیشه‌های قرآنی می‌توانند منبعی اصیل برای تیپ‌شناسی شخصیت باشند. سردار شهید قاسم سلیمانی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های جهان معاصر در محور مقاومت است که شناسایی تیپ شخصیتی وی می‌تواند الگویی ماندگار برای نسل‌های آینده ترسیم کند. هدف این پژوهش، مطالعه تیپ شخصیتی سردار سلیمانی بر اساس وصیت‌نامه، سخنرانی‌ها و متون برجای‌مانده از ایشان از منظر قرآن کریم است. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تدبر کلمه‌ای در قرآن و تطابق آن با متون ایشان می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تیپ شخصیتی غالب سردار سلیمانی، تیپ پیرامون‌گرا (تفکرگرا) است که با ویژگی‌هایی چون مسئله‌گشایی در بحران‌های پیچیده، کنجکاوی راهبردی، تعاون و اتحاد جبهه‌های مقاومت، واکنش مثبت به برنامه‌های سازنده و بصیرت عملیاتی و معنوی همراه است. در مرتبه بعد، تیپ‌های ذکرگرا با تأکید بر هشیاری، معنویت و پایداری، و شکرگرا با محوریت قدرشناسی و استفاده از فرصت‌ها در متون ایشان مشاهده می‌شود. نتیجه‌گیری اینکه شخصیت سردار سلیمانی ذیل تیپ تفکرگرا قرار می‌گیرد و این تیپ پایه، سایر ابعاد شخصیتی وی را پوشش می‌دهد. این پژوهش با خروج از روش‌های مرسوم شخصیت‌شناسی، درک عمیق‌تری از عملکرد الگوهای انقلابی و جهادی ارائه کرده و مسیر تربیت نیروهای مؤثر در جامعه را هموار می‌سازد.

واژگان کلیدی

تیپ‌های شخصیتی، سردار شهید قاسم سلیمانی، قرآن کریم، تفکرگرا، محور مقاومت

The 2nd National Conference
Quran and Psychology
دومین همایش ملی
قرآن و روانشناسی
۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵

بررسی شخصیت «قارون» در قرآن و تحلیل رفتار خودشیفته و انباشت ثروت از منظر روان‌شناسی اسلامی

فهیمه ریگی، بتول محسنی راد
دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عربی
f٨٣٢٣٨١٤٤@gmail.com

چکیده

داستان قارون در قرآن کریم، نمونه‌ای بارز از انحرافات رفتاری ناشی از انباشت ثروت و خودبرتربینی است؛ پدیده‌ای که در روان‌شناسی نوین تحت عنوان «اختلال شخصیت خودشیفته» شناخته می‌شود. این پژوهش با هدف واکاوی تطبیقی رفتار قارون از منظر آیات قرآن و شاخص‌های روان‌شناختی و تبیین ریشه‌های آن در مبانی اخلاق اسلامی و روش توصیفی–تحلیلی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که الگوی رفتاری قارون هم‌پوشانی دقیق با نشانه‌های بالینی خودشیفتگی، از جمله «احساس استحقاق»، «نیاز به تحسین بیرونی»، «فقدان همدلی» و «غرور کاذب» دارد. ریشه اصلی این اختلال، از منظر قرآن، «خدافراموشی» و تحریف باور توحیدی است که منجر به جابه‌جایی محوریت از «خدا» به «خود» و بروز کبر شده است. خودشیفتگی قارون تنها یک خطای فردی نیست، بلکه آسیب‌زاست که به تعادل روانی فرد و انسجام اخلاقی جامعه لطمه می‌زند. راهکارهای پیشگیرانه قرآن بر تقویت «شکرگزاری عملی»، «انفاق» برای شکستن وابستگی به مال و بازگشت به «توحید عملی» برای تنظیم هویت فردی تأکید دارد. این پژوهش اثبات می‌کند که آموزه‌های قرآنی پیش‌درآمدی دقیق بر شناخت و درمان اختلالات شخصیتی مدرن ارائه می‌دهند.

واژگان کلیدی

قارون، قرآن کریم، رفتار خودشیفته، روان‌شناسی اسلامی، توحید عملی

مفهوم فطرت و بررسی تطبیقی آن با رویکردهای انسان‌گرا در روان‌شناسی

فهیمه محمدپور
دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی بالینی
f.mohamadpour۱۲@saadi.shirazu.ac.ir

چکیده

مفهوم فطرت در اندیشه اسلامی به معنای سرشت ذاتی و خداگونه انسان است که او را به سوی کمال و حقیقت سوق می‌دهد. از سوی دیگر، رویکردهای انسان‌گرا و وجودی در روان‌شناسی نیز بر ظرفیت‌های درونی انسان برای خودشکوفایی، انتخاب و معناسازی تأکید دارند. این مقاله با روش تحلیل تطبیقی، به بررسی همسانی‌ها و تمایزهای میان مفهوم فطرت و اصول بنیادین روان‌شناسی انسان‌گرا (با تأکید بر نظریات راجرز و مازلو) می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه به نوعی به «خودِ اصیل»، «گرایش فطری به سوی رشد» و «جستجوی معنا» اعتقاد دارند. با این حال، تفاوت اساسی در منبع این گرایش‌هاست: در روان‌شناسی انسان‌گرا و وجودی، منبع خودشکوفایی و معنا، «خودِ مستقل انسان» یا «آزادی مطلق فردی» است، در حالی که در مفهوم فطرت، این گرایش‌ها ریشه در «خداجویی ذاتی» و «ارتباط با مبدأ هستی» دارد. مقاله در پایان نتیجه می‌گیرد که فطرت اسلامی می‌تواند به‌عنوان چارچوبی فراگیرتر و متعالی‌تر، بسیاری از مفاهیم کلیدی روان‌شناسی انسان‌گرا و وجودی را در خود جای دهد و از نسبی‌گرایی و خودمحوری افراطی این رویکردها بکاهد.

واژگان کلیدی

فطرت، روان‌شناسی انسان‌گرا، خودشکوفایی، معنا در زندگی، روان‌شناسی اسلامی

راوی زن: تحلیل گفتگوهای حضرت مریم(ع) و ملکه سبأ از منظر روان‌شناسی زبان و جنسیت

سمیه براهوئی، رضا رضایی
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه سیستان و بلوچستان
saadbrh٦@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل گفتگوهای حضرت مریم و ملکه سبأ از منظر روان‌شناسی زبان و جنسیت انجام شد. تحلیل گفتگوهای شخصیت‌های زن قرآنی، به‌ویژه حضرت مریم (مادر حضرت عیسی) و ملکه سبأ (بلقیس)، می‌تواند الگوهای زبانی اصیل و فرازمانی را آشکار کند. در این مطالعه کیفی از نوع تحلیل محتوای جهت‌دار، تمام آیات مرتبط با گفتگوهای حضرت مریم (سوره‌های آل‌عمران و مریم) و ملکه سبأ (سوره نمل) با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و با تکیه بر چارچوب نظری «سبک گفتار زنانه» و «سبک گفتار مردانه» تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که گفتگوهای حضرت مریم دارای سبک زنانه بارز با ویژگی‌هایی مانند: استفاده از جملات کوتاه و مستقیم، پرسش‌های وجودی و عمیق (مانند «أَنّی یَکُونُ لِی غُلامٌ»)، ابراز شگفتی و حیرت توأم با ایمان، لحن محترمانه و متواضعانه در خطاب به خداوند و جبرئیل، و پرهیز از جدال لفظی بی‌فایده بود. در مقابل، گفتگوهای ملکه سبأ دارای سبکی متعادل و گاه متمایل به سبک مردانه با ویژگی‌هایی مانند: استفاده از جملات بلند و محتاطانه، استدلال‌های عقلانی و مشورتی، به‌کارگیری واژگان سیاسی و دیپلماتیک، درخواست اطلاعات دقیق و ارسال هدیه برای ارزیابی حریف، و لحن مقتدرانه و محتاطانه در گفتگو با سلیمان بود. از منظر روان‌شناسی زبان، حضرت مریم سبک گفتار «زنانه–معنوی» با تأکید بر ارتباط عمودی با خداوند و توکل، و ملکه سبأ سبک گفتار «زنانه–مدیریتی» با تأکید بر مشورت، عقلانیت و دیپلماسی را به نمایش گذاشته‌اند.

واژگان کلیدی

حضرت مریم، ملکه سبأ، روان‌شناسی زبان، جنسیت، سبک گفتار زنانه

تحلیل مفهومی–تفسیری «شاکله» در قرآن کریم و دلالت‌های آن در روان‌شناسی شخصیت اسلامی

محمدحسن دانش
استاد حوزه علمیه قم
mhj.danesh@gmail.com

چکیده

شخصیت از مفاهیم بنیادین روان‌شناسی است و به الگوهای نسبتاً پایدار اندیشه، هیجان و رفتار اطلاق می‌شود که موجب تمایز افراد از یکدیگر است. در رویکرد اسلامی، بازخوانی مفاهیم قرآنی نظیر «شاکله» در آیه ۸۴ سوره اسراء، زمینه‌ای غنی برای نظریه‌پردازی فراهم می‌آورد. این پژوهش با هدف تحلیل مفهومی و تفسیری شاکله و تبیین دلالت‌های آن در روان‌شناسی شخصیت اسلامی، به روش توصیفی–تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده است. بررسی منابع لغوی و تفسیری نشان می‌دهد که شاکله در معانی‌ای چون طریقه، نیت، خلق، سجیه و ساختار درونی به کار رفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاکله، بیانگر نوعی ساختار درونی، جهت‌دهنده و نسبتاً پایدار است که رفتار انسان بر پایه آن شکل می‌گیرد. اگرچه شاکله با مفهوم شخصیت در روان‌شناسی جدید هم‌پوشانی دارد، اما تمایز اصلی آن در جهت‌گیری ارزشی و پیوند عمیق با ساختار وجودی انسان و مسئولیت اخلاقی است. همچنین، یافته‌ها مؤید آن است که شاکله در نگاه قرآنی امری کاملاً جبری نیست، بلکه در پرتو ایمان، اراده، تربیت، تزکیه و عمل صالح، قابلیت تحول و اصلاح دارد. بر این اساس، مفهوم شاکله می‌تواند به‌عنوان سازه‌ای بنیادین در تبیین شخصیت اسلامی و توسعه روان‌شناسی، به‌ویژه در حوزه‌های مشاوره تربیتی و درمانی، نقشی کلیدی ایفا کند. این مفهوم پیوند میان ساختار وجودی و کنش انسانی را به‌گونه‌ای تبیین می‌کند که ضمن پذیرش ثبات نسبی، بر اختیار و پویایی در مسیر کمال تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی

شاکله، قرآن کریم، روان‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی شخصیت، شخصیت اسلامی

صلح درون از دیدگاه شهید مطهری

آیدا بهمنی، فرشته ابوالحسنی نیارکی
دانشگاه مازندران بابلسر
aydabahmani۹۸۷@gmail.com

چکیده

صلح درون از اساسی‌ترین احتیاجات وجودی بشر و از مؤلفه‌های اساسی انسان‌شناسی و اخلاقی و سلامت معنوی است. این مفهوم در تفکرات اسلامی تنها به معنی عدم تنش ذهنی یا آرامش روان‌شناختی نیست، بلکه به نحوه‌ای از اعتدال و تعادل و انسجام در عرصه‌های مختلف وجودی بشر است. پژوهش حاضر با هدف تشریح و بیان مفهوم صلح درون، عوامل آن، موانع و شیوه‌های کسب آن از دیدگاه شهید مطهری با روش توصیفی–تحلیلی و با تکیه بر آثار او انجام شده است. یافته‌های پژوهش نمایانگر این است که از دیدگاه شهید مطهری، صلح درون محصول ایمان مذهبی، جهان‌بینی توحیدی، تربیت اخلاقی، تهذیب نفس، خودشناسی، عبادت، هدفمندی حیات، اشتغال هدفمند، معاشرت با صالحان و تنظیم تمایلات است. در مقابل مواردی نظیر غفلت، هواپرستی، دلبستگی افراطی به دنیا، اختلال در تربیت معنوی، افراط در ارضای تمایلات، تنش در قوه خیال و ضعف اراده از اساسی‌ترین موانع کسب صلح درونی به شمار می‌آیند. بنابراین صلح درون از دیدگاه مطهری، فرآیندی آگاهانه در مسیر خودیابی، اعتدال نفس و استقرار زندگی عاقلانه است. لذا نوع نگرش شهید مطهری به صلح درون دارای ظرفیت تربیتی و نظری شایسته‌ای جهت تحلیل بحران‌ها و چالش‌های معنوی و اخلاقی انسان معاصر است.

واژگان کلیدی

صلح درون، شهید مطهری، نفس، ایمان، انسان

الگوهای مقابله با اضطراب در شخصیت حضرت موسی(ع) و سامری در سوره طه بر اساس نظریه کارن هورنای

حامد پورحشمتی درگاه، علی‌اکبر احمدیاری
استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان، گیلان، رشت، ایران
poorheshmati@guilan.ac.ir

چکیده

کارن هورنای، از برجسته‌ترین روان‌کاوان مکتب نوفرویدی، شخصیت انسان را حاصل تعامل عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند و اضطراب بنیادی را منشأ بسیاری از تعارض‌های درونی و رفتارهای روان‌رنجور معرفی می‌کند. از دیدگاه او، انسان برای مقابله با این اضطراب، یکی از سه الگوی «حرکت به سوی مردم»، «حرکت علیه مردم» یا «حرکت دور از مردم» را برمی‌گزیند که هر یک شیوه‌ای متفاوت از تعامل با دیگران را بازنمایی می‌کند و افراط در آن‌ها به شکل‌گیری شخصیت روان‌رنجور می‌انجامد. قرآن کریم با ترسیم شخصیت‌های گوناگون، زمینه‌ای مناسب برای تحلیل انگیزه‌ها و الگوهای رفتاری انسان فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه شخصیت کارن هورنای، به بررسی تطبیقی ابعاد شخصیتی و شیوه‌های مواجهه با اضطراب در شخصیت حضرت موسی(ع) و سامری در سوره طه می‌پردازد. این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع تفسیری و روان‌شناختی، داده‌ها را با رویکردی تطبیقی تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رفتارهای حضرت موسی(ع)، از جمله شرح صدر، توجه به اقتضائات مخاطب و گفت‌وگوی نرم با فرعون، از حیث ظاهری با الگوی «حرکت به سوی مردم» شباهت دارد، در مقابل، سامری با توسل به فریب، نفوذ بر افکار عمومی، قدرت‌طلبی، خودبرتربینی و توجیه رفتارهای خویش، ویژگی‌هایی همسو با الگوی «حرکت علیه مردم» را آشکار می‌سازد. در نتیجه، تقابل شخصیت حضرت موسی(ع) و سامری، دو الگوی کاملاً متفاوت از تعامل با انسان‌ها را به نمایش می‌گذارد و تحلیل آن‌ها در پرتو نظریه هورنای، ظرفیت این نظریه را برای تبیین ابعاد روان‌شناختی شخصیت‌های قرآنی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

کارن هورنای، اضطراب، سوره طه، شخصیت حضرت موسی(ع)، سامری

واکاوی مفهوم الهام فجور در تفسیر المیزان، با رویکردی بر عقده ادیپ در نظریه روان‌کاوی فروید

سهراب مروتی، محمدجواد خانی، محمدرضا هوری

دانشگاه ایلام

khani.mohammadjavad@gmail.com

چکیده

الهام فجور در آیه هشتم سوره شمس همواره مورد بحث حوزه‌های تفسیری، کلامی و روان‌شناختی بوده است. پرسش اصلی این است که آیا این مفهوم به تمایلات ذاتی پلید در نفس انسان اشاره دارد و با عقده ادیپ همخوانی دارد، یا در تعارض با دیدگاه فروید است؟ این پژوهش مفهوم الهام فجور را در تفسیر المیزان بررسی کرده و با تحلیل تطبیقی–انتقادی، ارتباط آن را با عقده ادیپ در روان‌کاوی فروید می‌سنجد. برای تبیین این مسئله، مفهوم نفس از دیدگاه علامه طباطبایی و آیه «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» تحلیل می‌شود تا مشخص گردد آیا اماره به سوء بودن نفس، نشانگر تمایلات ذاتی پلید در کودکی است یا مرتبط با انتخاب آگاهانه در سن تکلیف است. روش پژوهش، کیفی و تحلیلی–تفسیری بوده و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد علامه طباطبایی الهام فجور را شناساندن راه خیر و شر به نفس می‌داند، نه نهادینگی شر در آن، و نفس اماره را مرتبط با مرحله‌ای از اختیار انسان می‌داند که با عقده ادیپ فروید سازگار نیست. در پایان، نقدهای روان‌شناختی بر نظریه فروید بررسی می‌شود تا تقابل این دو دیدگاه به‌طور جامع نشان داده شود.

واژگان کلیدی

الهام فجور، علامه طباطبایی، عقده ادیپ، روان‌کاوی فروید، المیزان

تحلیل الگوی رشد و تعالی شخصیت انسان بر اساس قرآن و روان‌شناسی اسلامی

فاطمه توسلی، خدیجه بلکامه
دانشجو کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، دانشگاه معارف، قرآن و عترت(ع)، اصفهان
fatemehtavasoli@chmail.ir

چکیده

روان‌شناسی اسلامی برای تبیین رشد و تحول انسان نیازمند الگویی بومی و منسجم از «انسان کامل» است که ریشه در آموزه‌های قرآنی داشته و در عین حال با دستاوردهای علمی روان‌شناسی معاصر نیز به گفت‌وگو بنشیند. پژوهش حاضر با روش تحلیلی–تطبیقی، ابتدا مؤلفه‌های انسان کامل را از منظر قرآن کریم (خداجویی و تقوا، مسئولیت‌پذیری و امانت‌داری، تعادل و اعتدال، واقعیت‌بینی و حق‌جویی، خلاقیت و آبادانی) استخراج می‌کند و سپس این مؤلفه‌ها را با وجوه مشترکِ چهار الگوی برجسته روان‌شناسی انسان‌گرا (مزلو، راجرز، فرانکل، یونگ) می‌سنجد. یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه اشتراکات معناداری در واقعیت‌بینی، مسئولیت‌پذیری، آزادی انتخاب، تعادل درونی و شکوفایی استعدادها میان دو رویکرد وجود دارد، تفاوت بنیادین در «محور» رشد است: در روان‌شناسی انسان‌گرا کمال، «خودبنیاد» و معطوف به خود است؛ در قرآن، کمال با محوریت خداجویی و در قالب «عبدالله» و «خلیفه‌الله» شکل می‌گیرد. بر این اساس، مقاله الگوی سه‌سطحیِ «انسان کامل قرآنی» را با مؤلفه‌های عملیاتی پیشنهاد می‌کند که می‌تواند مبنای طراحی ابزارهای سنجش، برنامه‌های مشاوره‌ای و مداخلات سلامت روان با رویکرد اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

انسان کامل قرآنی، روان‌شناسی اسلامی، خداجویی، رشد و تحول انسان، روان‌شناسی انسان‌گرا

واکاوی کارکرد طرح‌واره‌های تصوری در سوره مبارکه یس از منظر شناخت بدنمند و روان‌شناسی شناختی

شهین شیخ سنگ تجن
استادیار رشته زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور
shsheikh۲۲٦@gmail.com

چکیده

در روان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی، طرح‌واره‌های تصوری به‌عنوان الگوهای ادراکی برآمده از تجارب بدنی، ابزار ذهن برای بازنمایی و فهم مفاهیم پیچیده به شمار می‌روند. پژوهش حاضر بر پایه نظریه شناخت بدنمند جانسون (۱۹۸۷)، به واکاوی کارکرد شناختی طرح‌واره‌ها در سوره مبارکه یس می‌پردازد. این مطالعه با روش توصیفی–تحلیلی، داده‌های متنی سوره یس (شامل ۸۳ آیه) را در سه مؤلفه طرح‌واره‌های حرکتی، قدرتی و حجمی دسته‌بندی و تحلیل کرده است. یافته‌های حاصل از بررسی ۱۱۰ مورد طرح‌واره نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های حرکتی با فراوانی ۵۰ مورد (۴۵٪) و طرح‌واره‌های قدرتی با ۳۸ مورد (۳۵٪)، بسامد غالب را تشکیل داده و طرح‌واره‌های حجمی با ۲۲ مورد (۲۰٪) در مرتبه بعد قرار دارند. تحلیل یافته‌ها از منظر روان‌شناسی شناختی حاکی از آن است که گفتمان سوره یس با تکیه بر طرح‌واره حرکتی، در پی شکستن انجماد ادراکی و خروج مخاطب از سکون معرفتی است. درحالی‌که طرح‌واره‌های قدرتی از طریق بازتولید حسی تجارب مهار، انسداد و فشار، به فروپاشی سازوکارهای دفاعی انسان معاند و القای تسلیم شناختی می‌انجامند و طرح‌واره‌های حجمی نیز تقابل میان حبس معرفتی و امنیت در ساحت رحمت الهی را صورت‌بندی می‌کنند. در نهایت، این سوره با تلفیق این سه الگو، مدلی منسجم از انتقال مفاهیم فراطبیعی به تجارب ملموس تن‌یافته برای دگرگونی در نظام باورها و هدایت شناختی مخاطب ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

شناخت بدنمند، روان‌شناسی شناختی، طرح‌واره‌های تصوری، سوره یس، مارک جانسون

تحلیل تطبیقی رابطه تقوا و خرد در آموزه‌های قرآنی و روان‌شناسی مثبت‌گرا و پیامدهای آن برای سلامت روان

فاطمه توسلی، خدیجه بلکامه

دانشجو کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، دانشگاه معارف، قرآن و عترت(ع)، اصفهان

fatemehtavasoli@chmail.ir

چکیده

عقل به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه شناختی انسان، همواره در معرض تهدید نیروهای درونی مانند هوا و هوس، خشم و حسد قرار دارد که کارکرد صحیح آن را مختل می‌کنند؛ مسئله اصلی این پژوهش آن است که چه سازوکاری می‌تواند این موانع را مهار کرده و زمینه شکوفایی عقل را فراهم سازد. هدف این پژوهش، تبیین رابطه تقوا و عقل در آموزه‌های قرآنی و تطبیق آن با مفهوم خودمهارگری در روان‌شناسی مثبت‌گرا و بررسی پیامدهای آن برای سلامت روان است. پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و با به‌کارگیری چارچوب تحلیل تطبیقی سه‌بعدی، شامل سازوکار عملکرد، پیامد شناختی و پیامد روانی، انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد سه تبیین موجود از رابطه عقل و تقوا، سه گام متوالی از یک فرآیند واحدند که بر پایه آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام و آیه ۲۹ سوره انفال، در قالب مدلی چهارمرحله‌ای با عنوان مدل تعادل عقلانی–تقوایی صورت‌بندی شد: عقل‌ورزی، تقوا، فرقان و امنیت روانی. همچنین سه دسته از تهدیدهای درونی عقل، شامل تهدیدهای لحظه‌ای مانند خشم، تهدیدهای خزنده مانند حسد، و تهدید بنیادی غفلت، شناسایی شد که تقوا در برابر هر سه عمل می‌کند. مقایسه تطبیقی نیز نشان داد تقوا و خودمهارگری در سازوکار عملکرد و پیامدهای شناختی و روانی همگرایی دارند، اما در محور غایی از هم فاصله می‌گیرند. نتایج نشان می‌دهد تقویت هم‌زمان بعد شناختی عقل و بعد بازدارنده تقوا می‌تواند مبنای طراحی مداخلات مشاوره‌ای برای کاهش اضطراب و تقویت خودکنترلی در چارچوب رویکرد اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

تقوا، عقل، خودمهارگری، سلامت روان، روان‌شناسی مثبت‌گرا

محور هشتم:

روان‌شناسی اسلامی در افق بین‌الملل

شهر سالم مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی اسلامی

افسانه فرهنگی، سید آرمین یوسفی بناب

کارمند

afarhangy۸۲۹۲@gmail.com

چکیده

سلامت شهری و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان از دغدغه‌های مهم جوامع امروزی است و توجه به ابعاد روان‌شناختی و معنوی افراد نقش کلیدی در تحقق این هدف دارد. اهمیت این موضوع در پرتو آموزه‌های قرآن و روان‌شناسی اسلامی برجسته‌تر می‌شود؛ زیرا این رویکرد، سلامت فرد و جامعه را در هماهنگی با ارزش‌ها و اخلاق دینی بررسی می‌کند. هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های روان‌شناختی و رفتاری مؤثر در ایجاد شهر سالم و بررسی تطبیق آن‌ها با آموزه‌های روان‌شناسی اسلامی است. روش پژوهش ترکیبی و شامل مرور ادبیات، تحلیل متون اسلامی و پرسشنامه استاندارد روان‌شناسی در جامعه آماری منتخب بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌هایی مانند معنابخشی به زندگی، نظم فردی و اجتماعی، همدلی و رعایت حقوق دیگران و مشارکت اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای سلامت روان و اجتماعی شهروندان دارند. همچنین محیط شهری که زمینه رشد اخلاق و معنویت را فراهم کند، تأثیر بسزایی در افزایش رفاه روانی و اجتماعی جامعه دارد. نتیجه‌گیری کلی پژوهش حاکی از آن است که تلفیق آموزه‌های روان‌شناسی اسلامی با برنامه‌ریزی شهری می‌تواند شهرهایی پایدار، سالم و اخلاق‌مدار ایجاد کند. کاربرد این پژوهش در حوزه قرآن و روان‌شناسی شامل ارائه الگوهای رفتاری و محیطی برای طراحان شهری، سیاست‌گذاران و پژوهشگران روان‌شناسی دینی است.

واژگان کلیدی

شهر سالم، روان‌شناسی اسلامی، سلامت روان، آموزه‌های قرآنی، برنامه‌ریزی شهری

The 2nd National Conference
Quran and Psychology
دومین همایش ملی
قرآن و روانشناسی
۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵

تحولات فناورانه و آینده انسان از منظر روان‌شناسی اسلامی: نگاهی تحلیلی با تأکید بر نقش مشاوره و سلامت‌روان

سعیده عبدالهی
saedahabdollahi@yahoo.com

چکیده

تحولات فناورانه شتابان دهه‌های اخیر، شیوه زیست، الگوهای ارتباطی و ساختار تجربه روان‌شناختی انسان را به‌طور بنیادین دگرگون کرده است. گسترش فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، رسانه‌های دیجیتال و زیست‌فناوری، علاوه بر فرصت‌های گسترده، چالش‌های عمیقی را در حوزه هویت، معنا، سلامت روان و روابط انسانی پدید آورده است. در این میان، یکی از خلأهای اساسی پژوهشی، کمبود تحلیل‌های منسجم مبتنی بر روان‌شناسی اسلامی برای فهم و مواجهه با پیامدهای روان‌شناختی فناوری است. هدف این پژوهش، تبیین تحولات فناورانه و پیامدهای روان‌شناختی آن با تکیه بر مبانی روان‌شناسی اسلامی و بررسی نقش مشاوره در هدایت انسان معاصر به‌سوی تعادل روانی و معنوی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و با بهره‌گیری از تحلیل اسنادی منابع معتبر روان‌شناسی، مطالعات فناوری و متون اسلامی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از منظر روان‌شناسی اسلامی، فناوری پدیده‌ای خنثی نیست، بلکه در صورت فقدان هدایت اخلاقی و معنوی می‌تواند به تضعیف هویت انسانی، افزایش اضطراب وجودی، کاهش خودآگاهی و اختلال در روابط سالم منجر شود. در مقابل، در صورت بهره‌گیری آگاهانه و هدفمند، فناوری می‌تواند در خدمت رشد عقلانی، معنوی و ارتقای سلامت روان قرار گیرد. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که مشاوره مبتنی بر روان‌شناسی اسلامی، با تأکید بر مفاهیمی چون فطرت، اختیار، معنای زندگی و مسئولیت اخلاقی، نقشی کلیدی در مدیریت پیامدهای روان‌شناختی تحولات فناورانه ایفا می‌کند. این رویکرد می‌تواند به‌عنوان چارچوبی کاربردی در حوزه سلامت روان، آموزش و سیاست‌گذاری فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اسلامی، تحولات فناورانه، سلامت روان، مشاوره، معنای زندگی

سوره شمس و ساختار روان‌شناسی و سعادت‌شناسی آن

سامان معصومی
دانشجوی دکتری، گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
saman.masoomi۹@ltr.ui.ac.ir

چکیده

مسئله مورد مطالعه در این مقاله، ساختار سوره شمس و لوازم این ساختار و تأثیراتش در زمینه روان‌شناسی و سعادت‌شناسی است؛ در نظر داریم فهمی از سوره ارائه دهیم که کل سوره را به‌صورت یک کل منسجم ارائه دهد و در این مسیر، هم به محتوای سوره و هم به لحن و فضای سوره، توجه شده است. بعد از استخراج این ساختار و روشن شدن نگاه سوره به انسان و سعادت او، مخاطب سوره نیز مشخص شد و تبیین شد که این سوره، انسان را از این نظر که می‌تواند خود را مخفی و دفن کند، مخاطب قرار داده است و مخاطب خود را، انسانی می‌داند که به‌طور اجمالی و بر اساس محسوسات، با ربّاش آشناست. در طی سوره تلاش شده تا با طیف چنین مخاطب‌هایی، برخورد مناسب، انجام شود، که از اشاره به محسوسات تا تهدید را شامل می‌شود که در جلسه مشاوره، چنان که بیان خواهد شد، قابل استفاده است. روش ما در این بررسی، تحلیل متنی و تأکید بر انسجام و کلیت و لحنِ سوره است.

واژگان کلیدی

سوره شمس، نفس، تزکیه، مکانیزم دفاعی، سعادت

واکاوی تأثیر هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین بر سلامت روان؛ راهکارها و چالش‌ها از منظر آموزه‌های اسلامی

آرمان شفیعی راد، زهرا قنبرپور

دانشگاه

zahraghanbarpour@gmail.com

چکیده

امروزه، ظهور هوش مصنوعی و گسترش شتابان فناوری‌های نوین، مرزهای روان‌شناسی کلاسیک را درنوردیده و ابعاد جدیدی از زیست روانی–اجتماعی را پدید آورده است. همچنین، پیشرفت شتابان آن و فناوری‌های دیجیتال، ساحت‌های مختلف زندگی بشر، به‌ویژه سلامت روان را تحت تأثیر قرار داده است. هدف از این پژوهش، تبیین چالش‌ها و راهکارهای برآمده از این فناوری‌ها در حوزه سلامت روان، با تأکید بر آموزه‌های اسلامی است. این مطالعه به روش توصیفی–تحلیلی و با رویکردی تطبیقی انجام شده است. در این راستا، ضمن بازخوانی متون اصیل اسلامی در باب ماهیت نفس و عقل، یافته‌های معاصر روان‌شناسی دیجیتال و علوم شناختی مورد واکاوی قرار گرفت. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در لایه «فرصت‌ها» می‌تواند با ابزارهایی چون واقعیت مجازی در درمان فوبیا، و الگوریتم‌های پایش رفتار در «محاسبه نفس» دیجیتال و خودنظم‌بخشی، به ارتقای سلامت روان کمک کند. علی‌رغم تمام توانمندی‌های هوش مصنوعی در تشخیص و درمان، «رابطه درمانی» و «حضور قلبی» بین انسان‌ها (که در اسلام تحت مفاهیمی چون صله رحم و اخوت مطرح است) غیرقابل جایگزین است.

واژگان کلیدی

هوش مصنوعی، سلامت روان، آموزه‌های اسلامی، فناوری نوین، راهکارها و چالش‌ها

مروری بر بروندادهای پژوهشی در زمینه معنویت و اختلال افسردگی بر اساس پایگاه استنادی اسکوپوس با تأکید بر سهم پژوهش‌های اختصاصی زنان

جمیله محمدی
گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا
gmohammadi.fm@gmail.com

چکیده

افسردگی از چالش‌های عمده سلامت عمومی و از علل عمده ناتوانی است. اخیراً علاقه به معنویت به‌عنوان عاملی در کاهنده علائم افسردگی، افزایش یافته است. این مطالعه علم‌سنجی، کلیه اسناد حوزه معنویت و افسردگی نمایه‌شده در پایگاه استنادی اسکوپوس تا انتهای سال ۲۰۲۵ را مورد بررسی قرار داده است. مجموعاً ۹۶۹ مقاله منتشرشده با موضوع معنویت و افسردگی تا پایان سال ۲۰۲۵ از پایگاه استنادی اسکوپوس دریافت شد. تحقیقات ویژه زنان تنها در ۶/۶ درصد از کل مقالات مشاهده شد. روند تعداد بروندادهای علمی با یک شیب تند به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. اما این شیب در تحقیقات زنان با شیب آهسته‌تری دیده شد. ایالات متحده آمریکا با ۴۴۶ مقاله (۴۶ درصد) و ایران با ۱۰۵ مقاله (۸/۱۰ درصد)، پربازده‌ترین کشورها در تحقیقات معنویت و افسردگی بودند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به شناخت بهتری از موقعیت بین‌المللی کشورها در این زمینه منجر شود. در سطح بین‌المللی، ایران به دلیل ساختار مذهبی و معنوی خود، باید نقش مؤثرتری در گسترش تفکر معنویت در اختلالات روانی ایفا کند. به‌نظر می‌رسد اصلاح سیاست‌های پژوهشی در ایران از سوی سیاست‌گذاران، از جمله تلاش برای مقابله با آپارتاید علمی، تقویت و حمایت از پژوهش‌ها در این زمینه، همکاری علمی با کشورها و محققان مسلمان و تشکیل شبکه‌های پژوهشی مؤثر در کنار ارتقای کیفیت مجلات فعال در این حوزه‌ها، می‌تواند فرصت مناسبی را برای پژوهشگران حداقل در ایران فراهم کند.

واژگان کلیدی

برونداد علمی، معنویت، افسردگی، زنان، علم‌سنجی

الگوی اسلامی «شهر سالم»: تلفیق مفاهیم معنویت، اجتماع و سلامت روان در طراحی شهری

محمد داوری دولت‌آبادی
استادیار گروه معارف و علوم انسانی، دانشگاه امیرکبیر
m٤٩٣٩٠٢٨@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر، شهرسازی مدرن با تمرکز غالب بر شاخص‌های کالبدی، اقتصادی و کارکردی، به‌تدریج از توجه به بُعد معنوی و روانی انسان شهری فاصله گرفته است. این غفلت، هم‌زمان با افزایش آسیب‌های روانی–اجتماعی، احساس بی‌معنایی، انزوا و کاهش سرمایه اجتماعی در شهرها همراه بوده است. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی امکان ارائه الگویی بومی و اسلامی برای «شهر سالم» با تأکید بر پیوند میان معنویت، اجتماع و سلامت روان است. هدف پژوهش، تبیین مؤلفه‌های شهر سالم از منظر متون اسلامی و تطبیق آن با یافته‌های روان‌شناسی محیط به‌منظور ارائه چارچوبی نظری برای طراحی شهری است. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای در منابع اسلامی مرتبط با مفاهیمی چون مدینه‌النبی، تعاون اجتماعی و امنیت روانی، در کنار نظریه‌های معاصر روان‌شناسی محیط و سلامت روان شهری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی نظیر معنابخشی به فضا، تقویت روابط اجتماعی، احساس تعلق، عدالت فضایی و امنیت روانی، در اندیشه اسلامی و نظریه‌های روان‌شناسی محیط اشتراک مفهومی معناداری دارند. این هم‌پوشانی می‌تواند مبنای شکل‌گیری الگویی تلفیقی و کاربردی برای سیاست‌گذاری و طراحی شهرهای معاصر در جوامع اسلامی باشد.

واژگان کلیدی

معنویت اسلامی، روان‌شناسی محیط، شهرسازی اسلامی، امنیت روانی، مدینه‌النبی

تأثیر هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین بر سلامت روان از دیدگاه اسلامی

اشکان مصطفی‌نژاد، نادیا سعادتی
گروه مکانیک بیوسیستم، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
nadia.saadatiii@gmail.com

چکیده

پیشرفت شتابان هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین دیجیتال، تحولات چشمگیری در حوزه سلامت روان ایجاد کرده است. ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، از جمله مدل‌های زبانی بزرگ، الگوریتم‌های یادگیری ماشین، چت‌بات‌های درمانی و پلتفرم‌های سلامت روان دیجیتال، فرصت‌های نوینی را برای افزایش دسترسی به خدمات سلامت روان، کاهش هزینه‌های درمان، بهبود تشخیص زودهنگام اختلالات روانی و ارائه مداخلات درمانی شخصی‌سازی‌شده فراهم آورده‌اند. با وجود این مزایا، چالش‌هایی همچون نقض حریم خصوصی، سوگیری الگوریتمی، کاهش تعاملات انسانی، وابستگی به فناوری و مسائل مرتبط با مسئولیت‌پذیری اخلاقی همچنان از مهم‌ترین نگرانی‌های مطرح در این حوزه به شمار می‌روند. پژوهش حاضر با هدف بررسی فرصت‌ها و چالش‌های هوش مصنوعی در حوزه سلامت روان و تحلیل آن‌ها در چارچوب اصول اخلاق اسلامی انجام شده است. این مطالعه با بهره‌گیری از روش مروری–تحلیلی و از طریق بررسی نظام‌مند منابع علمی منتشرشده در فاصله زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ در پایگاه‌های معتبر علمی بین‌المللی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند از طریق بهبود فرایندهای تشخیص، گسترش دسترسی به خدمات درمانی و تقویت مداخلات پیشگیرانه، نقش مؤثری در ارتقای سلامت روان ایفا کند. با این حال، از منظر اسلامی، مشروعیت و ارزش کاربردهای فناورانه به میزان انطباق آن‌ها با اصول بنیادینی همچون کرامت انسانی، عدالت، حفظ حریم خصوصی، مسئولیت‌پذیری و سلامت معنوی وابسته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در صورتی می‌توانند به ارتقای سلامت روان در جوامع اسلامی کمک کنند که در چارچوب ارزش‌های اخلاقی و دینی طراحی، توسعه و به‌کارگیری شوند.

واژگان کلیدی

هوش مصنوعی، سلامت روان، سلامت دیجیتال، اخلاق اسلامی، فناوری‌های نوین

بررسی پیامدهای آموزه قرآنی هجرت تحصیلی: موردپژوهی دانشجویان افغان و اندونزیایی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع)

عادل مقدادیان
استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع)
meghdadiyan@abu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با رویکردی میان‌رشته‌ای و با تکیه بر تحلیل مفهومی آیات قرآن، آرای عرفانی، و یافته‌های یک مطالعه میدانیِ مقایسه‌ای میان دانشجویان مهاجر افغان و اندونزیایی دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت، به بررسی سه‌سطحیِ پدیده هجرت می‌پردازد: هجرت به‌مثابه سیر وجودی به سوی خداوند، هجرت علمیِ مبتنی بر آیه نفر برای تفقّه در دین، و پیامدهای روان‌شناختی–معنویِ این هجرت در جهان معاصر. یافته‌ها نشان می‌دهد که هجرت در قرآن به دو ساحت «هجرت بیرونی» و «هجرت درونی» تقسیم می‌شود که هر دو با ایجاد گسست از تعلّقات، مواجهه با اضطراب‌های بنیادین آزادی و مسئولیت، تحمّل تنهایی وجودی، و بازتعریف هویت در پرتو معبود، زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه انسان می‌گردند. در سطح دوم، آیه نفر با طرح اصل «نفر» و «تفقّه»، نه فقط یک تکلیف شرعی، بلکه یک اصل روان‌شناختی–تربیتی را بنیان نهاده که انسان را به هجرت علمی برای کسب فهمی عمیق از دین فرامی‌خواند. با این حال، مطالعه میدانی نشان می‌دهد که این هجرت علمی می‌تواند به دو مسیر متضادِ «تبدّل تشدیدی» (تعصّب و دگماتیسم) یا «تبدّل ارتدادی» (روی‌گردانی از باورهای پیشین) منجر شود. ماهیت مهاجرت (اختیاری یا اجباری)، میزان احساس کنترل و پذیرش در جامعه میزبان، و بستر فرهنگی–مذهبیِ کشور مبدأ، سه عامل تعیین‌کننده در جهت‌گیری این تحوّل وجودی هستند.

واژگان کلیدی

مهاجرت، تبدّل تشدیدی، تبدّل ارتدادی، سلامت معنوی، وطن عرفانی

تبیین سلامت روان در زیست‌بوم هوش مصنوعی بر اساس مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن کریم (معنا، هویت، عاملیت و کرامت انسانی): مطالعه داده‌بنیاد مبتنی بر اسناد

هادی کجباف‌نژاد

استادیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی زند شیراز، شیراز، ایران

hkajbafnezhad@gmail.com

چکیده

ظهور و گسترش هوش مصنوعی، علاوه بر تحول در شیوه‌های زندگی و تعاملات انسانی، پرسش‌های بنیادینی درباره معنا، هویت، کرامت و عاملیت انسان ایجاد کرده است. در حالی که رویکردهای جدید روان‌شناسی، سلامت روان را مفهومی چندبعدی شامل هدفمندی زندگی، استقلال و احساس تسلط بر محیط می‌دانند، زیست‌بوم هوش مصنوعی ضرورت بازاندیشی درباره مبانی انسان‌شناختی سلامت روان را برجسته ساخته است. هدف پژوهش حاضر، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های سلامت روان مبتنی بر قرآن در زیست‌بوم هوش مصنوعی بر اساس مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن است. این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش داده‌بنیاد مبتنی بر اسناد انجام شد. جامعه اسنادی شامل آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر اسلامی، منابع روان‌شناسی سلامت، روان‌شناسی معنوی بود. داده‌ها با استفاده از فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل و روابط میان مقوله‌ها استخراج شد. یافته‌ها نشان داد که سلامت روان در عصر هوش مصنوعی حول یک مقوله هسته‌ای با عنوان «حفظ انسان معناگرا، دارای هویت، کرامت و اختیار در تعامل با هوش مصنوعی» سازمان می‌یابد. چهار مقوله اصلی شامل معنا در زندگی، هویت انسانی، کرامت انسانی و عاملیت انسانی شناسایی شد. نتایج نشان داد که بر اساس انسان‌شناسی قرآن، سلامت روان صرفاً به کاهش نشانه‌های آسیب‌شناختی محدود نیست، بلکه به حفظ ظرفیت معناپردازی، ارتباط انسان با خداوند، مسئولیت اخلاقی، استقلال تصمیم‌گیری و صیانت از ارزش ذاتی انسان وابسته است. بر اساس مدل استخراج‌شده، هوش مصنوعی زمانی می‌تواند در خدمت سلامت روان قرار گیرد که به‌عنوان ابزار توانمندساز انسان مورد استفاده قرار گیرد، نه جایگزینی برای هویت، معنا و اختیار انسانی.

واژگان کلیدی

سلامت روان، قرآن، هوش مصنوعی، معنا در زندگی، هویت انسانی، کرامت انسانی

همدم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و سلامت روان نوجوانان: مرور نظام‌مند شواهد مربوط به تنهایی، دلبستگی عاطفی و وابستگی روان‌شناختی با تأکید بر دلالت‌های قرآنی و روان‌شناسی اسلامی

فاطمه سادات جاودانی ادهمی
گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
f.javdani٦١@gmail.com

چکیده

همدم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی با شبیه‌سازی گفت‌وگوی همدلانه، یادسپاری ترجیحات و حضور همیشگی، می‌توانند برای نوجوان هم منبع حمایت ادراک‌شده و هم زمینه‌ساز جانشینی رابطه انسانی باشند. هدف پژوهش حاضر، جمع‌بندی نظام‌مند شواهد سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰ اوت ۲۰۲۶ درباره ارتباط این ابزارها با تنهایی، دلبستگی عاطفی و وابستگی یا اتکای افراطی نوجوانان و تفسیر دلالت‌های آن در چارچوب قرآن و روان‌شناسی اسلامی بود. جست‌وجو در پاب‌مد، آرکایو، منابع فارسی، گزارش‌های رسمی و زنجیره استنادی انجام شد. از ۱۴۵ رکورد شناسایی‌شده، پس از حذف ۶ تکرار، غربالگری ۱۳۹ رکورد و ارزیابی متن کامل ۲۶ گزارش، ۹ مطالعه/گزارش وارد سنتز روایتی شد. کیفیت مطالعات تجربی با ابزار ارزیابی روش‌شناختی و گزارش‌های خاکستری با ابزار ارزیابی کیفیت داده‌های خاکستری بررسی شد. یافته‌ها نشان داد نوجوانان تنهاتر یا برخوردار از حمایت اجتماعی کمتر، بیشتر به کاربرد اجتماعی–حمایتی چت‌بات گرایش دارند؛ با این‌حال شواهد طولی برای کاهش یا افزایش پایدار تنهایی وجود ندارد. سبک گفت‌وگوی رابطه‌محور، انسان‌انگاری، اعتماد و احساس نزدیکی را تقویت می‌کند و برای نوجوانان دارای استرس یا کیفیت پایین‌تر روابط آفلاین جذاب‌تر است. روایت‌های خودگزارش‌شده نیز الگوهایی مانند برجستگی ذهنی، تحمل، کناره‌گیری، تعارض و بازگشت را توصیف کرده‌اند، اما برای اطلاق تشخیص «اعتیاد» کافی نیستند. در خوانش قرآنی–اسلامی، فناوری می‌تواند وسیله‌ای محدود برای تسهیل حمایت باشد، نه جایگزین رابطه متقابل انسانی، مسئولیت اخلاقی، ذکر، خانواده و مراقبت حرفه‌ای. نتیجه اصلی، ضرورت طراحی سن‌متناسب، شفافیت غیرانسان‌بودن سامانه، حفاظت از حریم خصوصی، تقویت پیوندهای واقعی و پایش پژوهشی بومی در ایران است.

واژگان کلیدی

همدم هوش مصنوعی، نوجوان، تنهایی، دلبستگی عاطفی، وابستگی روان‌شناختی

هوش مصنوعی و سلامت روان انسان معاصر: تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها از منظر قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی

محمد دوستی، زهرا دوستی
آموزش و پرورش
m۲۰dousti@gmail.com

چکیده

گسترش شتابان هوش مصنوعی، شیوه‌های یادگیری، ارتباط، کار، تصمیم‌گیری و دریافت خدمات سلامت را دگرگون کرده و در عین حال پرسش‌های تازه‌ای درباره سلامت روان انسان معاصر پدید آورده است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین فرصت‌ها و تهدیدهای هوش مصنوعی برای سلامت روان با تکیه بر مبانی قرآن کریم و روان‌شناسی اسلامی است. هدف پژوهش، ارائه چارچوبی تلفیقی برای فهم آثار روان‌شناختی هوش مصنوعی و تعیین اصول استفاده سالم و مسئولانه از آن است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی است و داده‌های آن از قرآن کریم، منابع تفسیری و روان‌شناسی اسلامی و پژوهش‌های معاصر درباره هوش مصنوعی و سلامت روان گردآوری و با روش تحلیل مضمون بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد هوش مصنوعی از طریق افزایش دسترسی به اطلاعات و خدمات، کمک به خودپایش، شخصی‌سازی آموزش و مداخلات، تسهیل غربالگری و کاهش برخی موانع دسترسی می‌تواند فرصت‌هایی برای ارتقای سلامت روان ایجاد کند؛ اما وابستگی، کاهش تعامل انسانی، خطای اطلاعاتی، سوگیری، نقض حریم خصوصی، تشدید خودتشخیصی، تقویت افکار ناسالم و تضعیف عاملیت اخلاقی از مهم‌ترین تهدیدهاست. تحلیل قرآنی نشان می‌دهد سلامت روان صرفاً فقدان اختلال نیست، بلکه با آرامش، معنا، خودشناسی، اعتدال، مسئولیت‌پذیری، کرامت و ارتباط با خدا و دیگران پیوند دارد. بر این اساس، استفاده مطلوب از هوش مصنوعی باید انسان‌محور، معناگرا، اخلاق‌مدار و مکمل رابطه انسانی باشد، نه جایگزین آن.

واژگان کلیدی

هوش مصنوعی، سلامت روان، قرآن کریم، روان‌شناسی اسلامی، بهزیستی روان‌شناختی

مکتب اشراق سهروردی: الگوی تبیینی برای روان‌شناسی و معنویت مدرن

باقر غباری بناب، فاطمه نصرتی

دانشیار

fnosrati@ut.ac.ir

چکیده

این مقاله به بررسی اهمیت عمیق فلسفه اشراقی شهاب‌الدین یحیی سهروردی (۵۴۹–۵۸۷ ق) به‌عنوان الگوی روانی–معنوی بنیادی می‌پردازد که می‌تواند نظریه مناسبی برای روان‌شناسی معاصر و رهنمود عملی برای سیروسلوک معنوی قرار گیرد. فراتر از تفکیک متعارف غربی ذهن، بدن و روح، اشراق‌گرایی متافیزیک یکپارچه‌ای از نور را پیشنهاد می‌دهد که در آن معرفت، آگاهی و واقعیت که دلالت‌ها و تلویحات روان‌شناختی دارند، با بررسی آموزه‌های محوری اشراقی–معرفت حضوری (علم حضوری)، اصالت ماهیت، سلسله‌مراتب انوار مجرده و تلفیق شناخت استدلالی و شهودی را تبیین می‌کند. این مقاله استدلال می‌کند که چارچوب اشراقی مبنای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی محکمی برای فهم آگاهی انسان، تحول روانی و تکامل معنوی ارائه می‌دهد. با استفاده از روش تحلیلی گسترده از متون اصلی و تفاسیر علمی، نشان می‌دهیم که چگونه اصول اشراقی می‌توانند شکاف‌های اساسی در روان‌شناسی مدرن را به‌ویژه در حوزه‌های مطالعات خودآگاهی، ناخودآگاه فردی و جمعی، سلامت و بیماری در حوزه روان افراد پاسخ‌گویند. مقاله نتیجه می‌گیرد که بازنگری و بررسی عمیق اندیشه اشراقی، با بافت‌سازی مناسب در گفتمان بین‌رشته‌ای معاصر، می‌تواند رویکردی کل‌نگر، معنامحور و معنوی‌بنیان را برای سلامت روانی و معنوی و روش‌های مشاوره و روان‌درمانگری ارائه دهد.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی، معنویت مدرن، مکتب اشراق، سهروردی، علم حضوری